

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصل نامه علمی - پژوهشی

مشرق موعود

با رویکرد امامت و مهدویت

سال هفتم، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۹۲

فصل نامه «مشرق موعود» براساس نامه شماره ۳۱/۵۷۸۱ مورخه ۱۳۹۱/۱۲/۵ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه، دارای درجه علمی - پژوهشی است.

#### هیئت تحریریه:

حجت الاسلام والمسلمین سیدمسعود پورسیدآقایی  
استاد حوزه علمیه قم

حجت الاسلام والمسلمین محمدتقی هادی زاده  
استاد حوزه علمیه قم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضا اکبریان  
استاد دانشگاه تربیت مدرس تهران

حجت الاسلام والمسلمین دکتر فتح الله نجارزادگان  
استاد دانشگاه تهران (پردیس قم)

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمید پارسانیا  
دانشیار دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه  
دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی قم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر فرامرز سهرابی  
استاد یار و عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر غلامرضا بهروزلک  
استاد یار دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر جواد جعفری  
استاد یار و عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم

مدیرمسئول و سردبیر:  
سیدمسعود پورسیدآقایی

مدیر داخلی و دبیر تحریریه:  
مصطفی ورمزیار

ویواستار:  
محمد اکبری

مدیر هنری:  
علی قنبری

طراح جلد:  
ا. اکبرزاده

حروف نگار:  
ناصر احمد پور

مترجم چکیده های انگلیسی:  
مجید فتاحی پور

مدیر پخش:  
مهدی کمالی

همکاران این شماره:  
دکتر نصرت الله آیتی، دکتر محمدرضا  
جباری، دکتر سیدرضی موسوی گیلانی،  
علی لاری

دفتر نشریه: قم، خیابان شهدا (صفاییه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۸۴۰۰۸۵ - ۰۲۵ دورنگار: ۳۷۷۳۳۳۴۶ - ۰۲۵

صندوق پستی: ۴۷۱ - ۳۷۱۸۵ کدپستی: ۴۵۶۵۱ - ۳۷۱۳۷

مرکز پخش: قم، خیابان شهدا (صفاییه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷، تلفن: ۳۷۸۴۰۹۰۲

شمارگان: ۱۰۰۰ قیمت: ۲۹۵۰۰۰ ریال

پست الکترونیک ارسال مقالات: mashreq110@gmail.com - mashreq110@yahoo.com

وبسایت نشریه: www.mashreqmouood.ir

«این نشریه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام ISC و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی SID نمایه می شود.»

---

اگر مهدویت نباشد، معنایش این است که همه تلاش انبیاء، همه این دعوت‌ها، این بعثت‌ها، این زحمات طاقت فرسا، این‌ها همه‌اش بی‌فایده باشد، بی‌اثر بماند. بنابراین، مسئله مهدویت یک مسئله اصلی است؛ جزو اصلی‌ترین معارف الهی است.

مقام معظم رهبری (دامت برکاته)

---

### فهرست عناوین

- ۵..... تربیت زمینه‌ساز عصر ظهور؛ اصول و الزامات .....  
سیداحمد رهنمایی
- ۴۱..... موانع تربیت زمینه‌ساز.....  
سیدمحمد مرتضوی
- ۶۵..... راهکارهای تربیتی زمینه‌ساز ظهور؛ برگرفته از احادیث.....  
علی‌نقی فقیهی، رضا جعفری هرنندی، حسن نجفی
- ۹۱..... تربیت حماسی، الگوی تربیت مهدوی.....  
سیدمهدی موسوی
- بررسی تحلیلی - نظری راهکارهای بهبود عملکرد نهادهای تربیتی جمهوری اسلامی ایران در تربیت  
زمینه‌ساز ظهور.....  
یوسف ادیب، دکترفتحی‌آذر، اصغرابراهیمی هرستانی
- ۱۴۳..... تربیت دینی، تربیت زمینه‌ساز، تربیت سکولار.....  
طیبه توسلی
- ۱۶۵..... الگوی مفهومی - عملیاتی راه‌انداز راهبردهای تربیت مهدوی در نظام آموزشی کشور.....  
حسین بقایی، حمید میهماندوست، فاضل قهرمانی فرد، کامیار قهرمانی فرد

فصل نامه «مشرق موعود» از مقالات پژوهشی اساتید محترم حوزه و دانشگاه در موضوع مهدویت با رویکردهای: قرآن و حدیث، کلام و عرفان، تاریخ، علوم تربیتی، روان شناسی، حقوق و سیاست، جامعه شناسی، ادیان و مذاهب، فرق انحرافی، آینده پژوهی و هنرموعود استقبال می کند.

### راهنمای تدوین مقالات

#### الف) شرایط تدوین و ارسال مقالات

۱. مقاله ارسالی، به طور هم زمان به دیگر نشریات ارائه نشده و یا قبلاً در دیگر نشریات به چاپ نرسیده باشد.
۲. مقاله با مباحث مهدویت، ارتباط مستقیم داشته باشد.
۳. مقاله دارای محتوای پژوهشی (مسئله محور و دارای نوآوری) باشد.
۴. نویسنده مقاله دارای درجه دکتری یا سطح چهار حوزوی باشد، یا از راهنمایی شخصی با این شرایط بهره گیرد.
۵. مقاله باید در ۱۵ تا ۲۵ صفحه A4 با فرمت word حروف چینی شده و فایل و پرینت آن به دفتر نشریه ارسال گردد.
۶. ساختار مقاله باید دربرگیرنده این موارد باشد: عنوان مقاله (منعکس کننده محتوای مقاله و تا حد ممکن موجز)، چکیده (چکیده فارسی و انگلیسی، حداقل یکصد و حداکثر دویست کلمه)، واژگان کلیدی (حدود هفت واژه پس از چکیده)، مقدمه، بیان مسئله و ضرورت، سؤال یا فرضیه، روش، داده های تحقیق، مباحث تفصیلی، نتیجه گیری و پیشنهاد، فهرست منابع (به ترتیب الفبا بر اساس نام خانوادگی نویسنده).
۷. چکیده مقاله دربردارنده مسئله تحقیق، روش تحقیق و نتایج تحقیق باشد.

۸. درج نشانی کامل پستی، شماره تماس، پست الکترونیک نویسنده یا نویسندگان، مقطع تحصیلی (دکتری، یا ...)، گرایش تحصیلی (علوم قرآنی، یا ...)، رتبه علمی (استاد، دانشیار و...) و تعیین نویسنده مسئول الزامی است.

#### ب) روش ارجاع به منابع در متن و پایان مقاله

۱. آدرس دهی مقاله باید به روش APA (درون متنی) باشد و از درج پاورقی یا پی نوشت پرهیز شود. آدرس دهی به کتاب ها و نشریات در متن، پس از پایان مطلب در داخل پرانتز و بدین صورت انجام می پذیرد: نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار کتاب، صفحه. مانند: (نعمانی، ۱۴۰۸: ۲۵۳). روش آدرس دهی به کتاب های چند جلدی نیز بدین شکل است: (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۷۴). ممکن است در کتب روایی «باب» و «حدیث» نیز به آن افزوده گردد که به شکل: (...، ب ۴، ح ۹) ذکر می شود. آدرس دهی به نشریات نیز مانند کتاب هاست و ابتدا نام خانوادگی نویسنده، سپس سال انتشار نشریه و بعد شماره صفحه مطلب مورد اشاره نوشته می شود. همچنین، در آدرس دهی به آیات قرآن، تنها نام سوره و شماره آیه بدین شکل می آید: (انبیاء: ۱۰۵)

۲. فهرست منابع در پایان مقاله به ترتیب ذیل می آید:

برای درج مشخصات کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، نام کتاب، ترجمه یا تصحیح یا تحقیق: نام و نام خانوادگی مترجم یا مصحح یا محقق، شهر محل انتشار، انتشارات، نوبت چاپ، سال نشر.

برای درج مشخصات نشریات: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، «نام مقاله»، نام نشریه، شماره، محل نشر، سازمان یا مؤسسه یا ارگان منتشر کننده، تاریخ انتشار.

#### ج) تذکرات

۱. نظریات مندرج در مقالات، الزاماً بیانگر دیدگاه های مجله نبوده و مسئولیت آن به عهده نویسنده آن است.

۲. مجله در ویرایش، تلخیص، تقطیع، پذیرش یا رد مقالات آزاد است.

۳. مقالات ارسالی به هیچ وجه پس فرستاده نمی شوند و نویسنده محترم می تواند پیش از ارسال، از مقاله خود کپی تهیه کند.

۴. نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ بلامانع است.

۵. از نظریات اندیشه وران، جهت ارتقای کیفی مجله استقبال می شود.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۲۵

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال هفتم، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۹۲

## تربیت زمینه ساز عصر ظهور؛ اصول و الزامات

سیداحمد رهنمایی\*

### چکیده

خداوند اراده فرمود دین مبین خود را بر همه ادیان برتری بخشد، گرچه این حقیقت کافران و مشرکان را خوش نیاید. او همچنین اراده فرمود بر مستضعفان منت گذارد و آنان را وارث زمین و زمان قرار دهد، گرچه این امر بر مستکبران جهان سخت و تنگ آید. افزون بر این، سنت حتمی و تردیدناپذیر الهی بر این تعلق گرفته که با ظهور حجتش، جهان را از عدل و قسط و احسان سرشار فرماید، پس از آن که از جور و ستم و جفا مالمال گردیده است. از آن گذشته، مشیت الهی بر این است که امور مزبور همگی به صورت عادی و از راه متعارف - و نه به طور مرموز یا اعجازگونه - تحقق یابد. بدیهی است جریان این سنت و تحقق آن مشیت در جهان، مستلزم فراهم آمدن شرایط و اوضاع و احوال مناسب و متناسبی است که فرجام خوشش فرج اسلام و مسلمانان، آن هم با ظهور سرور آفرین و بهجت افزای امام زمان علیه السلام خواهد بود. در همین راستا می توان گفت تربیت زمینه ساز بیشترین سهم را در فراهم کردن آن شرایط و اوضاع مسرت زا و سرعت بخشیدن به تحقق این فرجام شیرین بر عهده دارد. تبیین اصول و الزامات چنین تربیتی دغدغه اصلی این نوشتار است. از این رو اموری همچون مقام و منزلت آخرین پیشوای الهی انسان و جهان، عدالت جهانی، برترین ها برای برترین پیشوای عصر و جهان در دوره آخرالزمان، رسالت خطیر نجات و سعادت مندی انسان، کمال نهایه بشر، تحولات شگرف فراروی انسان و جهان در عصر ظهور، حق تقوا، حق جهاد، تربیت زمینه ساز با الهام از زیارت عاشورا و جایگاه اراده و مشیت الهی

\* دانشیار و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام (مدیر گروه علوم تربیتی) rahnama@qabas.ir

در اثربخشی تربیت زمینه‌ساز، سرلوحهٔ اندیشه و تدبیر برنامه‌ریزان، مجریان و متصدیان تربیت زمینه‌ساز قرار می‌گیرد. توجه به این امور اهمیت تربیت زمینه‌ساز را در نظر مربیان صدچندان می‌کند. از این مضامین بلند و حیاتی که به نوعی حد نصاب لازم در فرایند تربیت زمینه‌ساز به شمار می‌روند، اصول و الزامات ده‌گانهٔ فوق، با محوریت: ۱. جایگاه امام زمان علیه السلام و رسالت جهانی ایشان، ۲. هنگامهٔ ظهور و تحولات چشم‌گیر و فراگیر، ۳. مسئولیت خطیر تربیت یافتگان عصر ظهور برای ورود به عصر ظهور، به روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد اسنادی قابل استنباط و استخراج هستند.

### واژگان کلیدی

اصول و الزامات و شاخص‌های تربیت زمینه‌ساز، منزلت شایسته‌ترین پیشوای انسان و جهان، برترین‌ها برای بهترین پیشوای صالحان، رسالت الهی و جهان‌شمول امام زمان علیه السلام عصر ظهور و تحولات آن، دولت شایستگان.

### مقدمه

تربیت زمینه‌ساز عصر ظهور به مثابهٔ بازپروری تمامی استعدادها و خلاقیت‌های افراد و جوامعی است که با اعتقاد کامل، اشتیاق فراوان، به طور هدفمند و با بصیرت کافی منتظر ظهور کامل‌ترین انسان و برجسته‌ترین پیشوای جهان در دورهٔ آخرالزمان هستند. آخرالزمان نیز به دوره‌ای اطلاق می‌شود که بشر، پس از قرن‌های متمادی و طولانی، تجربه‌های لازم را برای کمال‌یافتگی و سعادت‌مندی کسب کرده و شایستگی خود را از همهٔ زوایا و جنبه‌ها برای درک حضور و ولایت و زعامت آخرین پیشوای انسان و جهان که صاحب عصر است و امام زمان، احراز داشته باشد. اسلام عزیز به دورانی می‌اندیشد که شأنیت و شخصیت تربیت یافتگانش آن قدر بالا رود که لایق ظهور و شایستهٔ همراهی و همگامی و خدمت به جوامع بشری در مقیاس جهانی باشند؛ رویدادی که تا آن زمان دنیا نمونه‌اش را به خود ندیده است.

در عصر ظهور، بناست از میان آحاد و جوامع انسانی، شیعیان - آن هم خواصی از شیعیان - همراه حضرت مهدی علیه السلام و در دولت ایشان فرمان‌روایان روی زمین و عالی‌رتبگان جهان باشند. بزرگی، بزرگواری، توانمندی، استعداد، شایستگی و خلاقیت، هر یک از این خواص با داشته‌های چهل نفر برابری می‌کند.<sup>۱</sup> از آن گذشته، چنان‌که از فرمایش امیرالمؤمنین علی علیه السلام

۱. قال ابو عبدالله علیه السلام: «یکون من شیعتنا فی دولة القائم سنام الأرض و حکامها، يعطی کل رجل منهم قوهٔ أربعین رجلاً»

برمی‌آید، بناست جوانان تربیت یافته، پرهیزکار، برومند، از جان گذشته و پاک‌باخته امت اسلام با قوت تمام مسئولیت یاری‌رسانی به امام زمان علیه السلام و همراهی با ایشان را بر عهده گیرند تا به پشتیبانی آن جوانان، حضرت قیام فرماید. برای این اساس، سالخوردگان در جمع یاران حضرت مهدی آن قدر اندکند که به تعبیر روایات همچون سرمه در چشم می‌مانند و نمک در توشه و طعام.<sup>۱</sup>

از همین بیان توصیفی و این گزارش روایی به دست می‌آید که شاخص‌های تربیت انسان‌ها برای عصر ظهور چقدر باید ظریف، لطیف، راه‌گشا و مؤثر باشند، به گونه‌ای که تربیت یافتگان بتوانند از عهده مسئولیت‌ها و رشادت‌های مورد نیاز آن عصر به خوبی برآیند و گام به گام با صاحب و سالار زمان و جهان همراهی کنند. تربیت زمینه‌ساز باید به مثابه تربیت یک نفر برابر چهل نفر باشد تا غرض الهی از ظهور حاصل گردد و منویات خداوندی تحقق یابد. چنین تربیتی دارای اصول و الزاماتی است که بدون در نظر گرفتن آن‌ها نتیجه شایسته‌ای حاصل نخواهد گشت.

انجام رسالت خطیر تربیت زمینه‌ساز بیش از همه مستلزم همت متعالی مریبان و متریبانی است که لحظه به لحظه خود را در انتظار و اشتیاق ظهور می‌بینند و درنگ و تسویف را در امر آماده‌سازی خویش برای ظهور جایز نمی‌شمرند. هرچند اینان به شمارش اندکند، اما به قابلیت‌ها فراوانند و کارهای بسیار مهم از آنان سر می‌زند. برای شکوه و عظمت اینان همین بس که با تمام وجود بناست در خدمت پیشوایی باشند که خود محور و قطب عالم است<sup>۲</sup> و تحقق بخش آمال و آرمان‌های پیامبران الهی و اوصیای ربانی آنان خواهد بود؛ همو که با ظهور و حضور نورانی و نویدبخش خود، انسان‌ها و جهان را به فرجام شیرینشان رهنمون خواهد شد. این نتیجه استقرار دولت کریمه اهل البیت علیهم السلام است که هرگاه خداوند اراده فرماید

شیعیان ما در دولت حضرت قائم بزرگان و فرمان‌روایان روی زمین هستند. هر مردی از آنان نیروی چهل مرد را داراست. (مفید، ۱۴۱۸: ۸)

قال علی بن الحسین علیه السلام: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ - عَزَّوَجَلَّ - عَنِ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَ جَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ وَ جَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ يَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَ سَنَامَهَا؛ هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند هر مرد را از شیعیان ما بزاید و دل‌هایشان را همچون آهن تفتیده قرار دهد و نیروی هر مردی از آنان را برابر چهل مرد گرداند. شیعیان در آن زمان فرمان‌روایان و بزرگان روی زمین هستند.» (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۲، ۵۴۱)

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ سَبَابٌ لَا كَهَوْلَ فِيهِمْ إِلَّا كَالْحُجْلِ فِي الْعَيْنِ أَوْ كَالْمَلْحِ فِي الرَّأْدِ وَ أَقْلَ الرَّأْدِ الْمَلْحُ؛ یاران حضرت قائم جوانانند و کهنسالان در جمع آنان نیستند، مگر به میزان سرمه در چشم و نمک در توشه، و البته کمترین توشه نمک است.» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۱۵)

۲. «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قُطْبَ الْعَالَمِ.» (قمی، بی‌تا: زیارت‌نامه حضرت مهدی علیه السلام)

و مشیتش بدان تعلق گیرد، آن دولت را ظاهر خواهد ساخت.<sup>۱</sup> منظور از اصول و الزامات در این مقال، بایدهایی مستند به واقعیات و حقایق مرتبط با عصر ظهور و سازگار با روح حاکم بر آن عصر درخشان الهی است. واقعیات و حقایق مزبور منشأ انتزاع و استنباط و صدور و انشای اصول و الزامات تربیتی متناسب با آن هنگامه عظیم به شمار می‌روند. به عبارتی، اصول و الزامات تربیت زمینه‌ساز در این نوشتار سلسله‌ای از بایدهای برجسته اخلاقی - رفتاری و فرهنگی - ارزشی است که در روند تربیت زمینه‌ساز از نقش بسیار برجسته‌ای برخوردارند. امام محوری، عدالت‌منشی، نجات‌اندیشی، سعادت‌طلبی، کمال‌انگاری، تحول‌مداری، عاشوراگرایی و... از جمله اصول و الزاماتی هستند که مریبان این عرصه در گام نخست پیش از هر کس و پیش از هر اندیشه و اقدامی باید به آن‌ها اذعان کنند تا بتوانند فراگیران را به تناسب و اقتضای آن‌ها تربیت کنند. برای استخراج و استنباط هر یک از این اصول و الزامات کافی است به واقعیات حتمی‌الوقوع و تردیدناپذیری اشاره کرد که فلسفه انتظار فرج را تعریف و تبیین می‌نمایند و عصر و دوران ظهور را سرآمد همه عصرها و دوران‌ها می‌سازند. مریبان و متریبان تربیت زمینه‌ساز باید در همین راستا به اصول و الزامات ده‌گانه‌ای که شرحش در ادامه می‌آید توجهی ویژه مبذول دارند.

### ۱. تربیت بر محور مهدویت و وجود امام زمان علیه السلام، برجسته‌ترین شاخص تربیت زمینه‌ساز

نگاه به مقام والای پیشوایی که برای او وجود خود را تربیت می‌کنیم و به یمن قدوم او دل و جان را آباد و مهیا می‌سازیم، با عنایت به برترین‌هایی که برای وی و ظهور مبارکش در نظر گرفته می‌شود بسیار شوق‌برانگیز است. اولیا و مریبان از رهگذر عشق و علاقه و آفری که نسبت به امام خویش در وجود خود احساس می‌کنند فرزندان و فراگیران خویش را به پاس داشت حریم عشق و ولایت او تربیت می‌نمایند. با وجود چنین رهبر و پیشوای عظیم‌الشانی که بر قلعه رفیع ولایت و هدایت خلق تکیه زده است، باید بر خود بالید و به ولایت‌مداری خویش مباهات کرد که به شکرانه الهی به پای چنین پیشوایی و برای چنین مقامی می‌خواهیم پرورنده شویم و بی‌پروانیم.<sup>۲</sup>

۱. قال الصادق علیه السلام: «إِنَّ لَنَا دَوْلَةَ يَجِيءُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ.» (مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۵۲، ۱۴۰)

۲. برای مطالعه درباره ابعاد شخصی و شخصیتی امام زمان علیه السلام نک: طبرسی نوری، ۱۴۱۵: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۱: طاهری، ۱۳۸۰: مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۵۳.



نگاه ما به امام خویش در تربیت زمینه‌ساز به افق‌های ویژه‌ای دوخته می‌شود و مطالعه ما در این زمینه از زوایای گوناگونی چون آفاق دوگانه انسانی و ربانی یا ملکی و ملکوتی یا زمینی و آسمانی امام صورت می‌پذیرد. در افق انسانی یا ملکی و زمینی امام، باید به عواملی چون عوامل متعارف انسانی در محیط جسمانی و روانی و روحانی امام، غیبت و ظهور امام، آمال و آرزوهای امام، نیازمندی‌های امام، سبک زندگی و معیشت روزمره امام و سایر امور شخصی و شخصیتی که به ساحت انسانی امام مربوط می‌شود توجه کرد. در افق ربانی یا ملکوتی و آسمانی امام باید به عواملی چون سامان‌دهی امر فرج امام و تقدیر امور ایشان به مشیت و اراده الهی، امام و بندگی خداوند، امام و خلافت الهی ایشان<sup>۱</sup>، امام و امدادهای غیبی شامل حال ایشان، نقش فرشتگان و روح القدس در محافظت و حراست و تأیید آن حضرت، امام و رفع هر گونه سلطه و اقتدار از ناحیه هر کسی و از جانب هر عاملی بر ایشان، امام و دریافت اذن خداوند بر جهاد با کفار و منافقین، و سرانجام، امام و تحقق منویات الهی و شکوفایی آرمان‌های پیامبران و صدیقین و شهدا و صالحان به دست با برکت و با کفایت ایشان و اموری از این دست توجه کرد.<sup>۲</sup>

به امامی می‌اندیشیم که از جمله عزیزترین عزیزان خداست؛ به سوی خداوند دعوت می‌کند و با تمام وجودش مظهر و تجلی صفات کمال و جمال الهی است؛ گفتارش روایت آیات حکمت و عظمت و رحمت و رحمانیت و رحیمیت خداوندی است و بیانش ترجمان قدس و معنویت و صلابت و ایمان ربانی است.<sup>۳</sup> به امامی می‌نگریم که در فصل ظهور نورانی اش بر کل

۱. برای درک بهتر نسبت به حقیقت خلافت الهی، نک: جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۰۶ - ۱۰۷.

۲. «اللهم أصلح عبدك و خليفتك بما أصلحت به أنبيائك و رسلك و حقه بملائكتك و أئده بروح القدس من عندك و اجعله من بين يديه و من خلفه رسداً يحفظونه من كل سوء و أبدله من بعد خوفه أمناً يعبدك لا يشرك بك شيئاً و لا تجعل لأحد من خلقك على وليك سلطاناً و أذن له في جهاد عدوك و عدوه و اجعلني من أنصاره أنك على كل شيء قدير؛ بارالها امر فرج بنده و خليفه خود را به سامان برسان، به همان تدبیری که امر پیامبران و فرستادگانت را به سامان رساندی؛ و او را با فرشتگانت در بر بگیر و به روح القدس خویش او را مؤید فرما؛ و از پیش رو و پشت سرش حفاظی ایجاد کن که او را از هر ناخوشایندی محافظت کنند؛ و پس از هراس و نگرانی اش او را آرامش ده؛ او تو را می‌پرستد و به تو شرک نمی‌ورزد؛ و خداوند، هیچ‌یک از بندگانت را بر او مستولی نفرما؛ و فرمان جهاد با دشمن خود و دشمنش را برای او صادر کن؛ و مرا از یاران او قرار ده که تو بر هر چیزی توانایی.» (ابن طاووس، ۱۳۶۱: ۲۵۶؛ طوسی، ۱۴۱۸: ۳۶۶؛ مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۸۶، ۲۵۱)

روایت شده است امام رضا علیه السلام این دعای فرج را در قنوت نماز جمعه می‌خواند و به شیعیان نیز سفارش می‌فرمود این دعا را در قنوت نماز جمعه بخوانند. این دعا مشتمل بر مضامین و حقایق بسیار بالایی است که بیان‌گر شأن و منزلت امام زمان علیه السلام در پیشگاه خداوند و الطاف و عنایات خاص خداوند در حق ایشان است. به بخشی از این امور در متن بالا اشاره شده است.

۳. «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَ رَبَّانِي آيَاتِهِ، ... السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجُمَانَهُ.» (قمی، بی تا: زیارت آل یس)

هستی ولایت دارد؛ جهان سراسر ظلم و جنایت را سرشار از عدل و داد می‌فرماید و به فرمان خداوند و به اذن او بر تمام جهان به عدالت تمام فرمان می‌راند.<sup>۱</sup> امام ما کسی است که تمامی انبیا و اوصیا و اولیا به وجود نازنینش بر خود می‌بالند و انتظار فرجش را بهترین و بافضیلت‌ترین اعمال<sup>۲</sup> در پیشگاه خداوند می‌دانند و خدمت در رکابش را آرزوی دیرینه خود برمی‌شمارند.<sup>۳</sup> رهبر و پیشوای ما در هر زمان و مکان، در فصل غیبت و به هنگام ظهور و پس از آن شخصیت والاتباری است که بزرگواری چون پیامبر برگزیده خداوند، حضرت عیسی بن مریم علیه السلام با مباحث تمام در نماز به او اقتدا و در جهاد مقدس او را همراهی می‌کند.

امام ما با داشتن چنین مقاماتی - که بخش ناچیزی از عظمت بی‌منتهای اوست - به اذن خداوند بر زنده کردن مردگان به خصوص مردگان روح و روان و درمان و شفای کران و کوران و لالان و معلولان به ویژه کران و کوران و لالان روحی و روانی تواناست. همو به اذن خداوند می‌تواند انواع و اقسام بیماری‌های ظاهری و باطنی را شفا بخشد و کوردلان را بینادل و ناهشیاران را هشیار و خفتگان را بیدار، ناهلان را اهل و بی‌خردان را خردمند، مسلمانان را اهل ایمان و مؤمنان را روشن ضمیر و قوی دل فرماید. به امامی مباحث می‌کنیم که به عیار وجودش، ناشایستگان عیار شایستگی، نابهنجاران عیار هنجاری، کوردلان عیار بصیرت، بی‌خدایان عیار خدایی، ناراستان عیار راستی، ضعیفان عیار توانمندی و مستضعفان عیار سروری می‌یابند.

اکنون پرسش اصلی این جاست که به پاس مقدم چنین امام همایی چگونه پیروانیم و پیروانده شویم؟ به نظر می‌رسد باید منتهای شایستگی‌ها را به کار گرفت تا شاید بتوان بخشی از حق آن بزرگوار را ادا نمود. به برکت چنین پیشوای راستینی باید از ناخالصی‌ها و کجی‌ها و هرگونه انحراف ریزی یا درستی مبرا شد، تا نشان لیاقت خدمت به دربارش را به دست آورد. از این رو، باید به تربیت کامل‌تر و کارآمدتر اندیشید و از جنبه ثبوتی و اثباتی شایستگی‌های لازم را دارا شد. برای تحقق این مهم باید به قله اندیشید؛ جایگاه رفیعی که برای امام در نظر گرفته

۱. قال الحسين بن علي عليه السلام: «لَوْ لَمْ يَتَّقِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمَ وَاحِدٍ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلِئْتَ جَوْرًا وَ ظُلْمًا؛ چنان‌چه از عمر دنیا یک روز بیش نمانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌فرماید تا مردی از فرزندانم ظهور کند و دنیا را سرشار از عدل و قسط فرماید، پس از آن‌که از جور و ستم پر شده است.» (صدوق، ۱۳۹۶ - ب: ج ۱، ۴۳۴-۴۳۵)

۲. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّيِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.» (مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۲۱، ۱۲۸)

۳. قال الباقر عليه السلام: «إِنْ أَدْرَكَتْ الْقَائِمَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ تَصَرُّتُهُ.» (همو: ج ۵۲، ۱۲۶)

قال الصادق عليه السلام: «لَوْ أَدْرَكْتَهُ لَحَدَّثْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي.» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۴۵)

می شود؛ امامی که چراغ فروزان هدایت بندگان خداوند است؛ خداوندی که بر اساس لطف و عنایت خویش به بندگان خود اجازت فرمود تا با تلاش و همت خود سهمی در زمینه سازی ظهور و هنگامه قیام حضرت امام مهدی علیه السلام ایفا کنند.

گفتنی است در الگو قرار دادن امام، هرگز نظر بر این نیست که کسی مثل و همانند امام بیندیشد و همچون ایشان رفتار کند. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در نامه تنبیهی خود به عبدالله بن حنیف انصاری یادآور این نکته شد که شما نمی توانید همچون من زندگی کنید و همانند من به قرص نان خشکی برای طعامتان بسازید و به تکه پارچه ای برای پوششتان بسنده کنید. اما شما می توانید امام خود را یاری رسانید، آن هم با پرهیزکاری، پاکدامنی، تلاش و محکم کاری<sup>۱</sup>. درباره امام زمان نیز هرگز نمی توان همچون مولا شد و همانند ایشان زیست و رفتار کرد، اما می توان آن بزرگوار را با تقواییشگی، خویشتن داری، پاکی، خلوص، ثبات، پایداری و محکم کاری یاری رساند.

## ۲. عدالت منشی؛ عدالت جهانی و اهمیت جایگاه آن در تربیت زمینه ساز

روایات رسیده از ساحت اهل بیت علیهم السلام در جریان رسالت جهانی امام زمان بر کمتر موضوع و مسئله ای همچون اجرا و استقرار عدالت روی زمین تأکید ورزیده اند. قرآن نیز یکی از سرآمدترین انگیزه های بعثت پیامبران و فرو فرستادن کتب آسمانی و میزان و غنی سازی زمین و منابع زمینی و زیرزمینی از جمله آهن را استقرار عدالت و قسط بر روی زمین و در میان نفوس انسانی دانسته است.<sup>۲</sup>

عدالت، روحی است که باید در خلق و خوی انسان ها و در کالبد رفتار و حرکات و سکنتات آنان دمیده شود تا به برکت چنین روحیه ای ملکه عدالت در وجود آحاد بشر نهادینه گردد و آثار با برکت خود را در هر زمینه و مرتبط با هر موقعیتی در زندگی فردی و اجتماعی به ظهور برساند. به نظر می رسد قسط در واقع تقسیط داده ها و موهبت های الهی در نظام آفرینش و

۱. «أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَفْتَدِي بِهِ وَيَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اِكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرِيَّهِ وَمِنْ طُغْمِهِ بِقُرْصِيَّهِ أَلَا وَإِنَّكُمْ لَا تَقْدَرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَلَكِنْ أَعْيُنُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعَفْفَةٍ وَسَدَادٍ؛ آگاه باشید که هر پیروی را رهبری است که به وی اقتدا می کند و از نورانیت دانش او روشن و منور می گردد. آگاه باشید که امام شما (علی) از [پوشش] دنیای خویش به دو تکه پارچه و از خوراک دنیایش به دو قرص نان بسنده کرده است. آگاه باشید که شما برای این سیره طاعت ندارید، پس مرا با پارسامنشی و تلاش و پاکدامنی و محکم کاری یاری رسانید.» (شریف رضی، ۱۴۱۵: نامه ۴۵)

۲. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مِنْ بَيْنُورِهِ وَرُسُلَهُ بِالْقَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید: ۲۵).

«وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ \* أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ \* وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ» (رحمن: ۷-۹)

جهان طبیعت میان انسان هاست، به گونه‌ای که هر ذی‌حقی به حق مسلم خود برسد و هر مستحقی آن چه را شایسته و نیازمند است دریافت نماید. همهٔ آحاد انسانی باید به اندازهٔ ظرف وجودی خود دارای روحیهٔ عدالت و عدل‌پروری گردند.

در حقیقت، عدالت یک حالت و وصف درونی است پیش از آن‌که اقدامی بیرونی به شمار رود. شخص عادل کسی است که به ملکهٔ عدالت دست یافته است، خواه فرصت و امکان عمل به عدالت و رفتار عادلانه را پیدا کند، خواه چنین فرصت و امکانی را به دست نیاورد. هرچه باشد، عدالت وصف درونی اوست که همیشه و در هر شرایط و احوالی آن را دارد و به وقت خود از آن استفاده می‌کند و به دیگران بهره می‌رساند. این در حالی است که قسط و قیام به قسط، رسالت کسانی است که علاوه بر شایستگی‌های لازم در برخورداری از ملکهٔ عدالت، از نعمت قدرت بر تصمیم‌گیری و توانایی بر اجرای عدالت و قیام به قسط نیز برخوردار هستند. در واقع، بهره‌مندی از همان روحیهٔ عدالت و عدل‌پروری است که زمینه‌ساز تحقق قسط میان انسان‌ها می‌گردد. به بیانی، عدل و روحیهٔ عدالت‌پروری جنبهٔ ثبوتی قیام به قسط است، در حالی که قسط و برپایی قسط، جنبهٔ اثباتی عدالت به شمار می‌رود. تا عدالتی در وجود انسان‌ها مفهوم و ارزش نیابد، قسطی بر روی زمین متحقق نمی‌شود و برپایی قسط و قیام به قسط بی‌جاست و تا قیام به قسط در جهان به ظهور نرسد، مفهوم و ارزش عدالت تجلی نمی‌یابد. به تعبیری دیگر، قسط برون‌سازی همان روح عدالت‌پروری است که هر انسانی باید از آن برخوردار باشد تا این برون‌سازی مفهوم و ارزش پیدا کند. آن خصلت ممتاز و برجستهٔ عدل و اعتدال و تعادل درونی است که به قیام به قسط و برپایی آن می‌انجامد. در نگاه تمثیلی، عدالت به مثابهٔ روغن سوخت و روشنایی چراغ است و قسط به مثابهٔ فتیله‌ای که از این روغن ذخیره می‌گیرد و روشنایی می‌بخشد و گرمی و حرارت می‌دهد.<sup>۱</sup>

۱. تفاوت بین عدل و قسط چیست؟ برای شناخت معانی واژگان زبان عرب باید به فرهنگ لغت همان زبان مراجعه کرد، اما چنان‌چه واژهٔ مورد نظر در قرآن و روایات نیز کاربرد فراوانی پیدا کرده باشد، ضروری است موارد به کار رفتنش در این منابع نیز بررسی شود تا ابعاد دقیق‌تر مسئله را بتوان دریافت. دو واژهٔ «عدل» و «قسط» نیز با همین شیوه مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته و اینک نتیجهٔ مطالعات صورت گرفته تقدیم می‌گردد:

#### الف) عدل:

۱. **تعریف عدل:** حالتی است بین افراط و تفریط، به گونه‌ای که در این حد وسط زیادت یا نقصانی قرار نداشته و اعتدال کامل مراعات شده و به سبب همین مفهوم است که از میانه‌روی، مساوات، سازوکاری و استقامت به «عدل» تعبیر گردیده (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۸، ۵۵).

۲. **گونه‌شناسی عدل:** در قرآن و روایات از واژهٔ «عدل» به تعدد یاد شده و از موارد گوناگون به کار رفتن آن می‌توان انواع «عدل» را شناسایی کرد:

اکنون با توجه به مفهوم و برداشتی که از قسط و عدالت به دست آمد، به روشنی پیداست که تربیت زمینه‌ساز تا چه اندازه باید در راستای پرورش روح عدالت و ایجاد ملکه عدل در نهاد نسل عصر ظهور گام بردارد. معنای بسنده کردن به کمتر از حد نصاب عدالت، مرگ قسط و عدالت است و در نتیجه به نقض غرض از ظهور منجی عالم بشریت می‌انجامد. چنانچه مریبان در این راستا موفق نباشند، زمینه‌ای برای قیام به قسط و برپایی آن در سطح جهانی و در میان آحاد انسانی فراهم نخواهد شد. بدیهی است در این صورت هنوز ظهوری تحقق نیافته، غرض ظهور مخدوش می‌گردد.

پیشوای عادل به منظور ایجاد روحیه عدالت و اجرای همه‌جانبه قسط در میان

عدالت در اندیشه و حکم: چندان که از انحراف، ضعف یا شدت به دور باشد (نساء: ۵۸).  
عدالت در روایات و صفات نفسانی: چندان که اخلاق باطنی اش نه چنان کم‌مایه باشد و نه آن چنان پرمایه که موجب مشکل گردد (مانده: ۱۰۶).

عدالت در اعمال: فقط بر محور حق است، همانند آن چه در آیات قرآن از آن یاد شده است (نک: مانده: ۱۱۵ و ۱۵۲؛ نساء: ۳؛ شوری: ۱۵).

۳. ویژگی واژه عدل: گذشته از آن که عدل، حالت بین افراط و تفریط تعریف شده، دارای نکته و ویژگی خاصی است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام از آن چنین تعبیر نموده: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا؛ عدل، هر چیز را به جای خود قرار می‌دهد» (شریف رضی، ۱۴۱۵: حکمت ۴۳۷).

یعنی: نتیجه و هدف عدل و شاخصه اصلی آن این است که هر چیز در جای خود قرارگیرد و هر کس بدان چه شایسته است برسد. در این مفهوم، هر موجود به آن چه استحقاق و لیاقت داشته نایل گردیده و اگر لیاقت یک موقعیت و حالت برتر را نداشته باشد، هرگز آن رتبه به او داده نمی‌شود؛ همچنان که ممکن است به موجودی (مثل ائمه اطهار علیهم السلام) عنایاتی شود که به دیگران این مقدار فضل نگردد و این توجه خاص، منوط به لیاقت، شأن و آمادگی برتر آن موجود است. ره‌آورد چنین ویژگی آن است که عدل بر سه نوع است:

یکم. عدل در آفرینش: خداوند هراستعدادی را که شایستگی ایجاد بود را خلق فرموده و مثلاً آدم را آدم آفرید چون لیاقت همین را داشت و سنگ را سنگ آفرید چون برابر با قابلیتش است.

دوم. عدل در قانون‌گذاری: خداوند در تکالیف به طاقت انسان نظر فرموده و دستوری فراتر از ظرفیت به او نداده است. سوم. عدل در جزاء: خداوند بین اصلاح‌گر و مفسد مساوات برقرار نکرده و قانون «هر چه بکاری همان بدروی» را اجرا می‌کند.

ب) قسط:

۱. تعریف قسط: این کلمه از آن جهت که در بردارنده مفهوم «اعتدال و حفظ از انحراف و افراط و تفریط» است با عدل هم‌معناست؛ اما یکی از تفاوت‌هایش با عدل آن است که «قسط» جنبه تطبیق مفهوم عدالت و اجرای آن در مصادیق و مواردش را دارد و وقتی «عدل» بخواهد تحقق و بروز داشته باشد از آن به «قسط» تعبیر می‌گردد. شاهد این تفاوت، آیه نهم از سوره حجرات است که دو واژه عدل و قسط در کنار هم آمده و طبیعتاً باید این دو، متفاوت باشند.

۲. تفاوت‌های مفهومی و مصداقی عدل و قسط:

یکم. قسط، اجرا و تحقق عدل است و پیامدش نیز تطبیق عدل بر موارد و جایگاه‌های خارجی آن است. دوم. قسط، عدلی است که ظهور یافته و محسوس شده و از همین روست که ترازو کردن اشیا را قسط می‌گویند؛ چون عدل و تعادل را به صورت آشکارا نمایش می‌دهد (عسکری، ۱۳۸۹: ۴۲۸).

منبع: نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها؛ پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز جهانی آل‌البیت علیهم السلام

جوامع بشری نیازمند کارگزاران و کارفرمایان و کاربران عادل است که درست به مفاد دستور و احکام او در راستای تحقق عدالت فراگیر و همگانی و قسط همه جانبه و همه جایی قیام می کنند. از آن گذشته، قسط و عدالت تنها از راه الگوبرداری و فرمان برداری صرف از دیگران حاصل نمی گردد. قسط و عدالت خصلت و توانی است که فرد عادل قائم به قسط خود باید به حد کمال و تمام از آن دو بهره مند باشد تا بتواند برای تحقق آن ها میان انسان ها اقدام کند.

برخی از صفات شخصیتی را چه بسا بتوان از راه یادگیری و الگوبرداری از صاحبانش فراگرفت و به کار بست، هرچند در وجود و درون خود فرد نهادینه نگردیده باشند. مهارت هایی نظیر سخنوری، نویسندگی، هنرپیشگی، رسم و نقاشی، بافندگی و... از جمله امور تجربی هستند که با نگاه به صاحبان و برخوردارانش می توان از آنان فراگرفت. الگوبرداری کرد و به کار بست. اما صفاتی چون نظم، ایمان، تقوا، صبر، شکر، توکل، بردباری و عدالت، از جمله اموری درونی هستند که تنها با نگاه به دارنگانش یا با الگوبرداری از احوال و رفتار آنان نمی توان به کار بست، مادام که این صفات در وجود شخص نهادینه نگردیده باشند. این دسته از صفات حتماً باید ملکه فرد شوند تا در روح و روان جامعه نفوذ یافته، زمینه پیاده سازی در سطوح گوناگون را پیدا کنند. بدین بیان، تربیت برای قسط و عدالت، اسباب و وسایل و ساز و کارهای خاص خود را دارد و البته نیازمند حضور مربیان متخصص و چیره دستی است که خود ارزش قسط و عدالت را یافته اند و به احکام و الزامات قسط و عدالت پایبندند.

### ۳. برترین ها برای شایسته ترین پیشوای عصر جهان در دوره آخرالزمان

در تربیت مهدوی، شاخص تربیت قلّه رفیعی است که تنها و تنها توسط امام زمان علیه السلام فتح گردیده است و کسی دیگر را جز ایشان یارای چنین ظفرمندی نیست. در قلمرو این تربیت، توجه مربیان و فراگیران بیش از هر عاملی به وجود امامی است که با تمام ابهت و صلابت و درخشندگی و شایستگی بر مسند حاکمیت جهانی تکیه زده است و هیچ کسی را یارای گردن افرازی در برابر او نیست؛ پیشوای با شرافت و شایسته ای که هر انسان شرافتمندی در پیشگاه با عظمت او خواسته یا ناخواسته، دانسته یا ندانسته خاضع و تسلیم عظمت و شرافت و منزلت و آقایی و بزرگواری اوست.<sup>۱</sup>

۱. «وَبَخَّ كُلُّ شَرِيفٍ لِشَرَفِكُمْ». (قمی، بی تا: زیارت جامعه کبیره)

صاحب عصر و زمان و امام جن و انسان در دوره آخرالزمان قدرتمندترین و در عین حال مهربان‌ترین، داناترین و با این وجود بردبارترین، داراترین و با این وصف بخشنده‌ترین، بلندمرتبه‌ترین، ولی مردمی‌ترین پیشوایی است که جهان به خود دیده و شنیده است. او عادل‌ترین، حکیم‌ترین، پرهیزکارترین، بابصیرت‌ترین، شکوهمندترین، متخصص‌ترین، باعظمت‌ترین، بزرگووارترین، خوش خلق‌ترین و دلسوزترین فرمان‌فرما و فرمان‌روایی است که نمونه‌اش را به جز در وجود سایر معصومان علیهم‌السلام در وجود احدی از بهترین‌های جهان نمی‌توان یافت. دولت و سلطنت او نیز بدین منوال از پاینده‌ترین، استوارترین، مقتدرترین، ارجمندترین، شکست‌ناپذیرترین، آسیب‌ناپذیرترین، جهانی‌ترین، پراوازه‌ترین، باابتهت‌ترین، دوست‌داشتنی‌ترین، آرام‌بخش‌ترین، آسایش‌دهنده‌ترین و مردم‌سالارترین دولت و سلطنتی است که از آغاز آفرینش تا فرجام آن می‌شود مشاهده کرد. کشور و کیان و مملکت او گسترده‌ترین، پهناورترین، آبادترین، برخوردارترین، امن‌ترین، مرفه‌ترین، زیباترین، دانش‌پرورترین و عالم‌خیزترین کشور و کیان و مملکتی است که تا آن زمان در سطح جهان به منصفه ظهور رسیده است. امت او داناترین، خردمندترین، بردبارترین، خوش‌خوترین، هشیارترین، روشن‌ترین، ماهرترین، فعال‌ترین، قوی‌ترین، فرمان‌بردارترین، مؤدب‌ترین، متدین‌ترین، وفادارترین، امین‌ترین و معتدل‌ترین امتی است که گواه همه امت‌ها بوده و تاریخ جوامع و امم انتظار آن را می‌کشیده است.<sup>۱</sup> کارگزاران دولت او بانشاط‌ترین، بشاش‌ترین، خوش خلق‌ترین، خوش‌برخوردترین، کارگشایترین، گره‌گشایترین، امانت‌دارترین، وقت‌شناس‌ترین، وظیفه‌شناس‌ترین، کارآمدترین، همراه‌ترین، قانع‌ترین و خدمت‌گزارترین عوامل و نیروهایی هستند که می‌توانند الگو و سرمشق همه دولت‌ها و کارگزاران دولتی قرار گیرند. در یک کلام، اهل ایمان با انتظار فرج، ظهور دولتی را آرزو می‌کنند که ارجمند و باشکوه و شکست‌ناپذیر است؛ دولتی که عزت‌بخش اسلام و مسلمانان و ذلت‌بخش نفاق و منافقان است. مؤمنان به انتظار دولتی نشسته‌اند که به برکت ظهورش و با افتخار تمام، در سایه لوای آن مردم را به جانب خداوند و فرمان‌برداری از او فرا بخوانند و به راه درست خدا راهبری‌شان کنند. چنین دولت کریمه و حقی به مرحمت الهی کرامت و سعادت دنیا و آخرت را روزی اهل ایمان

۱. امام باقر علیه‌السلام فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَصَعَّ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَيْنَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَعْلَانَهُمْ؛ آن‌گاه که قائم ما قیام فرماید دست مبارک خویش بر سر بندگان خداوند قرار می‌دهد، پس عقولشان به حد اعلامی رسد و بردباری‌شان به حد کمال.» (کلینی، ۱۴۰۱: ج ۱، ۲۵)

خواهد ساخت.<sup>۱</sup>

برترین‌هایی که گفته شد، در واقع رهین رشد و کمالات علمی دوران ظهور در سطوح متعالی تربیت، اخلاق، ادب، معرفت و دانش و فناوری است. به بیانی دیگر، تمامی پیشرفت‌هایی که در جوامع بشری در سطح کلان جهانی تا پیش از ظهور حضرت روی خواهد داد مستند به رشد و تعالی و تکامل بشر در همه موارد فوق است. این در صورتی است که تا پیش از ظهور امام زمان علیه السلام انسان‌ها تنها به دو بخش از شعبه‌های بیست و هفت‌گانه دانش دست یازیده‌اند. هنگامی که امام زمان ظهور فرماید، همه بیست و هفت جزء دانش از مکتب ایشان و به دست با کفایت آن بزرگوار در سطح جهان و میان انسان‌ها انتشار خواهند یافت و به خدمت گرفته خواهند شد.<sup>۲</sup>

اکنون با توجه به همه برترین‌ها و توصیفاتی که یادآور شدیم، باید دید چگونه تربیت شویم و تربیت کنیم تا در مسیر برخوردارگی از این برترین‌ها، شایسته این برترین‌ها شویم، یا دست‌کم به آن‌ها نزدیک گردیده، با آن‌ها هم‌مرز باشیم؟! تربیتی زمینه‌ساز ظهور است که در نگاه نخست این برترین‌ها و بالاترین‌ها را در افق دید خود داشته باشد. تحقق و تجلی همه این برترین‌ها باید چشم‌انداز روشن تربیت مهدوی باشد تا مریبان، آنی از نگاه به آن چشم برندارند و لحظه‌ای از حرکت در سمت و سوی آن دیده برنتابند. اما این که چنین تربیتی نیازمند چه تدابیر و ساز و کارهایی است مبحث درخور توجهی است که نمی‌توان از آن غافل ماند. با این وجود، مهم‌تر از آن پی‌گیری پاسخ این پرسش است که مریبان و متصدیان چنین تربیت زمینه‌ساز چه کسانی هستند و دارای چه ویژگی‌ها، برجستگی‌ها و امتیازاتی باید باشند؟

از آن گذشته، نیازمند این هستیم بدانیم چه کسانی را با چه ویژگی‌های ذاتی و شخصیتی و فطری و طبیعی می‌توان به تربیت مهدوی آراست تا به طور پویا و پایدار به مفاد و ملزومات

۱. «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعْرِضُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا الْبُغَاةَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ فِي سَبِيلِكَ وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.» (همو: ج ۳، ۴۲۴: قمی، بی تا: دعای افتتاح)

۲. امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عَشْرُونَ جُزْءًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ جُزْءٌ مِنْهَا فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْجُزْءَيْنِ (الحرفين) فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَ الْعَشْرِينَ جُزْءًا (حرفاً) فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ وَ صَمَّ إِلَيْهَا الْجُزْءَيْنِ (الحرفين) حَتَّى يَبْتَثَّهَا سَبْعَةً وَ عَشْرِينَ جُزْءًا (حرفاً)؛ دانش بیست و هفت جزء (حرف) است که تمام آن چه را پیامبران [برای بشر تا وقت ظهور به ارمغان] آورده‌اند دو جزء (دو حرف) است. بنابراین، مردم تا فرا رسیدن روز موعود به غیر از این دو جزء (دو حرف) معرفت دیگری به چنگ نخواهند آورد. اما آن‌گاه که قائم قیام فرماید بیست و پنج جزء (حرف) دیگر را ارائه خواهد داد و در میان مردم منتشر خواهد ساخت و آن دو جزء پیشین را به آن‌ها ضمیمه خواهد کرد تا همه بیست و هفت جزء (حرف) منتشر گردد.» (راوندی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۸۴۱: مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۵۲، ۳۳۶)



آن تا زمان ظهور و پس از آن تا آخرین لحظه حیات خود در عصر ظهور پایبند و متعهد بمانند. آیا این مسئله‌ای است که می‌توان به سادگی از کنار آن گذشت و به آسانی آن را نادیده انگاشت و بدون ایجاد سامانه‌ای مطمئن و نویدبخش نسبت به آن غفلت ورزید؟ آیا اگر چنین مسئولیت و رسالت عظیم و خطیری بر عهده غرب و نامسلمانان گذاشته شده بود، آنان بی‌خیال می‌شدند و به حال خود رها می‌ساختند؟ اهل ایمان چه باید کنند که بی‌خیال این مسئله نشوند و بی‌امان و بی‌درنگ درصدد کشف راهبردها و راهکارهای تربیت کارآمدی برآیند که به خوبی زمینه‌ساز ظهور آن رسالت خطیر و سهمگین و آن دولت فاخر و ممتاز باشد؟ می‌بینید اکنون که سیاستمداران و کارگزاران فرهنگ و سیاست غرب چنین ایمانی ندارند، چگونه با هزاران ترفند و شیطننت، از جمله از راه تولید فیلم و سریال تلاش می‌کنند دکترین نجات و آخرالزمان و حتی مهدویت را به نفع سیاست و اغراض شیطنانی خود مصادره نمایند.<sup>۱</sup> رسانه‌های اطلاعاتی به‌ویژه فضای سایبر<sup>۲</sup> شبانه‌روز در خدمت اهداف و اغراض شوم و ننگین کارگاه‌های سیاست‌پرداز غربی قرار دارند؛ چه بسا شاهد بسیاری از بی‌حرمتی‌های سایبریک در حق ارزش‌ها و مقدسات مهدوی بوده و هستیم. آیا می‌توان در برابر این همه حمله‌های رنگارنگ ساکت ماند و از شرافت و حیثیت امام زمان و آیین نجات مهدوی دفاع نمود و از حریم مهدویت پاسداری نکرد؟ مگر نه این است که امت اسلام به‌ویژه شیعیان در زمینه‌سازی برای ظهور از هر ملت و ملیتی شایسته‌ترند؟ چه جمعیت و مردمی سزاوارتر از شیعیان باید در مسیر زمینه‌سازی و هرچه نزدیک‌ترسازی ظهورگام بردارند؟ تصدی این امر عظیم هم حق شیعیان است و هم تکلیف آنان. شیعه باید هم برای احقاق این حق الهی تلاش کند و هم حق چنین تکلیف‌ستری را خوب ادا نماید.

از میان همه اقدامات خوب و مناسبی که باید در مسیر تربیت زمینه‌ساز عهده‌دار شد و مسئولیت آن را برای خدا و جلب رضای الهی پذیرفت و لوازمش را به جان خرید، بیش از همه رسالت خطیر تربیت زمینه‌ساز جلوه‌گری می‌کند. تربیت زمینه‌ساز در واقع تربیت در راستای ظهور شایسته‌ترین منجی عالم و تحقق بخشیدن به آرمان‌های مقدس و مبارک مهدوی است.

۱. تنها هالیوود در امریکا تاکنون بیش از ده فیلم در این راستا تولید کرده و به نمایش گذاشته است. به عنوان نمونه می‌توان به فیلم‌های «ماتریکس»، «آمگا کد ۲ (مگیدو)»، «هری پاتر»، «صهیون»، «پسر جهنمی»، «آرماگدون»، «روز استقلال» و نیز بازی رایانه‌ای «یا مهدی» با نام اصلی «جهنم خلیج فارس» اشاره کرد. فیلم «تا پایان جهان» تولید مشترک کشورهای آلمان، فرانسه و استرالیا نیز به مضامین مرتبط با آخرالزمان پرداخته است.

2. cyber-space

#### ۴. نجات‌اندیشی و سعادت‌طلبی؛ جایگاه رسالت‌خطیر نجات و سعادت‌مندی انسان در تربیت‌زمینه‌ساز

تربیت‌یافتگان به تربیت‌مهدوی باید به چه چیزی جز به نجات جهان و انسان از شر کفر و گمراهی و شقاوت بیندیشند؟ آیا هرکسی را یارای اندیشیدن در این جایگاه است؟ بی‌گمان این رسالت‌بی‌اندازه مهم و حیاتی نیازمند عنایات خداوندی است؛ عنایاتی که به صورت آشکار و نهان، باید مبذول شود تا جوامع انسانی را از فضیلت خاص و توفیق مخصوص همراهی و همگامی با امام و پیشوایشان بهره‌مند گرداند. انسان عصر‌ظهور نه‌تنها برای نیل به سعادت خود تلاش می‌کند، بلکه نسبت به سعادت دیگران نیز به شدت حساس است. او می‌داند که سعادت هر فردی از امت‌مهدوی به سعادت سایر افراد وابسته است و از این رو در آن فضای نورانی یک نفر هم نباید مسیر شقاوت را بپیماید. هر کسی می‌کوشد برای اصلاح خود و دیگران گام‌های جدی و مستحکمی بردارد.

در عصر‌ظهور آحاد مردم هرگز از یکدیگر غافل نمی‌مانند و نسبت به درد و رنج همدیگر حساس هستند و یار و غمخوار یکدیگرند. در آن جامعه ایثار، مواسات، وفاداری، شفقت، مهر، محبت، مودت، یک‌رنگی، صفا، صمیمیت، چاره‌درد بیچارگان کردن، همه و همه فلسفه خود را بازمی‌یابند و در اندیشه، خیال، رفتار، منش و خلق و خوی افراد موج می‌زنند. این‌ها همه به برکت رسالت بزرگی است که مؤمنان عصر‌ظهور در مسیر تأمین سعادت خود و دیگران بردوش خویش احساس می‌کنند.

اهتمام به رسالت نجات و سعادت آخرالزمانی ایجاب می‌کند هر کسی مسئولیت تربیت و سازندگی خود را بر عهده گیرد و به سختی تمام بکوشد لحظه‌ای از امر خطیر تربیت خویش غافل نماند و در این راستا هرگز قصور نرزد. این رسالت به قدری مهم و معتبر است که تقریباً همه مکاتب و مذاهبی که در طول تاریخ تا این زمان به ظهور رسیده‌اند ادعا می‌کنند رسالتشان نجات انسان‌هاست. این مسئله آن‌چنان بارز و اعتبارآفرین است که می‌بینیم دولت امریکا ملت‌های عراق، افغانستان، سوریه و سایر کشورها و جوامع را مورد تهاجم بی‌رحمانه قرار می‌دهد و با قساوت تمام آنان را به خاک و خون می‌غلتاند و اموال، شرف، ناموس، حیثیت، دارایی، منابع و معادن این کشورها را به یغما می‌برد و مغزهای متفکرشان را می‌رباید یا به جوخه‌های ترور می‌سپارد. با این وصف، دولت مردان امریکا با کمال بی‌شرمی بانگ برمی‌دارند که ما برای نجات این ملت‌ها قیام کرده‌ایم!

این مورد از نظر دور‌نمانده است که جرج دبلیو بوش پسر، در مبارزات انتخاباتی ریاست

جمهوری آمریکا در سال ۲۰۰۰ با اختلاف بسیار اندکی از رقیبش ال‌گور پیشی گرفت و سرانجام با تصمیم نهایی دیوان عالی ایالات متحده آمریکا نظر هیئت اکثرال را برای تأیید ریاست جمهوری اش جلب نمود (ویکی‌پدیا: جورج دبلیو بوش). در این شرایط بود که کارپردازان سیاسی آمریکا پیرو سیاست مزورانه منجی‌تراشی و جاسازی اندیشه دروغین نجات انسان و جهان، ترفندهای مرموز و کاملاً ویژه‌ای درباره معرفی جرج بوش به عنوان رئیس‌جمهور منجی به عمل آوردند. در نتیجه، حاکمیت سیاسی - ایدئولوژیک آمریکا بر اساس این ترفندها با بی‌اعتنایی به فاصله اندک آرای دو رقیب، حکم به ریاست جمهوری بوش داد تا اهداف خود را در پس دکترین نجات به دست کسی که در تبلیغات گسترده، منجی بشر و جهان معرفی شده بود دنبال کند.

جورج بوش متدیست<sup>۱</sup> خودش نیز بر این باور و وهم بود که وی مسیح موعود است و به مثابه یک منجی برای نجات آمریکا و جهان ظهور کرده است.<sup>۲</sup> در دور اول ریاست جمهوری بوش، آمریکا نظر ناتو را برای عملیات گسترده نظامی در جهان اسلام از جمله در عراق و افغانستان به انگیزه نجات مردم این دو کشور و حاکمیت لیبرال - دموکراسی در آن‌ها جلب کرد. هدف اصلی تهاجم در نظر آتش‌افروزان جنگ، ایران اسلامی بود. آمریکا در نظر داشت جنگ در عراق و افغانستان نوعی دست‌گرمی و آماده شدن برای تهاجم همه‌جانبه و از هر سو به ایران باشد. به روشنی، این هجمه‌ها بنا بود زمینه‌های لازم را برای حمله گسترده به ایران فراهم سازد. عملیات نظامی و تهاجم‌های تسلیحاتی علیه این کشورها تنظیم گردید، گرچه همه این لشکرکشی‌ها با انگیزه نجات انسان‌ها تدارک دیده شده بود.

در داخل آمریکا نیز همزمان با این ترفندها و جنایات‌ها، به اذهان مردم آمریکا رفته‌رفته القا شد که بوش منجی انسان‌هاست و اقدامات جنگ‌افروزانه او درست و بجاست. حتی در مدارس ابتدایی، ذهنیت کودکان را به این اظهارات سخیف آغشته ساختند. در فیلم مستند *اردوگاه مسیح*، در یک مدرسه ابتدایی، خانم معلمی به نام بکی فیشر به کودکان درس معنویت و دعا می‌دهد و آداب دعا کردن به درگاه خداوند را به آنان می‌آموزد. در این اثنا که ذهنیت

۱. در سال ۱۷۳۸ فرقه متدیست‌ها (Methodists) منشعب از کلیسای پروتستان در انگلستان پایه‌گذاری شد و در ۱۷۸۴ در شهر بالتیمور ایالت مریلند کار خود را در آمریکا به طور رسمی آغاز کرد. در این فرقه اسقف اعظم توسط پیروان انتخاب می‌شود و به صورت مادام‌العمر فعالیت می‌کند. در این مذهب تفسیرهایی بر اساس سنت، عقل و تجربه وجود دارد که همگی از انجیل استنباط شده‌است. متدیست‌ها به شدت به این نکته معتقدند که زندگی اجتماعی آینه تجلی دین است و هیچ دستوری قابل بحث نیست، مگر این‌که در زندگی روزمره تأثیر خود را نشان دهد. (ویکی‌پدیا: متدیست)

۲. سیمور هرش، روزنامه‌نگار مشهور آمریکایی در گفت‌وگو با روزنامه *زمان* چاپ ترکیه، به نقل از پایگاه خبری آینده روشن.

کودکان معصوم با مفهوم دعا و آداب دعا کردن آشنا می‌شود، یکی از همکاران فیشر به ناگاه تصویر مقوایی بزرگی از جرج بوش پسر را در مقابل کودکان قرار می‌دهد و به آنان چنین القاء می‌کند که هرچه تا به حال از خدا درخواست می‌کردید از جناب بوش بخواهید که این است آن منجی که جهان را نجات خواهد داد!<sup>۱</sup>

۱. نگاهی به فیلم مستند «اردوگاه مسیح»، با نقد سعید مستغانی:

اردوگاه مسیح (Jesus Camp) ساخته هایدی اوینگ و راشل گریدی مستندی صریح، بی‌واسطه و تکان دهنده درباره تبلیغ تفکر اوانجلیستی در میان کودکان امریکایی است؛ تفکری که بنیادش بر آموزه‌های صهیونیستی قرار داشته و پیروانش به آخرالزمانی مبتنی بر نبرد آرماگدون براساس برپایی مملکت اسرائیل معتقدند تا مسیح موعودشان که به غیر از حضرت مسیح علیه السلام معرفی شده، پس از آن جنگ مهیب و ویران کننده - که به قول خودشان در آن، کره زمین تقریباً نابود شده و دوسوم اهالی آن به جز یهودیان و اوانجلیست‌ها از بین خواهند رفت - نزول اجلال فرموده و یهودیان باقی مانده که به وی می‌گروند را نجات بخشد! کمپ تابستانی بچه‌ها روی آتش در کنار دریاچه شیطان در داکوتای شمالی امریکا، کمپی است که زن واعظ اوانجلیستی به نام بکی فیشر آن را تأسیس کرده و کودکان را از شش سالگی به آن جا می‌آورد و با آموزش‌های شبانه‌روزی می‌خواهد آن‌ها را به سربازانی برای نبرد آرماگدون تبدیل کند. گفتنی است در فرهنگ سیاسی امروز، اوانجلیست‌ها به صهیونیست‌های مسیحی نیز معروفند.

هایدی اوینگ و راشل گریدی، سه کودک به نام‌های لوی، ریچل و توری را انتخاب کرده و با دنبال کردن آن‌ها به طور موازی، تماشاگر را با فضای کمپ، ایده‌های سیاسی و مذهبی خانم فیشر و سیستم آموزش مذهبی او و مکانیسم تلقین و شستشوی مغزی کودکان در این کمپ آشنا می‌سازد. این کودکان به طور داوطلبانه و با رضایت والدینشان در این اردوگاه شرکت کرده و تحت تعالیم اوانجلیستی قرار می‌گیرند.

در فیلم مشاهده می‌کنیم، خانم فیشر به بچه‌ها می‌گوید که وظیفه دارند جهان را به مسیح موعود بازگردانند و کلید این کار در دست آن‌هاست. او مأموریت خود را مبارزه معنوی می‌خواند و تلاش می‌کند کودکان را از نظر فیزیکی و ذهنی بی‌اختیار کرده و تحت کنترل تام خود درآورد و به این ترتیب آن‌ها را آماده پذیرش ایده‌های صهیونیستی خود کند. هدف وی از ایجاد این کمپ تنها هدایت کودکان در مسیر مذهب نیست، بلکه او می‌خواهد از آن‌ها سربازانی برای آینده بسازد؛ سربازانی برای امثال جورج بوش که بکی فیشر درباره‌اش می‌گوید: خداوند او را برای نجات دنیا و بازگرداندن آن به دست مسیح فرستاده است.

کاملاً روشن است که خانم فیشر اهداف نئوکنسرواتیوهای حاکم بر امریکا را دنبال می‌کند که هرگز طرح و نقشه‌های جنگ‌افروزانۀ خود را برای حمایت از بقای اسرائیل و پیشرفت صهیونیسم در دنیا پنهان نکرده‌اند. از یاد نمی‌بریم که همین جناب جورج بوش در اوایل حاکمیتش بر کاخ سفید، آریل شارون (نخست‌وزیر پیشین اسرائیل و قصاب کشتارهای دسته‌جمعی فلسطینیان) را پدر روحانی خویش خواند!

خانم بکی فیشر در صحبت‌هایش گرایش خود به ایده‌های جورج بوش را انکار نمی‌کند و آشکارا آن را در سخنانش تبلیغ می‌کند. او با لحنی پرشور و هیجان‌انگیز حرف می‌زند تا بتواند کودکان خردسال را تحت تأثیر قرار داده و جذب ایده‌های سیاسی خود سازد. او از جنگ فرهنگی حرف می‌زند و کودکان را از نفوذ شیطان بر حذر می‌دارد. بکی فیشر از روش‌های سمبلیک و ابزارهای ساده مثل بادکنک و عروسک برای جسمیت بخشیدن به مفاهیم خیر و شر استفاده می‌کند. بچه‌ها با چکش، فنجان‌هایی را که نام شیطان روی آن‌ها نوشته شده، می‌شکنند و نام مسیح را فریاد می‌زنند. آن‌ها با شنیدن حرف‌های تهییج‌کننده بکی فیشر، از خود بی‌خود شده، دست‌ها را به سمت آسمان دراز کرده و به نحو هیستریکی ضجه می‌زنند و دوربین همه‌جا با آن‌ها و در کنار آن‌هاست، بدون این‌که لحظه‌ای توجه آن‌ها را به خود جلب کند یا مزاحمشان باشد.

اردوگاه مسیح، مستندی بدون شرح است؛ هیچ تفسیر و توضیحی در کار نیست؛ هیچ نریشنی وجود ندارد؛ فیلم‌سازان مطلقاً خود را نشان نمی‌دهند و حضور خود را به رخ نمی‌کشند یا نسبت به حرف‌هایی که در فیلم زده می‌شود،



افزون بر این، غرب استعماری، در سه دههٔ اخیر پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کوشیده است با تولید فیلم‌های هالیوودی دارای مضامین مرتبط با دکترین آخرالزمان و آیین نجات، همچنین با نشر و ترویج مکاتب و مذاهب و فرقه‌هایی که هر یک به گونه‌ای سنگ نجات انسان و جهان در آخرالزمان را به سینه می‌زند، فهم و درک جهانی را به جانب غرب به مثابهٔ عامل نجات جهان و انسان جلب کند.

اکنون با عنایت به مفهوم نجات و منجی و با توجه به سوءاستفاده‌های کلانی که از دکترین نجات می‌شود، باید آن را یکی از مدارهای تربیت زمینه‌ساز قرار داد و شرایط و اوضاع و احوال تربیتی را بر اساس آن تنظیم کرد. بدیهی است کسانی که برای زمینه‌سازی در راستای نجات انسان‌ها تربیت می‌شوند باید خود از جمله نجات‌یافتگانی باشند که مراحل کمال انسانی را با تمام توان و با انگیزهٔ عالی طی کرده باشند، وگرنه

ذات نیافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش؟

پیامبران الهی همه عاشق نجات انسان‌ها بودند. اوصیای آن بزرگواران از جمله اوصیای خاتم آنان نیز در راه نجات انسان‌ها از هیچ کوشش و فداکاری و شهادت طلبی دریغ نمی‌کردند. با این وصف، انبیا و اوصیای آنان آگاه بودند که رسالتشان در راستای زمینه‌سازی برای ظهور منجی آخرالزمان است؛ منجی، همان پیشوایی که عصارهٔ تمام پاکی‌ها و سلالهٔ همهٔ پاکان است. آن برگزیدگان الهی به این رسالت خطیر نیز دل خوش داشتند و با کمال

موضع‌گیری نمی‌کنند. به جای آن سعی دارند هر قدر که می‌توانند خود را به بکی فیشرو، کودکان و والدین آن‌ها نزدیک ساخته و تأثیر هولناک حرف‌های فیشرو و یاران او در کمپ روی کودکان معصوم و بی‌گناه را به نمایش گذارند. آغاز فیلم «اردوگاه مسیح»، دوربین از بزرگراهی می‌گذرد که تابلوی «خدا امریکا را حفظ کند» در آن کاملاً توجه تماشاگر را جلب می‌کند و صدای مایک پاپانتونیو بر روی این تصویر شنیده می‌شود که می‌گوید: در واقع این مذهب صهیونیست‌های مسیحی است که این کشور را هدایت می‌کند و حاکمان ادعا دارند که همهٔ آن‌چه که انجام می‌دهند، به نام خدا و برای خداست. او می‌گوید: به مردم امریکا می‌گویند که جورج بوش مرد مقدس و برگزیدهٔ خداوند است و آمده است جامعهٔ مسیحی را نه تنها در امریکا، بلکه در تمام جهان ایجاد کند. لوی نوجوانی ۱۲ ساله‌ای است که مانند کشیش‌ها حرف می‌زند و قصد دارد در آینده کشیش شود. او در یکی از وعظ‌های خود در کمپ می‌گوید که نسل او نسلی است که می‌تواند مسیح را بازگرداند. توری نیز دختر ۱۰ سالهٔ یک افسر امریکایی است که به موسیقی‌های هوی متال و راک علاقه مند است. در صحنه‌ای از فیلم، یکی از خدمتگزاران اردوگاه، شمایل مقوایی بزرگی از جورج بوش را در مقابل بچه‌ها قرار می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد او را دعا کنند. بچه‌ها نیز دست‌هایشان را به سمت بوش دراز کرده و برای او دعا می‌خوانند؛ حرکتی که بیشتر به پرستش شبیه است تا دعا.

در فیلم گفته می‌شود، این کودکان ارتش مسیحی جمهوری خواهان هستند و باید برای نجات امریکا از شر دشمن و نیروهای ضد مسیح آماده شوند. واعظان کمپ مسیح در سخنان خود آشکارا از تجهیز نظامی این ارتش ایدئولوژیک صهیونیستی در قدم بعدی سخن می‌رانند.

Hamshahrionline، چهارشنبه، ۱۳۸۷/۱/۱۴، کد مطلب ۴۷۴۴۴، با اندکی حذف و تصرف

ارادت و اخلاص، به سهم خویش مجاهدت می‌ورزیدند تا مسئولیت الهی خود را به سلامت به انجام رسانند و در این راه موفق بودند.

اکنون به پشتوانهٔ مجاهدت‌های همهٔ بزرگوارانی که در اندیشهٔ نجات انسان‌ها عمر مبارک خویش را به پایان رساندند باید با تلاش و جدیت به همتی متعالی دست یافت و با عشق، ارادت و اخلاص به تربیت نسلی که بتواند یاور امام زمان در تحقق بخشیدن به آمال و آرزوهای ایشان باشد اهتمام ورزید. افزون بر این، همان‌گونه که در دعاها و زیارت‌نامه‌ها آمده است،<sup>۱</sup> باید ملتزمانه از خدا خواست که ما را در زمرهٔ نجات یافتگان حضرت مهدی قرار دهد؛ نجات یافتگانی که با کمال اخلاص در فرمان‌برداری از مقام آن جناب کوشا هستند.

### ۵. کمال‌انگاری؛ توجه به کمال بشر و ملزومات آن در تربیت زمینه‌ساز

میان تربیت زمینه‌ساز و توجه به کمال بشریت ملازمه و همبستگی مثبت برقرار است. هرچه بیشتر به نجات انسان‌ها بیندیشیم کمال انسان‌ها و ملزومات آن بیشتر جلوه‌گری می‌نماید. دوران‌دیشی مریبان ایجاب می‌کند آنان در تدارک تربیت زمینه‌ساز هرگز از نیل تربیت یافتگان خود به کمال الهی و انسانی غفلت نورزند؛ چرا که بی‌توجهی به این عنصر کلیدی تلاش آنان را ناکارآمد خواهد ساخت. دولت کریمهٔ امام زمان علیه السلام به استواری مردان و زنانی استوار و برقرار می‌ماند که در کمال‌یافتگی، گوی سبقت از اقران خود برده باشند.

چنان‌که گفته شد، تربیت برای نیل به برترین‌ها، بهترین‌ها و مهم‌ترین‌ها از جمله اهدافی است که در فرهنگ تربیت زمینه‌ساز، بیش از حد مهم و حیاتی به نظر می‌رسد. کمال انسان هم به این است که بر اساس تربیت شایسته و بایسته تا آن‌جا که میسر است به بهترین‌ها و برترین‌ها دست یابد. عصر ظهور عصر برترین‌ها و بالاترین‌هاست؛ عصر برترین و بالاترین رفتار و منش؛ عصر بهترین شخصیت‌ها برای بالاترین مسئولیت‌ها و مهم‌ترین رسالت‌ها، متناسب با جایگاه نظام و دولت مهدوی. به بیانی دیگر، عصر امام زمان علیه السلام عصر کمال انسان و کمال تاریخ و زمین و زمان است. عصر مهدوی عصری است که همه چیز از جمله طبیعت و انسان و پیشرفت و بلندمرتبگی، همه و همه به اوج کمال خود می‌رسند. شایستگی‌های هر چیز و هر موجودی بناست در این عصر به منصفهٔ ظهور برسد. این ارادهٔ حتمی و محکم الهی است که به اذن خداوند تحقق خواهد یافت. در این عصر حتی زمین و آنچه روی زمین یا درون آن است

۱. «و اسألك بحرمة وجهك الكريم... و تجعلني في جملة الناجين به و المخلصين في طاعته...» (قمی، بی‌تا: زیارت ائمهٔ سر من رأی، زیارت امام هادی علیه السلام)

کمال و شایستگی‌های خود را بروز خواهد داد تا چه برسد به انسان که همهٔ امور برای او تنظیم و مستقر شده است.

اما تا کنون حریم کمال انسان و تاریخ و جهان از دستبرد شیخون فرهنگی غرب در امان نمانده است، تا جایی که عوامل فرهنگی غرب در تهاجم خود به فرهنگ و ارزش‌های اسلام کوشیده‌اند کمال مادی و معنوی تاریخ را به نفع فرهنگ غرب مصادره و تئوریزه کنند. به عنوان نمونه، به دیدگاه فرانسیس فوکویاما توجه فرمایید که به استناد اندیشهٔ دیالکتیک هگل و در تکمیل آن تلاش کرده است ثابت کند در آستانهٔ هزارهٔ سوم میلادی، همه شاهد شکوفایی و کمال معنوی و مادی جهان و انسان خواهیم بود. فوکویاما بر این عقیده است که هگل فلسفهٔ کمال مادی تاریخ را رقم زد و آن را توجیه و تأیید نمود. پس از آن تا زمان حاضر انسان در تدارک و تأمین کمال معنوی تاریخ بوده است. تاریخ بدین منوال با شکوفایی نظام لیبرال - دموکراسی در غرب شاهد ظهور و بروز کمال معنوی خود است. لیبرال - دموکراسی به سرکردگی غرب قدرتمندی چون امریکا بناست به مثابهٔ جامع کمال مادی و معنوی تاریخ، فصل الخطاب همهٔ نظام‌های سیاسی و حکومت‌ها در سطح و گسترهٔ جهان باشد و سرمشق همهٔ دولت‌ها قرار گیرد. فوکویاما تأکید می‌کند که با رشد و توسعهٔ اندیشهٔ هگل و شکوفایی لیبرال - دموکراسی در غرب و انتشار آن در جهان، تاریخ به فرجام و سرآمد مطلوب و در نتیجه به کمال مادی و معنوی خود رسیده است (نک: لاریجانی، ۱۳۷۴: ۱۸۳ و ۲۶۹ - ۲۸۰).

این نمونه‌ای از خروارها ترفندهای شیطنانی است که توسط غرب تولید و ترویج می‌شود تا اذهان و افهام بشر از همه جا منصرف و به جانب غرب به اصطلاح لیبرال - دموکرات منصرف گردند. این اندیشه‌های اهریمنی چندین بار تا کنون از جانب غرب استعمارگر با شیوه‌های گوناگون و فنون رنگارنگ بازتولید و بازسازی شده و به افکار عمومی جهانیان بی‌خبر تزریق گردیده است. این‌ها نشان می‌دهد که تا چه اندازه باید با بصیرت بود و هشیارانه عمل کرد، مبدا ذهن و خیال ما در همهٔ فرهنگ و اندیشهٔ غرب تخریب و تضییع شود. اکنون می‌فهمیم چرا معصومین علیهم‌السلام این همه ما را از غفلت و درگیر شدن در اندیشه و رفتار بیگانگان برحذر داشته و نسبت به فتنه‌های بزرگ آخرالزمان هشدار داده‌اند (برای مثال، نک: مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۵۱، ۶۸-۷۰؛ کلینی، ۱۴۰۱: ۵۸؛ ابن حماد، ۱۹۹۷: ۲۸؛ مقرئ دانی، ۲۰۰۸: ۳۵).

در برابر تمام ترفندها و فتنه‌های ویران‌گر، عصر ظهور را باید از سویی عصر شکست هیمنهٔ شیطان و عصر ابطال همهٔ فتنه‌ها دانست و از سوی دیگر، عصر شکوفایی همهٔ کمالات و برجستگی‌های ممتاز انسان برشمرد. با توجه به چنین رویداد عظیم و بلندمرتبه‌ای است که

تربیت زمینه‌ساز از هم‌اکنون تا زمان ظهور باید کمال محور باشد و در هر زمینه و با هر گرایش و به هر شیوه‌ای به مراحل کمتر از مرحله کمال یافتگی بسنده نکند.

### ۶. تحول‌مداری؛ تحولات شگرف فراروی انسان و جهان در عصر ظهور

تحولات جهانی در آستانه ظهور و پس از ظهور آن چنان چشمگیر و خیره‌کننده و بدون سابقه هستند که گویا جهان از نو تولد یافته است. فکر و اندیشه و هنر و معرفت انسان‌ها نیز آن چنان بالنده و کمال یافته است که گویا انسان‌ها از نو به دنیا آمده‌اند. جهان آلوده به کفر و کافر، جهان مرده‌ای بیش نیست. وقت ظهور که کفر و کافر از جهان رخت بریندد، زمین زندگی دوباره می‌یابد.<sup>۱</sup> در روایات مربوط به عصر مهدویت عباراتی به چشم می‌خورد که مضامینی چون بهار انسان‌ها و خرمی دوران‌ها،<sup>۲</sup> تولد دوباره، تجدید حیات، نوآوری، شکوفایی و نظایر آن را تداعی می‌کنند. این گزاره‌ها و واژه‌ها با مضامینی که ترویج می‌کنند بیان‌گر این واقعیتند که با ظهور امام زمان علیه السلام اسلام و قرآن و ارزش‌ها و مسلمانی و زمین و زمان و مکان حیات دوباره می‌یابند.

تعبیر به حیات دوباره از این است، که نمی‌توان پیشینه‌ای برای تحولات شگرفی که در اندیشه و سبک زندگی بشر روی زمین رخ می‌دهد پیدا کرد. هرچه هست به برکت سرآمدن فرج و ظهور و حضور حجت خدا بر روی زمین است. حضرت ولی عصر علیه السلام از این نظر که وجود مبارکش مظهر و تجلی اسم اعظم الهی است، تمام کمالات را داراست و از این رو مایه تأمین حیات معنوی و سرچشمه آب زندگانی و به بیانی حقیقت آب حیات هستند (نک: جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۱۷). با ظهور حضرت مهدی علیه السلام اسلام از غربت دیرینه خود نجات می‌یابد و حقایق از اسلام که تا آن زمان برای همه کس پوشیده مانده است آشکار می‌گردد و اسلام رنگ و روی تازه می‌گیرد تا آن جا که به خیال عده‌ای امام زمان علیه السلام دین جدیدی ارائه داده است! (همو: ۲۶۵)<sup>۳</sup>

اساساً سیره امام زمان علیه السلام بر این است که همچون جد بزرگوار خود با تمامی خرافه‌ها و موهوم‌پرستی‌ها مبارزه کند و سنت‌های جاهلی را که به نام اسلام رواج یافته و ساحت دین را

۱. قال الباقر علیه السلام: «يُخَيِّبُهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِالْقَائِمِ علیه السلام بَعْدَ مَوْتِهَا [يَعْنِي] بِمَوْتِهَا كُفْرَ أَهْلِهَا وَ الْكَافِرِ مَمِيَّتًا.» (صدوق، ۱۳۹۶ - ب: ج ۲، ۳۸۵)

۲. «السَّلَامُ عَلَى رَبِيعِ الْأَنْثَامِ وَ نَضْرَةَ الْأَيَّامِ؛ سلام بر بهار انسان‌ها و خرمی دوران‌ها.»

۳. قال الباقر علیه السلام: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ دَعَا النَّاسَ إِلَى أَمْرِ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَإِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ فَطَوَّبَى لِلْغُرَبَاءِ.» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۲۰)



مخدوش ساخته است ابطال فرماید و اسلام را به صورتی نو و طرحی جدید ارائه دهد. اسلام در عصر ظهور با شکل و طرح جدید خود از جذابیت‌های ویژه‌ای برخوردار است که هرگز نمی‌توان نمونه و مثالی برایش در نظر گرفت (نک: همو).<sup>۱</sup>

با توجه به چنین برداشت‌هایی است که تربیت زمینه‌ساز ظهور بسیار موضوعیت می‌یابد و حساسیت بالایی دارد. مگر می‌شود به یک چنین واقعیت‌هایی امیدوار بود، اما متناسب با ظهور و بروز آن‌ها تدارکی ندید و برنامه‌ای تنظیم نکرد؟ برنامه‌های تربیتی همیشه تابعی از اهداف و اغراض و مقاصد تربیتی هستند. مریبان بسته به این‌که چه هدفی را از تربیت انسان‌ها دنبال می‌کنند، برای تربیت آنان برنامه‌ریزی می‌نمایند. به عبارتی، برنامه‌های تربیتی درست باید در راستای تأمین اهداف تربیتی باشند. بدین ترتیب، هنگامی که بناست به استقبال ایام فرخنده و پرافتخاری برویم که زمین و زمان و انسان و جهان تازه می‌شوند، باید به فکر چاره بود و برای ورود به چنین ایام مبارکی خود را آماده ساخت و به منظور تحقق هرچه سریع‌تر چنین دوران خرم و بهاری، خویشتن را تربیت نمود. تربیتی بر این اساس زمینه‌ساز است که روند تازه و سرآمدی را نسبت به همه روندهای جاری و متعارف آغاز کند و نتایج آن در تحقق منویات و مقاصد امام زمان علیه السلام مؤثر باشد. هنگامی که حضرت ظهور فرماید، دین مبین اسلام شاخ و برگ تازه می‌آورد. در این صورت، تمامی علف‌های مزاحم و هرزی که در طول دوران غیبت کبرا به دامن اسلام چسبیده‌اند ریشه‌کن گردیده، از تنه استوار اسلام ناب زدوده می‌شوند. به منظور پاسداری از درخت پاکیزه اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله در عصر ظهور، لازم است نسلی تربیت شوند که توانایی درک این موقعیت و توان و لیاقت و قابلیت حراست از چنین هنگامه عظیمی را داشته باشند. این امر میسر نمی‌شود مگر به مدد تربیتی که منتظران ظهور و فرج امام زمان متناسب با وضعیت و تربیت جدید به دست آورده‌اند.

از همه گذشته، جوامع بشری پس از دوران متمادی تجربه‌های بی‌شمار، در انتخاب الگو و شیوه زندگی به نقطه‌ای می‌رسند که احساس می‌کنند باید فضای تازه‌ای را گشود و در هوای تازه‌ای نفس کشید. به یمن ظهور و به برکت نفس قدسی امام زمان علیه السلام روح تازه‌ای در کالبد جهان دمیده می‌شود، اسلام و قرآن از نو حیات و خرمی می‌یابند<sup>۲</sup> و به انسان و جهان حیات

۱. قال الصادق علیه السلام: «... یَضَعُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَهْدُمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً.» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۰)

۲. «السلام عليك يا أبا الإمام المنتظر الظاهرة للعاقل حجة... و المعید ربنا به الإسلام جدیداً بعد الإنطماس و القرآن غضا بعد

دوباره می بخشند. تربیت زمینه ساز از یک منظر می خواهد زمینه ساز و تحقق بخش چنین عصر و هنگامه با عظمتی باشد؛ هنگامه ای که صاحبش به حق بهار خلائق و خرمی روزگاران است.

### ۷. رعایت حق التقوی؛ تربیت زمینه ساز بر اساس تقوای گام به گام و فراگیر

در نقطه مقابل دام ها و گام های شیطانی، آن چه مربیان تربیت زمینه ساز باید از عهده انجامش برآیند و فرگیران مستعد را به مفاد آن و به منظور تحقق ارزش های برگرفته از آن تربیت کنند، عبارت است از تربیت به مفاد آیه قرآن که اهل ایمان را به رعایت حد اعلای تقوای الهی و پایداری بر اسلام و مسلمانی سفارش می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾. (آل عمران: ۱۰۲)

حق التقوی مراعات همه الزامات تقوایی در تمامی احوال و شرایط و مناسبت هاست؛ تقوا در ارتباط با خداوند، تقوا در ارتباط با خود، تقوا در ارتباط با دیگران، تقوا در ارتباط با آفرینش و آفریده ها و اشیا و پدیده ها. از اهل ایمان خواسته شده است حق التقوی را - آشکارا و نهان - از همه جنبه های اعتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و... مراعات کنند. حق التقوی شعار تقوایی در همه ساحت ها و از تمامی جنبه های زندگی است، به گونه ای که نه تنها اعمال و رفتار اعضا و جوارح را دربر می گیرد، بلکه مشتمل بر تقوا در ناحیه خیال، اندیشه، احساس، هیجانات، عواطف، امیال و آرزوها نیز هست. با این بیان، رعایت حق التقوی در کنار سایر اصول، حد نصاب لازم برای تربیت زمینه ساز محسوب می گردد. قرآن در ادامه سفارش به حق التقوی، فرمان به اعتصام به حبل المتین الهی می دهد که به تعبیر روایات منظور همان توسل و چنگ زدن به ریسمان محکم و راستین قرآن و ولایت اهل البيت علیهم السلام است.<sup>۱</sup>

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَاناً وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾. (آل عمران: ۱۰۳)

۱. ایندرا. «(قمی، بی تا: مفاتیح الجنان، زیارت ائمه سر من رأی، زیارت امام حسن عسکری علیه السلام) برای مثال نک: روایتی از امام صادق علیه السلام که ائمه اطهار علیهم السلام را حبل المتین الهی می داند، آن جاکه می فرماید: «نَحْنُ حَبْلُ اللَّهِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ فِيهِ: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً﴾» (طبرسی، ۱۳۹۰: ج ۲، ۴۸۲). در روایتی دیگر، حضرت با اشاره به دو نمونه حبل الهی و انسانی مورد نظر قرآن، «حبل من الله» را قرآن و «حبل من الناس» را امیرالمؤمنین علی علیه السلام معرفی می کند: «عن ابی عبد الله علیه السلام فی قوله: ﴿إِلَّا يَحْبِلُ مِنَ اللَّهِ وَ حَبْلُ مِنَ النَّاسِ﴾ قال: الحبل من الله كتاب الله والحبل من الناس هو علی بن ابی طالب علیه السلام، (همو: ج ۳، ۳۸۳).

به طور قطع، رعایت تقوای الهی در ارتباط با خداوند، پیامبران، امامان و اولیای الهی، به ویژه نسبت به شخص و شخصیت حضرت ولی عصر علیه السلام و خلافت و ولایت و حکومت جهانی آن حضرت از جمله مصادیق و موارد بارز و برجسته حق التقوی به شمار می رود. از همه مهم تر، آن گونه که از ادامه آیات قرآنی به دست می آید، پایبندی به دین حنیف اسلام با همه لوازم و آثار آن، همچنین چنگ زدن به حبل متین الهی - به بیانی که گذشت - همه در راستای نیل به حقیقت تقوا و زمینه سازی برای عصر ظهور، از لوازم روشن حق التقوی به شمار می روند.

### ۸. التزام به حق الجهاد؛ تربیت زمینه ساز تربیت مجاهدان راستین

تحقق هنگامه عظیمی چون ظهور امام زمان علیه السلام بیش از هر عاملی در گرو همت والای مجاهدان راستین راه خداست؛ مجاهدانی که نه تنها از مال و جان و هستی خود که حتی از نام و نشان و اعتبار و تمامی آن چه رنگ خودی و خودپرستی دارد می گذرند تا رضای الهی را به دست آورند. اینان همواره در میدان جهاد اکبر، در جدال با هواهای نفسانی و امیال شیطانی، چه پیش از جهاد اصغر و مبارزه با دشمنان بیرونی و چه پس از آن، موفق و سربلند و پیروزند. اینان مورد تحسین و تجلیل پیامبرند که در گرامی داشتشان فرمود:

آفرین بر مردمی که جهاد کوچک تر را [با موفقیت] به انجام رساندند و [رسالت] جهاد بزرگ تر همچنان بر دوششان باقی مانده است.<sup>۱</sup>

این مجاهدان سرافراز می توانند از مصادیق بارز و مسلم این آیه از قرآن باشند که فرمود:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾؛ (بقره: ۲۰۷)

و از میان مردم کسی هست که خویشتن را به بهای دریافت خشنودی خداوند [با وی] معامله کند و خداوند نسبت به بندگانش بسیار مهربان است.

این آیه در شأن حضرت علی علیه السلام و درباره ايثار و فداکاری ایشان در ليله المبيت نازل شده است (نک: سبحانی، ۱۳۷۴: ۴۵ - ۵۷؛ امینی، ۱۳۹۸: ج ۲، ۴۹ - ۴۷؛ غزالی، بی تا: ج ۳، ۳۷۸؛ ابن جوزی، بی تا: ۳۵؛ حاکم حسکانی، ۱۳۶۹: ج ۱، ۱۲۳، ش ۴)، با این وصف شامل حال مجاهدانی نیز می تواند باشد که بسته به ظرفیت وجودی خود برای مجاهدت خویش جز

۱. عن أبي عبد الله عليه السلام: أن النبي صلى الله عليه وآله بعث سرية فلما رجعوا قال: مَرَحِبًا بِقَوْمٍ قَصَّوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ. فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؟ قَالَ: جِهَادُ النَّفْسِ. (حر عاملي، ۱۴۱۴: كتاب الجهاد، باب جهاد النفس و ما يناسبه،

رضای الهی منظور دیگری در سر نمی پروارند. کسانی از مجاهدان راه خدا که به این مقام برسند، به مقامی که جز خدا را درک نکنند و جز به رضایت او نیندیشند، در حقیقت حق جهاد الهی را ادا کرده‌اند و به این سفارش قرآن پاسخ مثبت داده‌اند که فرمود:

﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ﴾. (حج: ۷۸)

مترجمان قرآن کریم، «جاهدوا فی الله» را به مثابه «جاهدوا فی سبیل الله» برشمرده‌اند، گو این‌که در مقام ترجمه «فی الله» کلمه «سبیل» را مستتر دانسته‌اند. هر چه باشد تعبیر «فی الله» به جای «فی سبیل الله» تعبیر بسیار ظریفی است که هرگز نباید از این ظرافت و فلسفه آن غافل ماند. ظرافت چنین تعبیری در این است که بیان‌گر شدت تعلق خاطر مجاهدان راستین به خداوند بوده، ذوب شدن آنان در وجود خداوند را مورد تأکید و توجه قرار می‌دهد. پیرو برداشت از آیه بالا، این تعلق خاطر به خداوند در واقع شرط اساسی سرافرازی مجاهدان راستین خدا، راه ورود به ملیت و آیین حنیف پدر آیین‌های الهی حضرت ابراهیم علیه السلام، معیار سنجش اعتبار مسلمانی مسلمانان به اسلام ابراهیمی، ملاک شأنیت گواه مردم دنیا واقع شدن و رمز پذیرش ولایت الهی و توفیق درک نصرت خداوندی به شمار می‌رود. در آیه فوق به این امور ویژه اشاره رفته است؛ اموری که با اصول و مقاصد تربیت زمینه‌ساز نیز تناسب و سنخیت دارند و برای تدارک عصر ظهور بسیار حیاتی و مهم به نظر می‌رسند. در تربیت زمینه‌ساز چنان‌چه حق جهاد در راه خدا آن‌چنان که شایسته و بایسته است ادا نشود، ثمره‌ای به بار نخواهد نشست و ظهور و فرجی به وقوع نخواهد پیوست. بدین ترتیب، یکی دیگر از حد نصاب‌های لازم در تربیت زمینه‌ساز رعایت حق جهاد و آماده‌سازی تن و جان و روان برای معامله با خداوند است؛ حقیقتی که یاران و همراهان حضرت ولی عصر علیه السلام به آن آراسته و پایبندند.

## ۹. عاشوراگرایی؛ تربیت زمینه‌ساز با الهام از زیارت عاشورا

اگر کسی بخواهد با فرهنگ شیعه آشنا شود، لازم است به زیارت عاشورا مراجعه کند؛ چون زیارت عاشورا پیش از آن‌که زیارتنامه‌ای برای شیعه باشد، فرهنگ بسیار والا و راستین تشیع ناب است؛ زیارت عاشورا پیش از آن‌که دفتری از حوادث باشد، دانشگاهی سرشار از ارزش‌ها و فضیلت‌های باشکوه و استوار است. برداشت از مکتب متعالی قرآن و اهل بیت علیهم السلام بدون

توسل و توجه به زیارت عاشورا و بدون تمسک به فرهنگ عاشورایی ابتر و ناتمام است. در زیارت و فرهنگ عاشورا، روح و شور حسینی در جریان است و از این رو چنین زیارتی مهد پرورش مرام، سیرت، خلق و خو، ادب، کمال، جلال و جمال حسینی بوده، هست و خواهد بود. زهی سعادت شیعیان که از برکات فراوان فرهنگ عاشورایی برخوردارند و از مضامین بلند آن بهره می‌برند و در همهٔ امور، به ویژه به هنگام تنگناها و در رویارویی با چالش‌ها و بحران‌ها به مدد آن به پا می‌خیزند و با الهام از آن، رسالت الهی خویش را در هر نقطه‌ای از جهان و در هر قطعه‌ای از زمین به انجام می‌رسانند!

از جمله مهم‌ترین و در عین حال مخاطره‌انگیزترین رسالت‌های شیعیان، فراهم‌سازی زمینه‌ها برای تحقق عصر ظهور و به وقوع پیوستن فرج پیشوای منصور و ظفرمند زمین و زمان و راهبر و راهنمای خلق جهان، حضرت ولی عصر علیه السلام است. همان گونه که یار و جان نثار حضرت سیدالشهدا علیه السلام بودن و وفاداری نسبت به ساحت قدسی آن بزرگوار و زمینه‌سازی برای ظهور آن حضرت نیز منوط به شرایط و لوازم ویژه‌ای است که از زیارت عاشورا و سیرهٔ حضرت سیدالشهدا علیه السلام و یاران باوفای ایشان الهام می‌گیرد. زیارت عاشورا هم از این جنبه مورد توجه و استناد است که همهٔ این شرایط و لوازم را یک جا دربر دارد.

شرایط و لوازم مزبور دارای مضامین بلندی است که در راستای تربیت زمینه‌ساز از اعتبار و کارآمدی خاصی برخوردار است. از این رو، زیارت عاشورا را باید بهترین الگو و کامل‌ترین سند برای استنباط، تبیین و تفسیر ارکان اساسی تربیت زمینه‌ساز دانست. چه بسا راز توصیه و تأکید حضرت ولی عصر علیه السلام بر مداومت بر زیارت عاشورا به همین معنا و حقیقت برگردد. در این زیارت بلند مضامین، حقایق دوسویه‌ای چون عاشورای حسینی و قیام مهدوی، غیبت و ظهور، شهادت و انتظار، حسینی بودن و مهدوی شدن با شکوه تمام در تجلی است. گو این که زیارت عاشورا پیش نیاز اصلی، بلکه اساسنامهٔ تربیت زمینه‌ساز است. در این جا با مروری به زیارت عاشورا، به مهم‌ترین موارد از این حقایق دوسویه اشاره می‌کنیم و تفصیل مطالب را به مجال دیگری وامی‌گذاریم. به بیانی روشن‌تر، روحیه، احساس، اندیشه و رفتار انسان‌های تربیت یافته به تربیت مهدوی در پرتو زیارت فرهنگ ساز عاشورا با اوصاف و ویژگی‌های زیر توصیف می‌گردد:

۱. ولایت‌مداری نسبت به امام در سه محور: قلبی، زبانی، رفتاری؛<sup>۱</sup>

۱. «يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي اتَّقَرَّبْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى فَاطِمَةَ وَإِلَى الْحَسَنِ وَإِلَيْكَ بِمُؤَالَاتِكَ»، «وَأَتَقَرَّبْتُ إِلَى

۲. برائت جویی از دشمنان امام در سه محور: قلبی، زبانی، رفتاری؛<sup>۱</sup>
۳. شهادت طلبی در راه تحقق آرمان‌های امام؛<sup>۲</sup>
۴. سلم و وفا با هر کس نسبت به امام تسلیم و وفادار است؛<sup>۳</sup>
۵. جنگ و ستیز با هر کس با امام در جنگ و ستیز است؛<sup>۴</sup>
۶. در آرزوی قیام در رکاب امام زمان علیه السلام برای خون‌خواهی خون سیدالشهدا علیه السلام؛<sup>۵</sup>
۷. با گام‌های راستین و استوار در پیروی از امام زمان علیه السلام؛<sup>۶</sup>
۸. تمنای آبرومندی و وصول به مقام قرب و همجواری با امام؛<sup>۷</sup>
۹. در اندیشه گزینش الگوی سبک زندگی با الهام از حیات و شهادت اهل‌البيت علیهم السلام؛<sup>۸</sup>
۱۰. در انتظار فرجامی شایسته و شکوهمند برای پیروزی حق بر باطل و اعتلای حق و سرنگونی باطل.<sup>۹</sup>

الله ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُؤَالَاةِكُمْ وَ مُؤَالَاةِ وَلِيِّكُمْ؛ «إِنِّي ... وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ» و ...

۱. «فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَشْسَتْ أَسَاسَ الطُّلَمِ وَ الْجَوْرَ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ ...»؛ «بُرِّثْتُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَ مِنْ أَشْبَاعِهِمْ وَ أَتْبَاعِهِمْ وَ أَوْلِيَائِهِمْ»؛ «وَ زَرَقَنِي الْبِرَاثَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ» و ...
۲. «وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمُحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ»؛ «اللَّهُمَّ اجْعَلْ ... مَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» و ...
۳. «إِنِّي سَلَّمُ لِمَنْ سَأَلْتَهُمْ».
۴. «إِنِّي ... خَرْتُ لِمَنْ خَارَ بَنُوكُمْ».
۵. «فَأَسْأَلُ اللَّهَ ... أَنْ يَزُرَّقَنِي طَلَبَ تَارِكٍ ...»؛ «وَ أَسْأَلُهُ ... أَنْ يَزُرَّقَنِي طَلَبَ تَارِكِكُمْ ...».
۶. «فَأَسْأَلُ اللَّهَ ... أَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»؛ «وَ ثَبَّتْ لِي قَدَمَ صِدْقِي عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَ أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ ...».
۷. «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَ جِيبًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»؛ «وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمُحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ».
۸. «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَخِيئَتِي مَخِيئَةَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» و ...
۹. «... وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلْمٌ وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ لَكُمْ» (قمی، بی تا: زیارت اربعین) «... وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَخُكُمَ اللَّهُ وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» (همو: زیارت حضرت عباس علیه السلام).

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَ ابْنِ أَوْلِيَائِكَ، الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَ أَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ، وَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرِّجْسَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا، اللَّهُمَّ انصُرْ وَ انصُرْ لِدِينِكَ، وَ انصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَ أَوْلِيَاءَهُ وَ شِيعَتَهُ وَ أَنْصَارَهُ، وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ. اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَ طَاغٍ، وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ احْرُسْهُ وَ امْتَنِعْهُ مِنْ أَنْ يُوَصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَ احْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ آلَ رَسُولِكَ وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ أَيِّدْهُ بِالنُّصْرَةِ وَ انصُرْ نَاصِرِيهِ وَ اخْذُلْ خَادِلِيهِ وَ اقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَ اقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَ الْمُتَنَافِقِينَ وَ جَمِيعَ الْمُلْجِدِينَ حَيْثُ كَانُوا وَ أَيْنَ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ امْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ أَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامَ وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَغْوَايِهِ وَ أَتْبَاعِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ ارْنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ مَا يَأْمُلُونَ وَ فِي عَدُوِّهِمْ مَا يَخْذَرُونَ إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ. (همو: دعای امام حسن عسکری علیه السلام)

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَ وَلِيِّكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ صَلَاةً تَامَّةً نَامِيَةً بَاقِيَةً تُعْجِلُ بِهَا فَرَجَهُ وَ تَنْصُرُهُ بِهَا وَ تَجْعَلُنَا مَعَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»؛ «اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَ الْعَدْلِ الْمُنتَظَرِ ... اسْتَخْلِفْهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ مَكَّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ أَبَدًا مِنْ تَعْدِ حَوْفِهِ أَمْنًا ... وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَ اجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا...»؛ «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُدَلُّ بِهَا التِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ ...» (همو: دعای افتتاح)

موارد بالا و موارد دیگری از این دست، یک به یک باید در دستورالعمل مدرسان و مربیان و فراگیران تربیت زمینه‌ساز قرار گرفته، مو به مو اجرا گردند و به مفاد آن‌ها عمل شود تا نسلی متناسب با عصر ظهور پدید آید و هنگامه ظهور سعادت‌آفرین مهدوی فرا رسد.

### ۱۰. باور راسخ به اراده و مشیت الهی؛ تربیت زمینه‌ساز به انتخاب الهی

پایان بخش و بسیار تعیین کننده و با اهمیت این که حکومت جهانی امام زمان علیه السلام به مثابه حاکمیت الهی در همه عرصه‌ها و ساحت‌های زندگی این جهانی و آن جهانی بشری است. قلمرو تربیت زمینه‌ساز نیز باید دست‌کم بخش وسیعی از این عرصه‌ها و ساحت‌ها را پوشش دهد. ما بر این باوریم که هرچند بسیاری از امکانات و لوازم تربیت زمینه‌ساز در اختیار مربیان و متربیان قرار دارد، اما تجلی روح و مفاد و حقیقت تربیت زمینه‌ساز هرگز با معیارهای انسانی قابل درک و سنجش و ارزیابی نیست. از این رو، تحقیق و تحصیل آن در چارچوب خواست و تأمل و طرح و برنامه انسانی نمی‌گنجد. سرآمدن انتظار و فرا رسیدن هنگامه ظهور و تحقق امور و جریان‌های وابسته به آن، همچون سایر سنن الهی از اول هم بنا نبوده در اختیار بشر قرار گیرد، بلکه از اساس مربوط به اراده و مشیت خداوندی است؛ اراده و مشیتی که ذهن بشر از درک آن کوتاه و ناتوان است. اموری چون امدادهای الهی و عنایات و الطاف ویژه خداوندی، همچنین جریان‌هایی که جز به قدرت یا کرامت و اعجاز الهی پدیدار نمی‌شوند، همه از جمله مواردی است که هیچ عامل انسانی یا طبیعی را یارای پرداختن به آن‌ها نیست.

در مجموع، یک سلسله از افعال و اعمالی که مستقیماً به خود خداوند نسبت داده شده است، همه از حد و توان درک و فهم و توانایی بشر خارج است. این که وقت ظهور کی و چگونه خواهد بود، این که یاران حقیقی امام زمان علیه السلام و تربیت‌یافتگان عصر ظهور چه تعداد و چه کسانی خواهند بود و این که حضرت ولی عصر علیه السلام به چه سبکی جهان را اداره خواهد فرمود و چگونه احکام و قوانین الهی را در گستره جهانی اش اجرا خواهد کرد، همه از جمله امور و برنامه‌هایی است که از ساحت و قلمرو درک و توانمندی انسانی فراتر است. این که خداوند هرگاه مشیتش تعلق گیرد ظهور تحقق می‌یابد، این که خداوند زمین را پربرکت می‌گرداند، این که نیروی هر انسان مؤمن پرهیزکار با نیروی چهل نفر یا بیشتر برابری کند، این که عقل و درک معرفت بشر بسیار بالا خواهد رفت، این که ۲۵ رشته علمی باقی مانده از ۲۷ رشته به اراده و اذن خداوند به دست مبارک امام زمان علیه السلام رمزگشایی خواهد شد، این که بسیاری از راز و رمزهای عالم به تدبیر و خلاقیت ایشان آشکار خواهد شد و... همه بیان‌گر شگفتی‌هایی است

که عقل بشر عادی به آن نمی‌رسد و ذهن قاصر انسانی از احاطه بر آن عاجز و درمانده است. تجلی آثار و مظاهر تربیت زمینه‌ساز نیز از جمله اموری است که مشیت الهی در آن تأثیر دارد؛ زیرا مشیت الهی نه تنها پایان بخش سلسله اسباب و عوامل تربیت زمینه‌ساز است، بلکه همچون روح در کالبد همه آن‌ها سریان و جریان دارد. سنت الهی سبب و مسبب<sup>۱</sup> همه امور عالم را بر مدار توحید و ولایت الهی مستقر می‌سازد، به گونه‌ای که هیچ امری پدید نمی‌آید، مگر بسته به اسباب و عواملی که آن اسباب و عوامل به جای خود به اراده الهی و اذن و مشیت خداوندی سامان می‌یابند و سامان بخش امور مترتب بر خود هستند. از منظر توحیدی، این حقیقت بدین معناست که همه امور تنها و تنها به خواست و اراده خداوند ایجاد می‌شوند و جریان می‌یابند. از آن گذشته، حتی کوچک‌ترین تغییری در گوشه‌ای از جهان رخ نمی‌دهد، مگر به مشیت و اذن الهی. این سنت حتمی و قانون خدشه‌ناپذیر به نوبه خود مشتمل بر نکات بسیار دقیق و ظریفی است که درک و فهم آن‌ها در تربیت روح و روان متفکران و خردمندان بسیار مؤثر است. به گزاره‌های زیر توجه فرمایید:

- خداوند در تمامی صحنه‌های عالم حضور فعال و با اراده دارد.

- افعال خداوند اصول مند و قانون مند است.

- خداوند بر همه اسباب و عوامل اشراف و نظارت دارد.

- خداوند سلسله اسباب را با حکمت بالغه خویش تدبیر می‌کند.

- خداوند هر سببی را متناسب با پیامدش به کار می‌بندد.

- خداوند هرگز از تدبیر و اداره امور و اسباب آن‌ها غافل و عاجز نبوده و نخواهد بود.

این‌ها همه از جمله اموری است که نه تنها روح ایمان به خدا و توکل بر ذات اقدس او را در جسم و جان و روح و روان انسان می‌دمد و در برابر بحران‌ها و حوادث سهمگین به وی نوید و صیانت می‌بخشد، بلکه او را در برابر غرور و خودپسندی و خودپرستی قرنطینه و ضربه‌ناپذیر می‌سازد. کسانی هستند که از روی تکبر و غرور، خود را همه‌کاره می‌دانند و برای خداوند هیچ نقش و ارزش وجودی قائل نیستند؛ این افراد خیال می‌کنند کیستند که این همه غرور دارند و جاه طلبند؟

به هر حال، انسان تربیت یافته برای عصر ظهور همواره خود را در محضر الهی و تحت اشراف و نظارت و اراده و تدبیر او می‌بیند و آنی حتی یک چشم به هم زدن از یاد او غافل

۱. اشاره به سنت الهی «أبی الله أن یجری الأمور الا بأسبابها». (مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۹۰، ح ۱۴ و ۱۵، ۱۶۸، ح ۱)



نمی‌ماند. وی وجود و دارایی و هستی‌اش را عین الربط به خداوند می‌داند و هرگز نه برای خود، که برای هیچ‌کس و هیچ موجودی استقلال وجودی قائل نیست. باورهای ایمانی و روحیه ربانی و توان جوارحی و جوانحی چنین شخصی مثال‌زدنی خواهد بود و وجود و رفتارش اسوه اهل ایمان و نسل منتظر قرار خواهد گرفت. او همواره با رعایت حق التقوی و با استعانت از خدا و توسل به اولیای الهی، در راه آن ذوالجلال و الإکرام بی‌وقفه تلاش می‌کند و خویشتن را به خدا وامی‌گذارد و ثمرات و نتایج مترتب بر حق الجهاد را از درگاه الهی مسئلت می‌نماید.

### نتیجه

نسل‌هایی که برای امام زمان علیه السلام و تحقق اهداف متعالی و منویات عالیة ایشان خود را تربیت کرده‌اند، مجاهدان پاکبازی هستند که در هر دو عرصه پیکار بی‌امان با کفر و نفاق بیرونی و درونی مدال پرافتخار جهاد اصغر و جهاد اکبر را بر گردن خود آویزان کرده‌اند. اینان مشمول عنایات الهی و الطاف حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام قرار گرفته‌اند و قطعاً ادعیه زاکیه آن بزرگواران شامل حالشان بوده است. آنان خود خواسته‌اند که چنین باشند و آرزو کرده‌اند که چنان گردند، خداوند نیز از توجه به آنان هرگز غافل نمانده است و الطاف بی‌کران خود و اولیای خویش را بر سر و روی آنان بارانده است. اینان کسانی هستند که خداوند نه تنها یک مرتبه، بلکه هر روز و نه تنها هر روز یک نوبت، بلکه روزی هفتاد مرتبه به آنان می‌نگرد و به وجودشان پیش روی ملائکه مباهات می‌ورزد.<sup>۱</sup>

نسل عصر ظهور در شایستگی‌های روحی و معنوی و روحانی یادآور یاران شیدا و باوفای جد بزرگوار امام زمان علیه السلام حضرت سیدالشهدا علیه السلام هستند. اینان هرگز و در هیچ شرایطی از راهی که برگزیده‌اند باز نمی‌گردند و از حقیقتی که به آن پیوسته‌اند انحراف نمی‌یابند. در مسیر حق هیچ سرزنش و ملامتی آنان را سست نمی‌سازد و از هیچ عاملی کمترین هراسی به دل راه نمی‌دهند. اینان پایداری و استواری را درس داده‌اند و با قامت رسای خود همچنان پویا و پرتحرک در انجام رسالت الهی خود از هیچ تلاشی دریغ نمی‌ورزند. اینان همچون کوهی راسخ و پابرجا هستند که در برابر تندبادهای ویران‌گر و از جای برکن هرگز حرکت و تزلزلی نخواهند داشت. اینان همچون ابرهای پرباد و متراکمی هستند که بر سرزمین‌های تفتیده و خشکیده می‌بارند و همه جا را خرم و سرسبز می‌سازند. اینان به سان چشمه‌ساران جوشان و خروشان هستند که

۱. «أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً وَأُكَلِّمُهُمْ كُلَّمَا نَظَرْتُ إِلَيْهِمْ.» (مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۷۴، ۲۳)

کام‌های تفتیده و تشنه‌ خلاق را از زلال آب گوارای معرفت سیراب می‌گردانند. اینان کسانی هستند که جمجمه‌های خویش را به خداوند سپرده‌اند و در سر خویش هوایی جز هوای وصال او ندارند و به کسی جز او نمی‌اندیشند.<sup>۱</sup> اوصاف و ویژگی‌های پرهیزکاران در زبان امیرمؤمنان علیه السلام<sup>۲</sup> در توصیف اینان به کار می‌آید و تعریف و تمجید قرآن و اهل البیت علیهم السلام از مؤمنان حقیقی در وجود اینان مصداق می‌یابد. جهان به یمن قدوم اینان آفریده شده است و انسانیت به گل وجود ایشان شرافت و کرامت یافته است و فرشتگان با زیارت اینان در درگاه خداوندی نسبت به پریشی که در بدو آفرینش انسان کرده‌اند مجاب و قانع گشته‌اند.<sup>۳</sup>

اگر چنین تربیت‌یافتگان زمینه‌سازی نمی‌بودند، ظهور و فرجی در میان نمی‌بود و ورقی به زمین و زمان و عالم امکان نمی‌خورد. اینان هستند که یک نفرشان برابر یک ملت است و از عهده اداره یک ملت به خوبی و شایستگی تمام برمی‌آید. بنا نبوده و نیست که حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام از راه اعجاز و کرامت جهان را اداره کنند. آن چه مقدر الهی است این است که جهان با امامت امام زمان علیه السلام به طور متعارف و با همراهی و کمک یاران باوفای ایشان اداره شود. تعداد اندک این یاران هرگز موجب نمی‌شود اکثریت جهان بر آنان مستولی شوند و عرصه را برایشان تنگ کنند. هنگامی که کارگزاران حضرت در جنبه‌های گوناگون اداره جهان خود ساخته و خود پرداخته باشند، آحاد فراوانی را به تحرک و پویایی وامی‌دارند. گفته شده است: «الناس علی دین ملوکهم» (مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۱۰۲، ۷) انسان‌ها نوعاً پیرو دین و کیش پادشاهان و بزرگان خود رفتار می‌کنند. پس بسته به این که خلق و خو و رفتار و رویه بزرگانشان چگونه باشد، مردم به تنظیم رفتار و رویه و خلق و خوی خود می‌پردازند. خوبی، هرچه باشد از انسان‌های والامقام دارای شأن ویژه که سرزند خوب‌تر و شایسته‌تر است. بدی نیز هرچه باشد از انسان‌های والامقام صاحب مکانت خاص که سرزند بدتر و ناشایسته‌تر است.

امام صادق علیه السلام برای شیعیان خویش به حکم شیعه جعفری بودن، مکانت و شرافت و جایگاه خاصی را منظور داشته‌اند که به موجب آن پیروان حضرتش لازم است بیش از همه

۱. «تَرَوُلُ الْجِبَالُ وَلَا تَزُلُ عَلَيَّ نَاجِدِكَ أَعْرَأَ اللَّهُ جُمُجْمَتَكَ تَدُ فِي الْأَرْضِ قَدَمَكَ ... وَاعْلَمُ أَنَّ النَّصْرَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ؛ کوه‌ها از جا کنده می‌شوند، اما تو استوار بمان. دندان‌هایت را بر هم بفشار و جمجمه‌ات را به خدا بسپار و گام خود بر زمین می‌خکوب کن و بدان که پیروزی از جانب خداست.» (شریف رضی، ۱۴۱۵: خ ۱۱، از سفارش‌های حضرت علی علیه السلام به فرزند خود محمد بن حنفیه هنگامی که پرچم سپاه را در جنگ با اصحاب جمل به وی می‌سپرد)

۲. اشاره به اوصاف متقین در خطبه مشهور به خطبه همام. (همو: خ ۱۹۳)

۳. اشاره به پرسش فرشتگان از خداوند درباره آفرینش انسان: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۳۰).

مراقب حرمت و شأنیت امام و رهبرشان باشند.<sup>۱</sup> این جایگاه از جمله عوامل ایجاد شأنیت و شخصیت است که به مفاد آن صاحب جایگاه باید بکوشد مبادا بر خلاف شأن و جایگاه ویژه‌ای که از جهت انتسابش به امام دارا گردیده است اسباب بی حرمتی و بی اعتباری خود و امامش را فراهم سازد. تربیت زمینه‌ساز ایجاب می‌کند رهروان تربیت یافته هرگز از حکم و مرام و منش ائمه هدی علیهم‌السلام - به ویژه امام زمان علیه‌السلام - تخطی نوزند و همگام و ملازم با ایشان حرکت کنند و هیچ‌گاه نه بر آنان پیشی گیرند و نه از آنان عقب افتند.<sup>۲</sup>

با این لحاظ، تربیت زمینه‌ساز نیازمند نهاد فراگیر و گسترده‌ای است که همچون یک دانشگاه عظیم و فاخر، با مدیریت منسجم و یک پارچه و انسجام بخش در همه ساحت‌های فوق بر تربیت زمینه‌ساز همت گمارد. چنان‌چه وجود چنین تشکل تربیتی میسر نباشد، گزینه بعدی این است که مراکز و نهادهای متعددی - البته در ارتباط و انسجام فکری و علمی با یکدیگر - از عهده تربیت زمینه‌ساز، هرکدام در یک یا چند ساحت ویژه برآیند. بدیهی است مفهوم این سخن این نیست که محصول تربیتی مراکز و نهادهای مزبور مستقیماً با عصر ظهور سر و کار می‌یابند و با زمان ظهور معاصرت خواهند داشت. چه بسا خدا می‌داند که نسل‌های متعددی یکی پس از دیگری بیایند و هر نسلی حدی از کمالات مربوط به حق التقوی را احراز نماید تا رفته‌رفته آن نسلی که به عصر ظهور می‌انجامد آمادگی‌های لازم را از هر جهت و از هر جنبه برای حضور در رکاب امام زمان علیه‌السلام و مجاهدت در جوار ایشان به دست آورد. هرچه باشد باید از هم‌اکنون شروع کرد. گرچه ندانیم عصر ظهور کی و چگونه و چه زمانی خواهد بود!

تربیت زمینه‌ساز در حقیقت زمینه‌های تحقق آن دسته از اهداف و آرمان‌های الهی را که بناست با سرآمدن دوران انتظار، به استناد و برکت ظهور حضرت ولی‌عصر علیه‌السلام و به دست مبارک ایشان به منصفه ظهور برسد، فراهم می‌آورد. در این صورت اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر تمامی ادیان برتری خواهد یافت<sup>۳</sup> و مستضعفان وارث و فرمان‌روای زمین و زمان خواهند شد.<sup>۱</sup>

۱. امام صادق علیه‌السلام به یکی از یارانش فرمود: «یا شقرانی! إن الحسن من كل أحد حسن، وإنه منك أحسن لمكانك منا، وإن القبيح من كل أحد قبيح وإنه منك أفح لمكانك منا.» (مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۴۷، ۳۴۹ - ۳۵۰)

۲. در صلوات شعبانیه چنین آمده است: «المتقدم لهم مارق، والمتأخر عنهم زاهق، والأزم لهم لاحق.»

۳. «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ \* هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.» (توبه: ۳۲ - ۳۳)

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ \* إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ غَابِطِينَ» (انبیاء: ۱۰۵ -

۱۰۶)

قال الحسين علیه‌السلام: «مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا وَأَوْلَهُمْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه‌السلام وَآخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَهُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يُخَيِّي اللَّهُ تَعَالَى بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ يُظَاهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.» (صدوق، ۱۳۹۶ -



با ظهور حضرت، فتنه‌ها و فتنه‌گران از روی زمین برچیده خواهند شد و انحرافات اخلاقی و سیاسی و اعتقادی رنگ خواهند باخت و منحرفان یا هدایت خواهند شد و یا به هلاکت خواهند رسید. این جاست که به اراده و امداد الهی خورشید عصر طلایی اسلام از افق ولایت و عدالت مهدوی طلوع خواهد کرد و روشنایی و فروغ جاودانه‌اش همه آفاق را درخواد نوردد.

الف: ج: ۱، ۶۸، ح: ۳۶)

۱. «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف: ۱۲۸)

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور: ۵۵)

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵)

## منابع

- ابن جوزى، يوسف بن قزاوغلى، *تذكرة خواص الامة فى خصائص الائمة*، تهران، مكتبة النيوى الحديثية، بى تا.
- ابن حماد، ابو عبدالله نعيم، *الفتن*، تحقيق: مجدى بن منصور بن سيد الشورى، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٩٩٧م.
- ابن طاوس، رضى الدين ابى القاسم على بن موسى بن جعفر بن محمد، *جمال الأسبوع لكمال العمل المشروع*، قم، منشورات الشريف الرضى، ١٣٦١ش.
- امينى (علامة)، عبدالحسين، *الغدیر*، بيروت، دارالكتاب العربى، ١٣٩٨ق.
- جوادى آملی، عبدالله، *امام مهدي؛ موجود موعود*، قم، مركز نشر اسراء، ١٣٩٠ش.
- حاكم حسانى، عبيدالله بن عبدالله، *شواهد التنزيل لقواعد التفصيل فى الآيات النازلة فى اهل البيت*، تهران، مؤسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ١٣٦٩ش.
- حر عاملى، محمد بن حسن، *وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة*، تحقيق: مؤسسة آل البيت، قم، انتشارات مهتر، ١٤١٤ق.
- راوندی، قطب الدين، *الخرائج والجرائج*، قم، مؤسسه امام مهدي، ١٤٠٩ق.
- سبحانى، جعفر، *فروع ولايت*، قم، مؤسسه امام صادق، ١٣٧٤ش.
- شريف رضى، محمد بن حسين بن موسى، *نهج البلاغه*، تحقيق: صبوحى صالح، بيروت، دار الأسوه، ١٤١٥ق.
- صافى گلپايگانى، لطف الله، *منتخب الأثر فى الإمام الثانى عشر*، قم، نشر سپهر، ١٤٢١ق.
- صدوق، محمد بن على بن حسين بن بابويه، *الخصال*، تصحيح: على اكبر غفارى، قم، انتشارات جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٣٦٢ش.
- \_\_\_\_\_، *عيون أخبار الرضا*، ترجمه: عبدالحسين رضى و محمدباقر ساعدى، تصحيح: على اكبر غفارى، تهران، انتشارات اسلاميه، ١٣٩٦ق - الف.
- \_\_\_\_\_، *كمال الدين وتمام النعمة*، تهران، انتشارات اسلاميه، ١٣٩٦ق - ب.
- طاهرى، حبيب الله، *سيمى آفتاب*، قم، انتشارات زائر، ١٣٨٠ش.
- طبرسى نورى، حسين، *النجم الثاقب فى احوال الإمام الحجة الغائب*، بيروت، دار القول الثابت، ١٤١٥ق.

- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق و تعلیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۹۰ق.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن بن علی، *مصباح المتجهد و سلاح المتعبد*، تهران، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۸ق.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۰ش.
- عسکری، ابی هلال حسن بن عبدالله، *معجم الفروق اللغویة الحاوی لکتاب ابی هلال العسکری و جزاء من کتاب السید نورالدین الجزائری*، تحقیق: بیت الله بیات زنجانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۹ش.
- غزالی، محمد بن محمد، *احیاء علوم الدین*، بیروت، دارالهادی، بی تا.
- قمی، عباس، *مفاتیح الجنان*، بی جا، بی نا، بی تا.
- کلینی، ابی جعفر محمد بن علی یعقوب بن اسحاق، *الکافی*، تصحیح: علی اکبر غفاری، بیروت، دار صعب - دارالتعارف، ۱۴۰۱ق.
- لاریجانی، محمد جواد، *کاوش های نظری در سیاست خارجی*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ش.
- مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۷ق.
- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
- مفید، عبدالله محمد بن نعمان، *الإختصاص*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ق.
- مقرئ دانی، ابو عمرو عثمان بن سعید، *السنن الواردة فی الفتن و غوائلها و الساعة و أشراتها*، تحقیق: رضاء الله المبارکفوری، ریاض، دار العاصمة، ۲۰۰۸م.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ق.

#### پایگاه های خبری و اطلاع رسانی

- پایگاه اطلاع رسانی حوزه: hazah.net
- پایگاه خبری آینده روشن: fnews.ir
- شیعه آنلاین: Shie-online
- ستاد زیارت وزارت علوم و تحقیقات و فناوری: zaer.ir

- مرکز جهانی اطلاع رسانی آل البيت عليه السلام: Aalulbayt.org , al-shia.org
- ویکی پدیا: fa.wikipedia.org
- همشهری آنلاین: Hamshahrionline





تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۲۰

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال هفتم، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۹۲

## موانع تربیت زمینه ساز

سید محمد مرتضوی\*

### چکیده

در اندیشه دینی پایان تاریخ، دوران استقرار عدالت و حاکمیت مستضعفان است که این تحول جهانی به دست حضرت مهدی علیه السلام و یاران مخلص او انجام می‌گیرد. در روایات اسلامی از یاران مهدی علیه السلام با ویژگی‌هایی یاد شده است، که تا این یاران یافت نشوند و خداوند نخواهد، آن حرکت آغاز نخواهد شد. به جز امام که معصوم و دارای عنایت ویژه خداوندی است، یاران او از بین همین انسان‌ها برمی‌خیزند.

نوشتار حاضر درباره موانع تربیت زمینه‌ساز چنین یارانی است که با تعریفی خاص از تربیت اسلامی و عوامل آن، از موانع تربیت زمینه‌ساز در حوزه افکار، گفتار و رفتار بحث می‌کند. همچنین با استناد به آیات و روایات اسلامی، در حوزه اندیشه و ارتباط با خداوند از کفر و شرک به عنوان دو مانع مهم، در حوزه ارتباط با امام عصر علیه السلام از نشناختن جایگاه حقوقی آن حضرت به عنوان مانعی مهم، و در ارتباط با خود از نداشتن بصیرت دینی به عنوان مانع مهم تربیت زمینه‌ساز یاد شده است.

در حوزه گفتار از بین موانع متعدد، به ده مانع اشاره شده است و در حوزه رفتار از تبعیت از هوای نفس، دلبستگی به دنیا، ضعف بینش اسلامی، ضعف ولایت‌پذیری و... به عنوان موانع تربیت زمینه‌ساز یاد شده است.

### واژگان کلیدی

تربیت اسلامی، عوامل تربیتی، موانع فکری تربیت زمینه‌ساز، موانع گفتاری تربیت زمینه‌ساز، موانع رفتاری تربیت زمینه‌ساز.

## مقدمه

در اندیشه دینی پایان تاریخ، دوران استقرار و زندگی مسالمت‌آمیز بشر است. این تحول جهانی به دست حضرت مهدی علیه السلام رخ خواهد داد که او را در این راه، یارانی همراهی و کمک می‌کنند. یاران مهدی علیه السلام از بین همین انسان‌ها برمی‌خیزند و با ایمانی استوار و عزمی راسخ با تمام وجود در خدمت آن حضرت به اجرای اوامر او مشغول می‌شوند که در نتیجه تلاش امام عصر علیه السلام و یاران او و امداد غیبی، حکومت جهانی مستضعفان استقرار خواهد یافت. پرسش اساسی این نوشتار این است که در زمینه تربیت نیروی زمینه‌ساز آن حکومت جهانی چه موانعی وجود دارد که مانع تربیت چنین نیروهایی می‌شود.

## تعریف تربیت اسلامی

پیش از بیان موانع تربیت زمینه‌ساز باید تعریفی روشن از تربیت دینی ارائه کرد تا موانع آن مشخص شود. باید توجه داشت تربیت دینی براساس اندیشه‌ای خاص شکل می‌گیرد. بنابراین با تربیت عمومی یا تربیت بدون اندیشه دینی تفاوت دارد و نمی‌تواند تعاریفی که از طرف دانشمندان غربی درباره تربیت انسان ارائه شده است مورد استفاده قرار گیرد. از این رو باید تعریف تربیت اسلامی را از متون دینی استخراج کرد.

اگر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بزرگ‌ترین مربی، و قرآن دارای بالاترین دستورات تربیتی است، تعریف تربیت اسلامی را می‌توان از این جمله که به عنوان هدف بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله بیان شده است درآورد. حضرت امیر علیه السلام می‌فرماید:

فَبِعَثِّ اللَّهِ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ إِلَىٰ عِبَادَتِهِ، وَمِنْ طَاعَةِ الشَّيْطَانِ إِلَىٰ طَاعَتِهِ، بِقُرْآنٍ قَدْ بَيَّنَّهُ وَأَحْكَمَهُ، لِيَعْلَمَ الْعِبَادُ رَبَّهُمْ إِذْ جَهِلُوا، وَلِيَقْرُوا بِهِ بَعْدَ إِذْ جَحَدُوا، وَلِيُثْبِتُوهُ بَعْدَ إِذْ أَنْكَرُوهُ؛ (شریف رضی، ۱۴۱۵: خ ۱۴۷)

خداوند پیامبر را با قرآن مبعوث کرد تا بندگان را از عبادت بت‌ها خارج کند و به عبادت خدا برساند و از اطاعت شیطان خارج کند و به اطاعت خدا درآورد؛ تا بندگان رب خود را که نمی‌شناختند بشناسند و به ربوبیت او اعتراف کنند، پس از آن که به زبان قبول نداشتند و تا این که خدا را تثبیت کنند پس از آن که انکار کرده بودند.

بنابراین تربیت اسلامی را می‌توان چنین تعریف کرد: به‌کارگیری اصول و روش‌هایی برای شناخت و اعتراف به ربوبیت خدا و بریدن از ربوبیت غیرخدا و ثابت ماندن در این مسیر. چنان که می‌بینیم، در این تعریف عناصری وجود دارد:

الف) شناخت خدا به عنوان تنها ربّ هستی؛  
ب) انتخاب و اعتراف به این که خدا تنها ربّ هستی است؛  
ج) کنار گذاشتن ربوبیت هرچه غیر خداست؛  
د) ملتزم شدن به اصول و دستوراتی که انسان را در مسیر این اثبات و نفی یاری می‌کند  
(مرتضوی، ۱۳۷۵: ۱۶).

با دقت در واژه‌هایی که در این تعریف به کار رفته‌اند از جمله: شناخت، اعتراف و ثابت ماندن در مسیر، مشخص می‌شود که حوزه تربیتی اسلامی افکار، گفتار و رفتار انسان است که باید این سه حوزه در یک مسیر خاص قرار گیرد تا به نتیجه رسد، که اگر به نتیجه برسد محصول آن عبد صالح خواهد بود. عبد صالح است که در رکاب انسان کامل می‌تواند زمینه‌ساز حکومت جهانی باشد و بدون وجود و تربیت چنین نیروهای صالحی امکان تشکیل حکومت جهانی وجود ندارد.

### عوامل تربیتی

در تربیت انسان از جمله تربیت دینی عوامل متعددی دخالت دارند که به طور فهرست وار می‌توان از این عوامل که در چهار مرحله قابل طراحی خواهد بود، یاد کرد:

#### ۱. خانواده

نخستین محیطی که انسان در آن قدم می‌گذارد خانواده است. در خانه عوامل تأثیرگذار در تربیت انسان عبارتند از:

الف) رفتار اعضای خانواده؛ ب) گفتار اعضای خانواده؛ ج) فرهنگ خانواده؛ د) عقاید مذهبی خانواده؛ ه) اقتصاد خانواده.

#### ۲. مدرسه

پس از خانواده، نخستین محیطی که انسان در آن پا می‌گذارد مدرسه است. هر نوع محیط آموزشی - از مهد تا دانشگاه - مدرسه نام دارد. در مدرسه عوامل تأثیرگذار بر تربیت انسان عبارتند از: الف) معلم؛ ب) کتب آموزشی؛ ج) مدیر.

#### ۳. جامعه

پس از خانواده و مدرسه، دیگر عامل تأثیرگذار بر تربیت انسان، جامعه است. عوامل تأثیرگذار بر تربیت انسان در جامعه عبارتند از: الف) نوع حکومت؛ ب) مطبوعات؛ ج) کتب

منتشره؛ د) صدا و سیما؛ ه) فیلم‌های موجود؛ و) دوستان و همنشینان.

#### ۴. فرد

گرچه خانواده، مدرسه و جامعه عوامل تأثیرگذار در تربیت انسان هستند، ولی آخرین عامل تأثیرگذار، اراده خود فرد است که تصمیم بگیرد تأثیر این عامل را بپذیرد یا نه. باتوجه به این‌که اراده فرد، آخرین عامل تأثیرگذار در تربیت است، در تمام نظام‌های حقوقی دنیا مسئولیت رفتار و گفتار انسان به عهده خود شخص خواهد بود. در اندیشه دینی هم انسان مکلف است که اگر دیگران برای تربیت او کاری انجام نداده‌اند خودش اقدام به این کار نماید. برای مثال، امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ تَوَلَّوْا مِنْ أَنْفُسِكُمْ تَأْدِيبَهَا وَاعْدِلُوا بِهَا عَنْ صَرَافَةِ عَادَاتِهَا؛ (شریف رضی، ۱۴۱۵: حکمت ۳۵۹)

ای مردم، مسئولیت تربیت خود را به عهده بگیرید و از عادت‌ها که بدان حریص است آن را بازدارید.

باید توجه داشت که تربیت درست وقتی انجام می‌گیرد که تمام عوامل تأثیرگذار بر تربیت هماهنگ باشند. گرچه هماهنگی کامل عوامل یادشده امکان ندارد، ولی دست‌کم هماهنگی نسبی آن‌ها ضروری است. اما آن‌چه کار را آسان می‌کند این است که آخرین عامل تأثیرگذار، اراده فرد است. بنابراین اگر همه آن عوامل هم برخلاف اراده او باشد، می‌تواند تأثیر آن‌ها را کنترل کند (مرتضوی، ۱۳۷۵: ج ۱، ۴۱ - ۵۰).

#### تربیت زمینه‌ساز

مقصود از تربیت زمینه‌ساز نوعی تلاش تربیتی درباره انسان است که محصول و خروجی آن سربازانی فداکار برای امام عصر علیه السلام در آماده‌سازی انسان‌ها برای آن قیام جهانی است.

#### موانع تربیت زمینه‌ساز

مقصود از موانع، هر نوع تلاش تربیتی است که مانع تحقق تربیت زمینه‌ساز باشد. باتوجه به تعریف تربیت اسلامی که باید انسان به توحید در همه ابعاد برسد، به‌ویژه توحید ربوبی که باید به جایی رسد که بپذیرد در نظام هستی «لا مؤثر الا الله» و در رفتار، گفتار و افکار خود به جایی رسد که خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داده است که خود باید چنین باشد؛

﴿فَلْيَذِكُرْكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ

وَأْمُرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ؛ (شوری: ۱۵)

بنابراین به دعوت پرداز، و همان‌گونه که مأموری ایستادگی کن، و هوس‌های آنان را پیروی مکن و بگو: به هر کتابی که خدا نازل کرده است ایمان آوردم و مأمور شدم که میان شما عدالت کنم؛ خدا پروردگار ما و پروردگار شماست؛ اعمال ما از آن ما و اعمال شما از آن شماست؛ میان ما و شما خصومتی نیست؛ خدا میان ما را جمع می‌کند، و فرجام به سوی اوست.

و امت را نیز باید به آن راه ببرد؛

﴿فَأَسْتَقِيمَ كَمَا أُمِرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾؛ (هود: ۱۱۲)

پس همان‌گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن، و هر کس با تو توبه کرده [نیز چنین کند] و طغیان مکنید که او به آن چه انجام می‌دهید بیناست.

اگر این تربیت اتفاق بیفتد نتیجه آن چنین خواهد شد که خداوند به پیامبر دستور می‌دهد؛

﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مَثَلِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ \* قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ \* قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾؛ (انعام: ۱۶۰-۱۶۲)

هر کس کار نیکی بیاورد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت، و هر کس کار بدی بیاورد، جز مانند آن جزا نیابد و بر آنان ستم نرود. بگو: آری! پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده است؛ دینی پایدار، آیین ابراهیم حق‌گرای! و او از مشرکان نبود. بگو: در حقیقت، نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من، برای خدا، پروردگار جهانیان است.

پیش‌تر گفتیم که حوزه تربیت دینی، سه محور افکار، گفتار و رفتار را دربر می‌گیرد. بنابراین موانع نیز در سه حوزه یادشده قابل طرح است:

### ۱. موانع فکری

افکار انسان سه حوزه کلی دارد:

#### الف) در ارتباط با خدا

نوع نگاه انسان به مبدأ هستی، نقشی اساسی در تربیت انسان دارد. در این حوزه چند مانع

جدی تربیت زمینه ساز را تهدید می کند:

۱. **افکار کفرآلود:** یکی از موانع جدی تربیت زمینه ساز در حوزه اندیشه انسان در ارتباط با مبدأ هستی، افکار کفرآلود است. اندیشه کفرآلود انکار وجود مبدایی برای هستی است که خداوند این اندیشه را چنین بیان می کند:

﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ﴾؛ (جاثیه: ۲۴)

و گفتند: «غیر از زندگانی دنیای ما [چیز دیگری] نیست؛ می میریم و زنده می شویم، و ما را جز طبیعت هلاک نمی کند.» و [لی] به این [مطلب] هیچ دانشی ندارند [و] جز [طریق] گمان نمی سپرند.

باید توجه داشت انکار مبدأ، تنها یک اندیشه خالی نیست، بلکه این اندیشه در رفتار و گفتار و افکار انسان نیز تأثیر گذاشته و خود یک جهان بینی است. از این رو خداوند به رسولش دستور می دهد که از گناهکاران اطاعت نکند:

﴿وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾؛ (احزاب: ۴۸)

و کافران و منافقان را فرمان مبر، و از آزارشان بگذرو بر خدا اعتماد کن و کارسازی [چون] خدا کفایت می کند.

این نوع نگاه در بین مسلمانان مطرح نیست؛ چراکه یک انسان مسلمان مبدأ هستی را پذیرفته است، ولی در تربیت انسان باید به آن توجه داشت؛ زیرا بازگشت انسان از ایمان به کفر امری ممکن است و در تاریخ نیز بسیار رخ داده که باید از این حالت به خدا پناه برد؛ زیرا آینده هیچ انسانی قابل پیش بینی نیست که چه خواهد بود که در اصطلاح دینی از چنین حالتی به ارتداد تعبیر می شود (راغب اصفهانی، ۱۴۲۶: ۳۴۹).

در قرآن کریم درباره این تحول و بازگشت انسان مؤمن به کفرده ها آیه وارد شده است؛ به عنوان نمونه:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَزِدْكُمْ مِنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾؛ (مائده: ۵۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید، هر کس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدا گروهی [دیگر] را می آورد که آنان را دوست می دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند.

[اینان] با مؤمنان، فروتن، [و] بر کافران سرفرازند. در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامت‌گری نمی‌ترسند. این فضل خداست. آن را به هر کس بخواهد می‌دهد، و خدا گشایش‌گر داناست.

با بازگشت به کفر تمام اعمال دوران ایمان نیز از بین می‌رود. خداوند این واقعیت را چنین بیان می‌فرماید:

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتِطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَمَا يُمِثُّ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾؛ (بقره: ۲۱۷)

از تو درباره کارزار در ماه حرام می‌پرسند. بگو: «کارزار در آن، گناهی بزرگ و بازداشتن از راه خدا و کفر ورزیدن به او و [بازداشتن از] مسجدالحرام [حج] و بیرون راندن اهل آن از آن جا، نزد خدا [گناهی] بزرگ‌تر، و فتنه [شُرک] از کشتار بزرگ‌تر است.» و آنان پیوسته با شما می‌جنگند تا - اگر بتوانند - شما را از دینتان برگردانند. و کسانی از شما که از دین خود برگردند و در حال کفر بمیرند، کردارهای آنان در دنیا و آخرت تباہ می‌شود، و ایشان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود.

۲. افکار شرک‌آلود: از جمله موانع اساسی تربیت زمینه‌ساز در حوزه اندیشه انسان در ارتباط با مبدأ هستی، پذیرش مبدأ به صورت شرک‌آلود است. این مانع به چند صورت تصور می‌شود: یکم. پذیرش چند مبدایی: یعنی ضمن پذیرش اصل مبدأ برای هستی معتقد به چند مبدأ برای هستی باشد. خداوند این نوع اندیشه را چنین نقد می‌فرماید:

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَّكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾؛ (نساء: ۱۷۱)

ای اهل کتاب، در دین خود غلو مکنید، و درباره خدا جز [سخن] درست مگویید. مسیح، عیسی بن مریم، فقط پیامبر خدا و کلمه اوست که آن را به سوی مریم افکنده و روحی از جانب اوست. پس به خدا و پیامبران‌ش ایمان بیاورید و نگویید [خدا] سه‌گانه است. باز ایستید که برای شما بهتر است. خدا فقط معبودی یگانه است. منزّه از آن است که برای او فرزندی باشد. آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است از آن

اوست، و خداوند بس کارساز است.

این مانع نیز برای مسلمانان قابل تصور نیست، مگر آن که همانند مانع کفر از توحید به شرک برگردند که در این زمینه نیز خداوند به پیامبر هم اعلام می نماید اگر او هم به حالت شرک برگردد تمام اعمالش از بین می رود. برای مثال:

﴿وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِن أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾؛ (زمر: ۶۵)

و قطعاً به تو و به کسانی که پیش از تو بودند وحی شده است: اگر شرک ورزی حتماً کردارت تباه می شود و مسلماً از زیانکاران خواهی شد.

**دوم. پذیرش چند ربی:** یعنی با این که در مقام خلقت به توحید معتقد است، ولی در بحث اداره و مدیریت هستی قائل به ارباب متنوع و متعدد شود که خداوند به پیامبر ﷺ دستور می دهد بگوید رب همه هستی یکی است:

﴿قُلْ أَغْنِي رَبِّي وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾؛ (انعام: ۱۶۴)

بگو: آیا جز خدا پروردگاری بجویم؟ با این که او پروردگار هر چیزی است، و هیچ کس جز بر زیان خود [گناهی] انجام نمی دهد، و هیچ باربرداری بار [گناه] دیگری را بر نمی دارد، آن گاه بازگشت شما به سوی پروردگارتان خواهد بود، پس شما را به آن چه در آن اختلاف می کردید آگاه خواهد کرد.

در اندیشه دینی، شرک به دو بخش جلی و خفی تقسیم شده است که مسلمانان به شرک جلی که بتی از سنگ و چوب و... را پرستش کنند مبتلا نیستند، ولی شرک خفی غالباً دامن گیر آن هاست و آن شرک در ربوبیت است. به عنوان مثال، «ریا» رفتاری که از بعضی سر می زند و به عده ای تا وقتی مسئول هستند احترام خاص قائل می شوند و از آنان تعریف و تمجید می کنند و هنگامی که آن فرد از مسئولیت کنار رفت، دیگر از آن احترامها خبری نیست. ظاهر این نوع رفتار، احترام است، ولی لایه دوم و باطن آن این است که این شخص باور دارد که مدیر و مسئول بدون اذن خداوند می تواند سرنوشت او را تغییر دهد. از این رو به او احترام می کند تا دلش را به دست آورد و توجه او را به خود جلب کند. این همان شرک خفی است. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است:

كُلُّ رِيَاءٍ شِرْكٌ إِنَّهُ مَنْ عَمِلَ لِلنَّاسِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى النَّاسِ وَمَنْ عَمِلَ لِلَّهِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ؛ (طبرسی، ۱۴۲۳: ج ۲، ۲۸۵)



هر ریایی شرک است. بدون تردید هرکس برای مردم کار کند مزد او نیز با مردم است و هرکس برای خدا کار کند مزدش با خدا خواهد بود.

بنابراین مهم‌ترین مانع تربیت زمینه‌ساز در حوزه افکار، شرک خفی است که در واقع از نداشتن شناخت صحیح خداوند سر درمی‌آورد. بر همین اساس زراره در گفت‌وگویی با امام صادق علیه السلام درباره غیبت امام عصر علیه السلام هنگامی که بحث به غیبت طولانی آن حضرت رسید، به امام صادق علیه السلام عرض کرد:

جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ الزَّمَانَ أَيَّ شَيْءٍ أَعْمَلُ؟ قَالَ: يَا زُرَّارَةُ! إِذَا أَدْرَكْتَ هَذَا الزَّمَانَ فَادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ: اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ؛ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ صَلَّيْتُ عَنْ دِينِي؛ (کلینی، ۱۳۹۰: ج ۲، ۱۳۵؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۳۳۳؛ نعمانی، بی تا: ۱۶۶؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۰: ج ۲، ۴۰۶)

قربانت شوم! اگر من به آن زمان رسیدم چه کار کنم؟ فرمود: ای زراره، اگر به آن زمان رسیدی، با این دعا از خدا بخواه: خدایا، خودت را به من بشناسان؛ زیرا اگر تو خودت را به من نشناسانی، من رسالت را نشناسم.<sup>۱</sup> خدایا تو پیغمبرت را به من بشناسان؛ زیرا اگر تو پیغمبرت را به من نشناسانی، من حجت تو را نشناسم.<sup>۲</sup> خدایا، حجت خود را به من بشناسان؛ زیرا اگر تو حجتت را به من نشناسانی، از طریق دینم گمراه می‌شوم.

با توجه به نقش شناخت صحیح خداوند در تربیت زمینه‌ساز، یکی از ویژگی‌های یاران مهدی علیه السلام شناخت درست خداوند است. امام علی در این زمینه می‌فرماید:

عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَ هُمْ أَنْصَارُ الْمُهَدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛ (صافی کلیپایگانی، بی تا: ۴۸۴)  
[مردانی هستند که] خداوند را به درستی شناخته‌اند و آنان یاران مهدی در آخرالزمان هستند.

## ب) در ارتباط با دیگران

یکی از ابعاد فکری انسان، نوع نگاه به دیگران است که در تربیت زمینه‌ساز تأثیری مهم دارد؛ ولی با توجه به گستردگی این بحث، تنها آن را درباره نوع نگاه به امام عصر علیه السلام

۱. چون هرکس خدا را شناخت، بر او لازم می‌داند که از راه لطف بندگان را هدایت کند و کسی که خدا را نشناخت، فرستاده او راهم نمی‌شناسد.

۲. چون امام جانشین پیغمبر و دست‌نشانده او به دستور خداست و مقام و ارزش جانشین مربوط به مقام و ارزش جانشین‌گذار است. از این رو شیعه می‌گوید: امام باید از لحاظ علم و عمل و اخلاق و عصمت مانند پیغمبر باشد.

مطرح می‌کنیم.

مانع تربیت زمینه‌ساز در این زمینه، نشناختن جایگاه امام در نظام هستی است. باید توجه داشت شناخت امام دو مرحله دارد:

**یکم. شناخت شخصی:** یعنی این که نامش چیست، پدرش کیست، مادرش کیست، کجا به دنیا آمده است، چندسال عمر کرده است و... این نوع شناخت نیز لازم است، ولی کافی نیست، بلکه باید این نوع شناخت مقدمه‌ای برای شناخت کامل باشد.

**دوم. شناخت حقوقی:** مقصود از شناخت حقوقی، شناخت جایگاه امام در نظام معرفتی شخص، شناخت جایگاه امام در معارف دین، شناخت وظایف امام و شناخت وظایف شخص در برابر امام است. تا انسان جایگاه امام را به عنوان نماینده خداوند و وصی پیامبر اسلام نشناسد، وظایف خود را در برابر او نخواهد شناخت و تا وظیفه‌اش را نشناسد نمی‌تواند به آن عمل کند. درباره این نحوه شناخت از امام، در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

وَأَدْنَى مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ أَنَّهُ عَدَلَ النَّبِيِّ، إِلَّا دَرَجَةَ النَّبُوءَةِ وَوَارِثَهُ، وَأَنْ طَاعَتَهُ طَاعَةَ اللَّهِ وَطَاعَةَ رَسُولِ اللَّهِ وَالتَّسْلِيمَ لَهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ وَالتَّوَدُّ إِلَيْهِ وَالأَخْذَ بِقَوْلِهِ؛ (اصفهانى، ۱۳۹۸: ج ۱۹، ۲)

کمترین شناخت امام این است که بدانی او موازی و همکار پیامبر است و تنها مرتبه پیامبری را ندارد. و این که بدانی امام وارث پیامبر است. اطاعت کردن از او، اطاعت کردن از خداوند و پیامبر خداست و این که بدانی در هر مسئله‌ای باید تسلیم او باشی و در هر مسئله اختلافی باید به او مراجعه کنی و نظر او را برگزینی.

آن چه در این روایت بیان شده، شناخت لازم برای هدایت به صراط مستقیم الهی است. شناخت امام مراتب بالاتری نیز دارد که نیازمند قابلیت‌های شخصی است و با تهذیب نفس و تکامل معنوی امکان پذیر است. از این رو در این روایت امام صادق علیه السلام حداقل شناخت امام را بیان می‌کند.

بی‌گمان شناخت پیامبر، امام و... بدون توفیق الهی ممکن نیست و نباید انسان بپندارد با تکیه بر علم خود می‌تواند راه به جایی پیدا کند.

بنابراین مهم‌ترین مانع تربیت زمینه‌ساز در ارتباط با امام عصر علیه السلام نشناختن جایگاه حقوقی اوست که متأسفانه بیشتر معتقدان به او نسبت به این جایگاه شناختی ندارند و تنها می‌خواهند او بیاید و مشکلات آن‌ها را حل کند!

### ج) در ارتباط با خود

از جمله ابعاد فکری انسان نوع نگاه او به خویش است که در این زمینه نیز چالش‌های بسیاری در بحث تربیت مطرح است. مهم‌ترین مانع این حوزه، نداشتن بصیرت دینی است و دین، همان چیزی است که پیامبران مأمور به تبلیغ آن بودند. خداوند در این باره می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾

(آل عمران: ۸۵)

و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود، و وی در آخرت از زیانکاران است.

بدون شناخت دین نمی‌توان وظایف خود را شناخت و بدون شناخت وظایف، انجام دادن آن‌ها ممکن نیست و بدون انجام وظایف، نمی‌توان یار مهدی علیه السلام بود. در روایات اسلامی یکی از ویژگی‌های یاران مهدی علیه السلام دین‌شناسی کامل آنان برشمرده شده است. امام صادق علیه السلام این ویژگی یاران مهدی علیه السلام را چنین بیان می‌فرماید:

و الفقهاء في الدين؛ (صافی گلپایگانی، بی‌تا: ۴۸۴)

[یاران مهدی] دین‌شناس هستند.

### ۲. موانع رفتاری

از دیگر موانع مهم تربیت زمینه‌ساز، موانع رفتاری است که در چند محور قابل طرح است:

#### الف) غرور

یکی از موانع رفتاری انسان در تربیت زمینه‌ساز، غرور او به مرحله‌ای از پیشرفت خود در تکامل نفسانی است؛ زیرا با به وجود آمدن چنین حالتی نه تنها انسان زشتی‌های خود را نمی‌بیند، بلکه زیبایی‌های خود را بیشتر و بهتر از آن چه هست می‌بیند و چنین حالتی مانع از رشد او در رسیدن به کمالات بیشتر می‌شود. امام علی علیه السلام این مانع را چنین بیان می‌فرماید:

مَنْ اغْتَرَّ بِنَفْسِهِ أَسْلَمَتْهُ إِلَى الْمُعَاطِبِ؛ (آمدی تمیمی، ۱۳۶۶: ۳۰۸)

آن‌که فریب نفس خود را بخورد، نفس او را به دست تباهی‌ها می‌سپارد.

#### ب) پیروی از هوای نفس

هوای نفس، یعنی رفتاری که پشتوانه منطقی، علمی، شرعی و عقلی ندارد و وقتی از او می‌پرسند که چرا چنین کرده است، تنها می‌گوید: دلم خواست! و هیچ توجیهی ندارد. پیروی کردن از چنین تفکری انسان را به نابودی می‌کشاند. رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین تفکری را

ترسناک‌ترین خطر برای امت خود دانسته و می‌فرماید:

إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَىٰ أُمَّتِي الْهُوَىٰ وَ طُولُ الْأَمَلِ فَأَمَّا الْهُوَىٰ فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَأَمَّا  
طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ؛ (طبرسی، ۱۴۲۳: ج ۲، ۱۴۸)

بدون تردید ترسناک‌ترین چیزی که بر ائمت‌م می‌ترسم، هوای نفس و آرزوهای طولانی است. اما هوای نفس، پس مانع از حق می‌شود.

امام علی علیه السلام منشأ تمام فتنه‌های اجتماعی را تبعیت از هوای نفس می‌داند و می‌فرماید:

إِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ وَأَحْكَامٌ تُبْتَدَعُ؛ (شریف رضی، ۱۴۱۵: ج ۵۰)

به راستی که آغاز پدید آمدن فتنه‌ها، پیروی از هواهای نفسانی و احکام بدعت‌آمیز است.

بر همین اساس، رسول خدا صلی الله علیه و آله مبارزه با نفس را جهاد اکبر نامید (طبرسی، ۱۴۲۳: ج ۲، ۱۴۸) و امام صادق علیه السلام فرمود:

اجْعَلْ نَفْسَكَ عَدُوًّا تُجَاهِدُهَا؛ (همو: ۱۴۵)

نفس‌ت را همانند دشمنی پندار که با او در حال مبارزه هستی.

### ج) دلبستگی به دنیا

برای روشن شدن بحث درباره دلبستگی به دنیا، نیازمند به توضیح این دو واژه هستیم. «دنیا» نام مرحله‌ای پست از هستی است که اکنون انسان در آن زندگی می‌کند. قرآن کریم مراحل زندگی انسان در دنیا - که دوران کودکی، نوجوانی، جوانی، پیری است - را چنین بیان می‌کند:

﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ  
...﴾؛ (حدید: ۲۰)

بدانید که زندگی دنیا، در حقیقت، بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی شما به یکدیگر و فزون جویی در اموال و فرزندان است....

زندگی دنیا در مرحله‌ای «لعب» است که کارها غرض درست عقلایی ندارد (مانند دوران کودکی، گرچه کودک در کارهایش اهدافی دارد، ولی بزرگان به آن کارها و اهداف می‌خندند و آن‌ها را غیرعقلایی می‌دانند)؛ در مرحله‌ای لهو است که انسان را از کارهای مهم‌تر بازمی‌دارد (مثل دوره نوجوانی) و در مرحله‌ای اهمیت دادن به آرایش و زینت است (مثل دوره جوانی) و در مرحله‌ای فخرفروشی، خودبینی، امتیازات خود را به رخ دیگران کشیدن است و در

مرحله‌ای ثروت‌اندوزی و فرزندآوری است (مثل دوره میان‌سالی).

پس از این مراحل - که مرحله رفتن از دنیا است - خداوند ضمن بیان یک مثل می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرًا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَبْ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾؛ (یونس: ۲۴)

در حقیقت، مثل زندگی دنیا به سان آبی است که آن را از آسمان فرو ریختیم، پس گیاه زمین. از آن چه مردم و دام‌ها می‌خورند. با آن درآمیخت، تا آن‌گاه که زمین پیرایه خود را برگرفت و آراسته گردید و اهل آن پنداشتند که آنان بر آن قدرت دارند، شبی یا روزی فرمان [ویرانی] ما آمد و آن را چنان درویده کردیم که گویی دیروز وجود نداشته است. این‌گونه نشانه‌ها [ی خود] را برای مردمی که اندیشه می‌کنند به روشنی بیان می‌کنیم.

**دل‌بستگی:** مقصود از دل‌بستگی به یک شیء این است که انسان برای به دست آوردن آن همه اصول و ارزش‌های اخلاقی خود را زیر پا بگذارد. برای مثال، برای به دست آوردن پول، پست، قدرت و... دروغ بگوید، غیبت کند، تهمت بزند، ظلم کند، حق دیگران را بخورد و... حتی از ایمان بر کفر برگردد.

در متون دینی از دل‌بستگی نداشتن به دنیا، به زهد تعبیر شده است؛ زهد به معنای نداشتن نیست و همچنین به معنای استفاده نکردن هم نیست؛ چراکه خداوند هرچه در زمین است برای انسان خلق کرده است:

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾؛ (بقره: ۲۹)

اوست آن کسی که آن چه در زمین است، همه را برای شما آفرید؛ سپس به [آفرینش] آسمان پرداخت، و هفت آسمان را استوار کرد؛ و او به هر چیزی داناست.

مقصود ما از دنیا، هر چیزی غیر خداست؛ حتی حب نفس و کارهای آن و... که دنیای مذموم در کلام امیرالمؤمنین نیز همین معناست. در تأیید این برداشت به دو سخن از علی علیه السلام استشهاد می‌کنیم:

﴿إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا وَابْتَلَىٰ فِيهَا أَهْلَهَا لِيَعْلَمَ أَهْلَهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَسْنَا لِلدُّنْيَا خُلُقْنَا وَلَا بِالسَّعْيِ لَهَا أَمْرُنَا وَإِنَّمَا وَضَعْنَا فِيهَا لِيُبْتَلَىٰ بِهَا وَنَعْمَلْ فِيهَا لِمَا بَعْدَهَا﴾؛ (برازش، ۱۳۷۱، ج ۲، ۱۲۹۹)

بدون تردید خداوند دنیا را برای بعد از آن خلق کرده است و مردم را در آن مورد آزمایش قرار داده است، تا مشخص شود که چه کسی بهتر کار می‌کند و ما برای دنیا خلق نشده‌ایم و مأمور به تلاش برای دنیا نیستیم و تنها ما را در دنیا آورده‌اند که مورد آزمون قرار گیریم و برای بعد از دنیا تلاش کنیم.

در کلامی دیگر، حضرت این مسئله را روشن‌تر بیان می‌فرماید:

إِنَّ الْمَالَ وَالْبَنِينَ حَزْبُ الدُّنْيَا وَالْعَمَلَ الصَّالِحَ حَزْبُ الْآخِرَةِ وَقَدْ يَجْمَعُهُمَا اللَّهُ تَعَالَى لِأَقْوَامٍ فَآخِذُوا مِنَ اللَّهِ مَا حَذَرَكُمْ مِنْ نَفْسِهِ وَأَخْشَوْهُ خَشْيَةً لَيْسَتْ بِتَعْذِيرٍ وَاعْمَلُوا فِي غَيْرِ رِيَاءٍ وَلَا سُمْعَةٍ فَإِنَّهُ مَنْ يَعْمَلْ لِغَيْرِ اللَّهِ يَكِلْهُ اللَّهُ [إِلَى مَنْ] لِمَنْ عَمِلَ لَهُ. نَسَأَلُ اللَّهَ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَمُعَايِشَةَ السُّعَدَاءِ وَمُرَافَقَةَ الْأَنْبِيَاءِ؛ (شریف‌رضی: ۱۴۱۵: ۲۳)

همانا ثروت و فرزندان، محصول دنیا و فانی شدنی، و عمل صالح زراعت آخرت است، گرچه گاهی خداوند هر دوی آن را به ملت‌هایی خواهد بخشید. از خدا در آن چه اعلام خطر کرده است برحذر باشید! از خدا آن‌گونه بترسید که نیازی به عذرخواهی نداشته باشید! عمل نیک انجام دهید بدون آن‌که به ریا و خودنمایی مبتلا شوید؛ زیرا هر کس، کاری برای غیر خدا انجام دهد، خدا او را به همان غیر واگذارد. از خدا، درجات شهیدان، و زندگی سعادت‌مندان، و هم‌نشینی با پیامبران را درخواست می‌کنیم.

بنابراین هر نوع تلاشی که رنگ خدایی نداشته باشد مانع تربیت زمینه‌ساز است.

#### د) ضعف بینش سیاسی

قیام امام عصر علیه السلام را به هر شیوه‌ای تفسیر کنیم، حرکتی سیاسی - دینی به شمار می‌رود که باید با قدرت‌های جهانی درگیر شود. این درگیری، همه‌جانبه و فراگیر است و قدرت‌های جهانی و سیاست‌مداران بین‌المللی و ستمگران تاریخ با شیوه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی و... در برابر آن حضرت و برنامه‌های اصلاحی ایشان مقاومت می‌کنند. بنابراین کسانی می‌توانند در این میدان، یاران امام عصر علیه السلام باشند که دارای بینش سیاسی بوده و نقشه‌ها و طرح‌های دشمن را بشناسند و بی‌اثر کنند و این کار باید با طراحی طرح‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی انجام گیرد.

باید توجه داشت تربیت زمینه‌ساز برای بعد از قیام امام عصر علیه السلام طراحی نمی‌شود، بلکه - همان‌گونه که از نام آن پیداست - در عصر حاضر و به عنوان آماده شدن برای همکاری در آن قیام جهانی است. بنابراین نیروهایی می‌توانند به عنوان یاران مهدی علیه السلام همکاری کنند که قدرت تحلیل مسائل جهانی را داشته و بتوانند اهداف پنهانی قدرت‌های جهانی را از برنامه‌های به ظاهر انسانی آنان افشا و خنثی نمایند.

#### د) ضعف ولایت پذیری

از دیگر موانع جدی تربیت زمینه ساز، عدم ولایت پذیری از امام است. مقصود از ضعف ولایت پذیری این است که انسان در برابر امام تسلیم محض نباشد، بلکه تنها در برابر دستوراتی که خود تشخیص دهد با شریعت سازگار است تسلیم باشد و آن‌ها را بپذیرد. او در برابر دستوراتی که از نگاهش با شریعت سازگار نیست مقاومت کرده و در برابر نص، اجتهاد می‌نماید. این ضعف در روایتی از امام صادق علیه السلام چنین بیان شده است:

عَنِ الْفُضَيْلِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جَهْلَةِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مِنْ جُهَالِ الْجَاهِلِيَّةِ. فَقُلْتُ: وَكَيْفَ ذَلِكَ؟ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَتَى النَّاسَ وَهُمْ يَغْبُدُونَ الْحِجَارَةَ وَالصُّخُورَ وَالْعِيدَانَ وَالْحَشَبَ الْمُنْحَوْتَةَ وَإِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ وَكُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ وَيَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ. ثُمَّ قَالَ: أَمَا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَذْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحُرُّ وَالْقُرُ؛ (مجلسی، ۱۹۸۳: ج ۵۲، ۳۶۲)

فضیل می‌گوید: از امام صادق شنیدم که می‌فرمود: وقتی قائم ما قیام کند مخالفت با او شدیدتر است از مخالفت با رسول خدا. پرسیدم: چگونه؟ امام فرمود: چون هنگامی که رسول خدا برانگیخته شد مردم سنگ و چوب و مجسمه‌های ساخته شده را عبادت می‌کردند، ولی آن‌گاه که قائم ما قیام کند همه آن‌ها کتاب خدا را تأویل می‌کنند و با تأویل کتاب با او به مبارزه برمی‌خیزند. سپس فرمود: به خدا سوگند همان‌گونه که سرما و گرما داخل خانه‌ها می‌شود عدالت او نیز به خانه‌ها راه می‌یابد.

تأویل کتاب خدا همان اجتهاد در برابر نص است. این مسئله هنگامی سخت‌تر خواهد شد که روایات اسلام جدید و امر جدید را نیز مدنظر قرار دهیم. برای مثال، عبدالله بن عطا می‌گوید: از امام صادق علیه السلام دربارهٔ روش حضرت مهدی علیه السلام پرسیدم:

سَأَلْتُهُ عَنْ سِيَرَةِ الْمُهَدِيِّ كَيْفَ سِيرَتُهُ؟ قَالَ: يَصْنَعُ مَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أُمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَيَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً؛ (همو: ۳۵۲)

پرسیدم: عملکرد حضرت مهدی علیه السلام چگونه است؟ فرمود: همان‌گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل می‌کرد و آن‌چه را که پیش از خودش هست کنار می‌گذارد، چنان‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرهنگ جاهلیت را کنار گذاشت و اسلام را در قالب جدیدی ارائه کرد.

امام باقر علیه السلام روش حضرت را چنین بیان فرموده است:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ دَعَا النَّاسَ إِلَى أَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَإِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيباً وَ سَيَعُودُ غَرِيباً كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ؛ (همو: ۳۳۶)

به راستی هنگامی که قائم ما قیام کند مردم را به فرهنگ جدیدی دعوت می‌کند، همان‌گونه که رسول خدا ﷺ چنین کرده است و همانا اسلام در غربت [تنهایی رسول خدا ﷺ] آغاز شده است و در آینده نیز چنین خواهد شد. پس خوشا به حال بی‌یاوران!

در روایتی دیگر، راوی از امام باقر علیه السلام درباره روش حضرت مهدی علیه السلام می‌پرسد:

إِذَا قَامَ بِأَيِّ سِيرَةٍ يَسِيرُ فِي النَّاسِ؟ فَقَالَ بِسِيرَةِ مَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَتَّى يُظْهِرَ الْإِسْلَامَ. قُلْتُ: وَمَا كَانَتْ سِيرَةُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ؟ قَالَ: أَبْطَلَ مَا كَانَتْ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَاسْتَقْبَلَ النَّاسَ بِالْعَدْلِ؛ (همو: ۳۸۱)

هنگامی که قائم قیام کند چگونه در میان مردم رفتار می‌کند؟ امام فرمود: به روش رسول خدا ﷺ عمل می‌کند تا این‌که اسلام را جهانی کند. پرسیدم: روش رسول خدا ﷺ چگونه بوده است؟ فرمود: فرهنگ جاهلیت را کنار گذاشت و با مردم به عدالت رفتار کرد.

در شرح این روایات که گفته شده «حضرت مهدی علیه السلام امر جدیدی را می‌آورد» تذکر چند نکته لازم است:

۱. ممکن است مقصود از این‌که اسلام در قالب جدیدی ارائه می‌گردد، این باشد که آن حضرت بخش‌های پنهان دین را که تا به امروز به آن عمل نکرده‌ایم، بیان می‌کند و چون تا کنون چنین مسائلی گفته نشده، انسان‌ها تصور می‌کنند آن چه او می‌گوید اسلام جدید و فرهنگ نوینی است، همان‌گونه که وقتی در این کشور، انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی علیه السلام رخ داد، عده‌ای این حرکت را خلاف شرع ارزیابی می‌کردند و هنگامی که انقلاب پیروز شد و احکام جدیدی در جامعه مطرح شد آن‌ها حاضر نبودند بپذیرند.
۲. آن‌گاه که آن حضرت اسلام را بیان می‌کند، می‌پندارند آن چه او می‌گوید اسلام جدیدی است. در روایت امام باقر علیه السلام به همین نکته اشاره دارد که اسلام از نقطه صفر آغاز شده است که امام از آن به غربت تعبیر می‌کند و سپس می‌فرماید:  
دوباره اسلام به این غربت دچار می‌شود.

یعنی مردم آن اندازه از اسلام فاصله می‌گیرند که گویا چیزی از اسلام نشنیده‌اند و این‌که امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

خوشا به حال بی‌یاوران؛ یعنی خوشا به حال کسانی که در آن دوران غربت اسلام پایبندی خود را به فرهنگ دینی نشان دهند و حاضر باشند برای تبلیغ اسلام از خود



مايه بگذارند.

۳. با اندکی توجه به دنیای اسلام و عملکرد متفاوت مسلمانان و بیگانگی بیشتر آنان با فرهنگ دین در بسیاری از موارد، توجه به این نکته لازم است که مخاطب این روایات شیعیان نیستند، بلکه همه کسانی هستند که در دنیا به نام مسلمان زندگی می‌کنند و چه بسا مسلمان بودن خود را تنها در گفتن شهادتین می‌دانند و با اسلام هیچ آشنایی ندارند. گاه انسان با کسانی روبه‌رو می‌شود که ادعا می‌کنند مسلمان هستند، در حالی که شباهت آنان با پیروان ادیان دیگر بیشتر است تا اسلام. بنابراین اسلامی که حضرت مهدی علیه السلام عرضه می‌کند از نگاه آنان امری جدید خواهد بود.

۴. گذشته از موارد یادشده، به این نکته نیز باید توجه داشت که عصر ظهور معلوم نیست در چه زمانی رخ می‌دهد و جامعه اسلامی در آن دچار چه نوع کارکرد و فرهنگی است و مردم چه مقدار با اسلام آشنایی دارند و چه اندازه به آن پایبند هستند. با توجه به نکات یادشده، اگر رفتار مردم در عصر ظهور با اسلام بیگانه باشد، به صورت طبیعی آن چه را که حضرت بیان می‌کند موضوعی جدید می‌پندارند! مقصود از دین جدید هر یک از این امور باشد، آن چه مهم است ولایت‌پذیری آن است که مسئله را دشوار می‌کند و کسانی می‌توانند در این میدان یاران امام عصر باشند که پیش از وقوع آن قیام ولایت‌پذیری را تمرین و در خود نهادینه کرده باشند. بر این اساس، یکی از ویژگی‌های یاران مهدی علیه السلام ولایت‌پذیری آنان است. امام باقر علیه السلام این ویژگی را چنین بیان فرموده است:

هُم أَطْوَعُ لَهُ مِنَ الْأُمَّةِ لِسَيِّدِهَا؛ (همو: ۳۰۸)

آنان در برابر امام تسلیم‌ترند از کنیز در برابر اربابش.

#### هـ، ضعف‌های اخلاقی

ضعف‌های اخلاقی موجود در افراد، مانع پیوستن آنان به امام، یا تلاش در مسیر فراهم کردن مقدمات قیام آن حضرت است. این ضعف‌ها بسیارند که تنها به یک کلام امام علی علیه السلام اشاره می‌کنیم. آن حضرت در نامه‌ای به مالک اشتر دستور می‌دهد که نباید عده‌ای را به عنوان مشاوران خود انتخاب کند:

وَلَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يَعْذِلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ وَيَعِدُكَ الْفَقْرَ وَلَا جَبَانًا يُضْعِفُكَ  
عَنِ الْأُمُورِ وَلَا حَرِيصًا يُزَيِّنُ لَكَ الشَّرَّ بِالْحُجُورِ فَإِنَّ الْبُخْلَ وَالْجُبْنَ وَالْحِرْصَ عَرَائِزُ سَتِي

يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ؛ (شريف رضى، ۱۴۱۵: نامه ۵۳)

بخيل را به عنوان مشاور انتخاب نکن که تو را از نیکوکاری باز می دارد و از فقر می ترساند؛ و ترسو را به عنوان مشاور انتخاب نکن که تو را از کارها می ترساند؛ و حریص را به عنوان مشاور انتخاب نکن که زشتی ظلم را برایت زیبا جلوه می دهد. بدون تردید بخل و ترس و حرص صفات متفاوتی است که منشأ آن ها بدبینی به خداوند است.

اگر صاحبان چنین اخلاق هایی نمی توانند به عنوان همکار مالک انتخاب شوند قطعاً نمی توانند یاور امام عصر علیه السلام نیز باشند؛ زیرا امام علی علیه السلام یاران مهدی علیه السلام را چنین وصف می فرماید:

لا يبالون في الله لومة لائم؛ (فیومی، ۱۴۲۵: ۵۵۸)

[یاران مهدی کسانی هستند که] در راه خدا از سرزنش سرزنش گران و اهمه ندارند.

معنای این روایت آن است که آنان از نظر بینش و باور به جایی رسیده اند که اگر همه دنیا هم علیه آنان شورش کنند، آنان همچنان ثابت قدم در مسیر خود خواهند بود و به تلاش برای تحقق آن نهضت جهانی ادامه می دهند.

### ۳. موانع گفتاری

این موانع نیز بسیارند، ولی به چند مانع مهم این حوزه اشاره می کنیم:

#### الف) فحاشی

امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْفَاحِشَ الْمُتَفَحِّشَ؛ (حرعاملی، ۱۴۱۲: ج ۱۶، ۳۲)

راستی که خداوند شخص بدزبان بیهوده گوی را دشمن می دارد.

با توجه به معنای واژه «متفحش» (ابن اثیر، ۱۹۸۵: ج ۳، ۴۱۵) مقصود آن است که خداوند ناسزاگوی عمدی و سهوی را دشمن می دارد.

#### ب) دروغ گویی

دروغ گویی در ده ها آیه و حدیث مورد نکوهش قرار گرفته است که تنها به ذکر یک روایت اکتفا می کنیم. امام زین العابدین علیه السلام می فرماید:

اتَّقُوا الْكُذْبَ الصَّغِيرَ مِنْهُ وَالْكَبِيرَ فِي كُلِّ جِدٍّ وَهَزَلٍ فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا كَذَبَ فِي الصَّغِيرِ اجْتَرَأَ عَلَى الْكَبِيرِ؛ (حرانی، ۱۴۰۰: ۳۲۴)

از گفتن دروغ - چه کوچک و چه بزرگ و چه به شوخی و به جدی - بپرهیزید؛ زیرا انسان وقتی دروغ کوچک را گفت بر گفتن دروغ بزرگ تر جرأت پیدا می کند.

### ج) مشاجره کردن

رسول خدا درباره مشاجره کردن با مردم فرموده است:

إِيَّاكُمْ وَمُشَاجِرَةَ النَّاسِ، فَإِنَّهَا تُظْهِرُ الْغَرَّةَ وَتَدْفِنُ الْعِزَّةَ؛ (بروجردی، ۱۴۰۷: ج ۱۶، ۲۴۹)

از مشاجره کردن با مردم بپرهیزید؛ زیرا مشاجره، کینه ها را افشا و عزت انسانی را از بین می برد.

### د) مرء (مناقشه) کردن

امام صادق علیه السلام به محمد بن نعمان احول می فرماید:

يَا ابْنَ التُّعْمَانِ! إِيَّاكَ وَالْمِرَاءَ فَإِنَّهُ يُحِيطُ عَمَلِكَ؛ (همو: ۲۵۲)

ای پسر نعمان، از مناقشه کردن بپرهیز؛ زیرا ارزش کار تو را از بین می برد.

### ه) جدال کردن

آن حضرت در ادامه فرموده است:

إِيَّاكَ وَالْحِدَالَ فَإِنَّهُ يُؤَيِّقُكَ؛ (همو)

از جدال کردن بپرهیز؛ زیرا تو را گرفتار می کند.

تفاوت مشاجره و مناقشه و جدال این است که مرء (مناقشه) بحث و گفت و گو پس از روشن شدن حق است، ولی طرف مقابل نمی خواهد بپذیرد؛ اما جدال، گفت و گو و بحث برای روشن شدن حق، ولی همراه با توهین است. بر همین اساس، در قرآن کریم این امر به جدال احسن مقید شده است - «جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» - و مشاجره، گفت و گو برای چیزهای بی ارزش است.

### و) خودستایی

خودستایی و تعریف کردن از خود، یکی دیگر از موانع تربیت زمینه ساز است. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید:

أَفْتِيحُ الصِّدْقِ ثَنَاءُ الرَّجُلِ عَلَى نَفْسِهِ؛ (آمدی تمیمی، ۱۳۶۶: ۱۷۹)

زشت ترین راستی، ستایش شخص از خودش است.

### و) غیبت کردن

غیبت کردن یکی از گناهان کبیره است که آیات و روایات بسیاری بر حرمت و مانعیت

تربیتی آن دلالت دارد که تنها به ذکر یک روایت اکتفا می‌کنیم. رسول خدا ﷺ فرمود:

الْغَيْبَةُ أَسْرَعُ فِي دِينِ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ مِنَ الْأَكِيلَةِ فِي جَوْفِهِ؛ (کلینی، ۱۳۹۰: ج ۴، ۵۹۰)

غیبت کردن در نابودی دین انسان سریع‌تر از مرض خوره در نابودی بدن عمل می‌کند.

اثر منفی غیبت در معنویات و از بین بردن آن‌ها به قدری زیاد است که گاهی یک غیبت، زحمت چندین ساله انسان را از بین می‌برد. البته نباید از شدت روایات درباره غیبت تعجب کرد؛ زیرا گاهی فرد با یک غیبت، آبروی شخصی را که چندین سال برای یافتن آن زحمت کشیده از بین می‌برد. بنابراین بجاست که همان یک غیبت زحمت چندین ساله غیبت‌کننده را نیز از بین ببرد.

### از اذیت کردن مؤمن

پیامبر اکرم ﷺ درباره اذیت کردن مؤمن می‌فرماید:

مَنْ اَذَى مُؤْمِنًا اَذَاهُ اللهُ وَ مِنْ اَحْزَنِهِ اَحْزَنَهُ اللهُ؛ (بروجردی، ۱۴۰۷: ج ۱۶، ۳۰۵)

هر کس مؤمنی را اذیت کند خداوند او را اذیت می‌کند و هر کس مؤمنی را غمگین سازد، خداوند او را غمگین می‌کند.

### ح) مچ‌گیری کردن

مچ‌گیری و عیب‌یابی دیگران به این معناست که رفتار و گفتار افراد را زیر نظر گیرد و لغزش‌ها و اشتباهاتشان را برای روز مبادا جمع‌آوری کند تا از این لغزش‌ها برای تخریب شخصیت آنان استفاده کند. رسول خدا ﷺ در این باره فرموده است:

لَا تَطْلُبُوا عَثْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ، فَإِنَّهُ مَنْ يَتَّبِعْ عَثْرَاتِ أَخِيهِ يَتَّبِعْ اللهُ عَثْرَتَهُ وَ مَنْ يَتَّبِعْ اللهُ عَثْرَتَهُ يَفْضَحْهُ وَ لَوْ فِي جَوْفِ بَيْتِهِ؛ (فیض کاشانی، ۱۳۹۳: ج ۲، ۵۹۲)

درصدد یافتن لغزش مسلمان نباشید؛ زیرا هرکس درصدد یافتن لغزش مسلمانان باشد، خداوند نیز درصدد یافتن لغزش اوست<sup>۱</sup> و هرکس که خداوند درصدد یافتن لغزش وی باشد آبروی او را خواهد برد، گرچه در خانه‌اش باشد.

۱. عثرات: جمع «عثره» به معنای لغزش و خطاست. (طریحی، بی تا: ج ۳، ۳۹۶)

۲. تَتَّبِعْ: التَّطَلَّبُ شَيْئاً فَشَيْئاً (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۰، ۴۰۱): جست‌وجوی لحظه به لحظه است.

۳. مقصود از تَتَّبِعْ خداوند این است که مانع از شمول لطفش می‌شود و نمی‌گذارد ملائکه گناهان او را ببوشانند. در آن صورت آن مسلمان گرچه در درون خانه‌اش گناه را انجام دهد و تلاش کند که افشا نشود، چون خداوند از این تلاش او حمایت نمی‌کند به نتیجه نمی‌رسد و رسوا می‌شود.

## ط) سخن چینی کردن

رسول خدا ﷺ درباره سخن چینی برای تخریب روابط دیگران می فرماید:

أَلَا أُنبئُكُمْ بِشِرَارِكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: الْمُسَاءُونَ بِالتَّمِيمَةِ الْمُفْرِقُونَ بَيْنَ الْأَحِبَّةِ الْبَاغُونَ<sup>۱</sup> لِلْبُرَاءِ<sup>۲</sup> الْمَعَايِبِ؛ (صدوق، ۱۴۱۱: ج ۴، ۳۷۵؛ همو، بی تا: ۱۸۳؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۴۶۲)

آیا گزارش ندهم به شما که بدترینتان چه کسانی هستند؟ عرض کردند: چرایی رسول خدا. فرمود: آنان که سخن مردم را برای دیگران نقل می کنند تا بین دوستان جدایی بیندازند و برای افراد بی گناه عیب بتراشند.

## نتیجه

برای تربیت نیروهای کارآمد در قیام جهانی امام عصر علیه السلام نیاز به شناخت درست تربیت دینی و عوامل تأثیرگذار و موانع آن هستیم. با توجه به این که تربیت دینی در سه حوزه افکار، گفتار و رفتار جریان دارد، موانع آن نیز در هر سه حوزه جریان دارد که تنها در حوزه اندیشه در سه محور: ارتباط با خدا، ارتباط با خود و ارتباط با دیگران مطرح می شود که در ارتباط با خدا کفر و شرک دو مانع مهم، و در ارتباط با خود عدم بصیرت دینی، و در ارتباط با امام عصر علیه السلام عدم شناخت جایگاه حقوقی آن حضرت است.

در حوزه رفتار نیز موانع مهمی وجود دارد که به شش مانع، غرور، تبعیت از هوای نفس، دل بستگی به دنیا، ضعف بینش سیاسی، ضعف ولایت پذیری و ضعف های اخلاقی اشاره شده است.

در حوزه گفتار نیز موانع متعددی وجود دارد که برای رعایت حجم مقاله، به ده مانع: فحاشی، دروغ گویی، مشاجره، مراء، جدال، خودستایی، غیبت کردن، اذیت کردن، مچ گیری و سخن چینی اشاره شده است.

۱. نیمه: ریشه اش «نم» و به معنای تلاش است (فیومی، ۱۴۲۵: ۶۲۶). «نیمه» که اسم آن است تلاش برای نقل سخن مردم برای دیگری با انگیزه ایجاد اختلاف و بدبینی است (ابن اثیر، ۱۹۸۵: ج ۵، ۱۲۰).  
۲. باغون: ریشه اش «بغی» و به معنای تجاوز از حد است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۶: ۱۲۱).  
۳. براء: ریشه اش «برء» و «بری» و در لغت به معنای رهایی از آن چه دوست ندارد است.

## منابع

- ابن اثیر، مبارک بن محمد، *النهاية في غريب الحديث والاثر*، تحقيق: ابو عبد الرحمن، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۹۸۵م.
- ابن منظور، جمال الدين محمد بن مكرم، *لسان العرب*، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق.
- اصفهانی، محمدتقی، *مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم*، قم، مطبعة العلمية، چاپ دوم، ۱۳۹۸ق.
- آمدی تمیمی، عبد الواحد، *غررالحکم ودرر الکلم*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۶ش.
- برازش، علیرضا، *المعجم المفهرس لالفاظ غررالحکم ودرر الکلم*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ش.
- بروجردی، سید حسین، *جامع احادیث الشیعة*، قم، مطبعة علمية، ۱۴۰۷ق.
- جمعی از محققین، *المعجم الوسیط*، استانبول، دارالدعوة، ۱۴۱۰ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة فی تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۲ق.
- حرانی (ابن شعبه)، حسن بن علی، *تحف العقول عن آل الرسول*، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، ۱۴۰۰ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان، قم، طلیعة نور، ۱۴۲۶ق.
- شریف رضی، محمد بن حسین بن موسی، *نهج البلاغه*، تحقیق: صبحی صالح، بیروت، دار الأسوه، ۱۴۱۵ق.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الاثر فی الامام الثاني عشر*، تهران، مکتبه الصدر، چاپ سوم، بی تا.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *الخصال*، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، بی تا.
- \_\_\_\_\_، *من لا یحضره الفقیه*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ق.
- طبرسی، ابوالفضل علی بن حسن، *مشكاة الانوار فی غرر الاخبار*، تحقیق: مؤسسه آل البيت، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۲۳ق.
- طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرين و مطلع النیرین*، تهران، المکتبه المرتضویة، بی تا.
- طوسی، محمد بن حسن، *الامالی*، قم، دارالثقافة للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۴ق.
- \_\_\_\_\_، *کتاب الغیبة*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۱ق.

- فیض کاشانی، محسن، *الصابغی فی تفسیر القرآن*، تهران، کتاب فروشی اسلامیہ، ۱۳۹۳ق.
- \_\_\_\_\_، *الوافی*، اصفهان، مکتبۃ الامام امیرالمؤمنین، ۱۳۷۰ش.
- فیومی، احمد بن علی، *المصباح المنیر*، قم، دارالہجرت، ۱۴۲۵ق.
- قندوزی، سلیمان بن ابراہیم، *ینابیع المودۃ*، قم، کتاب فروشی بصیرتی، بی تا.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ترجمہ: مصطفوی، تهران، انتشارات اسلامیہ، ۱۳۹۰ق.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسۃ الوفاء، ۱۹۸۳م.
- \_\_\_\_\_، *مرآة العقول*، تهران، دارالکتب الاسلامیۃ، ۱۴۰۴ق.
- مرتضوی، سید محمد، *اصول و روش ها در نظام تربیتی اسلام*، مشهد، گل نشر، ۱۳۷۵ش.
- نعمانی، محمد بن ابراہیم، *الغیۃ*، بی جا، بی نا، بی تا.





تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۵

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال هفتم، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۹۲

## راهکارهای تربیتی زمینه ساز ظهور؛ برگرفته از احادیث

علی نقی فقیهی \*

رضا جعفری هرندی \*\*

حسن نجفی \*\*\*

### چکیده

موضوع راهکارهای تربیتی زمینه ساز ظهور از دغدغه های مهم مکاتب فرهنگی، ادیان آسمانی و به ویژه دین اسلام است. هدف نوشتار حاضر، بررسی تعدادی از راهکارهای تربیتی است که در احادیث به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به عنوان زمینه ساز ظهور پرفروغ مهدوی مطرح شده است. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی بوده و به منظور گردآوری داده های لازم برای نیل به اهداف پژوهش، منابع حدیثی موجود و مرتبط با راهکارهای تربیتی زمینه ساز ظهور با استفاده از فرم های فیش برداری از منابع جمع آوری شده و با شیوه های کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. از راهکارهای تربیتی مورد تأکید در این پژوهش می توان به تمهید شرایط رشد شخصیت افراد، معرفی تجربیات و الگوهای برتر مهدوی، فرهنگ سازی مهدوی و آسیب شناسی با هدف آسیب زدایی اشاره کرد.

### واژگان کلیدی

راهکارهای تربیتی، زمینه ساز ظهور، مهدویت، احادیث.

---

\* دانشیار دانشگاه قم و مدیر مؤسسه مطالعاتی مشاوره اسلامی

\*\* استادیار دانشگاه قم

\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول) (hnajafih@yahoo.com)

## مقدمه

آرمان‌های یک جامعه بیان‌گر میزان رشد و بالندگی آن جامعه هستند و هر اندازه که متکی بر ارزش‌های والای الهی و انسانی بوده و افق وسیع‌تری را پیش‌روی داشته باشند راه وصول به قله‌های کمال و سعادت را هموارتر خواهند ساخت. امت اسلام، به‌ویژه جهان تشیع به دلیل توان بالایی که معارف انسان‌ساز الهی در اختیار آن قرار داده است، ظرفیت گسترده‌ای در رسیدن به جامعه‌ای آرمانی و ایده‌آل دارد. در این میان، نهاد تعلیم و تربیت نهادی پایه‌ای است و یکی از وظایف مهم آن در جوامع ارزشی، هدایت انسان به هستی متعالی (حیات طیبه) است (توانا، مولوی نسب، ۱۳۹۱: ۶۰). از همین روست که تعلیم و تربیت، رسالت اصلی پیامبران<sup>۱</sup> و هدف اصلی ظهور و حکومت حضرت مهدی<sup>عج</sup> معرفی شده است.

مسیری که تعلیم و تربیت اسلامی در آن قرار دارد بازگشت به تعلیمات، دعوت‌ها و هدایت‌های پیامبران الهی و امامان معصوم<sup>ع</sup> است تا در پرتو هدایت‌های آنان، انسان از جهل و نادانی‌های مکاتب بشری رهایی یابد و راه منطبق با فطرت را بازشناسی کرده و مسیر تکامل را هموار سازد. در این میان «اندیشه و باورداشت مهدویت» از جمله آموزه‌های وحیانی است که در منظومه اندیشه شیعی به سان خورشید نورافشانی می‌کند و ریشه در پاسخ به نیازهای فطری بشر دارد؛ فطرتی که او را به بهروزی و کمال طلبی و امید وصول به آینده‌ای تابناک می‌خواند و گسترش فرهنگ خداپاوری، عبودیت، عدالت خواهی، ظلم‌ستیزی و شکوفا شدن تمامی استعدادهای بشری را نوید می‌دهد؛ باوری که در دل خودگوهری چون «انتظار» را پرورانده است؛ انتظار ظهور رادمردی از سلاله پیامبر خاتم<sup>ع</sup> که هم‌نام و سیره اوست و ارزش‌هایی را که جد بزرگوارش برای محقق آن مبعوث شده است احیا می‌کند؛ «بقیة الله» و ذخیره خداست برای «یوم موعود» تا عدل و داد را بگستراند و بساط ظلم و جور را برکند<sup>۲</sup>؛ «انتظار»ی که سازنده است و جامعه را به پویایی و حرکت وا می‌دارد و نه تخدیر، انفعال و انتظاری که «شناخت و معرفت امام»، «ایمان به غیبت و وعده‌های الهی»، «صبر و استقامت»،

۱. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ». (جمعه: ۲)

۲. وَأَنَّ الْأَنْبِيَاءَ دُعَاءٌ وَهُدَاهُ رُشْدِكُمْ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۴، ۳۸)

۳. امام حسن عسکری<sup>ع</sup>: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّىٰ أَرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي أَشْبَهَ النَّاسَ بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ خَلْقًا وَخَلْقًا يَحْفَظُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يُظَاهِرُهُ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَظُلْمًا. (همو: ج ۵۱،

«امید و اشتیاق»، «کمال طلبی»، «تولّی و تبری را همراه خود دارد؛ مؤلفه‌هایی که توجه به اهمیت و ارزش آن می‌تواند حیات‌بخش جامعه باشد و آرمان‌های الهی را در آن زنده کند. تبیین راهکارهای تربیتی زمینه‌ساز که در آموزه‌های روایی ما مطرح شده به عنوان هدف اصلی این پژوهش، یکی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند زمینه‌ساز ظهور انسانی کامل شود که مؤید به عصمت و علم الهی بوده و جایگاهی بس عظیم در نظام هستی دارد تا بدان جا که اگر نباشد زمین اهل خود را فرو خواهد برد و اساس آفرینش بیهوده خواهد شد.<sup>۱</sup> روش پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی است. بر این اساس برخی از آموزه‌های دینی در قلمرو تعلیم و تربیت، توصیف محتوایی شده و راهکارهای تربیتی زمینه‌ساز ظهور، تبیین گردیده است.

جامعه این پژوهش، شامل متون حدیثی مرتبط با مبانی نظری و پژوهشی راهکارهای تربیتی زمینه‌ساز ظهور است. از میان متون حدیثی، مواردی که ارتباط بیشتری با اهداف پژوهش داشتند به عنوان نمونه انتخاب شدند. در این نوشتار، به منظور گردآوری داده‌ها از فرم‌های فیش برداری از متون حدیثی استفاده شده است.

### مبانی نظری

برای ورود به بحث، به چند نکته مهم به عنوان مبانی نظری می‌پردازیم:  
۱. تعبیر زمینه‌ساز ظهور از روایت نبوی ﷺ گرفته شده است که فرمود:

يُخْرِجُ نَاسًا مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤْطَوْنَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۷۸)

مردمی از مشرق زمین قیام می‌کنند و زمینه را برای قیام مهدی ﷺ فراهم می‌سازند.

و به مفهوم فراهم کردن بسترهای تربیتی، روان‌شناختی و اجتماعی است که افراد بتوانند به اهداف تربیتی و رشد و تعالی انسانی مورد نظر در فرهنگ امامت و ولایت نایل گردند؛ حتی در غیبت قائم آل محمد ﷺ به امر آنان متمسک باشند و افزون بر باور قلبی، پیروی عملی را در مسیر هدایت و تربیت مرضی آنان داشته، و سرانجام از حسن مآب برخوردار شوند و از شجره طوبای<sup>۲</sup> ولایت بهره‌مند گردند.

۱. امام صادق علیه السلام: لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ. (همو: ج ۱، ۱۷۹)

۲. امام صادق علیه السلام: طُوبَى لِمَنْ تَمَسَّكَ بِأَمْرِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا فَلَمْ يَزِغْ قَلْبُهُ بَعْدَ الْهَدَايَةِ، فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! وَ مَا طُوبَى؟ قَالَ: شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ أَصْلُهَا فِي دَارِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام وَ لَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ فِي دَارِهِ غُصْنٌ مِنْ أَعْصَانِهَا وَ ذَلِكَ قَوْلُ



۲. زمینه‌سازی تربیتی همان دعوت به کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ و فراهم‌سازی بستر برای التزام عملی به دین و دین‌داری همه‌جانبه است که امام عصر ﷺ بدان عنایت دارد. به تعبیر دیگر، آراستگی به جنبه‌های اعتقادی، اخلاقی و عملکردی دین در حیطه‌های فردی، الهی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مانند آن، سبب شکل‌گیری ساختار شخصیت مطلوب انسانی در افراد می‌گردد که صاحب ظرفیت همراهی با معصومان ﷺ می‌شوند و در تحقق اهداف امام ﷺ و احیای ارزش‌های فطری مانند ارزش‌هایی چون عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی، نوع‌دوستی و احترام به حقوق دیگران، او را یاری خواهند کرد (آیتی، ۱۳۹۰: ۵۹-۶۰).

۳. زمینه‌سازی برای جامعه امام زمانی، به تربیت افراد نیازمند است. سنت الهی - همان‌گونه که در آیه ۱۱ سوره رعد<sup>۲</sup> بیان شده، این است که تا افراد تربیت نشوند و تحول و رشد نیابند، جامعه نیز تحول رشدی نخواهد یافت. همچنین نعمت ظهور امام زمان ﷺ و حاکمیت نظام مهدوی به تحولات تربیتی افراد بستگی دارد؛ زیرا که بدون آن، نعمتی اجتماعی در اراده خداوند (انفال: ۵۳). متغیر نخواهد شد.<sup>۳</sup>

۴. از دیدگاه اسلام، رویکرد فراهم‌سازی زمینه ظهور، رویکردی تربیتی است. این رویکرد حاکی از دو نوع زمینه‌سازی به عنوان وظیفه دینی است. یک وظیفه فردی که هر مؤمنی باید خود را در مسیر ولایت مهدوی پرورش دهد و در مراتب ایمانی و تقوایی سیر صعودی داشته باشد و دیگر این که همه مؤمنان به عنوان پیروی از امام ﷺ در اصلاح و ارتقای همدیگر موظف به کوشش و تلاشند و باید به امر به معروف و نهی از منکر بپردازند و در ارتباط با یکدیگر نقش تربیتی و هدایتی را ایفا نمایند تا جامعه به بلوغ اجتماعی جامعه منتظر برسد و از شاخصه‌های آن برخوردار شود. یعنی باور و رغبت اجتماعی به دولت کریمه مهدوی ﷺ (تولّی)، نفرت و شکایت از ستمگری‌ها و ضد ارزش‌ها (تبری) و اقدامات عملی در مبارزه با ضد ارزش‌ها و کمک از خداوند در این فعالیت‌ها، می‌تواند تحولی تربیتی را ایجاد کند که جامعه مهبیای ظهورگردد (سهرابی، ۱۳۸۹: ۱۹۵-۲۱۲). در این راستاست که دین‌داران وظیفه‌شناس با یکدیگر مؤانست و معاشرت<sup>۴</sup> داشته و جامعه‌ای به هم پیوسته و با روابطی منسجم و قوی تشکیل

۱. اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿طُوبَىٰ لِهَٰئِهِمْ وَحُسْنِ مَّآبٍ﴾. (همو: ج ۵۲، ۱۲۳)

۲. امام محمد باقر ﷺ: يَدْعُو النَّاسَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ. (همو: ۳۴۳)

۳. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ﴾. (رعد: ۱۳)

۴. ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۰، ۳۱۰)

۵. ﴿رَحْمَاءٌ بَيْنَهُمْ﴾. (فتح: ۲۹)

می دهند و نظام تربیتی را برنامه ریزی می کنند که زمینه تعلیم و تربیت مهدوی را فراهم سازند. با چنین زمینه سازی، عدالت طلبی و ظلم ستیزی<sup>۱</sup> در جامعه حاکمیت می یابد و زمینه تحقق عدالت جهانی مهدوی را فراهم می آورد.

۵. تربیت افراد، مرهون راهکارها و شیوه های تربیتی است. شیوه های تربیتی که از دل اصول کشف شده از مبانی تربیتی، یعنی هستی ها و دارایی های آدمی برمی خیزند و راه و مسیر نیل به هدف را هموار می سازند. موفقیت مؤمن در مسیر تکاملی و تحولات تربیتی و اخلاقی و رسیدن به جایگاهی که از اصحاب ولی عصر<sup>علیه السلام</sup> محسوب شود و بتواند رهرو راستین حضرتش باشد، در سایه راهکارهای تربیتی صحیح، میسر است. این روش هایند که آسیب زدایی تربیتی، تزکیه روانی، پرورش صفات کمالی، ارتقا بخشی شخصیت انسانی و نیل به سعادت را سبب می شوند. شناسایی راهکارهای تربیتی درست و روشن و به کار بستن آن ها اهداف عالی و کرامت انسانی را محقق می سازند. امام علی<sup>علیه السلام</sup> فرمود:

عَلَيْكَ بِمَنْحِ الإِسْتِقَامَةِ فَإِنَّهُ يَكْسِبُكَ الْكِرَامَةَ وَيَكْفِيكَ الْمَلَامَةَ؛ (آمدی تمیمی، ۱۳۷۳: ج ۴، ۲۹۴)

انسان را کرامت و شرافت می بخشد و او را از کارهای ملامت بار باز می دارد.

۶. نظام تربیتی زمینه ساز مهدوی، نظامی پویاست. ضمن این که این نظام با ویژگی های فطری انسان منطبق است، اصول، روش ها و کارکردهایش همواره هماهنگ با دگرگونی های محیطی و شرایط زمانه، شاداب و زنده نگاه داشته می شود؛ زیرا روش ها، ابزارها و راهکارهای تربیتی با شرایط هماهنگ هستند که در به فعلیت رساندن استعداد های ظرفیت یافته سرشتی به مربی کمک می کنند (هوشیار، ۱۳۶۵: ۲۲). آموزش های غیرمستقیم و تأکید فراوان متون دینی بر آن، از نقش مهم آن در تربیت حکایت دارد. شیوع عملی امور خیر توسط عده ای، زمینه ساز عامل بودن آن ها در بین مردم است. از این رو امام صادق<sup>علیه السلام</sup> فرموده اند:

كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِالْخَيْرِ بَعْدَ السُّنَنِكُمْ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷، ۷۱)

مردم را با عملتان نه با زبانتان به سوی کارهای خوب سوق دهید.

### راهکارهای تربیتی زمینه ساز ظهور

در این نوشتار، به چهار دسته از راهکارهای تربیتی زمینه ساز مطرح شده در احادیث اشاره می شود. این چهار دسته عبارتند از: ۱. تمهید شرایط رشد شخصیت افراد، ۲. معرفی تجربیات

۱. امام علی<sup>علیه السلام</sup>: کونوا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً. (همو: ج ۴۲، ۲۵۶)

برتر مهدوی، ۳. فرهنگ سازی مهدوی، ۴. آسیب شناسی با هدف آسیب زدایی. در ادامه به توضیح هر یک می پردازیم.

### ۱. تمهید شرایط رشد شخصیت افراد

رشد ویژگی های انسانی و شخصیتی در جنبه های گوناگون و تقویت آن ها، فراهم آورنده زمینه پرورش افراد امام زمانی است؛ زیرا افرادی که به ویژگی های شخصیتی انسانی متصف می شوند و آن ها را در خویش تقویت می کنند، از سلامت شناختی، عاطفی و عملکردی، در سطوح بالا برخوردار می گردند. کسانی که صاحب سلامت شناختی می شوند و به معرفت صحیح یقینی نسبت به خدا می رسند، هماهنگی آن را با فطرتشان می یابند و گرایش مثبت و محبت آنان به خدا تقویت می گردد. توأم شدن آن شناخت و این عوامل مثبت اعتقاد و باور به متعلقات ایمان را در آنان بارورتر می سازد و زمینه فعالیت های ارزشی و تربیتی مناسب را فراهم می سازد و سبب رشد دین داری می گردد. در ادامه به تعدادی از ویژگی های شخصیتی که رابطه ای تنگاتنگ با مهدویت و تربیت مبتنی بر ظهور دارند و در احادیث بر آن ها تأکید شده است پرداخته می شود:

#### الف) احساس عزت و خودارزشمندی

عزت یابی و نیل به احساس ارزشمندی زمینه ساز تربیت مهدوی است. قرآن کریم در آیه پنجم سوره قصص<sup>۱</sup> از مستضعفانی یاد می کند که در سایه لطف خداوندی که بر آنان منت گذاشته می شود به عزت و احساس ارزشمندی دست می یابند. این احساس عزت، زمینه فعالیت های تربیتی را فراهم می سازد که بتوانند نه تنها متریبان خوبی باشند، بلکه زمینه را برای هدایت و حاکمیت امام مهدی علیه السلام پدید آورند و امامان و وارثان زمین گردند. عزت اجتماعی و سیاسی جامعه ایمانی مهدوی مبتنی بر عزت روان شناختی و احساس ارزشمندی افراد مؤمن در خویشتن است. از این رو در تربیت زمینه ساز ابتدا باید احساس عزت نفس در افراد پرورش یابد تا به اصحاب مهدی علیهم السلام پیوند بخورند.

عزت نفس، عبارت است از احساس ارزشمند بودن که با درک خود، توانمندی های خود و خودباوری واقعی همراه است و فرد با توجه به اهداف ارزشمند خویش، نسبت به زندگی احساس خوبی دارد. این حس طبیعی می تواند به وسیله افکار، احساسات، عواطف و تجربیات ما در طول زندگی تقویت شود. سیستم فکری و عاطفی کسی که دارای

۱. ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾. (قصص: ۵)

احساس خودارزشمندی است، سالم باقی می‌ماند و با حقایق فطری و دیانت رابطه‌ای مثبت برقرار می‌سازد و به رشد و شکوفایی آن همت می‌کند و برای مقابله با شبهات فکری، رنجش‌ها و ناکامی‌ها در زندگی، احساس کارآمدی و شایستگی می‌کند. خودارزشمندی در واقع به منزله سیستم خودآگاهی ایمن عمل می‌کند و مقاومت، قدرت و توانایی لازم را برای بازسازی اخلاقی و تربیتی و پیشرفت ایجاد می‌نماید (کاوندی، صفورایی پاریزی، ۱۳۹۱: ۱۶۶ - ۱۷۱).

در فرهنگ اسلامی، عزت و تربیت دینی معمولاً با هم مطرح می‌شوند و یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون: ۸)، شخص مؤمن نیز شخصیتی عزتمند دارد و از اموری که بی‌تقوایی و پستی است، می‌پرهیزد. همچنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

الْعِزُّ أَنْ تَذَلَّ لِلْحَقِّ إِذَا لَزِمَكَ؛ (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹: ج ۱۷، ش ۱۲۸۳)  
عزت آن است که در مقابل حق خوار باشی، وقتی بر تو لازم شد.

عزت نفس و احساس ارزشمندی، خودبه‌خود، باعث حق‌پذیری و پایبندی به حق می‌شود و شخص، ارزشمندی احکام الهی را درمی‌یابد و با درک هماهنگی عزت با ارزش‌های دینی و معنوی، نسبت به قانون پروردگار احساس وظیفه‌شناسی می‌کند و به امور اخلاقی مانند صداقت و راستی پایبندی نشان می‌دهد و خود را از جهالت و اعمال ضد اخلاقی که با ذلت همراه است<sup>۱</sup> برحذر می‌دارد.

احساس خودارزشمندی پیامدهای بسیاری دارد، از جمله: قدرت ادراکی فرد به خصوص دربارهٔ مباحث دینی مثل ظهور، افزایش می‌یابد و در مقابله با شبهات دینی توانمندتر می‌شود و نسبت به احساسات و افکار خود به‌ویژه عقاید دینی برخاسته از فطرتش تردید نمی‌کند. همچنین از ابراز شبهات، ترس به خود راه نمی‌دهد و برای رفع آن‌ها با علمای دین، به گفت‌وگوی منطقی می‌پردازد. با آنان ستیزه نمی‌کند و از گرفتار شدن به آشفتگی‌های فکری و شهوانی (شریف رضی، ۱۳۸۷: حکمت ۴۴۹) و اضطراب و پریشانی عاطفی نسبت به دین‌داران مصون می‌ماند.

### ب) تبیین دیدگاه خدا و اولیای دین دربارهٔ افراد متربی

از شرایط تمهیدی برای رشد شخصیت متربی، تبیین دیدگاه خدا و اولیای دین دربارهٔ وی

۱. امام صادق علیه السلام: الصِّدْقُ عِزٌّ وَالْجَهْلُ ذُلٌّ. (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹: ج ۱۷، ش ۱۲۸۳۳)

است. متعلم و متربی هنگامی که درمی یابد خدای متعال و اولیای دین، به ویژه امام زمانش، نگاهی کرامتی و شخصیتی والا به وی دارند<sup>۱</sup> و او را دارای نعمت‌های گران بهایی چون توانمندی‌های عقلانی، عواطف انسانی معنوی، مسئولیت‌پذیری و استقلال‌طلبی می‌دانند و آن قدر امامش برای او قدر و منزلت قائل است که برای عافیت و سلامتی او دعا می‌کند و حشر او را در دنیا و آخرت با خودشان از خدا می‌خواهد، احساس شخصیت می‌کند. همچنین وقتی بداند وی محبوب خداست و مقامش به منزله برخی ملائکه مقرب اوست<sup>۲</sup> و والدین موظفند قدر او را به عنوان مشاور و وزیر کارآمد بدانند و از افکار جوان و بکروی استفاده کنند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۹۵)، در این صورت است که جوان متربی با احساس ارزشمندی از توجه ویژه خدا و اولیای دین به وی، رابطه نگرشی و عاطفی اش با خدا، اولیای دین، تربیت مهدوی و مراتب دیانت، محکم‌تر و کامل‌تر می‌شود.

### ج) توجه به افکار منطقی و عواطف و فعالیت‌های متربیان

برجسته ساختن افکار، احساسات و رفتارهای مثبت افراد در احساس شخصیت و تقویت آموزه‌های دینی آنان مؤثر است و آنان را از فعالیت‌های منفی و ضد اخلاقی بازمی‌دارد. نوجوانی از انصار در نماز جماعت حاضر شد، ولی رفتارهای زشتی نیز از او سرزد. بزرگسالان از این امر آشفته شدند و برای چاره‌جویی به خدمت رسول اکرم ﷺ رسیدند. پیامبر ﷺ در پاسخ، آنان را به رفتار مثبت نوجوان که همان حاضر شدن به نماز جماعت بود، توجه دادند و فرمودند که همین رفتار نیکش سرانجام، روزی او را از این‌گونه رفتارهای نادرست بازمی‌دارد و چنین نیز شد (همو: ج ۸۲، ۱۹۸).

توجه به تمایلات و عواطف متربی و رویکردهای متفاوت وی و هماهنگ‌سازی آموزش و پرورش او با آن‌ها می‌تواند در فهم و بصیرت و رشد تربیتی او مؤثر باشد. امام رضا علیه السلام فرمود:  
 همانا دل‌ها را رویکردی نشاطی یا روی‌گردی فراری است. به هنگامی که روی می‌آورند، با فهم و بصیرت می‌شوند و هرگاه پشت‌کنند، خسته و ملولند. بنابراین به گاه روی‌آوری و نشاطشان به آن‌ها رابطه آموزشی و تربیتی برقرار سازید و به گاه روی‌گردانی و ضعفشان، آن‌ها را به حال خود رها سازید. (همو: ج ۷۸، ۳۵۳)

### د) شکل دادن روابط اجتماعی بر اساس عدل و احسان

از جمله ابعاد رشد شخصیت، رشد اجتماعی افراد است که در نظام تعلیم و تربیت

۱. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا». (اسراء: ۷۰)

۲. امام مهدی علیه السلام: ... أَلْبَسَكَ اللهُ الْعَافِيَةَ وَجَعَلَكَ مَعَنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ... (متقی هندی، ۱۳۹۷: ش ۴۳۱۰۶)



مهدوی بسیار مهم است؛ زیرا در سایه آن، افراد به وظایف اجتماعی و روابط تربیتی بهینه نسبت به یکدیگر همت می‌گمارند و زمینه ظهور را فراهم می‌سازند. پرورش تربیتی شخصیت اجتماعی افراد و شکل دادن روابط اجتماعی آنان بر اساس عدل و احسان زمینه‌ساز پدید آمدن جامعه بالنده تربیتی است. افراد مؤمن به اهداف حکومت و ولایت امام زمان علیه السلام نسبت به پدید آمدن شرایط چنین جامعه‌ای احساس تکلیف می‌کنند و برای فراهم‌سازی شرایط ظهور وظایفی یکدیگر دارند. محور این وظایف، عدل و احسان است<sup>۱</sup>. اجرایی کردن عدل و احسان توسط مؤمنان، سبب می‌شود زمینه تحقق عدالت اجتماعی، به عنوان برجسته‌ترین اهداف حکومت و ولایت ولی عصر علیه السلام در میان جامعه بشری فراهم گردد. روابط اجتماعی بر اساس عدالت و احسان، پیوندی انسانی میان همه افراد مؤمن برقرار می‌سازد. آن‌ها نسبت به یکدیگر قرابت و همدری احساس می‌کنند و به کمک هم می‌شتابند و برای رفع نیاز یکدیگر اقدام می‌کنند. آنان اخلاق اجتماعی را در میان خود نهادینه می‌سازند و با رفتارهای ارزشی، زمینه پرورش و ارتقای شخصیت اجتماعی یکدیگر را فراهم می‌کنند و جامعه را برای قیام به قسط<sup>۲</sup> آماده می‌کنند که این از خواسته‌های مهم انبیا علیهم السلام و امام زمان علیه السلام است.

#### هـ، برقراری ارتباط عاطفی در کنار حمایت‌ها

درک و ایجاد ارتباط عاطفی با افراد، در رشد شخصیت و احساس ارزشمندی و روی آوردن وی به امور پسندیده تأثیر دارد. از این رو به این شیوه ارتباطی با افراد در متون دینی توصیه شده است<sup>۳</sup>. ارتباط عاطفی و حمایتی مؤمنان با یکدیگر از مهم‌ترین راهکارهای تربیتی است که قرآن آن را ویژگی افراد مؤمن به عنوان «رحماء بینهم»<sup>۴</sup> مطرح کرده است. این راهکار به تحول در روابط میان مؤمنان نظر دارد؛ تحولی که زندگی فرد را با زندگی جامعه ایمانی، گره عاطفی می‌زند؛ چنان‌که در تبادل بزو و محبت و مهرورزی نسبت به یکدیگر، همانند یک پیکرند. درد دیگری، درد خود پنداشته می‌شود و مشکل دیگری را مشکل خویش دانسته و تمام توان خود را در رفع آن به کار می‌گیرد.<sup>۵</sup> مؤمنان بر محور دوستی رفتار اجتماعی خود را

۱. امام صادق علیه السلام: لیس لله امرأ العدل والاحسان. (قمی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۳۸۸)

۲. «... لیتقوم الناس بالقسط...». (حدید: ۲۵)

۳. اوصیکم بالشبان خیراً. (فرید تنکابنی، ۱۳۷۲: ج ۱، ۳۴۹)

۴. «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ». (فتح: ۲۹)

۵. امام صادق علیه السلام: المؤمنون في تبارهم وتراحمهم وتعاطفهم كمثل الجسد إذا اشتكى إذا شئت له سائرته بالسهر والخمى.

پی‌ریزی می‌کنند و می‌کوشند هیچ کلام، عملکردی نسبت به یکدیگر نداشته باشند که در آن محبت و مودت جلوه‌گری نکند؛ زیرا آنان با هم اخوت دارند و محبت به یکدیگر را محبت به خویش و خانواده خویش می‌دانند.<sup>۱</sup> این نوع رفتار مودتی، از بینش و عاطفه درونی و باور قلبی آنان سرچشمه می‌گیرد و به صورت آبراه‌های زلال درمی‌آید و در رگ‌های جامعه جریان می‌یابد. آن‌گاه تربیت و اخلاق افراد را حیات می‌بخشد و بر تربیت زمینه‌ساز ظهور و حاکمیت توالی در جامعه ایمانی، به صورت همه‌جانبه و عمیق اثر می‌گذارد.

### و) پرورش روحیه اخلاقی و معنوی

شخصیت اعتقادی با تمایل فطری بشر به خدا و صفات و افعال ارزشی سبب آن است که هر قدر این عواطف در مرتبه پرورش یابد، ابعاد شخصیتی او رشد می‌یابد. مثلاً با پرورش خداشناسی و خدا دوستی، شخصیت اعتقادی و عاطفی فرد با خدا تقویت می‌گردد و با پرورش میل به حق‌طلبی، شخصیت حق‌گرایی و حق‌خواهی رشد می‌یابد و با پرورش نوع دوستی، شخصیت عاطفی و اجتماعی مرتبه بالنده می‌گردد و به طور کلی با پرورش گرایش‌های اخلاقی و معنوی، شخصیت اخلاقی و معنوی مرتبه‌ای می‌شود. از سوی دیگر، فرد دارای شخصیت متعالی و معنوی، می‌کوشد به انجام افعال ارزشی در ابعاد فردی و اجتماعی بپردازد. بنابراین ابعاد شخصیتی وجود انسان و انجام فعالیت‌های تربیتی و اخلاقی، با هم رابطه تعاملی دوسویه دارند و پرورش هر یک در رشد دیگری مؤثر است. از این رو به طور مثال می‌توان بیان کرد: انجام رفتارهای اخلاقی (عمل صالح) با هم رابطه تعاملی دارند. رشد شناخت یقینی و شخصیت ایمانی در سوق دادن افراد به انجام رفتارهای نیکو و ارزشی مؤثر است و حسن اخلاق و ظهور آن در رفتار به صورت مستمر نیز در تثبیت و افزایش درجات ایمان تأثیر دارد. بنابراین از جمله عواملی که می‌تواند شخصیت افراد را در ابعاد گوناگون تقویت کند و به فراهم‌سازی زمینه ظهور کمک نماید، پرورش صفات اخلاقی در آنان است. از نمونه‌های مصداقی رفتارهای اخلاقی که در احادیث رابطه آن‌ها با شخصیت دینی و اعتقادی مطرح شده، می‌توان به حسن ظن،<sup>۲</sup> حق‌پذیری و ترجیح عملی حق بر باطل و پایمال نکردن حق دیگران،<sup>۳</sup> اصلاح میان مردم،<sup>۱</sup> راستی،<sup>۲</sup> کنترل خشم،<sup>۳</sup> تقوا، ورع، گناه نکردن<sup>۴</sup> و غیرت<sup>۵</sup>

(اهوازی، ۱۴۰۴: ۳۹)

۱. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ». (حجرات: ۱۰۰)

۲. امام صادق علیه السلام: «حَسَنُ الظَّنِّ رَاحَةُ القَلْبِ وَ سَلَامَةُ الدِّينِ». (آمدی تمیمی، ۱۳۷۳: ح ۴۸۱۶)

۳. امام صادق علیه السلام: «إِنَّ مِنْ حَقِيقَةِ الإِيمَانِ أَنْ تُؤْتِرَ الحَقُّ وَإِنْ صَرَكَ عَلَى البَاطِلِ وَإِنْ تَفَعَكَ وَأَنْ لَا يَجُوزَ مَنْطِقُكَ عِلْمَكَ».

اشاره کرد.

## ۲. معرفی تجربیات و الگوهای برتر مهدوی

از جمله راهبردهای اجتماعی زمینه‌ساز ظهور، ارائه الگوهای عملی به افراد توسط فرهیختگان جامعه و به خصوص عامل بودن متدینین به دین، به‌ویژه نمود عملی پارسایی و کوشش برای انجام کارهای مورد پسند امام زمان علیه السلام توسط افراد جامعه و زدودن تحکم و اجبار و حاکمیت بخشیدن به عقلانیت و حاکم‌سازی محبت در جامعه است. ترمیم و اصلاح آسیب‌های شناختی، عاطفی و رفتاری افراد از طریق توجه به مراکز و اماکن مذهبی در ارتباط با اولیای الهی می‌تواند در سلامت روانی و فکری آنان تأثیرگذار باشد.

اگرچه مهدویت تبلورهای اجتماعی بسیاری دارد، ولی جنبه شخصی و تجربی نیز دارد. افراد زیادی با ارتباط معنوی با خدا و اولیای الهی و از جمله امام عصر علیه السلام و راز و نیاز با آنان و انجام فعالیت‌های ارزشی، صفای دل را تجربه می‌کنند و در حالات معنوی خویش غرق می‌شوند که درک آن برای دیگران ممکن نیست. شاید نتوان شعف ناشی از یک کار ارزشی و خیر را به آسانی توصیف کرد، یا رابطه با خداوند و ائمه علیهم السلام را با کلمات بیان کرد. شاید نتوان اثر ذکر و یاد خدا را در زندگی به راحتی تشریح کرد، بلکه هنگامی که فرد این حالات را تجربه می‌کند، به معرفت و عواطفی دست می‌یابد که اثرات عمیق آن را در خود احساس خواهد کرد. شخص متربی با توجه به الگوهای برتری که مهدوی زندگی می‌کنند و تمام وجودشان تأسی از امام زمان علیه السلام است، می‌تواند تحول عظیم تربیتی پدیدار کند و به سوی پرورش گرایش‌های فطری خویش از تجربیات برتر مهدوی خداخواهی، کمال‌خواهی، خیرخواهی، عدالت‌خواهی و دیگر ارزش‌های اخلاقی گام بردارد و بفهمد که وی چه جایگاهی در گستره گیتی دارد؛ از کجا

(مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۷، ۱۰۶)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: لا یُکْمَلُ الْمُؤْمِنُ إِيمَانَهُ حَتَّى يَحْتَوِيَ عَلَى مِائَةِ وَ ثَلَاثِ خِصَالٍ: ... لَا يَقْبَلُ الْبَاطِلُ مِنْ صَدِيقِهِ وَلَا يَزِدُّ الْحَقَّ مِنْ عَدُوِّهِ... (همو: ۳۱۰)  
۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله: أَحْبَبْتُكُمْ أَلَا بِأَفْضَلِ مِنْ ذَرَجَةِ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَالصَّدَقَةِ؟ صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ، فَإِنَّ فِسَادَ ذَاتِ الْبَيْنِ هِيَ الْحَالِقَةُ. (پاینده، ۱۳۶۴: ج ۴۵۸)

۲. امام علی علیه السلام: الْإِيمَانُ أَنْ تُؤْتِرَ الصِّدْقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ عَلَى الْكُذِبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ. (شریف رضی، ۱۳۸۷: حکمت ۴۵۸)

۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ثَلَاثُ خِصَالٍ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ خِصَالَ الْإِيمَانِ: الَّذِي إِذَا رَضِيَ لَمْ يُدْخِلْهُ رِضَاةَ فِي بَاطِلٍ وَإِنْ غَضِبَ لَمْ يُخْرِجْهُ مِنَ الْحَقِّ وَ لَوْ قَدَّرَ لَمْ يَتَعَاطَا مَا لَيْسَ لَهُ. (درایتی، ۱۳۴۳: ۳۵)

۴. امام محمد باقر علیه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ وَ ضُونُوا دِيْنَكُمْ بِالْوَرَعِ. (حیدری، ۱۳۸۲: ج ۱۸۸)

۵. پیامبر صلی الله علیه و آله: الْغِيْرَةُ مِنَ الْإِيمَانِ وَالْهَذَا مِنَ الْإِيمَانِ. (پاینده، ۱۳۶۴: ج ۲۰۴۵)

۶. امام علی علیه السلام: النَّجَارِبُ عِلْمٌ مُسْتَفَادٌ. (آمدی تمیمی، ۱۳۷۳: ج ۱، ۲۶۰)

آمده است و برای چه آمده و به کجا می‌رود؛ چه نقش‌هایی در این جهان دارد؛ اندیشه نظام‌مندش درباره خویش و نظام آفرینش و زندگی‌اش در این دنیا چیست؛ خداوند را چگونه می‌یابد و مایل است با او چه رابطه‌ای برقرار سازد؛ چه تحلیلی از علاقه‌اش به پروردگار دارد؛ در برابر خداوند و موقعیتش در جهان هستی چه رسالتی بر عهده اوست؛ چه تناسبی با اولیای الهی و ائمه هدی علیهم‌السلام برقرار می‌سازد و می‌خواهد چه نوع رابطه‌ای با دیگر افراد بشر داشته باشد؛ خواستار چه همکاری‌های متقابلی با آنان است؛ آرمان‌های فطری‌اش را در رابطه با خودش (مانند لذت و سعادت طلبی)، در رابطه با خدا (مانند پرستش، راز و نیاز و استعانت از خدا) و در رابطه با دیگر انسان‌ها (مانند محبت، احسان و عدالت) و در رابطه با طبیعت و جهان هستی (مانند کشف جهان و بهره‌برداری از آن) چگونه محقق سازد، و در آزمایش عملی و عملکرد دینی به خوبی از عهده برآید.

### ۳. فرهنگ‌سازی مهدوی

توسعه فرهنگ دینی در محیط زندگی، از جمله راهکارهای مؤثر در تربیت زمینه‌ساز ظهور است. در محیط تعلیم و تربیت، اقدامات زیر می‌تواند به توسعه فرهنگ دینی کمک کند: یکم. معرفی دین به این‌که سمحه سهله است و منظور خدا از وضع احکام که اشاره فرموده: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره: ۱۸۵)، این نیست که بر آدمی سخت‌گیری کند، بلکه اجرای آن‌ها آسان است. رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

بُعِثْتُ بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّمْحَةِ السَّهْلَةِ؛ (متقی هندی، ۱۳۹۷: ج ۱۱، ح ۳۲۰۹۵)

به دین حنیف هموار آسان مبعوث شدم.

و نیز فرمود:

لَنْ يَرْسَلَنِي اللَّهُ بِالرَّهْبَانِيَّةِ وَلَكِنْ بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ؛ (کلینی، ۱۳۹۱: ج ۵، ۴۹۴)

خداوند مرا برای رهبانیت [و سخت‌گیری دادن به خود در انجام عبادت‌های طولانی و شاق] نفرستاده است، بلکه با دینی سهل و آسان فرستاده است.

دوم. برگزاری مباحثات و مناظرات دینی - فرهنگی آزاد، همان‌طور که سیره مستمره رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام چنین بوده است.

سوم. گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، به صورت شایسته در جامعه. اجرای اصل تربیتی امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، از راهکارهای بسیار مؤثر در ایجاد تربیت زمینه‌ساز است. امام محمد باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

المُهْدِيَّ وَ أَصْحَابِهِ... يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱)

(۴۸ - ۴۷)

مهدی و یاران او... امر به معروف و نهی از منکر می کنند.

امر به معروف و نهی از منکر یک اصل تربیتی است که تحقق مراحل آن، هماهنگ با شرایط اجرایی اش، از ناهنجاری های اجتماعی می گاهد و بهداشت روانی، به ویژه سلامت معنوی افراد در جامعه را ارتقا می دهد. امر به معروف و نهی از منکر از جمله فرایض دینی و از ضروریات اسلام است (خمینی، ۱۳۶۸: ج ۱، ۳۹۷) که جامعه دینی را پرنشاط می سازد، و در صورت اهتمام مردم و مسئولان به این وظیفه شرعی، بسیاری از زشتی ها از جامعه رخت برمی بندد و ارزش های دینی و انسانی حاکم می شود. یکی از جهاتی که قرآن بر اصل تربیتی امر به معروف و نهی از منکر، تأکید دارد<sup>۱</sup>، این است که با اجرای این اصل، احساس مسئولیت نسبت به دیگر انسان ها و جامعه در هر فرد احیا می گردد؛ دیگرخواهی رشد یافته و تمایل به خوبی ها و ارزش های اخلاقی شکوفا می شود و پرورش می یابد؛ عواطف انسانی در راستای حفظ و ارتقای سلامت روانی هم نوعان، بسیج می شود و هر فردی نقش خود را در کاهش تخلفات قانونی و جلوگیری از بزهکاری های اجتماعی و اثرگذاری در مدیریت بهینه اجرای قوانین جامعه ایفا می کند. همچنین فرد در حفظ امنیت، جلوگیری از بحران های اقتصادی و فقر، تأمین نیازمندی های گوناگون جامعه و اموری از این دست می کوشد و زمینه اقامه حاکمیت ارزش های مهدوی و مجموعه وظایف و رسالت های انسانی را فراهم می سازد<sup>۲</sup>؛ وظایفی که لازمه ایمان است و باعث جذب رحمت خاص پروردگار می شوند<sup>۳</sup>.

#### ۴. آسیب شناسی با هدف آسیب زدایی

در عصر حاضر که جامعه ما به شکل روزافزونی به موضوع انتظار و ظهور روی آورده است، ضرورت شناسایی آسیب ها، آفت ها و برداشت های نادرست، بیش از هر زمان دیگر احساس می شود و لازم است ضمن ترویج و توسعه فرهنگ انتظار، آموزش داده شود که چه اموری مهدوی نیست. چه بسیار اندیشه های نادرست در زمینه مهدویت و زمینه های ظهور که به مهدویت آسیب می زنند و باید آسیب زدایی کرد و راه های مقابله با آن ها را آموزش داد. اکنون

۱. «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ (آل عمران: ۱۰۴)

۲. امام محمد باقر علیه السلام: قَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْقَرَائِصُ. (کلبینی، ۱۳۹۱: ج ۵، ۵۵)

۳. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ»؛ (توبه: ۷۱)

به تعدادی از راهکارهای مقابله‌ای با آسیب‌ها پرداخته می‌شود:

### الف) مرزشناسی

از جمله راهبردهای در تربیت مهدوی، «مرزشناسی» است و حاکی از آن است که باید در جریان طبیعی زندگی، در رویارویی با بدی‌ها و نادرستی‌ها، توانایی تبیین و تفکیک میان خوبی و بدی یا درستی و نادرستی را به صورت مدلل در متربیان فراهم آورد و به این ترتیب، زمینه‌های مهارگرایش‌های آنان به بدی و نادرستی را مهیا کرد. مرزشناسی با تقوای حضور ملازم است، نه با تقوای پرهیز. بر این اساس، بهره‌وری از مهدویت در امر تربیت، در دو صورت آسیب‌زا خواهد بود؛ هنگامی که فهم ما از این اصل اعتقادی و عمل ما در پرتو آن، به صورت حصاربندی جلوه‌گر شود و هنگامی که موضع ما نسبت به آن، به حصارشکنی بینجامد.

در شکل نخست از آسیب‌زایی، تصور و برداشتی ایستا از مهدویت و انتظار مهدی علیه السلام وجود دارد؛ به این معنا که دو صف حق و باطل، هر یک با پیروان خود، برقرارند تا زمانی که ظهور رخ دهد و باطل مضمحل شود. در این فاصله، پیروان حق باید بریده و برکنار از پیروان باطل، «انتظار» بکشند تا لحظه وقوع واقع فرارسد. در این تصور، دوران غیبت، به مثابه «اتاق انتظار» است که باید در آن به دور از اهل باطل نشست و منتظر بود تا صاحب امر بیاید و کار را یکسره کند. تلاش افراد در این جا برای دور نگاه داشتن و مصون داشتن خود و دیگران، از اهل باطل است. پیامد چنین فهمی از مهدویت، به صورت تربیت قرنطینه‌ای آشکار می‌گردد که در آن می‌کوشند افراد را با کنار کشیدن از معرکه، همراه با انتظاری انفعالی، مصون نگاه دارند. این پیامد تربیتی، گونه‌ای آسیب‌زا از تربیت را نشان می‌دهد؛ زیرا منطق حصاربندی بر آن حاکم است که عبارت از افزایش آسیب‌پذیری فرد از طریق دور نگاه داشتن وی از مواجهه است. اما این آسیب‌زایی، خود از کژفهمی نسبت به مهدویت نشأت یافته است (باقری، ۱۳۸۰: ۲۲۹ - ۲۳۱).

شکل دوم از آسیب‌زایی، حصارشکنی است که در مقابل حصاربندی قرار دارد. در حالی که در حصاربندی، مرزهای آهنین می‌گذارند، در حصارشکنی، هر مرزی را برمی‌دارند و بی‌مرزی را حاکم می‌کنند. حاصل این امر، بروز التقاط‌های ناهمخوان میان اندیشه‌های حق و باطل است. آسیب‌زایی حصارشکنی در تربیت مهدوی این است که درست و نادرست، یک جا خوراک افراد تحت تربیت می‌شود و این خوراک ناجور، نه تنها رشدی را سبب نخواهد شد، چه بسا مسمومیت و هلاکت در پی داشته باشد. نمونه این بی‌مرزی و التقاط در عرصه

مهدویت، آن است که کسانی معتقد شوند مهدی اسم خاصی برای فرد معینی نیست، بلکه نمادی کلی برای اشاره به چیرگی نهایی حق و عدالت بر باطل و بیدادگری است و مصداق این نماد می‌تواند هر کسی باشد. در روایات مربوط به مهدویت، این‌گونه حصارشکنی به دیده منفی نگریسته شده است. بنابراین، در روایات بسیاری بر این نکته تأکید شده است که مهدی علیه السلام نام شخص معینی است. برای مثال، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

مهدی مردی از عترت من است که برای [برپایی] سنت من می‌جنگد، چنان‌که من

برای وحی جنگیدم. (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۸: ۲۳۲)

نه تنها بر این نکته تأکید شده است که باید به مهدی چون نام خاص فرد معینی اعتقاد ورزید، که خداوند رسالت حاکمیت بخشیدن به حق و عدالت را به عهده وی گذاشته است، بلکه به طور کلی باید در دوران غیبت، دین و آموزه‌های اصیل آن را بازشناخت و بر آن پای‌ورزی کرد. این امر نیز نشان‌گر نادرستی مرزشکنی و درآمیختن حق و باطل در دوران غیبت است. این مرزشناسی شامل مواردی از این قبیل است: شناخت مهدی علیه السلام چون شخصی معین، شناخت رسالت وی در برپایی حق و عدالت، شناخت حقانیت آموزه‌های دین اسلام که وی آن را به جهانیان عرضه خواهد نمود، آشنایی با جریان‌های فکری مختلف که سودای برقرار ساختن حق و عدالت در جوامع بشری و نیز توانایی بازشناسی میزان درستی و نادرستی آن‌ها و توانایی در میان گذاشتن محققانه باورهای خود با آن‌ها را در سر دارند. پیرو مهدی علیه السلام با تربیت شدن برای زیستن در چنین محیطی باز، از انتظار انفعالی ظهور وی به دور خواهد بود و در ارتباط سازنده با جریان‌های فکری دیگر، انتظاری پویا را نسبت به ظهور، آشکار خواهد ساخت. انتظار پویا به معنای فراهم ساختن فعالانه زمینه‌های ظهور است (باقری، ۱۳۸۰: ۲۳۱ - ۲۳۳).

### ب) پرورش عقل‌ورزی در متربیان

از آن‌جا که آموزه‌های دینی و از جمله مهدویت مبتنی بر ادراکات عقلی است، پرورش عقل‌ورزی در متربیان، سبب می‌گردد مسائل مهدوی به خوبی تفهیم شود، ایمان به مهدویت در آنان تقویت گردد، وظایف خود را در زمینه‌سازی ظهور، به شایستگی درک کنند و برای عملیاتی کردن آن، بسترهای لازم را فراهم سازند. آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی از آموزه‌های مهدوی، با رشد عقلانی مردم میسر است. از این‌روست که در قرآن کریم و احادیث بر لزوم عقل‌ورزی و تقویت و افزایش توانمندی‌های عقلانی بسیار تأکید شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

### العقل غریزة تزید بالعلم و التجارب؛ (آمدی تمیمی، ۱۳۷۳: ج ۲، ۳۲)

عقل استعدادی طبیعی است که با علم و تجربه افزایش پیدا می‌کند.

افزایش توانمندی‌های عقل به وسیله علم و تجربه است. پرورش خرد سبب می‌شود افراد حقایق هستی، اهداف زندگی، درستی و نادرستی راه‌ها را بیابند و فضایل را که در عقل متکامل است، در خویش رشد دهند و از جهل و نادانی‌ها و ضد ارزش‌ها فاصله گیرند. تربیت جامعه و تزیین آن به ۷۵ ویژگی عقل و مقابله کردن با ۷۵ صفت ضد آن<sup>۱</sup> از وظایف زمینه‌سازان حکومت ولی عصر<sup>علیه السلام</sup> است. این پرورش و تعالی عقلی است که زمینه را برای پذیرش ولایت مهدی، ایمان و صالح عمل کردن فراهم می‌سازد.<sup>۲</sup>

وجود عقل در وجود انسان یکی از نعمت‌های بزرگی است که خداوند متعال در وجود انسان به ودیعت نهاده است و وجه تمایز انسان با سایر موجودات همین عقل و تفکر انسان است (مطهری، ۱۳۷۲: ۸۷). از جمله ویژگی‌های یک انسان شایسته این است که از این نعمت الهی کمال استفاده و بهره‌وری را نماید تا بدین وسیله خود را به سعادت برساند. یکی از علل مهمی که انسان‌ها راه شقاوت و گمراهی را می‌پیمایند این است که از نیروی عقل خود استفاده نمی‌کنند و هوی و هوس را بر آن مقدم می‌دارند و در نتیجه قدران این نعمت الهی نیستند و خود را به نازل‌ترین درجه حیوانیت می‌رسانند، چنان‌که قرآن کریم کسانی را که از نیروی عقل خود غفلت می‌کنند و با هواپرستی و شیفتگی به دنیا، در مسیر هلاکت قرار می‌گیرند، بدترین موجودات معرفی می‌نماید و چنین می‌فرماید:

﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يُعْقِلُونَ﴾ (انفال: ۲۲)

قطعاً بدترین جنبندگان نزد خدا، کران و لالان [معنوی] هستند که نمی‌اندیشند.

بی‌گمان توجه به عقل و منطق، از جمله ویژگی‌های اساسی دین مقدس اسلام است و دستورات و احکام اسلامی نیز با عقل سلیم بشری مطابقت کامل دارد. در اسلام نمی‌توانیم هیچ حکم الهی را بیابیم که با عقل و منطق ناسازگار باشد. در تربیت انسان نیز یکی از اصول تربیتی اسلام، همین است که تمامی فرایندهای تربیت باید با عقل مطابق باشد و چیزهایی که بر ضد قوانین عقلی و برای حیات و سعادت انسان خطرساز باشد، همانند برخی از دستورات و احکام به ظاهر دینی جهان غرب و مکاتب انحرافی لیبرالیست - دموکرات و مانند آن، از حیطة

۱. اشاره به حدیث جنود عقل و جهل است (کلینی، ۱۳۹۱: ج ۱).

۲. امام حسن <sup>علیه السلام</sup>: يَدِينُ لَهُ عَرَضُ الْبِلَادِ وَ طَوْلُهَا لَا يَبْقَى كَافِرًا إِلَّا آمَنَ بِهِ وَ لَا ظَالِحٌ إِلَّا صَلَحَ. (طبرسی، ۱۴۱۳: ۲۸۳)



دستورات تربیتی اسلام خارج‌اند (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۰: ۹۷ - ۱۰۲). انطباق کامل فرایند تربیت انسان با عقل و توجه و عنایت کامل به این گوهر ناب موجود در انسان در آموزش و پرورش بشر، یکی از دستاوردهای بزرگ نظام تربیتی مهدوی به شمار می‌رود، به طوری که در دوران ظهور، عقل محوری در تربیت انسان (با پشتوانه دین و شریعت) به اوج خود می‌رسد و در چنین شرایطی است که بهترین و کاربردی‌ترین شیوه‌ها و راهکارهای تربیتی به روی بشر باز خواهد شد و دستاوردهای عقلی بشری با تمام ظرفیت‌های موجود به جای اتلاف در راه‌های غیر ضروری و مضر، در راه سعادت و تکامل و تربیت صحیح انسان‌ها هزینه می‌شود، چنان‌که امام باقر علیه السلام درباره گرایش به عقل و منطق و شکوفایی عقلی بشری در مکتب تربیتی مهدوی چنین فرموده است:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَأَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ؛  
(مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۳۶)

زمانی که قائم ما قیام کند، دست خود را بر سر مردم می‌گذارد و بدان وسیله عقل آنان را شکوفا ساخته و اخلاقشان را الهی می‌سازد.

البته نباید فراموش کرد که اگر در تربیت اسلامی و مهدوی، از عقل‌ورزی و گرایش به آن در همه ابعاد تربیت، سخن به میان می‌آید، منظور همان عقل و منطق و تدبیری است که انسان‌ها به سبب آن، با خدا رابطه‌ای عمیق برقرار می‌سازند و تسلیم اوامر اویند و از راه بندگی و عمل به آموزه‌های دینی مسیر سعادت را می‌پیمایند؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام درباره معنای واقعی عقل محوری اسلامی چنین می‌فرماید:

الْعَقْلُ ... مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اُكْتَسِبَ بِهِ الْحَيَاتَانُ؛ (کلینی، ۱۳۹۱: ج ۱، ۱۱)

عقل چیزی است که خداوند با آن عبادت می‌شود و بهشت‌های [اخروی] با آن به دست می‌آید.

### ج، عدم کمال‌گرایی غیرواقع‌گرا و سهل‌انگاری

کمال‌گرایی غیرواقع‌گرا این است که از همه پیروان حضرت مهدی علیه السلام انتظار واحدی داشته باشیم و بخواهیم افراد ضعیف‌الایمان هم با همه مشکلاتی که دارند، برای زمینه‌سازی اقدام کنند. توضیح مطلب آن است که مهدی علیه السلام عهده‌دار رسالتی سخت و سترگ است. تلاش گسترده در سطح جهان برای زدودن ظلم و بی‌عدالتی و نشان دادن حق و عدالت براریکه قدرت، کاری به غایت دشوار است؛ زیرا مستلزم بازستاندن قدرت از دست مدعیان دروغین و جسور آن خواهد بود. از این رو امام مهدی علیه السلام با مقاومت‌های بسیاری روبه‌رو خواهد شد و ناگزیر، جنگی

جانکاه در پیش خواهد داشت. خداوند چنین مقدر نکرده است که آن حضرت این رسالت را به تنهایی و تنها با مدد غیبی به انجام رساند، بلکه نظر بر آن بوده است که بشر درگیرودار این رخداد عظیم، خود نیز تحول یابد و در تعیین سرنوشت تاریخی خویش نقش آفرینی کند. به هر روی، کسانی خواهند توانست خود را برای این یآوری آماده کنند که ظرفیتی عظیم در خویش سراغ گیرند. از همین رو صفات برجسته‌ای برای یاوران مهدی علیه السلام ذکر شده است، چنان‌که از امام صادق علیه السلام در وصف شجاعت آنان آمده است:

... وَ رَجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۳، ۱۸۰)

... و مردانی که گویی دل‌های شان پاره‌های پولاد است.

هم چنین ابوالجارود به نقل از امام باقر علیه السلام گوید:

إِذَا سَمِعْتُمْ بِهِ فَاتْوَهُ وَ لَوْ حَبْوًا عَلَى الثَّلْجِ؛ (نعمانی، ۱۳۷۶: ۲۲۲)

چون شنیدید ظهور کرده است، نزد او بروید، اگرچه کشان‌کشان بر روی برف و یخ باشد.

این بیان حاکی از آن است که یاران امام، چنان نستوه‌اند که اگر لازم باشد خود را به این نحو نیز به وی برسانند، به آن مبادرت خواهند کرد. در نظر بودن چنین غایت بلندی در مسئله مهدویت، زمینه‌ساز آسیب تربیتی کمال‌گرایی غیرواقع‌گرا می‌گردد. این آسیب چنین آشکار می‌گردد که مریبان، بدون توجه به وسع فهمی و عملی افراد، آنان را از همان ابتدا به فتح این قلعه عظیم فراخوانند. آسیب این‌گونه کمال‌گرایی، به صورت اعراض کلی فرد از مقصد و مقصود آشکار می‌گردد و این در جریان تربیت، نقض غرض خواهد بود؛ زیرا فراخواندن افراد به کمال، برای آن است که آنان از وضعیت کنونی خویش، به سوی نقطه‌ای فراتر حرکت کنند. اما هنگامی که این امر به صورت غیرواقع‌بینانه صورت گیرد، فرد را از اصل حرکت منصرف می‌سازد. مربی باید بداند که هر کسی برای آن ساخته نشده است که بتواند یاور خاص مهدی علیه السلام باشد و نمی‌توان همگان را در این حرکت، به قلعه نشانند. با این حال، چنین نیست که این‌گونه افراد، جایی در کاروان بلنددامنه نصرت مهدی علیه السلام نداشته باشند.

آسیب، سهل‌انگاری در مقابل کمال‌گرایی غیرواقع‌گراست. سهل‌انگاری در قلمرو مهدویت، این‌گونه آشکار می‌گردد که جایی برای آن در ذهن و ضمیر فرد فراهم نیاید و به تبع آن، نقشی برای آن در تحول شخصیتی وی وجود نداشته باشد. به عبارت دیگر، در این قطب، مسئله مهدویت در منظومه تربیت دینی، به کنج تغافل یا غفلت می‌افتد و هیچ نقشی برای آن در

جریان تربیت دینی در نظر گرفته نمی شود (باقری، ۱۳۸۰: ۲۳۴ - ۲۳۸).

راهکار این آسیب در تربیت مهدوی، آسان گیری است. آسان گیری از معایب هر دو شکل کمال گرایی غیرواقع گرا و سهل انگاری به دور است؛ زیرا در عین حال که در آن به کمال نظر هست، وسع فرد نادیده گرفته نمی شود و در عین حال که در آن، سهولت در کار است، غفلت در میان نیست. در تربیت مهدوی باید آسان گیری را چون یکی از شاخص ها در نظر گرفت. در آسان گیری، باید نخست به حدود وسع فهمی و عملی فرد توجه نمود و آن گاه با نظر به این حدود، حرکت وی را تسهیل کرد. امام علی علیه السلام در حدیثی از امام مهدی علیه السلام یاد کرده است و خطاب به حذیفه بن یمان می فرماید:

يَا حَذِيفَةُ! لَا تُحَدِّثِ النَّاسَ بِمَا لَا يَعْلَمُونَ فَيَطْعَمُوا وَيَكْفُرُوا إِنَّ مِنَ الْعِلْمِ صَعْباً شَدِيداً  
مَحْمِلُهُ لَوْ حَمَلَتْهُ الْجِبَالُ عَجَزَتْ عَنْ حَمْلِهِ إِنَّ عِلْمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ سَيْنُكُرُو يُبْطَلُ وَتُقْتَلُ  
رُؤَاؤُهُ؛ (نعمانی، ۱۳۷۶: ۲۰۳)

ای حذیفه، با مردم آن چه را نمی توانند بدانند (نمی فهمند) نگو؛ که سرکشی کنند و کفر ورزند. همانا برخی از دانش ها سخت و گران بار است که اگر کوه ها آن را بردوش کشند، از تحمل آن ناتوانند.

به زودی علوم ما اهل بیت انکار می شود و باطل خوانده می شود و راویان آن کشته می شوند.

#### د) تبیین آن چه مهدویت نیست (حقیقت پذیری)

گرایش به مقدس جلوه دادن هر ادعایی در ارتباط با امام عصر علیه السلام و پذیرش افرادی که مدعی رویت و ارتباط هستند و معنوی و ماورایی تلقی کردن آنان، از جمله آسیب های تربیتی زمینه ظهور است. این نوع نگرش خرافه پردازی است. خرافه پردازی هنگامی است که حقایق ماورای طبیعی مهدویت، دستخوش عوام زدگی می گردد و سوداگران و خامی عامیان، بستر مناسبی برای خرافه پردازی فراهم می آورد. هر چند امکان رویت امام زمان علیه السلام یا رؤیاهای مربوط به آن حضرت در اصل، منتفی نیست و برخی از اخبار، حاکی از دیدن آن حضرت توسط بعضی از بزرگان بوده است، اما اندک نیست داستان های بی اساسی که به این مسئله پرداخته اند (هاشمی شهیدی، ۱۳۸۴: ۱۸۲ - ۱۸۵). آسیب زدایی این آسیب به این است که مریبان تربیت مهدوی خود، گرایش عوامانه به پذیرش این اباطیل نداشته باشند و با چنین روی آوری های اعتقادی خلاف حقیقت، روشن گری و مقابله نمایند.

همچنین تفسیرهای مادی از مهدویت و انکار حقیقت معنوی و الهی آن، از آسیب های

تربیتی زمینه‌ساز ظهور به شمار می‌رود. این آسیب از آن جاست که امور، همواره اموری طبیعی نگریسته می‌شوند و ردپای هر امر ماورای طبیعی در آن‌ها محو می‌گردد. نمونه این نوع نگرش، تفسیر ابن خلدون از اخبار مربوط به مهدی علیه السلام است. وی کوشیده است بر اساس دیدگاه فلسفی خود در باب جامعه بشری، مهدویت را تفسیر کند. از نظری، عصبیت، اساس حکومت و نظام اجتماعی بشری را می‌سازد و بر این اساس، می‌گوید چون عصبیت فاطمی و به طور کلی، عصبیت قریش از میان رفته و بعید است که فردی به دنیا آمده باشد و عمر بسیار طولانی کند، ظهور مهدی علیه السلام از خاندان فاطمه علیها السلام و به یادداشتن حکومتی مقتدر و جهانی را ممکن ندانسته است. از این رو، وی به این تفسیر روی می‌آورد که مراد از ظهور مهدی، پیدایش حکومتی مبتنی بر اتحاد قبایل سادات اطراف مدینه و حجاز است (حضرمی، ۱۳۴۵: ۷۲۶).

راهکار زدودن این آسیب در تربیت مهدوی، پذیرش حقیقتی ماورایی است که اراده خدا بر آن تعلق گرفته و روایات بسیاری که فریقین درباره مشخصات دقیق حضرت مهدی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند و این که مهدی از نسل دختر رسول الله صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام و فرزند چندم هریک از ائمه از علی و حسین تا حسن عسکری علیه السلام است؛ و او غیبت صغرا و کبرا دارد، این آسیب‌زدایی جایی برای چنین تفسیرهای مادی‌گرایان باقی نمی‌گذارد.

#### هـ، ظلم ستیزی و نه ظلم‌پذیری

از آسیب‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور، آموزش مهدویت به صورتی است که با سیاست‌های حکومت‌های جائرانه زمانه هماهنگ است. مانند این که تا ظلم زیاد نشود امام زمان علیه السلام نمی‌آید. از این رو نه تنها باید تا زمان ظهور دست روی گذاشت و با هیچ ستمگری مبارزه نکرد، بلکه باید به اشاعه ستم دامن زد. چنین محتوای آموزشی از مهدویت، سبب می‌شود نسل جدید و جوان با مهدویت ارتباط برقرار نکند و احساس شود که مهدویت برای نسل جدید کارایی ندارد. همچنین وقتی حکومت امام زمان علیه السلام برچیننده حکومت‌های دموکراسی معرفی می‌شود، نسل جدید که بر اساس آموزش‌ها در مدارس، دموکراسی را بهترین حکومت‌ها می‌داند و هیچ حکومتی برتر از آن برایش تعریف نگردیده است، نه تنها با مهدویت ارتباط مثبت برقرار نمی‌سازد، بلکه در برابر آن جبهه‌گیری می‌کند. برای پیش‌گیری متربیان از ابتلا به این آسیب و تصحیح و تکمیل اطلاعات نسل جدید تحت تأثیر تهاجم فرهنگی و آموزش‌های

۱. امام محمد باقر علیه السلام: المهدی زجل من ولد فاطمة. (نعمانی، ۱۳۷۶: ۱۸۷)

انحرافی از مهدویت، باید به آموزش درست از مهدویت پرداخت و تبیین کرد که چون فطرت آدمی بر بیزاری از ستمگری سرشته شده است و آموزه‌های اسلامی که همه نمودهای فطرت آدمی است بر تبزی از ستم و ستمگری تأکید ورزیده است<sup>۱</sup>. خدا و اولیای دین، هرگز بر اشاعه ظلم رضایت نداده‌اند، بلکه مبارزه با ستم و ستمگر را در هر سطوحی که ممکن باشد واجب و ضروری دانسته‌اند<sup>۲</sup> و همه مؤمنان موظف شده‌اند به اندازه توان خویش امکانات مبارزه با ظلم را فراهم سازند و مبارزه با ظلم به عنوان برترین جهاد در راه خدا یاد شده است<sup>۳</sup>. در فرهنگ دینی، ظالم «عدو الله» است و تبزی و مقابله با دشمن خدا از مهم‌ترین وظایف مؤمنان تربیت شده بر اساس تربیت اسلامی به شمار می‌رود (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۹، ۱۳۱). همچنین از مسئولیت‌های بسیار بزرگ حضرت ولی عصر علیه السلام مبارزه با ظلم و مقابله با حکومت‌های جائر است<sup>۴</sup>. وی برای تحقق این هدف والای ارزشی و الهی و حاکمیت عدالت منطبق با کتاب خدا<sup>۵</sup> و با بسیج مردمی و امدادهای الهی، درصد براندازی همه حکومت‌هایی است که آشکارا یا پنهانی و چه بسا با عناوین حکومتی همچون عدالت و دموکراسی، ستم روا می‌دارند. از آموزش‌های زمینه‌ساز ظهور، شفاف‌سازی نسبت به حکومت‌های به اصطلاح دموکراسی معاصر است. متربی باید بداند که دموکراسی حاکم بر جهان غرب از جمله حکومت‌های جائر است که بر اساس سیاست‌های استکباری و با تخدیر اذهان عمومی و با شیوه‌های مدرن و غیرمستقیم و با هدف استثمار و بهره‌کشی سردمداران سرمایه‌داری، به تضییع حقوق توده مردم در کشورهای خود و در سراسر جهان می‌پردازند. قیام مهدوی برای مقابله با این سیاست‌ها، و ستمگری‌هاست و هر حکومت یا گروهی که ستمگری نداشته باشد و به حقوق مردم احترام گذارد مورد تأیید حکومت عدالت‌محور مهدوی است.

### ۱) پذیرش حکومت عدل مهدوی و نه تحریم هر حکومت

از آسیب‌های تربیت مهدوی این است که باور به حکومت عدل حضرت ولی عصر علیه السلام با

۱. بَرُنْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَاتَّبَاعِهِمْ وَأَوْلِيَائِهِمْ... يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَإِلَى

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى فَاطِمَةَ وَإِلَى الْحَسَنِ... وَبِالْبِرَائَةِ مِمَّنْ أَسَسَ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ وَأَنْزَعَهُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ مِمَّنْ أَسَسَ أَسَاسَ ذَلِكَ وَبَنَى عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ وَجَرَى فِي ظُلْمِهِ وَجَوْرِهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَشْيَاعِكُمْ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۸، ۲۹۴)

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: اتَّقُوا الظُّلْمَ فَإِنَّهُ ظُلُمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (کلینی، ۱۳۹۱: ج ۲، ۳۳۲)

۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله: أَفْضَلُ الْجِهَادِ مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهُمُّ بِظُلْمِ أَحَدٍ. (برقی، ۱۴۱۳: ج ۱، ۱۹۲)

۴. ثُمَّ الْمُنْتَظَرُ بَعْدَهُ اسْمُهُ اسْمُ النَّبِيِّ يَا مُرُّ بِالْعَدْلِ وَتَفَعَّلَهُ وَتَبَهَّى عَنِ الْمُنْكَرِ وَبَجْتَنِيئِهِ... يَكْشِفُ اللَّهُ بِهِ الظُّلْمَ وَبِجُلُوبِهِ الشَّاكَّ وَالْعَمَى يَزْعَى الذُّنْبُ فِي أَيَّامِهِ مَعَ الْغَنَمِ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۶، ۲۱۹)

۵. يَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (همو: ج ۵۱، ۵۳)

تحریم هر حکومتی پیش از آن، ملازم دانسته شود و اعتقاد بر این استوار گردد که پیش از حکومت مهدی علیه السلام هیچ حکومتی نمی تواند حکومت عدل باشد و هیچ کس حق حکومت ندارد. چه بسا این آسیب برآمده از تفسیری نادرست از برخی از روایات مربوط به مهدویت است. برای مثال، مالک بن اعین از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود:

كُلُّ رَأْيَةٍ تَرْفَعُ [أَوْ قَالَ تَخْرُجُ] قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ علیه السلام صَاحِبِهَا طَاغُوتٌ؛ (نعمانی، ۱۳۷۶: ۱۱۵)  
 هر پرچمی که پیش از پرچم حضرت قائم علیه السلام برافراشته گردد صاحب آن طاغوت است.

از این روایت چنین برداشت کرده اند که پیش از قیام مهدی علیه السلام هیچ حکومت عدلی برقرار شدنی نیست؛ در حالی که گرچه حکومت حضرت مهدی علیه السلام مثل اعلامی عدالت است، اما پیش از او هر حکومت عدلی که برپا می شود، به هر میزان که از عدل برخوردار است، به این مثل اعلی می تواند نزدیک باشد و به اندازه عدالتش از مقبولیت و مشروعیت برخوردار گردد. افزون بر این، مقصود این روایت آن است که هر کس با ادعای امامت و ایفای نقش مهدی علیه السلام قیام کند، او طاغوت است. از این رو، امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

وَمَنْ ادَّعَى الْإِمَامَةَ مِنْ اللَّهِ وَ لَيْسَ بِإِمَامٍ فَهُوَ كَافِرٌ؛ (همو: ۱۱۶)  
 هر کس مقام ما (امامت) را ادعا کند، کافر [یا مشرک] است.

بر این اساس، تفسیر و ترویج مهدویت، به این عنوان که هر حکومتی پیش از حکومت مهدی علیه السلام طاغوت است، فهمی آسیب زا از مهدویت به شمار می آید. پیامد عملی چنین فهمی، تلاش نکردن برای برقراری حکومت عادلانه، پیش از ظهور امام مهدی علیه السلام است و حاصل عملی آن، تمکین نسبت به هرگونه حکومت جورپیشه خواهد بود.

### نتیجه

انتظار به معنای زمینه سازی برای ظهور است و رسالت منتظران، تحقق جامعه ای است که زمینه ساز ظهور امام علیه السلام باشد. تربیت زمینه ساز، تربیتی است که چنین جامعه ای را می سازد و شرایط لازم برای پذیرش ولایت و حاکمیت حضرت مهدی علیه السلام را در فرد و جامعه فراهم می آورد. البته تربیت زمینه ساز همان تربیت اسلامی است و عنوان زمینه ساز فقط بر جایگاه امام در تربیت تأکید دارد. در مبانی و گزینش اهداف، محوریت امام مورد توجه و تأکید قرار می گیرد. بنابراین مهدویت و تربیت از این جهت ارتباطی نزدیک و پیوندی عمیق با هم دارند که تربیت صحیح، زمینه ساز ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام است که می تواند با پرورش نیروهای

مخلص و معتقد به مهدویت، زمینه قیام آن حضرت را فراهم کند؛ از این رو قرار گرفتن در زمره اصحاب امام زمان علیه السلام تربیت اسلامی و قرآنی می‌خواهد که براساس آن، اندیشه، اخلاق و رفتار صحیح را به جامعه ارائه دهد تا افراد صالحی از میان اجتماع پدید آیند و صلاحیت یاری ایشان را کسب کنند. چنین کاری نیازمند برنامه‌ریزی و اجرای راهکارهای تربیتی تمهید شرایط رشد شخصیت افراد، معرفی تجربیات و الگوهای برتر مهدوی، فرهنگ‌سازی مهدوی و آسیب‌شناسی با هدف آسیب‌زدایی و رفع موانع پرورش معنوی از جامعه است تا زمینه رشد روحی افراد فراهم گردد و بدین وسیله به تدریج زمینه ظهور مهدی علیه السلام آماده شود.

راهکارهای تربیتی برای زمینه‌سازی ظهور فراوان است که در این پژوهش به بررسی و معرفی راهکارهای چهارگانه مطرح شده در آیات و احادیث پرداخته شد. با توجه به این راهکارهای چهارگانه، پیشنهاد می‌شود کارشناسان و متولیان امور فرهنگی - تربیتی که در رأس هرم عوامل فرهنگ‌سازی دینی هستند، بکوشند مجموعه خواسته‌های سرشتی خداخواهی، کمال، آرامش، اخلاق انسانی، عزت‌مندی، جاویدطلبی، نوع‌دوستی و گوهرهای ناشناخته را به خوبی شناسایی و استخراج کرده و راه‌های عملی شدن آن را در جامعه معرفی نمایند تا شاهد آن باشیم که نیروهای بالقوه بسیاری که در آموزه‌های وحیانی دین خاتم وجود دارند در مسیر ساختن انسان و جامعه مهدوی به فعلیت درآیند.

## منابع

- آمدی تمیمی، عبدالواحد، *غررالحکم ودررالكلم*، شرح: محمدتقی خوانساری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش.
- اهوازی، حسین بن سعید، *المؤمن*، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۴ ق.
- آیتی، نصرت الله، «مفهوم شناسی اصطلاحی جامعه زمینه ساز»، فصل نامه مشرق موعود، ش ۲۰، قم، مؤسسه آینده روشن، زمستان ۱۳۹۰ ش.
- باقری، خسرو، «آسیب شناسی تربیتی مهدویت»، فصل نامه *انتظار موعود*، سال اول، ش ۱، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۰ ش.
- برقی، احمد بن محمد، *المحاسن*، تحقیق: مهدی رجایی، قم، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۰۳ ق.
- پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحة*، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۶۴ ش.
- توانا، محمدعلی؛ مولوی نسب، ملیحه، «وضعیت پست مدرنیسم و ارزش ها: نسبت سنجی هستی شناسی و معرفت شناسی پست مدرنیسم با تعلیم و تربیت اسلامی»، دوفصل نامه *اسلام و پژوهش های تربیتی*، سال چهارم، ش ۲، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۱ ش.
- حزانی (ابن شعبه)، حسن بن علی، *تحف العقول عن آل الرسول*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- حضرمی (ابن خلدون)، عبدالرحمن بن محمد، *مقدمه*، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم، ۱۳۴۵ ش.
- حیدری، کمال، *التربية الروحية: بحوث في جهاد النفس*، تهران، دار الفراق، ۱۳۸۲ ش.
- خمینی، سید روح الله، *تحریر الوسیلة*، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
- درایتی، محمدحسین؛ محمودی، ضیاء الدین، *الاصول الستة عشر من الاصول الاولية*، قم، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۴۳ ش.
- سهرابی، فرامرز، *مهدویت و فلسفه تاریخ*، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۹ ش.
- شریف رضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، ترجمه: محمد دشتی، قم، انتشارات جمال، ۱۳۸۷ ش.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الاثر فی امام الثانی عشر علیه السلام*، قم، مؤسسه سیده المعصومه علیها السلام، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.



- طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، تحقیق: ابراهیم بهادری و محمد هادی به، تهران، دارالاسوة، ۱۴۱۳ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *الغیبة*، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
- فرمینی فراهانی، محسن، *تربیت در نهج البلاغه*، تهران، آییژ، چاپ اول، ۱۳۹۰ش.
- فرید تنکابنی، مرتضی، *الحديث*، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲ش.
- قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیرالقمی*، قم، مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
- کاوندی، زینب؛ صفورایی پاریزی، محمد مهدی، «عزت نفس، احترامی به ملکوت خویشتن با نگاهی از دریچه روان شناسی و دین»، فصل نامه *طهورا (مطالعات زنان و خانواده)*، سال پنجم، ش ۱۲، قم، جامعه المصطفی العالمیة، ۱۳۹۱ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۱ق.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین، *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، تحقیق: حسن روزق، تصحیح: صفوة السقاء، بیروت، مكتبة التراث الاسلامی، ۱۳۹۷ق.
- مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- محمدی ری شهری، محمد، *میزان الحکمة*، قم، دارالحديث، ۱۳۷۹ش.
- مطهری، مرتضی، *مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی (مجموعه آثار)*، تهران، صدا، ۱۳۷۲ش.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبة*، ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران، مكتبة الصدوق، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
- هاشمی شهیدی، اسدالله، *ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان*، قم، مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
- هوشیار، محمد باقر، *اصول آموزش و پرورش*، تهران، دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۳۵ش.



تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۱۰  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۲۵

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود  
سال هفتم، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۹۲

## تربیت حماسی، الگوی تربیت مهدوی

سید مهدی موسوی\*

### چکیده

تنها الگوی تربیتی برای ساختن انسان منتظر و زمینه ساز ظهور، الگوی «تربیت حماسی» است. به عبارت دیگر تربیت حماسی، الگوی جامع تربیت مهدوی است؛ زیرا عصر غیبت، عصر ظهور بلاها و مشکلات است و هر کسی نمی تواند با ابتلائات بزرگ آخرالزمان روبه رو شود و کبریت احمر بماند، بلکه نیازمند الگویی ویژه و متفاوت است که بتواند ویژگی هایی که معصومان علیهم السلام برای مؤمنان عصر غیبت و یاران امام زمان علیه السلام بیان کرده اند را دربر بگیرد. از آن جا که صدور و ساقه آموزه مهدویت با حماسه و مجاهدت، صلابت و ایثار و شور و شعور گره خورده است، باید چگونگی انتظار، زمینه سازی ظهور و آمادگی برای درک حضور، براساس الگوی حماسه و حماسه سازی شکل گیرد.

### واژگان کلیدی

تربیت، مهدویت، انتظار، زمینه سازی ظهور، حماسه، حماسه سازی، تربیت حماسی.

## مقدمه

آماده‌سازی شرایط برای تحقق وعده‌های الهی، ضرورتی مهم و انکارناپذیر است و روشن است که آماده کردن شرایط و زمینه‌سازی برای ظهور موعود علیه السلام امری دفعی نیست؛ بلکه سلسله‌ای از تغییرات و تحولات بنیانی و ساختاری اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را دربر می‌گیرد که باید توسط انسان‌ها انجام شود و قرار نیست معجزه‌ای برای مقدمات و شرایط ایجاد شود. روشن است که هر کسی نمی‌تواند این شرایط را محقق سازد و تغییرات را ایجاد کند، بلکه از عهده انسان‌هایی ویژه و تربیت شده برمی‌آید که توان ایجاد تغییر و تحول اجتماعی را داشته باشند. بر این اساس، این پرسش مطرح می‌شود که کدام نظام و الگوی تربیتی می‌تواند چنین انسان‌هایی را تربیت کند؟ به عبارت دیگر، الگوی تربیتی مناسب برای تربیت انسان‌های مؤثر در اجتماع، فرهنگ و سیاست در سطح زمینه‌سازی ظهور موعود علیه السلام باید چه ویژگی‌ها و اصولی داشته باشد؟

این نوشتار که در پاسخ به پرسش فوق شکل گرفته، بر این نتیجه قائم است که دگرگون کردن و متحول ساختن جامعه برای زمینه‌سازی ظهور، بدون داشتن الگوی تربیتی متناسب میسر نیست و به نظر می‌رسد آن تربیتی که می‌تواند سازنده انسان منتظر و زمینه‌ساز ظهور باشد، الگوی «تربیت حماسی» است. الگویی که با مفصل‌بندی ویژه‌ای که دارد، از بسیاری از الگوهای مطرح شده در دنیا متفاوت است. این مدعا هم با فرهنگ تشیع سازگاری دارد و هم از روایات وارده حضرات معصومین علیهم السلام درباره مهدویت استنباط و استنتاج می‌شود. همچنین در تحلیل مقاطع مهمی از تاریخ بشر می‌توان نقش اساسی الگوی تربیت حماسی را در خلق تحولات ژرف و شگرف تاریخ مشاهده کرد.

## دوران غیبت، بستری برای تربیت

دوران آخرالزمان و عصر غیبت، دوران حیرت‌ها، تردیدها و شبهات، عصر ظهور ادیان و فرقه‌های ساختگی، عصر قدرت گرفتن جبهه باطل و گسترش ظلم، کمی و پراکندگی نیروهای جبهه حق و درهم‌ریختگی حق و باطل است و زمانه ظهور بلاها و کشف پرده‌ها و انقطاع امیدهاست. از همین رو در دعای فرج این‌گونه از سختی‌ها یاد می‌شود:

إِلٰهِي عَظُمَ الْبَلَاءُ وَبَرِحَ الْحَقَاءُ وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَانْكَشَفَ الْعِطَاءُ وَصَاقَتِ الْأَرْضُ وَ

مَنْعَتِ السَّمَاءُ؛ (قمی، ۱۴۲۳: دعای فرج)

خدایا، بلا عظیم گشت و درون آشکار شد و پرده از کارها برداشته شد و امید قطع شد و

زمین تنگ شد و از ریزش رحمت آسمان جلوگیری شد.

هچنین در هر شب ماه مبارک رمضان، در دعای افتتاح از مشکلات و سختی‌های دوران غیبت در جبهه حق به خداوند متعال بدین سان شکوه می‌کنیم:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَيْتَنَا - صَلَوَاتِكَ عَلَيْنِهِ وَآلِهِ - وَغَيْبَةَ وَلِيَّتِنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا وَتَظَاهُرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا؛ (همو: دعای افتتاح)

خدایا، ما به تو شکایت کنیم از نبودن پیامبران که - درود تو بر او و خاندانش باد - و از غیبت مولایمان و از بسیاری دشمنان و کمی افرادمان و از سختی آشوب‌ها و از آشکار شدن اوضاع زمانه به زیان ما.

البته این شرایط دشوار مضاف بر دشواری رویارویی با امر معصومین علیهم‌السلام است که هم در دوران غیبت و هم در دوران حضور وجود دارد؛ چنان‌که امیر مؤمنان علی علیه‌السلام می‌فرماید:

إِنَّ أَمْرَنَا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ لَا يَقْرُبُهُ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ ائْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ؛ (آمدی تمیمی، ۱۳۶۶: ج ۲۰۰۳)

قطعاً امر ما دشوار و مشکل است؛ به او اقرار نکنند مگر فرشته مقرب، یا پیامبر مرسل، یا بنده‌ای که خداوند دلش را به ایمان آزموده است.

در تعبیر دیگری آمده است:

إِنَّ أَمْرَنَا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا عَبْدٌ ائْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ؛ (همو: ج ۲۰۲)

امر ما بسیار دشوار و مشکل است که پذیرای آن نیست جز مؤمنی که خداوند دلش را به ایمان آزموده باشد.

به هر حال شرایط عصر غیبت، شرایط عادی و روزمره نیست. از این رو در رویارویی با سختی‌ها و بلاهایی که در آخرالزمان ظهور می‌کند، هر کسی توان ایستادگی و استقامت ندارد؛ بلکه در چنین شرایطی انسان‌ها آزموده می‌شوند و غربال می‌گردند. <sup>۱</sup> پس بر سر راه اعتقاد به مهدویت و باور به منجی الهی، ناملایمات و مشکلات و بلاهای بزرگی نهفته است و مسیر انتظار را مسیری طولانی و پرفراز و نشیب کرده است. از این روست که بسیاری پس از باور به

۱. عن جابر الجعفی قال: قلت لأبي جعفر علیه‌السلام: متى يكون فرجكم؟ فقال: هيئات! هيئات! لا يكون فرجنا حتى نغزبلوا ثم نغزبلوا ثم نغزبلوا يقولها ثلاثاً حتى يذهب الكدر ويبقى الصفو؛ جابر جعفی می‌گوید: به امام باقر علیه‌السلام گفتم: گشایش در کار شما کی خواهد بود؟ فرمود: هیهات! هیهات! گشایش در کار ما رخ نمی‌دهد تا آن‌که شما غربال شوید و بار دیگر غربال شوید - و این را سه بار فرمود - تا آن‌که خدای تعالی تیرگی را [از شما] زایل کند و شفافیت [در شما] به جای ماند. (مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۱۱۳، ۵۲، ح ۲۸)

مهدویت، خسته شده و از مسیر انتظار منحرف می‌شوند و منجی را انکار می‌کنند<sup>۱</sup> و حتی در اصل دین مرتد می‌شوند<sup>۲</sup> و نهایتاً قساوت قلب بر آن‌ها حاکم می‌گردد<sup>۳</sup>؛ چرا که توان تحمل بلاها و مصایب را ندارند.

اما چهره دیگر عصر غیبت، پرورش انسان‌های مؤمن و منتظری است که قلبی رئوف و عزمی پولادین و اراده‌ای استوار دارند. اینان نسلی مبارزو سخت‌کوشند که با صلابت و استواری آماده شده‌اند و زمینه ظهور را به جهادی فرهنگی و سیاسی آماده می‌سازند. استاد مرتضی مطهری می‌نویسد:

در روایت اسلامی سخن از گروهی زبده است که به محض ظهور امام به آن حضرت ملحق می‌شوند.<sup>۴</sup> بدیهی است که این گروه ابتدا به ساکن خلق نمی‌شوند و به قول معروف از پای بوتۀ هیزم سبز نمی‌شوند. معلوم می‌شود در عین اشاعه و رواج ظلم و فساد، زمینه‌هایی عالی وجود دارد که چنین گروه زبده را پرورش می‌دهد. این خود می‌رساند که نه تنها حق و حقیقت به صفر نرسیده است، بلکه فرضاً اگر اهل حق از نظر کمیت قابل توجه نباشد از نظر کیفیت ارزنده‌ترین اهل ایمانند و در ردیف یاران

۱. امام سجاد علیه السلام فرمود: **إِنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَتَيْنِ: إِخْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى. أَمَّا الْأُولَى فَمِنَ الْأَيَّامِ وَ سِنَّةِ أَشْهُرٍ وَ سِتُّ سَنَوَاتٍ وَ أَمَّا الْأُخْرَى فَيَطُولُ أَمْدُهَا حَتَّى يَخْرُجَ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ مَنْ يَقُولُ بِهِ، فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ تَقْيِينُهُ وَ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَ لَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرْجًا مِمَّا قَضَيْنَا وَ سَلَّمَ لَنَا أَهْلَ النَّبِيَّةِ؛** برای قائم ما دو غیبت است که یکی از آن‌ها طولانی‌تر از دیگری است. اما اولی شش سال و شش ماه و شش روز طول می‌کشد و اما دومی به قدری طول می‌کشد که بیشتر کسانی که به غیبت او ایمان داشتند از اعتقاد خود برمی‌گردند. فقط کسانی بر اعتقاد خود استوار می‌مانند که یقین محکم و شناخت صحیح داشته باشند و سخنان ما بر آن‌ها گران نباشد و تسلیم ما اهل بیت باشند. (همو: ج ۵۲، ۲۵۱، ج ۵۱، ۱۳۴)

۲. حضرت سیدالشهداء علیه السلام می‌فرماید: ... **لَهُ غَيْبَتَةٌ يَزِيدُ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى الدِّينِ آخِرُونَ، فَيُؤَدُّونَ وَ يَقَالُ لَهُمْ: «مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»** **أَمَّا إِنْ الصَّابِرِ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَ التَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ؛** برای او غیبتی است که گروهی در آن از دین خدا برمی‌گردند و گروهی دیگر بر دین خود ثابت می‌مانند؛ که این گروه را اذیت کرده به آن‌ها می‌گویند: «پس این وعده چه شد اگر راست می‌گویید؟» آگاه باشید آن‌که در زمان غیبت او بر آزار و اذیت و تکذیب صبر کند، همانند کسی است که در مقابل رکاب رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ با شمشیر به جهاد برخاسته است. (همو: ج ۵۱، ۱۳۳؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۳: ۶۶۵-۶۵۶، ج ۶، ۷۰۳)

۳. حسن بن محمد بن صالح می‌گوید: از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: **إِنَّ ابْنِي هُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي وَ هُوَ الَّذِي يَجْرِي فِيهِ سُنَنُ الْأَنْبِيَاءِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بِالْتَّعْمِيرِ وَ الْعَيْبَةِ حَتَّى تَقْسُو قُلُوبَ لَطُولِ الْأَمَدِ وَ لَا يَثْبُتُ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ إِلَّا مَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَ أَبَدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ؛** همانا پسر قائم بعد از من است. اوست که سنت‌های پیامبران از قبیل عمر طولانی و پنهانی در او جاری می‌شود. پنهانی که قلب‌ها در درازای آن سخت‌گردد و کسی بر امامت وی ثابت‌قدم نماند، جز آن‌ان که خدای بزرگ در قلبشان ایمان نگاشته است و به روحی از خود تأییدشان فرموده است. (مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۵۱، ۲۲۴)

۴. حضرت سجاد علیه السلام فرمود: **«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْ شَيْعَتِنَا الْعَاهَةَ وَ جَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزَبْرِ الْحَدِيدِ وَ جَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ يَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَ سَنَامَهَا؛** وقتی قائم قیام کند، خداوند رنج را از شیعیان ما دور می‌کند و دل‌های آن‌ها را چون پاره‌آهن قرار می‌دهد و خداوند قدرت هر مرد از آن‌ها را برابر چهل مرد قرار می‌دهد و آن‌ها حاکمان زمین خواهند شد. (همو: ج ۵۲، ۳۶۴ و ۳۱۷)

سید الشهدا [قرار دارند]. (مطهری، ۱۳۸۸ - ج: ب، ۲۴، ۴۳۹)

در روایت آمده است که چون خداوند متعال می دانست چنین افرادی وجود دارند که در برابر سختی ها و مشکلات پا پس نمی کشند و هیچ گاه شک و شبه ای به دل راه نمی دهند حجت خود را پنهان کرد.<sup>۱</sup> از این رو در روایات معصومین علیهم السلام صفات و ویژگی هایی برای مؤمنان آخرالزمان بیان شده است که مخصوص دوران غیبت است. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین نقل شده است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ذَاتَ يَوْمٍ وَعِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ: اللَّهُمَّ لَقِنِي إِخْوَانِي! - مَرَّتَيْنِ - فَقَالَ مَنْ حَوْلَهُ مِنْ أَصْحَابِهِ: أَمَا نَحْنُ إِخْوَانُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: لَا، إِنَّكُمْ أَصْحَابِي وَإِخْوَانِي قَوْمٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ آمَنُوا وَلَمْ يَرَوْنِي لَقَدْ عَرَفْتَهُمْ اللَّهُ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُخْرِجَهُمْ مِنْ أَصْلَابِ آبَائِهِمْ وَأَرْحَامِ أُمَّهَاتِهِمْ لِأَحَدِهِمْ أَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَى دِينِهِ مِنْ خَرْطِ الْقِتَادِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَى جَمْرِ الْعَصَا أَوْلَيْكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى يُنْجِيهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ غَيْرَاءٍ مُظْلِمَةٍ؛ (مجلسی، ۱۳۶۲، ج: ۵۲، ۱۲۴)

رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی در حضور جمعی از یارانش دومرتبه فرمودند: خدایا مرا به لقای برادرانم برسان! آنان که در پیرامونش بودند گفتند: ای رسول خدا، آیا ما برادران شما نیستیم؟ فرمود: نه، شما اصحاب من هستید؛ برادران من قومی در آخرالزمان هستند که ایمان آورده اند و مران دیده اند. خدا آنان را به اسم خودشان و به اسم پدرشان به من شناساند پیش از آن که از صلب پدران و از رحم مادرانشان بیرون آیند. هر یک از آنان در حفظ دین خود محتاط تر از کسی است که در شب ظلمانی از درختی که خارهایی چون سوزن دارد برگ می چیند یا مانند کسی است که آتش درخت غضا را [که خیلی دیر تبدیل به خاکستر و زغال می شود] به دست گیرد؛ آنان چراغ تاریکی ها هستند. خدا ایشان را از هر فتنه شدید و تاریک نجات می دهد.

امام زین العابدین علیه السلام در حدیثی طولانی به ابو خالد کابلی فرمود:

۱. در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده است: أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعِبَادُ مِنَ اللَّهِ - جَلَّ ذِكْرُهُ - وَ أَرْضَى مَا يَكُونُ عَنْهُمْ إِذَا افْتَقَدُوا حُجَّةَ اللَّهِ - جَلَّ وَ عَزَّ - وَ لَمْ يَظْهَرْ لَهُمْ وَ لَمْ يَعْلَمُوا مَكَانَهُ وَ هُمْ فِي ذَلِكَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَمْ تَبْطُلْ حُجَّةُ اللَّهِ - جَلَّ ذِكْرُهُ - وَ لَا مِثْلَهُ، فَعِنْدَهَا فَتَوَفَّعُوا الْفَرْجَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً، فَإِنَّ أَشَدَّ مَا يَكُونُ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِ إِذَا افْتَقَدُوا حُجَّتَهُ وَ لَمْ يَظْهَرْ لَهُمْ، وَ قَدْ عَلِمَ أَنَّ أَوْلِيَاءَهُ لَا يَزْتَابُونَ، وَ لَوْ عَلِمَ أَنَّهُمْ يَزْتَابُونَ مَا غَيَّبَ حُجَّتَهُ عَنْهُمْ ظَرْفَةَ عَيْنٍ ...؛ آن هنگام که حجت خدا در میان مردم نباشد، مردم به خدا نزدیک ترند، و خدا از مردم خوشنودتر است؛ زیرا با این که حجت خدا ظاهر نیست و جای او را نمی دانند، باز باور دارند که حجت خدا هست و پیمان خدایی استوار است. در چنین روزگاری (روزگار غیبت) هر صبح و هر شام منتظر فرج باشید. چون به هنگامی که حجت غایب باشد، خشم خدا بر دشمنان خود بیشتر است و خدا می دانست که اولیا و مؤمنین درباره حجت او [اگرچه غایب باشد و غیبت او طولانی گردد] شک نمی کنند؛ اگر می دانست که شک می کنند، یک چشم به هم زدن، حجت خود را غایب نمی داشت. (مجلسی، ۱۳۶۲، ج: ۵۱، ۱۳۶، ۱ح)

يَا أَيُّهَا خَالِدُ! إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيَّبَتِهِ الْقَائِلُونَ بِإِمَامَتِهِ الْمُنتَظِرُونَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرَهُ أَعْظَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمُعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمُسَاهَدَةِ وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِالسَّيْفِ أَوْلِيَاكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَشِيعَتُنَا صِدْقًا وَالِدُعَاةَ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَجَهْرًا. وَقَالَ ﷺ: أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ مِنْ أَعْظَمِ الْفُرَجِ؛ (همو: ۱۲۲)

ای ابو خالد، مردم زمان او که معتقد به امامت اویند و منتظر ظهور او هستند، از مردم تمام زمان ها بهترند؛ زیرا خداوند عقل و فهمی به آن ها داده که غیبت در نزد آن ها حکم مشاهده را دارد! خداوند آن ها را در آن زمان مثل کسانی می داند که با شمشیر در پیش روی پیغمبر ﷺ [علیه دشمنان دین] پیکار کرده اند؛ آن ها مخلصان حقیقی و شیعیان راست گوی ما هستند که مردم را به طور آشکار و نهان به دین خدا می خوانند. و هم فرمود: انتظار فرج بزرگ ترین فرج است.

بنابراین اگرچه عصر غیبت، عصر ظهور بلاها و مشکلات است، اما همین بلاها و امتحانات خداوندی از وسایل مهم برای سازندگی و تطهیر انسان است. انسان منتظر، انسانی تربیت شده برای رویارویی با امتحان و بلا و سختی و مشکلات است. از این رو در تفکر مهدوی، انسان منتظر همچون سنگ زیرین آسیاب است که باید با فداکاری و ایثار در راه تعالی و پیشرفت جامعه با جان و دل بکوشد (درباره ویژگی های منتظران و یاران امام زمان ﷺ نک: آصفی، ۱۳۹۰). لذا باید توانایی تحمل فشارها و استقامت روحی در برابر مشکلات را داشته باشد. بنابراین سنت الهی، هر میزان که برایمان انسان افزوده شود، بلائی او نیز مضاعف گردد و البته نتیجه این بلا، خلوص در محبت است؛ زیرا بلاها، رشته تعلقات به غیر خدا را قطع می کند، ناخالصی ها را از بین می برد و انسان را از فتنه نفس و گرفتاری به آن نجات می دهد. انسانی که نتوانسته است از تعلقات دنیوی خود رها شود، یا هرگز توفیق همراهی با ولی خدا را پیدا نخواهد کرد یا هر چند توفیق همراهی را پیدا کند، نخواهد توانست تا انتهای مسیر، هم قدم او باشد و سرانجام در جایی راه او از راه ولی خدا، جدا خواهد شد. در اهمیت و طریقت ابتلائات الهی، همین بس که برخی بزرگان فرموده اند: «مهم ترین و بهترین نردبان سیر و سلوک، بلائی است که خداوند متعال برای ما می فرستد» (میرباقری، ۱۳۸۹: ۹۷). از این رو مؤمن در مقابله با توفان فتنه ها از کوه سخت تر و از آهن در مقابله با حرارت فتنه ها سخت تر است و مواضعش نسبت به حق تغییر نمی کند. از این رو در ادعیه و زیارات گوناگون همواره بر کسب شرایط همراهی با ولی خدا در دوران سختی ها و مشکلات درخواست می شود. برای مثال در یکی از زیارت حضرت صاحب الزمان ﷺ ویژگی های اکتسابی انسان منتظر، این گونه بیان شده است:



... أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَهُ وَأَشْهَدُكَ يَا مُؤَلَّيْ بِهَذَا ظَاهِرُهُ كِبَاطِنُهُ وَسِرُّهُ كَعَلَانِيَتِهِ وَ أَنْتَ الشَّاهِدُ عَلَى ذَلِكَ وَهُوَ عَهْدِي إِلَيْكَ وَمِشَاقِي لَدَيْكَ إِذْ أَنْتَ نِظَامُ الدِّينِ وَ يَعْسُوبُ الْمُتَّقِينَ وَعِزُّ الْمُوَحِّدِينَ وَبِذَلِكَ أَمَرَنِي رَبُّ الْعَالَمِينَ فَلَوْ تَطَاوَلَتِ الدُّهُورُ وَ تَمَادَتِ الْأَعْمَارُ لَمْ أَزِدْ فِيكَ إِلَّا يَقِينًا وَ لَكَ إِلَّا حُبًّا وَ عَلِيكَ إِلَّا مُشْكَلًا وَ مُعْتَمَدًا وَ لِظُهُورِكَ إِلَّا مُتَوَقِّعًا وَ مُنْتَظَرًا وَ لِجِهَادِي بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَرَقِّبًا فَأَبْدُلْ نَفْسِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ أَهْلِي وَ جَمِيعَ مَا حَوَّلَنِي رَبِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَ التَّصَرُّفِ بَيْنَ أَمْرِكَ وَ نَهْيِكَ مُؤَلَّيْ فَإِنْ أَدْرَكْتُ أَيَّامَكَ الزَّاهِرَةَ وَ أَعْلَامَكَ الْبَاهِرَةَ فَهَذَا أَنَا إِذَا عَبَدْتُكَ الْمُتَصَرِّفُ بَيْنَ أَمْرِكَ وَ نَهْيِكَ أَرْجُو بِهِ الشَّهَادَةَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ الْفَوْزَ لَدَيْكَ مُؤَلَّيْ فَإِنْ أَدْرَكَنِي الْمَوْتُ قَبْلَ ظُهُورِكَ فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ بِكَ وَ بِأَبَائِكَ الظَّاهِرِينَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ يُجْعَلَ لِي كَرَّةً فِي ظُهُورِكَ وَ رَجْعَةً فِي أَيَّامِكَ لِأَبْلُغَ مِنْ طَاعَتِكَ مُرَادِي وَ أَشْفِيَّ مِنْ أَعْدَائِكَ فُوَادِي؛ (قمی، ۱۴۲۳: زیارت حضرت صاحب الامر)

گواه می‌گیرم خدا و فرشتگانش را و نیز گواه می‌گیرم تو را ای سرور من، به آن چه گفتیم که ظاهر و باطنش یکسان است و نهان و آشکارش یکی است و تو گواهی براین، و این عهد و پیمان من است در پیش تو، چون تویی نظام بخش دین و بزرگ متقین و عزت بخش مردم یکتاپرست و به همین دستور داده است مرا پروردگار جهانیان و اگر طولانی گردد روزگاریها و به درازا کشد عمرها نیفزاید مرا درباره تو جز یقین و زیاد نگرداند برای تو در من به جز محبت و جز توکل و اعتماد بر تو و جز انتظار و توقع ظهور و پیروزی ات و جز آن که چشم به راه آن باشم که در پیش رویت جهاد کنم و جان خود و مال و فرزند و خاندان و خلاصه هر چه را خدا به من داده است همه را در راحت نثار کنم و همه را در اختیار امر و نهی تو بگذارم. مولای من، اگر من آن دوران درخشان را درک کنم و آن پرچم‌های نمایان تو را ببینم، پس من همان بنده تو باشم که خود را در اختیار امر و نهی تو بگذارم تا بلکه بدان وسیله در پیش رویت به شهادت رسم و در نزد تو کامیاب گردم. ای مولای من، و اگر پیش از زمان ظهور تو مرگ به سراغم آید من توسل جویم به وسیله تو و به وسیله پدران پاک تو به درگاه خدای تعالی و از او خواهم که درود فرستد بر محمد و آل محمد و مقرر فرماید بر من بازگشتن در زمان ظهورت را و دوباره آمدن در آن روزهای درخشان حکومت را تا در مورد فرمان برداری تو به مقصود خود برسم [و جراحت] دلم را از دشمنانت شفا بخشم.

### تمایز تربیت مهدوی با الگوهای موجود

همان‌گونه که گفته شد، تحمل شرایط عصر غیبت و به‌کارگیری راهبرد «انتظار» به معنای واقعی آن، کاری بسیار مشکل و طاقت‌فرساست و هر کسی از پس آن برنمی‌آید؛ بلکه نیازمند آمادگی‌ها و توانایی‌های مخصوصی است که باید اکتساب شود. روشن است که پرورش

مؤمنانی در تراز منتظران حقیقی، نیازمند به‌کارگیری الگوی تربیتی ویژه و سازگار با شرایط بحرانی عصر غیبت و سازگار با مواجهه با خطرات و مشکلات است. از این رو تربیتی که چنین انسانی را تربیت می‌کند، تربیت برای شرایط عادی نیست، بلکه تربیت برای لحظات سرنوشت‌ساز بشر و تحولات بزرگ جهانی است. از این رو، نظام تربیتی مهدوی، نمی‌تواند تربیتی تقلیدی، تحمیلی و منفعل باشد، بلکه باید فعال و پویا باشد و بر اختیار و آزادی انسان و خردورزی و حق‌طلبی انسان تأکید کند. تربیت مهدوی، تربیتی عاقبت‌گرا، منفعت‌گرایانه و شخص‌محور نیست تا مرتبی تنها به دغدغه‌های فردی خود همچون شغل و مدرک و درآمد آینده‌اش را تنها مد نظر گیرد و زمانی که به آن‌ها رسید تربیت را تمام شده بینگارد؛ بلکه تربیت مهدوی، تربیتی عاشقانه و مخلصانه است و بر عناصر مهمی چون عشق و محبت، تعهد و وفاداری، عدالت و ایثار، فتوت و مردانگی استوار است که نه تنها منفعت شخصی، بلکه انسجام جبهه حق و اصلاح اجتماعی و پیشبرد مقاصد انسانی و الهی را نیز در نظر دارد. همچنین تربیتی محافظه‌کارانه و گل‌خانه‌ای نیست، بلکه تربیتی پیشرو و جهادی است که با استفاده از گذشته و حال، چشم به آینده دارد و بر عناصری چون اعتماد به نفس، مسئولیت‌پذیری، مشارکت‌طلبی، سعه صدر، سعی، سرعت، اعتدال و سبقت تأکید می‌نماید. تربیت مهدوی در وسط میدان و در رویارویی با مشکلات و تقابل میان دو جبهه حق و باطل شکل می‌گیرد.<sup>۱</sup> بر این اساس می‌توان ادعا کرد تربیت مهدوی، تنها تربیت یک دسته انسان‌های صالح و خوب نیست، بلکه به جز تأکید بر صالح بودن، به تربیت مصلحان اجتماعی و تاریخ‌سازان فرهنگی توجه دارد. از این رو رسول خدا ﷺ این افراد را کبریت احمر<sup>۲</sup> لقب می‌دهد:

وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا إِنَّ السَّائِبِينَ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ لَأَعَزُّمَنْ  
الْكِبْرِيَّتِ الْأَحْمَرِ؛ (مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۵۱، ۷۳)

قسم به خدایی که مرا به راستی به پیامبری برانگیخت، کسانی که در زمان غیبت وی در عقیده به وجود و ظهور او ثابت قدم بمانند، از کبریت احمر کمیاب‌ترند!

با توجه به آن‌چه گفته شد، درمی‌یابیم که تربیت منتظران واقعی، محصول نظام‌های تربیتی معطوف به شرایط عادی و محافظه‌کاری نیست؛ زیرا نظام‌های موجود تربیتی، عمدتاً

۱. این بخش، پیش از این به طور مفصل در دو مقاله مستقل تبیین و بررسی شده است. (نک: موسوی، ۱۳۸۷؛ همو، ۱۳۸۸: ۸۵-۱۱۴)

۲. همان اکسیر را گویند که مس را تبدیل به طلا کند.

معطوف به شرایط آرام و عادی جامعه هستند که یا ناظر به حفظ وضع موجودند و یا به ارتقاء کیفیت و کمیت نظام حاکم موجود می‌پردازند و به تحول عظیم و کلی در همهٔ مناسبات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جهان که همراه با بلا و مشکلات است توجهی ندارند. نظام‌های تربیتی و الگوهای برآمده از آن‌ها اعم از نظام‌ها و نظریه‌های تربیتی مدرن، پسامدرن و حتی الگوهای مدعی دینی چون سلفی، سنت‌گرا و صوفیانه نیز از تربیت انسان‌های منتظر عاجزند؛ چرا که به طور کلی این الگوها با تکیه بر بعد خاصی از انسان، جامعه و فرهنگ، نتوانسته‌اند الگویی جامع ارائه دهند که هم در ارزش‌های الهی و سنت‌های بشری و دست‌آوردهای گذشتهٔ بشری ریشه داشته باشد و هم به آینده، پویایی و تکامل توجه کند. از این رو بسیاری از عناصر مهم و کلیدی که باید در انسان منتظر وجود داشته باشند از طریق نظام‌های تربیتی موجود، ممکن نیست و حتی در این نظام‌ها، به این مفاهیم و عناصر کلیدی توجهی نمی‌شود.

### حماسه‌سازی غایت تربیت مهدوی

صبر و انتظار، ایستادگی و استقامتِ انسان مؤمن در عصر غیبت، مسئله‌ای ساده و عادی نیست، بلکه خود از جنس کارها و فعالیت‌های حماسی و جهادی است. همچنین آماده شدن و زمینه‌سازی اجتماع برای ظهور نیز جز با روحیهٔ حماسی امری غیرممکن است. ظهور موعود نیز بزرگ‌ترین حماسهٔ تاریخ بشر است و منتظران ظهور و زمینه‌سازان آن، حماسه‌سازان تاریخ‌اند. حماسه‌ای که بر نفی وضع موجود حاکم بر جهان (فساد، ظلم، بی‌عدالتی و تباهی) و عدم انقیاد و سازش در برابر ظالمان و مفسدان و مستکبران، و همدردی و همدلی با مظلومان استوار است. همچنین بر دوری از انزوا و گوشه‌گیری تأکید دارد و حضور مؤثر در روابط و مناسبات اجتماعی و تقابل حق و باطل و اصلاح‌طلبی را در برنامه قرار داده است. در این راستا، به تشکل حق و جمع‌گرایی و ایجاد صفوف واحد در مصاف با جبههٔ باطل، حرکت بر مقتضیات زمان و نو به نو کردن راهبردها و برنامه‌ها، پرهیز از کهنه‌گرایی، پاسخ به شبهات و حیرت‌افکنی‌ها و بر عمومی ساختن فرهنگ مهدویت تلاش و کوشش دارند و نهایتاً با تشکیل حکومت و نظام سیاسی زمینه‌سازی را تمام می‌کنند.

بنابراین صدر و ساقهٔ آموزهٔ مهدویت با حماسه و مجاهدت، صلابت و ایثار، و شور و شعور‌گره خورده است. پس هم انتظار، هم زمینه‌سازی ظهور و هم آمادگی برای درک حضور، باید بر اساس الگوی حماسه و حماسه‌سازی شکل گیرد. از این رو نظام تربیت مهدوی، به حماسه‌سازی معطوف می‌شود؛ یعنی باید در تربیت، الگویی مبتنی بر آمادگی روحی، معرفتی و

رفتاری برای حماسه‌سازی و یاری‌رسانی به موعود منتظر به کار گرفته شود و روشن است که این حماسه‌سازی و یاری‌رسانی تنها محدود به زمان ظهور نیست، بلکه دوران غیبت را نیز دربر می‌گیرد. از این رو الگوی تربیت مهدوی را می‌توان «تربیت حماسی» نامید؛ چرا که شرط اساسی در حماسه‌سازی، تربیت حماسی حماسه‌سازان آینده است. بنابراین باید در تربیت منتظران و زمینه‌سازان ظهور، عناصر مشترک و کلیدی حماسه‌سازی را تقویت کرد و توسعه داد تا زمینه حماسه ظهور ایجاد شود.

از جمله دلایل برای این مدعا - که تربیت حماسی الگوی جامع تربیت مهدوی است - این است که همه حماسه‌های بزرگ و به خصوص حماسه‌های دینی، بردوش انسان‌های تربیت شده‌ای بوده است که از ویژگی‌های حماسی برخوردار بوده‌اند، چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَكَايِنٍ مِّن نَّبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرًا فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾؛ (آل عمران: ۱۴۶)

و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده‌های انبوه، کارزار کردند؛ و در برابر آن چه در راه خدا بدیشان رسید، سستی نوزیدند و ناتوان نشدند؛ و تسلیم [دشمن] نگردیدند، و خداوند شکیبایان را دوست دارد.

با مطالعه تاریخ صدر اسلام، شخصیت‌هایی چون حمزه سیدالشهدا و مالک اشتر را می‌بینیم که مصداق این آیه شریفه‌اند و از همه برجسته‌تر حماسه‌سازان حسینی در نهضت عاشورا هستند. استاد مطهری معتقد است:

شخصیت حسین علیه السلام و تاریخچه حسین علیه السلام حماسی بود؛ یعنی در روح‌ها غیرت، مردانگی [و] آزادگی بخشید و بردگی و ترس را از میان برد و خون‌ها را به جوش آورد. به این نحو که حماسه اسلام را احیا کرد، به روح‌ها شخصیت، حریت، غیرت، آزادگی، ایده‌آل داد و خون‌ها را به جوش آورد؛ رخوت را از بدن‌ها گرفت و روح‌ها را به حرکت آورد؛ حماسه مبارزه با کفر، ظلم [و] ستم را احیا و تجدید کرد. امام حسین علیه السلام در ملت اسلام حماسه و غیرت ایجاد کرد، حمیت و شجاعت و سلحشوری به وجود آورد، خون‌ها را به جوش آورد. (مطهری، ۱۳۸۸ - الف: ۶۳۰)

از آن‌جا که بیشترین شباهت یاوران امام مهدی علیه السلام به یاران امام حسین علیه السلام یا به بیانی دیگر، شباهت میان حماسه حسینی و حماسه مهدوی، شعار مشترک «یا لثارات الحسین» است.<sup>۱</sup> از این رو ویژگی‌هایی که در روایات برای منتظران واقعی و زمینه‌سازان ظهور و یاوران

۱. در روایتی از فضیل بن یسار از امام صادق علیه السلام آمده است: لَهُ كَنْزٌ بِالْقَالِقَانِ مَا هُوَ بِدَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ وَرَايَةٌ لَمْ تَنْشُرْ مُنْذُ طُوَيْتْ

حضرت حجت علیه السلام ذکر شده، همگی نشانه‌های یک انسان حماسی و مجاهد است. برای آن که نسبت تربیت مهدوی با الگوی تربیت حماسی روشن تر شود، لازم است مطالبی درباره مفهوم «حماسه» و «تربیت حماسی» بیان شود.

### مفهوم‌شناسی حماسه

در فرهنگ لغات قاموس آمده است:

«حمس» برون «فرح» یعنی در دین و کارزار، سخت و محکم است، و اسم از این فعل، «حمس» و «احمس» است. (مطهری، ۱۳۸۸ - الف: ۶۲۳)

ابن اثیر در جلد اول کتاب *نهایه* می‌نویسد:

«حمس» جمع «أحمس» است و آنان طایفه قریش و اولاد آنان و طایفه کنانه و جدیله قیس هستند.

آنان به این دلیل «حمس» نام گرفته‌اند که در دین خود «تحمس» یعنی شدت و استواری داشتند و حماسه، شجاعت است. عادتشان این بود که در مزدلفه وقوف می‌کردند و به عرفات نمی‌رفتند و می‌گفتند: ما اهل خداییم و از حرم بیرون نمی‌شویم. همچنین در حال احرام از در وارد خانه‌هایشان نمی‌شدند. بر این اساس، لغت «اهل حماسه» دارای خصلت‌هایی چون شدت و استواری، و حرکت خلاف عادت است. استاد شهید مطهری درباره معنای لغوی حماسه می‌گوید:

و رَجَالٌ كَانُوا قُلُوبُهُمْ زُبُرَ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ لَوْ حَمَلُوا عَلَى الْجِبَالِ لَأَزَالُوهَا لَا يَقْصِدُونَ بِرَأْيَاتِهِمْ بَلَدَةً إِلَّا حَزَبُوهَا كَأَنَّ عَلَى خِيُولِهِمُ الْعُقْبَانَ يَتَمَسَّحُونَ بِسَرْجِ الْإِمَامِ عليه السلام يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبِرْكَةَ وَ يَحْفُونَ بِهِ يَفُوتَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحَرْوِ وَ يَكْفُونَهُ مَا يُرِيدُ فِيهِمْ رَجَالٌ لَا يَتَأَمُونَ اللَّيْلَ لَهُمْ دَوِيٌّ فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوِيٍّ التَّحْلِ يَبِيثُونَ قِيَاماً عَلَى أَظْرَافِهِمْ وَ يُصْبِحُونَ عَلَى خِيُولِهِمْ زُهَبَانٌ بِاللَّيْلِ لِيُوثَّ بِالنَّهَارِ هُمْ أَطْوَعُ لَهُ مِنَ الْأُمَّةِ لِسَيِّدِهَا كَالْمَصَابِيحِ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ الْقَنَادِيلُ وَ هُمْ مِنْ خَشِيَةِ اللَّهِ مُشْفِقُونَ يَدْعُونَ بِالشَّهَادَةِ وَ يَتَمَتَّوْنَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ شِعَارُهُمْ يَا لِنَارَاتِ الْخُسَيْنِ إِذَا سَارُوا يَسِيرُ الرَّعْبُ أَمَامَهُمْ مَسِيرَةَ شَهْرِ تَمْشُونَ إِلَى الْمُؤَلَى إِزْسَالاً بِهِمْ تَنْصُرُ اللَّهُ إِمَامَ الْحَقِّ؛ برای او گنجی در طالقان است که [از جنس] طلا و نقره نیست، و پرجمی است که از هنگام فرو پیچیده شدن، گشوده نشده است، و مردانی است که دل‌هاشان پاره‌های آهن است. در دل این مردان شک در ذات الهی راه نیافته و سوزنده‌تر از پاره‌های اخگر است. اگر به کوه‌ها حمله‌ور شوند، آن‌ها را متلاشی سازند. با پرچم‌هاشان آهنگ هیچ دیری را نکنند جز آن‌که ویرانش سازند، گویی که بر اسب‌هاشان عقابانند. برای برکت به زمین اسب امام علیه السلام دست کشند و گرداگرد او بگردند و در نبردها با جان خویش یاری‌اش کنند. شب را به قیام و عبادت گذرانند و روز را بر اسبان خود. زاهدان شب و شیران روزند. اطاعت‌پذیرتر از کنیز به سرور خویشند. چونان چراغ‌هایند؛ انگار در دل‌هاشان چلچراغ‌هایی فروزان است و از بیم الهی ترسانند. برای شهادت دعا می‌کنند و آرزوی کشته شدن در راه خدا را در سر می‌پرورانند. شعارشان «ای خون‌خواهان حسین!» است. آن‌گاه که به راه افتند، ترس و وحشت پیشاپیش ایشان طول یک ماه را بیماید. متوجه مولا شوند و به حرکت درآیند. خدای تعالی بدیشان امام حق را یاری رساند. (مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۵۲، ۳۰۷)

کلمه «حماسه» به معنای شدت و صلابت است، و گاه به معنای شجاعت و حمیت استعمال می‌شود. (همو: ۲۴)

همچنین حماسه، به چیزی گفته می‌شود که افتخار و نازیدن به چیزی یا موضوعی که یادآوری آن در روح هیجان به وجود آورد و انسان را به حرکت وادارد و آماده دفاع کند (همو: ۶۳۵). اصولاً حماسه در زمانی ایجاد می‌شود که انتظار آن نمی‌رود.

به طور کلی، کلمه «حماسه» در مواردی از این دست به کار می‌رود:

۱. شعر حماسی: در آن غیرت، شجاعت و مردانگی موج می‌زند و روح را تحریک می‌کند و به هیجان می‌آورد.

۲. سخن حماسی: سخنی است که در آن بویی از غیرت، شجاعت، مردانگی، ایستادگی و مقاومت باشد.

۳. سرگذشت و تاریخ حماسی: سرگذشتی که پراز غیرت، شجاعت، مردانگی، ایستادگی و مقاومت است.

۴. شخصیت حماسی: اشخاصی هستند که روحیه غیرتمندی، حمیت، شجاعت، ایستادگی، حس دفاع از حقوق و حس عدالت خواهی دارند (همو: ۲۴-۲۶).

از میان این چهار اطلاق، مورد چهارم در باب نوع تربیت، بیشترین کاربرد را دارد. شخصیت حماسی، انسان ساخته شده و تربیت شده‌ای است که از لحاظ روحی، غیرت و حمیت و شجاعت و سلحشوری را تحریک کند و از لحاظ بدنی، خون را در عروق به جوش آورد و به بدن، نیرو و حرارت و چابکی و چالاکي ببخشد. به عبارت دیگر، روحیه انقلابی ایجاد کند و حس مقاومت در مقابل ستم و ستمگر را به وجود آورد. شهید مطهری در این باره چنین گفته است:

یک شخصیت حماسی، آن کسی است که در روحش این موج وجود دارد؛ یک روحیه متموجی از عظمت، غیرت، حمیت، شجاعت، حس دفاع از حقوق و حس عدالت خواهی دارد. (همو: ۳۵)

پس حماسه، کیفیتی از زیستن و حکایتی از قوت روح است. انسان حماسی، بی تفاوت نیست؛ ظلم و عدل نزد او یکسان نیست؛ سستی و رخوت را به رسمیت نمی‌شناسد؛ بیش از همه از تکلیف‌گریزی و عافیت‌طلبی گریزان است. انسان حماسی دارای روحی بزرگ است؛ از هرچه حقیر است نفرت دارد؛ کوله بار رنج و محنت را بر جسم خویش تحمیل می‌کند، اما ذره‌ای حقارت را بر روح خویش نمی‌پذیرد. انسان حماسی درد دارد؛ او حقیقتاً انسان است؛

نسبت به وضعیت موجود رضایت ندارد؛ سکون را نمی‌پسندد؛ همواره به افقی برتر چشم دارد؛ می‌شورد و می‌شوراند و نمی‌تواند بی‌اعتنا بماند. پس حماسه به منزله شعله‌ای در میان تاریکی است و حرکتی در خلال سکون‌ها و سکوت‌های مرگبار است.

### ۱. حماسه و فضیلت

میل و گرایش به حماسه و حماسه‌سازی چون قهرمانان و پهلوانان، گرایشی مشترک میان همه اقوام و ملل دنیا در گذشته و حال بوده است و در همه فرهنگ‌ها و هویت‌ها می‌توان نشانه‌هایی از آن را پیدا کرد. از این رو هر قومی در ذخیره تاریخی خود، درکی از حماسه دارد، به گونه‌ای که می‌شود گفت حماسه، امری فرهنگی و هویتی است که دست‌کم خاستگاهی فرهنگی، هویتی و اجتماعی دارد. بنابراین، به یک امر غیرفرهنگی و هویتی و فاقد ریشه که صرفاً دارای ویژگی‌های فردی است نمی‌توان حماسه اطلاق کرد (افروغ، ۱۳۹۲). همچنین واژه حماسه، هیچ‌گاه در اتفاقات مذموم و برای طرف باطل و منفی به کار نمی‌رود، بلکه همیشه درباره اتفاقات دارای بار مثبت و ارزشی به کار می‌رود و حماسه فضیلتی از فضایل انسانی و کمالی از کمالات جامعه بشری به شمار می‌آید و حماسه‌سازان در زمره اهل فضیلت محسوب می‌گردند (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۸۷). بنابراین می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که میل و گرایش به حماسه و حماسه‌سازان، میل و گرایشی فطری است که در سرشت و فطرت انسان‌ها ریشه دارد. از این رو محتوا و شاخصه‌های حماسه را فضایل و ارزش‌های فطری تشکیل می‌دهند.

### ۲. حماسه و سبک زندگی

اگرچه حماسه را با دلاوری و سلحشوری معنا می‌کنند، اما نباید آن را در این تعابیر خلاصه کرد که اگر چنین شود کوهی به کاهی هدر می‌رود. با توجه به تأملات مفهومی درمی‌یابیم که روحیه حماسی، آموزه‌ای در کنار سایر آموزه‌های تربیتی نیست، بلکه اصل حاکم و روح غالب بر نظام تربیت اسلامی در بعد اجتماعی است؛ یعنی کسی می‌تواند در حوزه جامعه و سیاست مفید واقع شود که روحیه حماسی در وجود او جریان داشته باشد. از این رو تمام تلاش‌های انسان مؤمن در حفظ، تقویت و پیشبرد جبهه حق در مقابل جبهه باطل را دربر می‌گیرد. لذا تلاش‌های سیاسی، فکری، دانشگاهی، علمی، فرهنگی، سازندگی، اقتصادی و... را می‌توان رنگی حماسی داد؛ یعنی حماسه تنها در ابعاد نظامی و جنگی به کار نمی‌رود، بلکه واژه «حماسه» در فرهنگ‌های گوناگون، به اتفاقات عظیم و باشکوهی که در سایر عرصه‌ها رخ

می دهد نیز اطلاق می شود. حماسه از این جهت نیز مشابهتی با «جهاد» دارد؛ اگرچه اولین معنای متبادر به ذهن از جهاد، بُعد نظامی و رزمی آن است، اما تنها در این بُعد به کار نمی رود و در ساحت‌هایی نظیر جهاد با نفس، جهاد علمی، جهاد فرهنگی، جهاد با مال و... نیز استعمال می شود و معنای خود را می‌رساند<sup>۱</sup>. پس حماسه یک اتفاق نیست، یک جریان است؛ یک رفتار نیست، یک روحیه است؛ یک آگاهی نیست، یک نگرش است. حماسه یک فرهنگ است و نهایتاً حماسه گوشه‌ای از زندگی نیست، بلکه سبک زندگی است.

### ۳. حماسه و عرفان

«حماسه» و «عرفان»، مفاهیمی بلند و پرمغز هستند که در تار و پود یکدیگر تنیده شده‌اند. تکیه بر روح حماسی بدون معرفت و شناخت حقایق عالم وجود، راهی است که از بیراهه سر درمی آورد. حماسه حاصل لجاجتی کور و تعصبی بی مغز نیست؛ بلکه ثمره حق شناسی و حق طلبی است و حماسه‌ساز، به سبب آگاهی و شناخت، سلول تحلیل‌گر جامعه است که پیچیدگی‌های فردی و اجتماعی را به خوبی درک می‌کند و براساس آن اقدام می‌نماید. لذا این‌گونه نیست که خستگی و استیصال از فضای بحران زده او را به مرز خشونت و رادیکالیسم بکشاند؛ بلکه به دور از هرگونه انفعال، مترصد شرایطی است که هرگونه اقدام و حتی فدا شدن در آن، در حد نفع‌شدن تنزل پیدا نکند. حماسه‌ساز همچون رود طغیان‌گری نیست که در مسیر خود، آهنگ نابودی را بنوازد، بلکه همانند سدّی است که در مرحله آب‌گیری، ساکت و آرام و در مرحله آب‌دهی، خروشان و مؤاج است. بین ماجراجویی و حماسه مبتنی بر حق طلبی، تمایزی ظریف است. حماسه حرکت و اقدامی انسان‌ساز و جامعه‌ساز است که در مقاطعی سکوت و فروخوردن خشم و گاه انتظار و صبر، و زمانی قیام و انقلاب را اتخاذ می‌کند. این

۱. مقام معظم رهبری درباره قلمرو جهاد می‌فرماید: «جهاد یعنی مبارزه. در زبان فارسی، جنگ و ستیزه‌گری معنای مبارزه را نمی‌دهد. می‌گویی من دارم مبارزه می‌کنم؛ مبارزه علمی می‌کنم، مبارزه اجتماعی می‌کنم، مبارزه سیاسی می‌کنم، مبارزه مسلحانه می‌کنم؛ همه این‌ها مبارزه است و معنا دارد. مبارزه یعنی تلاش پُرنیرو در مقابل یک مانع یا یک دشمن. اگر هیچ مانعی در مقابل انسان نباشد، مبارزه وجود ندارد. در جاده آسفالته، انسان پایش را روی گاز بگذارد و با باک پُر از بنزین سفر کند، این را مبارزه نمی‌گویند. مبارزه آن‌جایی است که انسان با مانعی برخورد کند که این مانع در جبهه‌های انسانی، می‌شود دشمن؛ و در جبهه‌های طبیعی، می‌شود موانع طبیعی. اگر انسان با این موانع درگیر شود و سعی کند آن‌ها را از میان بردارد، این می‌شود مبارزه. جهاد در زبان عربی عیناً به همین معناست؛ یعنی مبارزه. جهاد در قرآن و حدیث هم به همین معناست؛ همه‌جا به معنای جنگ مسلحانه نیست. البته یک جا با جنگ مسلحانه تطبیق می‌کند، یک جا هم با جنگ غیرمسلحانه تطبیق می‌کند. (بیانات در دیدار با مسئولان نظام، ۱۳۸۳/۸/۲۰)

جهاد لزوماً جهاد نظامی نیست؛ جهاد سیاسی است، جهاد فکری است، جهاد علمی است، جهاد اجتماعی است، جهاد اخلاقی است. و امت بزرگ اسلام به تدریج با ابعاد گوناگون این جهاد آشنا شده است و آشنا می‌شود. (بیانات در دیدار با مسئولان نظام به مناسبت عید فطر: ۱۳۸۷/۷/۱۰)



مطلب شباهت بسیاری به برخی افراد دارد که با عجله از مقدرات الهی پیشی می‌گیرند و هلاک می‌شوند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

همانا مردم به سبب عجله کردن در امر ظهور هلاک می‌شوند [اما] خداوند به سبب عجلهٔ بندگان، عجله نخواهد کرد. زمان ظهور غایتی دارد که آن زمان فرا خواهد رسید و آن‌گاه که فرا رسید، نه یک لحظه مقدّم می‌شود و نه به تأخیر می‌افتد. (کلیبی، ۱۴۰۷: ج ۱۵، ۴)

روشن است که این عجله و شتاب نتیجهٔ نشناختن حق و ملزومات آن است. از این رو امام سجاد علیه السلام در دعایی به دو دسته متقدّمین و متأخرین در زمان غیبت اشاره می‌کند و می‌فرماید:

اللهم اشتر نفسي الموقوفة عليك، المحبوسة لأمرك بالجنة مع معصوم من عترة نبيك، محزون لظلامته، منسوب بولايته، تملأ الأرض به الأرض عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً ولا تجعلني ممن تقدّم فمرق أو تأخر فمحق واجعلني ممن لزم فلحق و اجعلني شهيداً سعيداً في قبضتك. (کورانی، ۱۳۸۷: ج ۴، ۳۰۱، ح ۲۲۸)

اصولاً در محیط تاریک و غبار آلود، آن‌چه باعث پیشروی و پسروی و جلو افتادن و عقب ماندن شده است، نشناختن شرایط زمانه، سستی، کوتاهی و مصلحت‌اندیشی‌های منفعت‌طلبانه و مهم‌تراز همه، نشناختن مقام امام و امامت است. از این رو حماسه تنها به معنای قیام و اقدام نیست. حماسه تنها به معنای تقیه و قیام هم نیست. حماسه به معنای انتظار است که گاهی در شکل تقیه و سکوت، و گاهی نیز به صورت قیام و اقدام بروز می‌کند (اسلامیه، ۱۳۸۹: ۲۵۲).

#### ۴. حماسه و عشق

مشارکت حماسی و قهرمانانه، نه از نوع مشارکت صرفاً سیاسی و مصلحت‌اندیشانه و منفعت‌گرایانه، بلکه بر اساس روحی بی‌قرار و پرحرارت، انگیزه‌ای متعالی و فارغ از فردیت است. او کسی است که برای خودش کار نکرده، بلکه در راه حق، حقیقت و فضیلت قدم برداشته است. روح انسان تا جایی قدرت پرواز دارد که موانع و محدودیت‌ها او را باز ندارند. از کسی که چشمهٔ روحش را خشکانده یا به باتلاق تبدیل کرده است، نمی‌توان انتظار حماسه داشت. باید همچون آب‌های آزاد، عمیق و مؤاج بود. از این رو در فرهنگ حماسه، جنگ میان عقل و عشق جاری است. عقل ابزاری مصلحت‌اندیش متعارف را توان فهم عرصهٔ حماسه نیست. اگر ابراهیم خلیل علیه السلام با عقل عادی می‌اندیشید، همین عقل عادی برای او عقل و

پایبند بود و هرگز حاضر نمی شد تن به آتش بسپارد یا فرزندش را به مسلخ ببرد. در حماسه، بال عقل کافی نیست، بلکه این بال عشق و محبت است که آدمی را پرواز می دهد و نقطه اوج را به او نشان می دهد. آن گاه که انسان به مرحله عشق می رسد، تازه می فهمد که عقل حقیقی همان «عقل برین» است که او دارد و دیگران گرفتار عقلال و وهم اند و آن را عقل می پندارند (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ج ۱۱، ۶۹ - ۷۱). پس در حماسه، عقل متعارف، دون عشق است و آن گاه که انسان با نردبان عشق، صعود می کند، درمی یابد که عقل برین در عشق نهفته شده است. از این رو مرگ آگاهی و شهادت طلبی، بزرگ ترین جلوه های حماسه اند. همین روحیه مرگ آگاهی و شهادت طلبی برآمده از حریت و عشق است که سبب می شود زیباترین و باشکوه ترین صحنه های بشری خلق شوند و مسیرهای تازه ای پیش روی بشرگشوده گردد.

#### ۵. حماسه و تربیت

حماسه نسبت تنگاتنگ و درهم تنیده ای با تربیت دارد؛ چرا که هم حماسه ها محصول شخصیت های تربیت شده اند و هم حماسه ها و شخصیت های حماسی نقش بسیاری در الگو شدن برای نوجوانان و جوانان دارند. بنابراین از این نسبت می توان الگویی کارآمد و مؤثر در تربیت ارائه کرد. تربیتی که معطوف به حماسه سازی و حماسه پروری است. هدف تربیت معطوف به حماسه، رشد هویت دانش آموزان و مربیانی است که بتوانند با تکیه بر عناصر و شاخصه های حماسه همچون حق شناسی، حق طلبی، عدالت خواهی و ظلم ستیزی، با نابرابری ها، ناملاپمات و زیاده خواهی ها مبارزه کنند و در مقابل، فضایل و ارزش های الهی و انسانی را در سطح جامعه گسترش دهند. به طور خلاصه تربیت حماسی تربیتی است که قدرت شناخت حق، امید به تحقق آن و شجاعت اقدام بر اساس آن را در متربی ایجاد کند.

بر این اساس، تربیت حماسی با تربیت لیبرالی تفاوتی بنیادین دارد؛ نظریه ای که فردیت و نفع شخصی را ترویج می کند و نهایتاً به دنبال کردن نفع شخصی و به استعمار دیگران و محیط می انجامد (بهشتی، ۱۳۸۶: ۴۴۱). همچنین تربیت حماسی، از نوع تربیت های بنیادگرایانه متصلب و سلفی متحجر برای بازگشت به گذشته و تصلب به ظاهر شریعت نیست. لذا هدف، تربیت یک چریک جنگی نیست که بر اساس اغراض شخصی و هوای نفس یا تعصبات فرقه ای و مذهبی اقدام کند، بلکه هدف تربیت فردی است که علاوه بر داشتن ویژگی دلآوری و شجاعت، تمام فضایل الهی و انسانی را داشته باشد و بر اساس هوای نفس و تعصبات متحجرانه کاری انجام ندهد.

### الف) تربیت حماسی، تربیتی دینی

چنان که گفته شد، حماسه بر فطرت الهی انسان و بر فضایل فطری استوار است که به نحو تام و تمام در دین الهی تبیین شده است. برای مثال، در نهج البلاغه آمده است که گروهی از امیرالمؤمنین علیه السلام خواستند درباره ایمان برای آن‌ها صحبت کند. ایشان در پاسخ فرمود:

الإيمان على أربع دعائم: على الصبر واليقين والعدل والجهاد؛ (شريف رضى، ۱۳۸۷:

حکمت ۳۱)

ایمان روی چهار پایه استوار است: صبر، یقین، عدالت و جهاد.

این چهار پایه ایمان، به طور کامل در حماسه نهفته است، به ویژه عنصر چهارم که قرابت بسیار زیادی با تربیت حماسی دارد. «جهاد» از جمله کلیدواژه‌هایی است که در قرآن کریم و سیره اسلامی و روایات اهل بیت علیهم السلام بسیار استفاده شده است. اساساً از نظر قرآن کریم مؤمن، تنها زمانی که به وصف جهاد موصوف گردد پسندیده پروردگار می‌شود. قرآن کریم مؤمنان را به مؤمن قائد و مؤمن مجاهد تقسیم می‌کند و از بین این دو، خدای متعال مؤمن مجاهد را می‌پسندد (نساء: ۹۵). از این رو هرچه ایمان ریشه قوی‌تری پیدا می‌کند، به همان نسبت عنصر جهاد و روحیه جهادی در مؤمن شکل می‌گیرد. مؤمن مجاهد به طور عام کسی است که با انتخاب آرمان و مقصد بلند و به برکت آن تعلق و عرق قلبی که برای او فراهم شده، برای دینش و آرمانش سرمایه‌گذاری می‌کند. به هر حال، آن چه از قرآن کریم استفاده می‌شود این است که جهاد معنایی وسیع و فراگیر دارد که عمده آن هم تلاش مؤمنانه در مسیر تحقق آرمان‌های انقلابی و توحیدی است. باید گفت الگوی تربیت حماسی هم یک الگوی مجاهد‌پرور به همین معنای دینی است. بنابراین تربیت حماسی یعنی همان تربیت دینی ناب و معتدل، با برجسته‌سازی عنصر حماسه و فتوت، متناسب با نیازهای زمان (حاج علی اکبری، ۱۳۸۹: ۱۹۰). امام صادق علیه السلام درباره روحیه حماسی مؤمن می‌فرماید:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَشَدُّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ إِنَّ زُبْرَ الْحَدِيدِ إِذَا دَخَلَ النَّارَ تَغَيَّرَ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَوْ قُتِلَ ثُمَّ نُشِرَ ثُمَّ قُتِلَ لَمْ يَتَغَيَّرْ قَلْبُهُ؛ (قمی، ۱۴۲۸: ج ۱، ۱۴۷)

همانا مؤمن سخت‌تر از پاره‌های آهن است؛ چراکه پاره آهن آن‌گاه که داخل آتش شود، تغییر می‌کند؛ ولی مؤمن اگر کشته شود، آن‌گاه زنده شود و دوباره کشته شود، قلبش تغییری نمی‌کند.

### ب) تربیت حماسی، تربیتی جامع‌نگر

تربیت حماسی تار و پودی تنیده از نظر، میل و عمل است؛ یعنی هم دیدگاه‌های ویژه‌ای

برای نگریستن به امور در اختیار مربی می‌نهد و هم‌گونه‌ای از خواهش‌ها، اعمال و روابط اجتماعی را فراهم می‌آورد. به همین سبب، این الگو، یک الگوی تک‌ساحتی و تحویلی‌گرایانه نیست، بلکه الگویی جامع‌نگر و فراگیر است که به همه ابعاد بینشی، گرایشی و منشی انسان و تربیت همه سطوح و ساحات وجودی انسان همچون عقل، قلب و جسم توجه دارد؛ یعنی هم به اصولی همچون عقلانیت و تدبیر توجه دارد و هم بر معنویت و مدنیت. همچنین بر سلامت روحانی و پرورش جسمانی، توأم با هم تأکید دارد. لذا انواع تربیت همچون تربیت عقلانی، تربیت اخلاقی، تربیت اجتماعی و سیاسی و تربیت جسمانی و ورزشی، هر یک از جایگاه بسیار برجسته و مهمی در تربیت حماسی برخوردارند و مربی از هیچ‌یک بی‌نیاز نخواهد بود.

### ج) تربیت حماسی، تربیتی در میدان

از مهم‌ترین ویژگی‌های تربیت حماسی این است که تربیت حماسی از نوع تربیت قرنطینه‌ای و گلخانه‌ای نیست. در تربیت قرنطینه‌ای و گل‌خانه‌ای برنامه و مربی، افراد تحت تربیت را به طور کلی از عوامل منفی و مشکلات دور نگه می‌دارند و میان دانش‌آموز و جامعه حصار و دیوار بلندی می‌کشند. این نوع از تربیت، دانش‌آموز را از مسائل و مشکلات دور نگه می‌دارد و امکان خطرپذیری و مقاومت را در آن‌ها از بین می‌برد و آسیب‌پذیری را رشد می‌دهد (باقری، ۱۳۸۶: ج ۲، ۲۸۶). تربیت راکد، ساکت، ملاحظه‌گر و منفعت‌گرا، در نقطه مقابل تربیت جهادی و حماسی است؛ زیرا به جای آن‌که نسلی مستقل و مسئول به بار آورد، نسلی مطالبه‌گر، پرتوقع، ترسو و شکننده برجا می‌نشانند که پاسخ‌گوی نیازهای زمانه نیست. اما در تربیت حماسی، زمینه و میدانی فراهم می‌شود که دانش‌آموز خود تجربه کند. یعنی باید فضا را طوری آماده کرد که فرد خودش انتخاب کند و درگیر شود. پس الگوی تربیت حماسی به ما می‌گوید که باید اعتماد به نفس، روحیه عزت، قدرت تصمیم‌گیری، قدرت رویارویی با بحران و مدیریت بحران را در بچه‌ها تقویت کنیم. القای این مسائل نیاز به میدان دارد؛ میدانی که بچه‌ها بتوانند این موارد را آموزش ببینند و تجربه کنند. البته این به معنای آزادی مطلق و حصارشکنی کامل نیست که اساساً با مقوله تربیت که مبتنی بر نوعی مرزبندی است منافات دارد (همو: ۲۸۸)، بلکه هدف عمده این است که دانش‌آموز علاوه بر یادگیری معیارها و مرزها، بتواند خود تجربه کند. ریشه این مسئله را باید در آن دانست که حماسه بخش‌نامه‌ای و دستوری نیست، بلکه نیازمند بسترو فضای مناسب است. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌گویند:

حماسه که دستوری نیست، بخش‌نامه‌ای نیست؛ بخش‌نامه صادر می‌کنیم مردم

حماسه ایجاد کنند! مگر می‌شود چنین چیزی؟ مگر معقول است؟ حماسه از دل می‌جوشد، حماسه با عقل هدایت می‌شود، حماسه با ایمان پشتیبانی می‌شود؛ این‌ها که دستوری نیست. اگر چنان‌چه دل از امید خالی شد، فکر از منطق صحیح تهی شد، حماسه به وجود نمی‌آید. [اگر] ما در ذهن‌ها تردید ایجاد کنیم، در دل‌ها یأس تزریق کنیم، حماسه به وجود می‌آید؟ معلوم است که نه. حماسه‌آفرینی [به] این است: فضای بدبینی به وجود نیاید؛ فضای سوءظن به وجود نیاید؛ فضای امید، فضای خوش‌بینی، فضای نگاه به چشم‌اندازها به وجود آید؛ چشم‌اندازهایی که قطعی است، یقینی است، حقیقی است، تلقینی نیست. (بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۹۲/۲/۱۱)

این ویژگی از تربیت حماسی، با تربیت مهدوی تطابق کاملی دارد؛ چراکه در دوران غیبت که امام معصوم علیه السلام در پس پرده‌های غیبت، تربیت و هدایت جهان را به عهده دارد، چالش میان حق و باطل در جهان گسترش یافته و منتظران حقیقی کسانی هستند که در چنین فضای بازی در چالش میان حق و باطل بتوانند بر عهد خود وفادار بمانند و با شناخت حق از جریان باطل فاصله گیرند.

تربیت مهدوی، تربیت برای محیط باز است و از این رو، مستلزم آن است که افراد، توانایی مرزشناسی را کسب کنند و آمادگی رویارویی با اصطکاک‌های فکری و عملی را بیابند. این مرزشناسی شامل مواردی از این قبیل است: شناخت مهدی علیه السلام چون شخصی معین، شناخت رسالت وی در برپایی حق و عدالت، شناخت حقانیت آموزه‌های دین اسلام که وی آن را به جهانیان عرضه خواهد نمود، آشنایی با جریان‌های فکری مختلف که سودای برقرار ساختن حق و عدالت را در جوامع بشری در سر دارند و توانایی بازشناسی میزان درستی و نادرستی آن‌ها و توانایی در میان گذاشتن محققانه باورهای خود با آن‌ها. پیرو مهدی علیه السلام با تربیت شدن برای زیستن در چنین محیطی باز، از انتظار انفعالی ظهور وی به دور خواهد بود و در اثر ارتباط سازنده با جریان‌های فکری دیگر، انتظاری پویا را نسبت به ظهور، آشکار خواهد ساخت. انتظار پویا به معنای فراهم ساختن فعالانه زمینه‌های ظهور است (باقری، ۱۳۸۶: ۳۵۱ - ۳۵۲).

#### د) نقش معلم در تربیت حماسی

در هر الگو و نظام تربیتی، نقش معلم و مربی، از جمله مباحث مهم است. در الگوی تربیت حماسی، نقش معلم بسیار مهم و حساس است، به این معنا که وظیفه اصلی معلم به عنوان اندیشمندی راه رفته و تحول‌آفرین این است که با آشنا ساختن دانش‌آموز با معیارهای حق و باطل، به دانش‌آموزان کمک کند بتوانند جایگاه تاریخی خود درست بشناسند و در رویارویی

با مشکلات و سختی‌ها، درست بیندیشند و اقدام کنند. از این رو رسالت معلم از انتقال دهنده محض دانش فراتر می‌رود و به موضعی فعالانه ارتقا می‌یابد. لذا باید بستر خلاقیت، تجربه و عمل را برای دانش آموز فراهم کند.

#### هـ) برنامه درسی در تربیت حماسی

به طور کلی در الگوی تربیت حماسی، برنامه درسی نباید به صورت مجموعه‌ای از موضوعات و رشته‌های بی‌ربط و صرفاً نظری در نظر گرفته شود؛ بلکه باید دربر دارنده مسائل مهمی چون جریان‌شناسی حق و باطل، عدالت خواهی، نقد اجتماعی و قدرت تحلیل اجتماعی و سیاسی و... باشد که به خودسازی و عمل اجتماعی منتهی گردد. از این رو در برنامه و محتوای درسی باید به چند نکته توجه کرد:

الف) از آن جا که تربیت حماسی اذعان دارد هویت‌های دانش‌آموزان در طول زمان و در بسترهای اجتماعی شکل می‌گیرد و تحت تأثیر بسیاری از عوامل از جمله تجارب شخصی آن‌هاست، افزون بر توجه به جنبه‌های علمی و بینشی باید به تجارب روزمره دانش‌آموزان توجه جدی کرد و موضوعات مطالعاتی مهم و جدی را نسبت به آن در نظر گرفت.

ب) شاید تربیت حماسی در مقام نظر و تعریف، امری جدید و نو باشد، اما حقیقت آن است که در مقام عمل و مصداق، امری ریشه‌دار است و در میان همه تمدن‌ها و ملل، به‌ویژه در تاریخ دینی و فرهنگی اسلام و تشیع با همه مختصاتش می‌توان نشانه‌های آن را پیدا کرد. معارف قرآن کریم، حماسه نبوی، عدالت علوی، حماسه حسینی و قیام مهدوی که آمیخته به حماسه، عرفان و نیاش‌های شورانگیزند از مؤثرترین عوامل تربیت حماسی تشیع در قرون متوالی بوده است. همچنین حماسه جاودان امام خمینی علیه السلام و مردم قهرمان ایران در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس الگوی کامل و روزآمدی از حماسه و حماسه‌سازی است و از ظرفیت فراوانی برای نظریه‌پردازی تربیتی و الگوسازی تربیتی برخوردارند. خلاصه این‌که در حماسه‌ها باید نگاه تاریخی حاکم باشد و پشتوانه و عقبه و زمینه شکل‌گیری حماسه‌ها بررسی شود و در همین بررسی‌هاست که نقش عناصر مهم حماسی نمایان می‌گردد.

ج) تربیت حماسی در تاریخ و ادبیات نیز سرمایه‌های ارزشمندی دارد. از این رو از تاریخ و ادبیات غنی حماسی که در میراث تمدنی ملل و خصوصاً اسلام و ایران وجود دارد باید استفاده کرد. پیوند ژرف و تنگاتنگ ادبیات و حماسه که از روزگاران نخست در ادبیات مطرح بوده و شاعران عارف و حماسه‌سرای ما همچون فردوسی، سنایی، عطار، مولانا، سعدی، حافظ و... به گونه‌ای این پیوند را در اشعار خود انعکاس داده‌اند که نمایان‌گر شناخت عمیق آنان از عرفان و

خداشناسی است از منابع غنی برای محتوای درسی به شمار می‌رود.

### و) تربیت حماسی، الگوی جهانی

تربیت حماسی افزون بر ویژگی‌های گوناگونی که دارد، از ظرفیت جهانی شدن نیز برخوردار است؛ زیرا بر درون مایه‌های مشترک حماسه‌های ملل که برآمده از فضایل و ارزش‌های فطری انسان است تکیه دارد؛ ظرفیتی که در سایر الگوهای تربیتی موجود نیست. از این رو با تکیه بر عنصر حماسه و عناصر و درون مایه‌های مشترک جهانی آن که از جمله آن‌ها میل به منجی و موعود است، می‌توان تربیت مهدوی را که در بسیاری از عناصر خود با تربیت حماسی مشترک است در جهان گسترش داد. بنابراین جهان‌شمولی و فراگیری، از مزایای تربیت حماسی است. در تربیت حماسی، رهنمودهای جدی برای جهان و برای حوزه‌ها و نحله‌های مختلف وجود دارد؛ افزون بر این که امکان حضور مؤثر در همه فضاها را نیز فراهم می‌کند.

### نتیجه

اگرچه عصر غیبت و دوران آخرالزمان، دوران سختی‌ها و ابتلائات بزرگ انسان است، اما بستری برای رشد و تربیت انسان‌هایی است که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از آن‌ها به «کبریت احمر» یاد کرده است و روشن شد که زندگی در چنین دورانی اگر با انتظار پویا و ثبات قدم همراه باشد «حماسه» است و اگر کسانی به اصلاح جامعه و زمینه‌سازی برای ظهور موعود بپردازند از «حماسه سازان» بزرگ تاریخ خواهند بود. بنابراین صدر و ساقه زندگی مؤمنان آخرالزمان با حماسه گره خورده است. لذا تربیت مهدوی از جنس «تربیت حماسی» است؛ تربیتی که از سویی ریشه در فطرت انسان‌ها و فضایل الهی و فرهنگ مشترک بشری دارد و از سوی دیگر، در میدان عمل و صحنه اجتماع و در نبرد میان حق و باطل صورت می‌پذیرد. بدین سبب، عناصری چون عرفان و محبت، امید و حرکت، صبر و شجاعت، عزت و کرامت، جوانمردی و پایمردی یک‌جا در مرتبه‌ی پرورش داده می‌شود.

در پایان گفتنی است این نوشتار آغازی بر این مدعاست و مجال بررسی همه ابعاد این مسئله و پاسخ به اشکالات وارده را ندارد. از این رو، تقویت و توسعه این بحث، نیازمند پژوهش‌های بیشتری در ابعاد گوناگون این الگوی تربیتی است. پرسش‌ها و مسائل مختلفی پیرامون این موضوع وجود دارد که باید به آن‌ها پاسخ داده شود؛ از جمله آن‌ها موارد ذیل است:

- کشف و استنتاج درون مایه‌های مشترک حماسه‌ها در فرهنگ‌ها و تمدن‌ها؛

- بررسی نسبت تربیت حماسی مهدوی با فلسفه و الگوی تربیت دینی؛
- چگونگی سطح‌بندی تربیت حماسی مهدوی در نسبت با انسان‌شناسی و روان‌شناختی سنین گوناگون و جنس زن و مرد؛
- تبیین نسبت تربیت حماسی مهدوی با زندگی روزمره و مسئله معیشت؛
- الگوپردازی در تربیت عقلانی، تربیت اخلاقی، تربیت اجتماعی و سیاسی و تربیت جسمانی و ورزشی بر اساس تربیت حماسی؛
- آسیب‌شناسی تربیت حماسی مهدوی؛
- و سرانجام این‌که آیا میان الگوی تربیت حماسی پیش از ظهور و پس از آن تفاوتی هست؟



## منابع

- اسلامیة، حمیدرضا، «تسلیم بودن در برابر ولی»، مجله خیمه معرفت (ویژه مریبان اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان) ش ۱۴، فروردین و ادیبهشت ۱۳۸۹ ش.
- آصفی، محمد مهدی، انتظار پویا، ترجمه: تقی متقی، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام ۱۳۹۰ ش.
- آمدی تمیمی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش.
- افروغ، عماد، «حماسه چیست؟»، روزنامه شرق، سرمقاله، شنبه ۱۷ فروردین ۱۳۹۲ ش.
- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۶ ش.
- بهشتی، سعید، زمینه ای برای بازشناسی و نقادی فلسفه تعلیم و تربیت در جهان غرب، تهران، مؤسسه انتشاراتی اطلاعات، ۱۳۸۶ ش.
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای: <http://farsi.khamenei.ir>
- جمعی از نویسندگان، موسوعة کلمات الامام الحسین علیه السلام، زیر نظر گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، قم، دارالمعروف، ۱۳۷۳ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، امام مهدی؛ موعود موجود، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۷ ش.
- \_\_\_\_\_، تفسیر موضوعی، قم، نشر اسراء، ۱۳۷۸ ش.
- \_\_\_\_\_، حماسه و عرفان، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۳ ش.
- حاج علی اکبری، محمد جواد، تربیت حماسی؛ چستی و چرایی، مجله خیمه معرفت (ویژه مریبان اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان) ش ۱۴، فروردین و ادیبهشت ۱۳۸۹ ش.
- شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم، انتشارات شاکر، ۱۳۸۷ ش.
- قمی، عباس، سفیه البحار، تهران، دارالاسوة، ۱۴۲۸ ش.
- \_\_\_\_\_، مفاتیح الجنان، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۳ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- کورانی، علی و دیگران، معجم احادیث الامام المهدی، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ ش.

- مطهری، مرتضی، حماسه حسینی (مجموعه آثار، ج ۱۷)، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۸ - الف.
- \_\_\_\_\_، قیام و انقلاب مهدی (مجموعه آثار، ج ۲۴)، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۸ - ب.
- موسوی، سید مهدی، «تربیت سیاسی در پرتو انتظار»، فصل نامه مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، ش ۶، تابستان ۱۳۸۷ ش.
- \_\_\_\_\_، «مدرسه مهدوی (درآمدی بر نظام و تعلیم و تربیت زمینه ساز)»؛ فصل نامه مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، ش ۱۰، تابستان ۱۳۸۸ ش.
- میرباقری، سید محمد مهدی، مراقبه های عاشورایی، قم، فجر ولایت، ۱۳۸۹ ش.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۲۵

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال هفتم، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۹۲

## بررسی تحلیلی - نظری راهکارهای بهبود عملکرد نهادهای تربیتی جمهوری اسلامی ایران در تربیت زمینه ساز ظهور

یوسف ادیب\*

اسکندر فتحی آذر\*\*

اصغر ابراهیمی هرستانی\*\*\*

### چکیده

تربیت زمینه ساز در اسلام، جایگاهی بسیار والا دارد. حکومت اسلامی همچون دیگر امور جامعه، مسئول این گونه تربیت، نیز هست. روایات متعدد از پیامبر اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام درباره وظایف منتظران و جایگاه آنان نزد خداوند، بیان گر اهتمام آنان به تربیت زمینه ساز ظهور است. پژوهش ها بر ضعف عملکرد نهادهای تربیتی در تربیت، با این رویکرد اذعان دارند. بر همین اساس، هدف این نوشتار، بررسی راهکارهای بهبود عملکرد نهادهای تربیتی جامعه در تربیت زمینه ساز ظهور، بر اساس نظریات محققان و صاحب نظران این حوزه است. در این نوشتار، پس از بررسی پژوهش های مربوط به این موضوع، با روش نظری - تحلیلی به پرسش هایی درباره راهکارهای نهادهای جامعه در تربیت زمینه ساز ظهور، روش های پیشنهادی برای عملی کردن راهکارها و میزان امکان عملی شدن آن ها پاسخ داده شده است.

### واژگان کلیدی

راهکارها، تربیت زمینه ساز، نهادهای تربیتی.

\* دانشیار درسی دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه تبریز.

\*\* استاد دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه تبریز.

\*\*\* دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول) (ebrahimi9090@yahoo.com)

امروزه با توجه به فراگیر شدن ناتوی فرهنگی دشمن که با در اختیار داشتن رسانه‌ها و ابزار گوناگون، به مقابله با فرهنگ مهدویت برخاسته است و نمی‌خواهد از ارزش‌های اسلامی هیچ اثری باقی بماند، توجه به تربیت زمینه‌ساز بسیار اهمیت دارد. اگر این تربیت، از کودکی و نوجوانی انجام شود، در وجود فرد نهادینه می‌گردد و در دوره‌هایی همچون نوجوانی و جوانی که بحران‌های مهمی در مقابل آنان قرار دارد، از آن استفاده می‌کند و در شکل‌گیری شخصیت فرد مؤثر است.

از آن جایی که در دوره غیبت حضرت مهدی علیه السلام با تشکیل حکومت اسلامی امور جامعه اسلامی به حکومت واگذار شده است و همان‌گونه که مسئولیت سایر امور این جامعه بر عهده حکومت اسلامی است، مسئولیت تربیت زمینه‌ساز ظهور نیز مطرح است و توجه به تربیت زمینه‌ساز در جامعه بر اساس قرآن و عترت مسئولیتی مهم و زمینه‌ساز ظهور است و همه اقدامات شیاطین را خنثی می‌کند.

پرورش روحیه انتظار در تربیت زمینه‌ساز کارکردهای تربیتی فراوان و مهمی برای فرد و جامعه دارد. محبت حضرت ولی عصر علیه السلام یکی از عوامل مهم ترک اعمال ناشایست است؛ زیرا محبت به حضرت سبب می‌شود انسان از اعمالی که این محبت را از بین می‌برد، بپرهیزد و هماهنگ با خواسته محبوب خود عمل کند. اگر محبت به حضرت گسترش یابد، بسیاری از معضلات اجتماعی و فردی حل می‌شود و لازم نیست هزینه‌های گزافی صرف جلوگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی گردد. محبت به اهل بیت علیهم السلام به ویژه امام زمان علیه السلام زمینه پذیرش دیگر احکام دین است و پایه‌های خانواده را مستحکم می‌کند و آینده فرزندان را در زندگی خانوادگی تضمین می‌کند (بیاری و چراغی، ۱۳۸۵: ۱۳۹ - ۱۴۰).

### اهمیت تربیت زمینه‌ساز ظهور در قرآن و عترت علیهم السلام

از جمله مهم‌ترین شرایط ظهور آن است که مردم به حقیقت و منزلت امام زمان علیه السلام پی ببرند، تا بتوانند به درستی به ایشان اقتدا کنند. در دین اسلام اهمیت مودت و معرفت به ائمه اطهار علیهم السلام برای سعادت مسلمانان، به حدی است که خداوند با ابلاغ وحی به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم برای هدایت انسان‌ها بر آن تأکید فرموده است:

﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَيَّ رِيَّةً سَبِيلاً﴾؛ (فرقان: ۵۷)

بگو: بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم، جز این که هر کس بخواهد راهی به

سوی پروردگارش [در پیش] بگیرد.

و در آیه ای دیگر می فرماید:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمُوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾؛ (شوری ۲۳)

بگو: به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان.

با تأمل در این که در هر دو تعبیر کلمه «الَّا» مطرح شده است - یعنی مزد من تنها همین مورد است - مشخص می شود که باید راه خدا و مودت اهل بیت یکی باشد و اگر دوتا باشد تناقض است. پیامبر اسلام ﷺ از طرف خداوند یک بار مأمور می شود که به مردم بگوید: مزد من تنها انتخاب راه خداست، و بار دیگر مأمور می شود که بگوید: مزد من فقط مودت قربی است. در واقع باید این دو درخواست یکی باشد؛ یعنی راه خدا، همان مودت به اهل بیت پیامبر ﷺ است (قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۱۰، ۳۹۵ - ۳۹۷).

امام محمد باقر علیه السلام در همین باره فرموده است:

بِنَا عَمِدِ اللَّهِ وَبِنَا عُرْفِ اللَّهِ وَبِنَا وَجَدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَ مُحَمَّدٍ حِجَابِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى؛ (کلینی، ۱۳۶۳: کتاب التوحید، باب النوادر، ح ۱۰)

به واسطه ما خدا بندگی می شود و به وسیله ما خدا شناخته می گردد و از طریق ما توحید خداوند متعال تحقق می یابد و حضرت محمد صلی الله علیه و آله حجاب (واسطه) خدای متعال است.

شناخت خدا به وسیله شناخت ائمه علیهم السلام صورت می پذیرد و هدایت و راه سعادت، منوط به شناخت ائمه علیهم السلام است و در غیر این صورت، خداوند شناخته نخواهد شد. اگر انسان، حضرت مهدی علیه السلام را نشناسد، خدا را نخواهد شناخت. خداوند در قرآن کریم دستور داده اند که برای قرب الی الله وسیله ای برای تقرب به او بجویید<sup>۱</sup> که اهل بیت علیهم السلام همان ریسمان محکم و وسیله تقرب به خداوند هستند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۳۳).

اولین اصل در اصول دین، توحید است و براساس قرآن و فرامین ائمه هدی علیهم السلام راه رسیدن به خداوند و اعتقاد به توحید از طریق ائمه اطهار علیهم السلام است و دین داری تنها از این راه ممکن می شود. امام هادی علیه السلام در همین باره در زیارت جامعه کبیره می فرماید:

مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ وَمَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنكُمْ وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ؛ (قمی، ۱۳۷۸: ۹۷۵)

۱. «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ». (مائده: ۲۵)

هر کس خدا را خواست به وسیله شما آغاز کرد، و هر کس او را یکتا و بی همتا شناخت از ناحیه شما آن را پذیرفت، و هر کس آهنگ او کرد به وسیله شما توجیه شد.

حضرت در ادامه می فرماید:

وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ؛ (همو: ۹۷۸)

و کسی که شما را دوست بدارد، حقیقتاً خدا را دوست داشته است.

بنابراین راه رسیدن به خداوند تنها در بستر مودت اهل بیت علیهم السلام است و به سبب این مودت، فروع دین مورد پذیرش خداوند قرار می گیرد، چنان که امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه کبیره فرموده است:

وَمُؤَالَاتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ وَ لَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ...؛ (همو: ۹۷۷)

و به سبب مودت شما [اهل بیت] طاعت مفروض، پذیرفته می شود و مودت واجب، مخصوص شماست.

بنابراین برای عبادت خداوند، مودت به چهارده معصوم علیهم السلام به ویژه در زمان حال، مودت به حضرت مهدی علیه السلام واجب است و عمل به مودت به ایشان، منتظر ظهور بودن و انجام وظایف و حقوقی است که نسبت به حضرت مهدی علیه السلام باید ادا کنیم که این حق همان زمینه سازی برای ظهور است.

مؤمن برای این که تکلیف خود را در مودت به حضرت مهدی علیه السلام انجام دهد و در مسیر بندگی خداوند قرار گیرد، ابتدا باید به تربیت خویش برای زمینه سازی ظهور اهتمام ورزد و سپس نسبت به تربیت زمینه ساز ظهور در خانواده، دوستان، آشنایان و جامعه همت گمارد. بنابراین لازمه مودت، کسب معرفت و ادای حقوق حضرت است و حصول این دو، منوط به تربیت زمینه ساز است و بدون برخورداری از تربیت زمینه ساز امکان عمل به مودت ممکن نیست.

بنابراین توجه به تربیت زمینه ساز برای رسیدن به مودت حضرت مهدی علیه السلام واجب است و عمل به وظایف نسبت به زمینه سازی ظهور، لازمه پذیرش اعمال مربوط به اصول و فروع دین اسلام است. لذا لازمه دین داری زمینه سازی برای ظهور است. بر این اساس، هویت مسلمان بودن انسان و اسلامی بودن جامعه، با میزان اقداماتی که برای زمینه سازی ظهور انجام می دهد، مشخص می گردد و لازمه هر جامعه و حکومتی برای اخذ هویت اسلامی، زمینه سازی برای ظهور است.

تربیت زمینه ساز در اسلام، جایگاه بسیار والایی دارد. در روایتی می خوانیم:

عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً؟ قَالَ: نَعَمْ. قُلْتُ: جَاهِلِيَّةٌ جَهْلَاءٌ أَوْ جَاهِلِيَّةٌ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ؟ قَالَ: جَاهِلِيَّةٌ كُفْرٍ وَنِفَاقٍ وَضَلَالٍ؛ (كليني، ۱۳۶۳: ج ۲، باب من مات وليس له الامام، ح ۳)

حارث بن مغیره می گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: پیغمبر فرموده است: هر کس بمیرد و پیشوایش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است؟ فرمود: آری. عرض کردم: جاهلیت کامل یا جاهلیتی که امامش را نشناسد؟ فرمود: جاهلیت کفر و نفاق و گمراهی.

بنابراین اگر حجت خدا شناخته نشود، گمراهی به دنبال دارد.<sup>۱</sup> معرفت به امام عصر عليه السلام و عمل به وظایف در این راستا، برترین عبادت است و نقشی اساسی در بندگی خداوند دارد.<sup>۲</sup>

### منتظران حقیقی و جایگاه آنان

انتظار واقعی با تلاش در زمینه سازی ظهور و میثاق با آرمان های بالنده مهدویت تجلی می یابد. حرکت برای زمینه سازی تبلور همه خوبی ها و رخت بر بستن همه بدی هاست. حقیقت انتظار، زمینه سازی برای ظهور است. زمینه سازی ظهور یعنی فراهم ساختن مقدمات ظهور به گونه ای که شرایط مناسب برای تحقق ظهور فراهم باشد. امام صادق عليه السلام در همین باره می فرماید:

هنگامی که شکنجه ها بر بنی اسرائیل طول کشید، چهل صبح به درگاه خداوند ضجه و گریه کردند. خداوند به موسی و هارون فرمود که آن ها را از دست فرعون خلاص کنند. از چهارصد سال رنج و زحمت مقدر، صد و هفتاد سال از آن ها برداشته شد. همچنین شما اگر این گونه عمل می کردید، حتماً خداوند بر ما گشایش می داد، ولی اگر این چنین نکنید، همانا این امر تا آخرین مرحله را طی خواهد کرد. (عیاشی، بی تا: ج ۲، ۱۵۴، ۴۹)

در روایات برای انسان منتظر ظهور، جایگاه های والایی همچون اجر هزار شهید مانند

۱. امام صادق عليه السلام در جواب زراره که پرسیده بود، اگر دوران غیبت را درک کردم چه وظیفه ای دارم، این دعا را فرمودند: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ، لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.» (همو: كتاب الحجّة، باب في الغيبة، ح ۵)

۲. پیامبر اعظم صلى الله عليه وآله فرموده اند: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ: برترین عبادت انتظار فرج است» (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: فصل ۱۰، باب ۳، ح ۱۶).

شهادی بدر و احد، بهترین انسان‌های طول تاریخ، به منزله مجاهدان با شمشیر پیشاپیش رسول خدا ﷺ بندگان خالص خدا، شیعیان حقیقی، دعوت کنندگان به دین خدا در نهان و آشکار، بزرگ‌ترین مردم از جهت یقین، فاضل‌ترین مؤمنان و برادران پیامبر اعظم ﷺ بیان فرموده‌اند (طیب، ۱۳۷۸: ج ۱، ۱۳۶ - ۱۴۷). این روایات بیان‌گر اهتمام پیامبر اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام بر تربیت زمینه‌ساز ظهور است.

با توجه به مطالب فوق - که بیان‌گر اهمیت بسیار زیاد تربیت زمینه‌ساز ظهور است - مهم است بدانیم جایگاه تربیت زمینه‌ساز ظهور در نهادهای تربیتی جمهوری اسلامی ایران چیست؟! یکی از مهم‌ترین نهادهای تربیتی خانواده است. وضعیت کنونی خانواده‌های جامعه اسلامی ما گویای این مطلب است که خانواده‌ها کمتر کوششی در زمینه تربیت فرزندان خود انجام می‌دهند (سالم، ۱۳۸۹: ۱۲۸) و معمولاً تربیت فرزندان خود را به آموزش و پرورش واگذار نموده‌اند (رهنمایی، ۱۳۸۰: ۲۴۵). متأسفانه پرداختن به مشکلات زندگی و تلاش برای رفاه و لذت بیشتر، بسیاری از والدین را از وظایف مهم تربیتی دور کرده است (بیاری و چراغی، ۱۳۸۵: ۱۳۷). با توجه به این‌که بیشتر خانواده‌ها به دلایلی به وظیفه خود در تربیت زمینه‌ساز ظهور به خوبی عمل نمی‌کنند، رسالت تربیتی نظام آموزش و پرورش در این زمینه بیشتر می‌شود.

مرزوقی (۱۳۸۷) در پژوهشی به بررسی میزان اهتمام و توجه نهاد آموزش و پرورش کشور به مقوله انتظار و فلسفه مهدویت، گسترش در اهداف کلی و اصول طرح کلیات آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، اهداف آموزش و پرورش در دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمانی، فارسی و تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی، کتاب‌های فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی، تعلیمات اجتماعی و فارسی دوره راهنمایی و کتاب‌های قرآن، دین و زندگی و دانش اجتماعی پرداخته و به این نتیجه رسیده که در منابع مذکور، توجه نظام‌مند و برنامه‌ریزی شده‌ای در حوزه هدف‌گذاری و تدوین محتوا درباره گسترش تفکر مهدویت وجود ندارد.

میرزاحمدی و رسولی (۱۳۸۹) اذعان می‌دارند که در برنامه‌های درسی تربیت دینی در مدارس و دانشگاه‌ها، متأسفانه هنوز معنا و توجه به جایگاه ولایت به طور روشن تبیین نشده است و هیچ‌گاه آن‌گونه که در اصل دین و اعتقادات شیعه، بیان گردیده، به این مسئله اهمیت داده نشده است. به باور آنان اگر برای حل این معضل هرچه سریع‌تر اقدامات لازم صورت نپذیرد، به تدریج عموم جامعه با تضادها و تناقض‌های بیشتری روبه‌رو می‌شوند و با



محوریت نفس به پیش خواهند رفت. در نتیجه نه تنها جامعه را به هلاکت و نابودی و فساد اخلاقی می‌کشاند، بلکه با توجه به نیاز روحی، زمینه را برای نفوذ اعتقادات خرافی و تبلیغ و ترویج ادیان منحرف نیز فراهم می‌کند. در این صورت، نه تنها برای نزدیک شدن ظهور و وقوع عبادت تا مه و تحقق ولایت الهی کامل قدمی برنداشته‌ایم، بلکه سبب دوری هر چه بیشترش نیز شده‌ایم.

پژوهش‌ها بیان‌گر ناکارآمدی نظام آموزش و پرورش در تربیت اسلامی دانش‌آموزان است و برنامه‌های درسی تربیت دینی دانش‌آموزان در شرایط فعلی پاسخ‌گوی نیازهای آنان نیست (نک: حسینی: ۱۳۸۰؛ نساجی زواره: ۱۳۸۸؛ رهنمایی: ۱۳۸۰ و...). این در حالی است که در امریکا حدود نود درصد از همه مدارس ابتدایی و متوسطه خصوصی و مستقل، مدارس کاتولیک‌هاست و هدف آرمانی این مدارس کاتولیک، تشویق و هدایت جوانان به کلیسای کاتولیک و از طریق کلیسا به تعالیم حضرت عیسی علیه السلام است (مهرمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۱۳) و مدارس انجیلی در امریکا بر پایه این تحلیل که واقعه آرماگدون تنها حادثه‌ای است که بازگشت دوباره مسیح را به زمین ممکن می‌سازد و این واقعه‌ای بسیار نزدیک است، به تبلیغ این دیدگاه می‌پردازند. اما هنوز ما خود و نسل آینده را برای ظهور آماده نکرده‌ایم. توجه به این آمادگی در سطوح روانی، عقلی و جسمانی به منظور زمینه‌سازی بسیار مهم است (شیرودی، ۱۳۸۵: ۱۲۳).

با توجه به اهمیت ویژه تربیت زمینه‌ساز ظهور و با عنایت به این پژوهش‌ها که بر ضعف عملکرد نهادهای تربیتی به تربیت زمینه‌ساز ظهور اذعان داشته‌اند، هدف این پژوهش، بررسی راهکارهای بهبود عملکرد نهادهای تربیتی جامعه در تربیت زمینه‌ساز ظهور، بر اساس آرای محققان و صاحب‌نظران این حوزه است. در این مطالعه، پژوهش‌های مربوط به این موضوع، با روش نظری - تحلیلی بررسی و به پرسش‌های زیر پاسخ داده می‌شود:

۱. چه راهکارهایی برای نهادهای جامعه درباره تربیت زمینه‌ساز ظهور مطرح است؟
۲. این راهکارهای پیشنهادی به کدام یک از نهادهای جامعه مربوطند؟
۳. روش‌های پیشنهادی بر عملی نمودن این راهکارها چیست؟
۴. این راهکارها چقدر ممکن و عملی هستند؟

بدین منظور ابتدا پژوهش‌های در دسترس در زمینه مهدویت (حدود سیصد پژوهش) شناسایی و مطالعه شده و از بین آن‌ها، ۳۴ عنوان پژوهش که راهکارهایی در این زمینه بیان نموده بودند، مورد استفاده قرار گرفت. سپس، این پژوهش‌ها با روش نظری - تحلیلی

بررسی شدند.

ابتدا راهکارهایی که در زمینه تربیت زمینه ساز ظهور قابل طرح بودند، از متون بررسی شده استخراج گردید که در جدول ۱، همراه با عنوان پژوهش و نام یا نام‌های پژوهش‌گران خلاصه شده است و به این صورت بیان شد که اولین پژوهش کد ۱۱۰ گرفت و به همین صورت کد پژوهش‌های بعدی ۱۲۰ و ۱۳۰ و... قرار داده شد. راهکارهای هر پژوهش نیز با عدد ۱ و ۲ و... به کد عنوان پژوهش اضافه گردید. از این ۳۴ پژوهش، در مجموع ۱۵۷ راهکار استخراج شد که در جدول ۱ ارائه می‌شود.

جدول ۱. راهکارهای مطرح در متون پژوهشی در زمینه تربیت زمینه ساز

عنوان پژوهش	پژوهش‌گر/ پژوهش‌گران	راهکارها
۱۱۰. وظایف سازمان‌ها و نهادها در ترویج فرهنگ مهدویت	قرآنی	۱۱۰۱. برگزاری برنامه‌های ویژه در روز نیمه شعبان توسط سازمان‌ها، ۱۱۰۲. برگزاری سخنرانی درباره مهدویت در مناسبت‌های مختلف، ۱۱۰۳. برگزاری احیا در شب نیمه شعبان و برگزاری جشن و اطعام، ۱۱۰۴. برگزاری کلاس درباره مهدویت در مساجد، ۱۱۰۵. پخش برنامه‌های مختلف درباره مهدویت در صدا و سیما، ۱۱۰۶. پشتیبانی از فیلم‌هایی درباره امام زمان <small>علیه السلام</small> ، ۱۱۰۷. تولید برنامه‌های برون مرزی درباره امام زمان <small>علیه السلام</small> ، ۱۱۰۸. توجه به حکومت جهانی آینده در کتاب‌های معارف دانشگاه، ۱۱۰۹. اهدای کتاب به روحانیان درباره مهدویت، ۱۱۱۰. برگزاری دوره‌های تخصصی مهدویت، ۱۱۱۱. برگزاری مراسم‌های مختلف در طول سال درباره امام <small>علیه السلام</small>
۱۱۲. چشم‌اندازی بر برخی‌های آسیب‌های تربیتی مهدویت	معین‌الاسلام	۱۱۲۱. برخورداری از صلاحیت‌های لازم شناختی، عاطفی و عملکردی افرادی که عهده‌دار انتقال اطلاعات مهدوی هستند، ۱۱۲۲. استفاده از فرهنگ مهدویت به عنوان مؤثرترین ابزار برای تربیت دینی نسل جوان، ۱۱۲۳. انتخاب مباحث امیدبخش و رعایت اصول تعیین محتوا برای نهادهای ساز و درونی‌سازی این ارزش
۱۱۳. دولت زمینه ساز	پورسیدآقایی	۱۱۳۱. اساس کار قرار گرفتن دکترین ظهور در همه اقدامات، ۱۱۳۲. اعتقاد راسخ به فرهنگ مهدویت و زمینه‌سازی برای ظهور
۱۱۴. ارزش‌های خبری در حاکمیت موعود	حاج محمدی	۱۱۴۱. ارزش‌آفرینی و تقویت ایمان مردم و ارزش‌های دینی در این راستا، ص ۱۲۳
۱۱۵. بررسی مؤلفه	باهنر، صمدی	۱۱۵۱. توجه رسانه به شناساندن امام به مخاطبان خود، ص ۱۵۳

عنوان پژوهش	پژوهش‌گر/ پژوهش‌گران	راهکارها
غایت شناختی الگوی هنجاری رسانه‌های جدید اسلامی		
۱۱۶. بررسی تطبيقی شخصیت انسان منتظر با شخصیت سالم از دیدگاه روان‌شناسی کمال	پورسیدآقایی	۱۱۶۱. دقت در انتخاب همسر و توجه به عوامل دینی و اخلاقی ۱۱۶۲. انتقال محبت حضرت با عمل به دستورات اهل‌البيت و نهادینه کردن محبت در درون کودکان متناسب با فهم آنان، ص ۱۱۰ و ۱۱۱
۱۱۷. نقش خانواده در انتقال محبت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> به فرزندان	بیاری، چراغی	۱۱۷۱. انتقال محبت اهل‌بيت <small>علیهم السلام</small> به فرزندان توسط خانواده و نظام تربیتی - آموزشی جامعه به‌ویژه محبت و عشق به حضرت حجت <small>علیه السلام</small> ص ۱۳۸، ۱۱۷۲. انتقال محبت حضرت حجت <small>علیه السلام</small> به فرزندان به گونه‌ای که در رأس نیازهای فرزندان به آن توجه شود، ص ۱۳۹، ۱۱۷۳. اخلاص در انتقال محبت حضرت به فرزندان، استمرار محبت حضرت به فرزندان از کوچکی تا بزرگسالی، ص ۱۴۴، ۱۱۷۵. دقت در انتخاب همسر، ص ۱۴۵، ۱۱۷۶. توجه به لقمه حلال قبل و بعد از تولد فرزندان و رعایت آداب زمان بسته شدن نطفه، آداب بارداری، آداب شیر دادن، ص ۱۴۶، ۱۱۷۷. الگو بودن والدین در محبت به حضرت و گرایش دادن فرزند به الگوهای خوب در دوستان، آشنایان و محیط‌های آموزشی، ص ۱۱۷۸. بیان زیبایی‌های اخلاقی و رفتاری حضرت، ص ۱۴۷، ۱۱۷۹. بیان جایگاه والای امام در نظام عالم و فواید امام، ص ۱۱۸۰. بیان زیبایی‌های دوران ظهور، ص ۱۱۸۱. دقت والدین در نام‌گذاری برای فرزندان، ص ۱۴۸، ۱۱۸۲. برگزاری جلسات یاد حضرت در منزل، ص ۱۱۸۳. تشویق فرزندان برای اعمالی که بیان‌گر محبت به حضرت است، ص ۱۱۸۴. حضور در مکان‌ها و مجالس مربوط به حضرت، ص ۱۱۸۵. دعا به فرزندان برای ایجاد محبت حضرت در وجود آن‌ها، ص ۱۴۹، ۱۱۸۶. هدیه دادن به فرزندان در مناسبت‌های مربوط به حضرت، ص ۱۱۸۷. بیان ویژگی‌های حضرت در قالب داستان، کتاب، لوح فشرده و... به فرزندان، ص ۱۵۰
۱۱۹. واکاوی شاخصه‌های	نجفی لیواری، محمدنیا،	۱۱۹۱. ترغیب فرزندان به امام‌باوری و ایجاد انگیزه در وجود آنان با تشریح انتظار و امامت، ص ۷۵، ۱۱۹۲. تمسک به تقلید

عنوان پژوهش	پژوهش‌گر/ پژوهش‌گران	راهکارها
خانواده منتظر	گالش کلامی	ص ۷۶، ۱۱۹۳. کسب معرفت به حضرت و توجه به خودسازی ص ۷۷، ۱۱۹۴. تحکیم ارزش‌های دینی و تقویت باورهای مهدوی، ص ۷۸، ۱۱۹۵. صبر و پایداری خانواده‌ها در این مسیر و دعوت یکدیگر به استقامت، ص ۱۱۹۶. استمداد از حضرت و التزام به پیروی و یاری حضرت، ص ۱۱۹۷. ایجاد روابط خانوادگی با صالحان، ص ۸۰، ۱۱۹۸. ترویج فرهنگ صدقه برای سلامت حضرت برای ایجاد رابطه قلبی، ص ۸۱، ۱۱۹۹. مداومت در توسل به امام عصر <small>علیه السلام</small> و برگزاری مراسم به نام ایشان در منازل، ص ۸۲
۱۲۰. مروری بر راهبردهای تربیتی معرفت امام زمان <small>علیه السلام</small> با تأکید بر خانواده	سالم	۱۲۰۱. منتظر ظهور بودن والدین و تربیت فرزندان منتظر ص ۱۲۸، ۱۲۰۲. انتخاب همسر مناسب که عشق و محبت به حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> در او نهادینه شده باشد، ص ۱۲۹، ۱۲۰۳. زن و شوهر همدیگر را به ولایت‌پذیری حضرت ترغیب نمایند، ۱۲۰۴. توجه به آداب هنگام انعقاد نطفه، ص ۱۳۲، ۱۲۰۵. علقه عاطفی مادر باردار با حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> ص ۱۳۳، ۱۲۰۶. رعایت آداب حین تولد و نام‌گذاری فرزند و دوران شیردهی در ارتباط با مودت به امام زمان <small>علیه السلام</small> ص ۱۳۲، ۱۲۰۷. تعمیق محبت نوجوانان به حضرت و توجه به مسائل بلوغ جنسی نوجوانان و جوانان، ص ۱۳۸
۱۲۱. سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس: رویکردی به فلسفه تربیتی انتظار	مرزوقی	۱۲۱۱. بازنگری و اصلاح رویکرد تربیت دینی در آموزش و پرورش کشور بر اساس فلسفه مهدویت، ۱۲۱۲. توجه اساسی به اهداف رویکرد انتظار و فلسفه مهدویت در مجموع اهداف نظام آموزشی و دوره‌های تحصیلی، ۱۲۱۳. توجه به ترسیم سیمای مطلوب از مهدویت در کتاب‌های درسی، ۱۲۱۴. طراحی محتوای متناسب با درک و فهم دانش‌آموزان در پایه‌ها و سطوح مختلف تحصیلی، ۱۲۱۵. سازماندهی و برنامه‌ریزی فعالیت‌های فوق برنامه در زمینه گسترش تفکر و فرهنگ مهدویت، ص ۱۳۵
۱۲۲. مهدویت، رسالت نظام تعلیم و تربیت در شکل‌دهی جامعه مهدوی	معصومه صمدی	۱۲۲۱. ایجاد بصیرت در فراگیران نسبت به امام مهدی <small>علیه السلام</small> و بیان رسالت ایشان در برپایی حکومت عدل جهانی، ۱۲۲۲. سرلوحه اهداف قرار دادن حقیقت مهدویت، ص ۶۵، ۱۲۲۳. تبیین نقش‌های سازنده اعتقاد به مهدویت در جریان زندگی فردی، اجتماعی و تاریخی و مسئولیت شیعه در دوران غیبت، ۱۲۲۴. بازنگری عملکرد آموزش و پرورش در محتوا و روش، ص ۶۵، ۱۲۲۵. ارائه محتوای متناسب با فهم دانش‌آموز، ۱۲۲۶. معرفی کمالات و قابلیت‌های یاران حضرت در کتاب‌های درسی، ص ۶۸، ۱۲۲۷. نظریه‌سازی فرهنگ

عنوان پژوهش	پژوهش‌گر/ پژوهش‌گران	راهکارها
		مهدویت و ارائه در کتاب‌های درسی، ص ۶۹، ۱۲۲۸. ایجاد ادبیات جدید در تبیین و انتشار مهدویت، ۱۲۲۹. جهت‌گیری و ترویج گفتمان تبلیغی در تشریح ادبیات و اهداف ظهور در سطوح مختلف جامعه به خصوص در مراکز علمی، دانشگاهی، اماکن مذهبی، نهادها و ارگان‌های متولی امور فرهنگی، ص ۷۰، ۱۲۳۰. برخورداری از تربیت مهدوی و باور به مهدویت سیاست‌گذاران آموزشی، ۱۲۳۱. طراحی برنامه‌های تعلیم و تربیت در دو حوزه تبیین و ترویج مهدویت، ص ۷۲
۱۲۴. بایسته‌های ظهور	قنبرعلی صمدی	۱۲۴۱. احیای فرهنگ مهدوی در جامعه و نهادینه‌سازی آن ص ۱۳۵
۱۲۵. موانع و آفات انتظار	نوروزی، نجفی، هاشمی	۱۲۵۱. پرورش حس زیادوستی و زیبایی‌خواهی در کودکان و نوجوانان برای تبیین زیبایی‌های حیات طبیعه مهدوی، ۱۲۵۲. تبیین و تفهیم غیبت، انتظار و ظهور و علل و عوامل مؤثر مربوط به هر کدام در مراکز آموزشی و رسانه ملی، ۱۲۵۳. بیان آموزه‌های اصیل مهدویت و انتظار متناسب با سطح مخاطبان، ۱۲۵۴. معرفی و تبیین مباحث مهدویت از تمام جوانب در مباحث و موضوعات درسی مختلف به فراخور موضوع، ۱۲۵۵. ارائه احادیث صحیح به افراد و تبیین آن به طور صریح، ص ۵۰
۱۲۶. شکل‌گیری بهاییت و پیوند با صهیونیسم	حسن لو	۱۲۶۱. شناخت دقیق مبانی و علل شکل‌گیری صهیونیسم و بهاییت برای برنامه‌ریزی و مقابله در مسائل فرهنگی و اجتماعی، ۱۲۶۲. شناسایی آسیب‌هایی که سبب نفوذ فرقه‌های انحرافی در بین جوانان و قشرهای اجتماعی شده و آماده‌سازی ابزارهایی برای مقابله و جلوگیری از ترویج فرهنگ ابتدال، ۱۲۶۳. به‌کارگیری تدابیر لازم توسط مسئولان فرهنگی برای مقابله با گرایش جوانان به مشروبات الکلی، مواد مخدر و آلودگی‌های جنسی، ۱۲۶۴. تربیت صحیح از دوران کودکی و در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی، ۱۲۶۵. گرایش به فرهنگ اسلامی و تزریق آن در جامعه، از مهد کودک تا دانشگاه توسط مسئولان کشور، ۱۲۶۶. تربیت متولیان امین و متعهد فرهنگی، ۱۲۶۷. اطلاع‌رسانی در رسانه‌های عمومی در بازسازی فرهنگی و احیای هویت اسلامی، ۱۲۶۸. شناساندن فرقه‌ها برای روشن‌گری در قشر جوان، ۱۲۶۹. حرکت مراکز تبلیغی در مسیر بالابردن عقلانیت جامعه با استفاده از سیره معصومان <small>علیهم‌السلام</small> ، ص ۱۹۸
۱۲۷. بررسی آسیب‌های	بیاری	۱۲۷۱. اجتماعی کردن افراد از همان کودکی با باور به حضرت مهدی <small>علیه‌السلام</small> و عمق بخشی به آن، ص ۱۵۳

عنوان پژوهش	پژوهش‌گر/ پژوهش‌گران	راهکارها
مهدویت‌گرایی		
۱۲۸. موعودگرایی و جهانی شدن فرهنگی	درویشی متولی	۱۲۸۱. طراحی، تدوین و اجرای راهبردی قوی برای تبیین و عرضه نظریه موعودگرایی موعودگرایی به عنوان نقشه راه ملت‌ها برای دستیابی به صلح و توسعه، ۱۲۸۳. برقراری پیوند نظری بین نظریه‌های گفت‌وگوی تمدن‌ها و جهانی‌سازی مهدویت، ۱۲۸۴. شناسایی و همکاری با نخبگان دیگر کشورها به منظور تبیین نظریه موعودگرایی، ص ۷۵-۷۸
۱۲۹. راهبردهای دولت زمینه‌ساز در توسعه پایدار طوع و رغبت مهدوی	فیروزآبادی	۱۲۹۱. ترغیب اجتماعی مردم به مهدویت در راستای معرفت‌افزایی برای مسئولیت‌پذیری، ص ۵۷، ۱۲۹۲. تعهد و مجاهدت برای برپایی جامعه منتظر، ۱۲۹۳. فرارگیری همه راهبردها و کارکردهای دولت زمینه‌ساز بر پایه توسعه معنویت و موعودگرایی، ۱۲۹۴. التزام به طراحی، تبیین و استقرار برای فهم و مورد استفاده قرار گرفتن مکتب موعودگرایی و گسترش اشتیاق ظهور عدالت جهانی، ص ۶۰
۱۳۰. نقش انتظار فرج در انسجام اسلامی گروه‌های سیاسی - اجتماعی	داوودپور	۱۳۰۱. نهادینه‌سازی فرهنگ انتظار به طور صحیح در مدارس، گروه‌های سیاسی و به طور کلی در جامعه، ص ۴۳
۱۴۰. راهبردهای فرهنگی مهدویت برای جامعه و دولت زمینه‌ساز، بر اساس مدل SWOT	پورسیدآقایی، قاسم زاده، عمرانی	۱۴۰۱. ساخت فیلم‌های سینمایی و برنامه‌های مفید درباره مهدویت و افزایش تلویزیون‌های ماهواره‌ای برای معرفی دکتترین مهدویت به زبان‌های گوناگون
۱۴۱. شناسایی عوامل مؤثر بر استقرار حکومت مهدوی بر اساس رویکرد استراتژیک	فروزنده، بهمنی، صفیان امیری	۱۴۱۱. اشاعه فرهنگ مهدویت از طریق آموزش در مدارس و دانشگاه‌ها با بازنگری در سرفصل دروس و متون درسی و گنجاندن مباحث مهدویت، ۱۴۱۲. ساخت برنامه‌های ارزشی با رویکرد اسلامی و با تأکید بر مهدویت، ۱۴۱۳. ایجاد ساختاری مناسب و هماهنگ برای برنامه‌های اشاعه فرهنگ مهدویت در وزارتخانه‌های فرهنگی
۱۴۲. روش‌های	دیرباز	۱۴۲۱. مرتبط ساختن تمامی جلسات و مجالس دینی به یاد

عنوان پژوهش	پژوهش‌گر/ پژوهش‌گران	راهکارها
اثرگذاری انتظار در جامعه منتظر		حضرت، ۱۴۲۲. تهیه برنامه‌های مناسب درباره امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۴۳. تبیین ضرورت‌های رویکرد راهبردی به آموزه مهدویت	عرفان	۱۴۳۱. تحول در شیوه‌های تبلیغ، ۱۴۳۲. فراهم سازی نظام آموزش مجازی مهدویت، ۱۴۳۳. تهیه متون آموزشی مهدویت برای مدارس کشور، ۱۴۳۴. تولید فیلم‌های مهدوی، ۱۴۳۵. تأسیس کرسی مهدی شناسی در دانشگاه‌ها، ۱۴۳۶. برگزاری دوره‌های مهدویت برای دانشجویان و پژوهش‌گران
۱۴۴. حکومت جهانی واحد رویارویی جهان بینی سکولار با جهان بینی الهی	رهنمایی	۱۴۴۱. اطلاع‌رسانی کافی از طریق بیان روشن‌گر و توجه به تربیت مهدوی در نظام خانواده، آموزش و پرورش، نهادهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، قضایی، کشوری و لشکری، ص ۸۳
۱۴۵. تحول مأموم، زمینه ساز ظهور	حاج محمدی	۱۴۵۱. پرورش خرد مردم به منظور ایجاد اراده اصلاح در درون مردم با استفاده از اقلام فرهنگی و مداحان، ص ۱۶۴
۱۴۶. بررسی رسالت‌ها و راهبردهای فرهنگی - تربیتی دولت زمینه ساز	کریم زاده، ملایی	۱۴۶۱. تلاش در ایجاد رغبت عمومی به حکومت مهدوی، ص ۲۰۵، ۱۴۶۲. برنامه ریزی دولت برای همه نهادهایی که به نحوی در تربیت نقش دارد در ارتباط با تربیت زمینه ساز ظهور، ص ۲۰۹، ۱۴۶۳. شناسایی، جذب و تربیت نیروهای مستعد مهدی باور، ص ۲۱۲، ۱۴۶۴. تهیه متون درسی مهدوی از دبستان تا دانشگاه، ص ۲۱۵
۱۴۷. زمینه سازی تربیتی مهدویت	احسانی	۱۴۷۱. تعلیم دعاهای مربوط به ظهور به فرزندان، ص ۸۷، ۱۴۷۲. پرورش فرزندان با فرهنگ مهدویت و آشناسازی آنان با امام زمان <small>علیه السلام</small> ، ص ۸۸، ۱۴۷۳. شرکت دادن فرزندان در مراسمی که به نام حضرت برگزار می شود، ص ۸۹، ۱۴۷۴. استقرار فعالیت‌های نوشتاری، مطبوعاتی، هنری، سمعی و بصری بر محور ترویج فرهنگ مهدویت، ۱۴۷۵. استفاده از رسانه ملی برای آشناسازی مردم با حضرت و تهیه فیلم‌های مناسب در این زمینه بر محور متون اسلامی، ص ۹۰
۱۴۸. بایسته‌های ظهور	صمدی	۱۴۸۱. نهادینه سازی فرهنگ مهدوی، ص ۱۳۵، ۱۴۹۱. ایجاد بستر ترویج و آموزش فرهنگ مهدویت با استفاده از رسانه ملی با رویکرد ایجاد عشق و محبت به امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۴۹. طراحی فضای سناریوی	موسویان	۱۴۹۲. زمینه سازی استدلالی برای آشنا کردن مخاطبان با جایگاه امام و ارائه اصول و مصادیق دشمن شناسی، ص ۱۷۱

عنوان پژوهش	پژوهش‌گر/ پژوهش‌گران	راهکارها
ترویج و آموزش فرهنگ مهدویت از طریق رسانه ملی		
۱۵۰. بسط گفتمان خوش فرجام‌انگاری جهان بر مبنای گفتمان فرج و موعودگرایی با عاملیت صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران	احمدی	۱۵۰۱. تهیه و پخش برنامه‌ها و فیلم‌های سینمایی و پویانمایی مناسب برای مقاطع سنی مختلف در راستای ترویج فرهنگ اصیل اسلامی و مهدوی برای مقابله با مفاسد اجتماعی و آشنایی تمامی اقشار جامعه با شخصیت امام، فلسفه غیبت و عوامل زمینه‌ساز، ۱۵۰۲. برگزاری مسابقاتی درباره آشنایی با امام برای کودکان و نوجوانان، ۱۵۰۳. تولید میان برنامه‌های متعدد مهدوی در همه شبکه‌های رسانه ملی و محدود نکردن به شبکه قرآن، ص ۱۴۳، ۱۵۰۴. تهیه، تأمین و پخش برنامه‌های متعدد در قالب‌های متعدد مستند، خبری، آموزشی، فرهنگی، تبلیغی، سریال، سینما، مسابقات، گزارش‌ها و مباحثات علمی برای تبیین معارف مهدوی در شبکه‌های داخلی و برون مرزی، ص ۱۴۶
۱۵۱. اهداف دولت زمینه‌ساز	کریمی تبار	۱۵۱۱. طراحی همه فعالیت‌های فرهنگی بر اساس آموزه مهدویت، ص ۱۱۹، ۱۵۱۲. برگزاری دوره‌های تخصصی مهدویت در سطوح مختلف آموزشی، ۱۵۱۳. راه‌اندازی شبکه مهدویت در سطح داخلی و بین‌المللی، ص ۱۳۶، ۱۵۱۴. حمایت از مبلغان مهدویت، ۱۵۱۵. ارائه معارف مهدوی به جامعه از طریق دستگاه‌های تبلیغاتی و رسانه‌های دولتی، ۱۵۱۶. برگزاری همایش‌های داخلی و بین‌المللی در زمینه مهدویت و حمایت ویژه دولت از آن‌ها، ص ۱۳۷، ۱۵۱۷. تألیف و تدوین کتاب‌ها و نشریات با بهره‌گیری از منابع اصلی و متقن شیعه برای گروه‌های مختلف سنی و قشرهای مختلف اجتماعی جهت آشناسازی افراد به وظایف و تکالیفشان درباره امام، ص ۱۳۸
۱۵۲. کارکرد آموزه انتظار در کنترل اجتماعی	ربانی	۱۵۲۱. طرح مباحث مهدویت و انتظار امام زمان (عج) در کتاب‌های درسی دینی توسط آموزش و پرورش و پرداختن به مسائل اصلی و ریشه‌ای انتظار، ۱۵۲۲. استفاده از وسائل ارتباط جمعی در جامعه پذیر کردن فرهنگ انتظار، ۱۵۲۳. طرح مباحث و میزگردهایی درباره مهدویت و انتظار و آثار انتظار مثبت در وسائل ارتباط جمعی، ۱۵۲۴. طرح مباحثی درباره فرهنگ انتظار و مهدویت در قالب میزگردهای علمی، ۱۵۲۵. پخش دعاهای منسوب به حضرت مهدی (عج)



عنوان پژوهش	پژوهش‌گر/ پژوهش‌گران	راهکارها
		همچون دعای ندبه، دعای عهد، زیارت آل یس و...، ۱۵۲۶. تهیه فیلم‌هایی با موضوع مهدویت و انتظار و آثار سازنده آن، ۱۵۲۷. چاپ و انتشار مجله‌هایی درباره بحث انتظار و مهدویت (اعم از ماه‌نامه و فصل‌نامه)
۱۵۳. تربیت ولایتی؛ اصلی‌ترین مبنای تربیت دینی	میرزا محمدی، رسولی	۱۵۳۱. تبیین، تفهیم و گسترش هرچه بیشتر مبانی روشن و دقیق حقیقت «ولایت» و وظایف انسان نسبت به آن در جامعه و بیدارسازی غافلان غیرمعاند، ۱۵۳۲. تألیف جامع مبانی تربیت دینی و «ولایت» به مثابه اصلی‌ترین مبنا در تربیت دینی توسط پژوهش‌گران و نخبگان دینی و دانشگاهی متعهد، ۱۵۳۳. تدوین و تألیف کتب آموزشی در سطوح گوناگون برای افراد مختلف متناسب با سطوح سنی و معنوی و معرفتی آن‌ها با مبانی یکسان، باگفتارها و زبان هرگروه، ۱۵۳۴. آموزش دادن و آشنا کردن معلمان، مربیان، استادان و مسئولان، ۱۵۳۵. گسترش رسمی معارف مربوطه در نظام آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها، ۱۵۳۶. تولید برنامه‌ها و انواع مختلف کارهای هنری در این زمینه و گسترش آن در نظام‌های آموزشی، ۱۵۳۷. تبیین، توصیف و حمایت هرچه بیشتر از طریق رسانه‌های جمعی برای عموم مردم
۱۵۴. مدرسه مهدوی	موسوی	۱۵۴۱. تدوین آموزش و پرورش با نگاه به مؤلفه مهدویت و انتظار و تأثیرگذاری مستقیم در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی و تربیتی، ص ۹۲، ۱۵۴۲. تأسیس مدرسه مهدوی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۱۱۱
۱۵۵. تأملی در هویت برنامه درسی تربیت اسلامی مبتنی بر قرآن و عترت <small>علیهم‌السلام</small>	ابراهیمی هرستانی، پیری	۱۵۵۱. قرار دادن تربیت زمینه‌ساز به عنوان روح حاکم بر نظام برنامه‌ریزی آموزش و پرورش، ۱۵۵۲. برگزاری دوره‌های معرفت‌افزایی برای معرفی دین اسلام و ائمه اطهار <small>علیهم‌السلام</small> و به‌ویژه حضرت مهدی <small>علیه‌السلام</small> برای همه دست‌اندرکاران نظام جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه دست‌اندرکاران آموزشی و فرهنگی، ۱۵۵۳. حمایت پژوهش‌گران حوزه مهدویت و علوم تربیتی برای تدوین برنامه‌های درسی تربیت زمینه‌ساز ظهور برای نظام آموزش و پرورش، ۱۵۵۴. توجه ویژه به تربیت معلمان در این راستا، ۱۵۵۵. تدوین محتوا و تألیف کتب درسی و همه مؤلفه‌های تربیت اسلامی بر اساس تربیت زمینه‌ساز ظهور، ۱۵۵۶. ارائه محتوای تربیت زمینه‌ساز به صورت تلفیقی در سایر کتب درسی به‌ویژه در کتاب‌های مربوط به ادبیات فارسی، علوم اجتماعی، تاریخ، هنر، عربی و توجه ویژه از لحاظ کمی و کیفی در کتاب‌های مربوط به تربیت اسلامی

در ادامه، راهکارها و روش‌های مربوط به نهادهای مرتبط طبقه‌بندی گردید؛ بدین منظور، ابتدا راهکارها و روش‌هایی که همپوشانی و تشابه معنایی و محتوایی با یکدیگر داشتند، تحت یک عنوان مشترک آمده و در نهایت با بررسی و تحلیلی که انجام شد، راهکارهای اساسی مربوط به نهادهای مسئول در این زمینه، مشخص گردید و روش‌های عملی کردن این راهکارها ارائه شد. این راهکارها براساس بیشترین فراوانی، نهاد آموزش و پرورش، خانواده، دولت و سازمان‌ها و شوراهای فرهنگی - تربیتی دولتی، رسانه ملی، مساجد، هیئت‌ها، حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند. این راهکارها و روش‌ها به این صورت طبقه‌بندی شده‌اند که در پژوهش‌ها به آن‌ها اشاره گردیده بود. در ادامه راهکارهای و روش‌های مربوط به نهادها و فراوانی آن‌ها ارائه می‌شود.

### نهاد آموزش و پرورش

راهکارها و روش‌های مربوط به نهاد آموزش و پرورش با فراوانی ۴۲ در جدول ۲، نشان داده شده است.

جدول ۲. راهکارهای مربوط به نهاد آموزش و پرورش

کد عنوان پژوهش	روش‌ها	راهکار
۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۲۱	ترغیب نخبگان برای تدوین نظریه برنامه	تحول
۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶	درسی تربیت زمینه‌ساز ظهور برای نظام	بنیادین در نظام آموزش و پرورش
۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۵۱	آموزش و پرورش، استفاده از آن به عنوان روح حاکم بر نظام آموزش و پرورش،	پرورش بر اساس
۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۶۴	تربیت مهدوی همه دست‌اندرکاران از سیاست‌گذاران تا معلمان و تبیین،	رویکرد تربیت
۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۶۴، ۱۵۲۱، ۱۵۳۳، ۱۵۳۴	توصیف و کسب حمایت هرچه بیشتر عموم مردم از طریق رسانه‌های جمعی برای استقرار این نظام	زمینه‌ساز
۱۵۵۱، ۱۵۵۳، ۱۵۵۴، ۱۵۵۵		
۱۲۱۱، ۱۵۵۶		

بیشترین راهکار برای نهاد آموزش و پرورش ارائه شده است که بیان‌گر این است که از دیدگاه پژوهش‌گران این حوزه، نهاد آموزش و پرورش رسالت بیشتری در تربیت زمینه‌ساز دارد و در این زمینه باید نقش خود را بهتر ایفا کند. نهاد آموزش و پرورش حدود ده میلیون دانش‌آموز شیعه دارد که اگر به وظیفه خود به خوبی عمل کند، این معارف وارد خانواده‌ها می‌شود و باعث بهره‌گیری هر چه بیشتر جامعه از آن می‌گردد. آگاه‌سازی خانواده در این زمینه می‌تواند باعث هم‌افزایی در تربیت زمینه‌ساز دانش‌آموزان شود. لازمه عملی شدن این

راهکارها، اتخاذ نگرش مؤمنانه به قرآن و عترت علیهم السلام توسط مسئولان آموزش و پرورش است. کسب معرفت حقیقی به ائمه اطهار علیهم السلام ضروری است. با توجه به این که هویت برنامه درسی تربیت اسلامی مبتنی بر قرآن و عترت علیهم السلام تربیت زمینه ساز ظهور است، توجه به این راهکارها متضمن تربیت اسلامی دانش آموزان و تحقق هدف غایی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران است<sup>۱</sup>. در این راستا با توجه به آرمان های انقلاب اسلامی، ضروری است آموزش و پرورش برای عمل به رسالت خود، به عملی کردن راهکارها و روش های اشاره شده همت گمارد.

### نهاد خانواده

راهکارها و روش های مربوط به نهاد خانواده با فراوانی ۳۸ در جدول ۳، نشان داده شده است.

جدول ۳. راهکارها و روش های مربوط به نهاد خانواده با فراوانی ۳۸

کد عنوان پژوهش	روش ها	راهکار
۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۷۱	توجه به انتخاب همسر، لقمه حلال قبل و بعد از تولد	کسب معرفت به
۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴	فرزندان، رعایت آداب زمان انعقاد نطفه، آداب	حضرت
۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷	بارداری، نام گذاری برای فرزندان، آداب شیر دادن در	مهـدی <small>علیه السلام</small> و
۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰	ارتباط با مودت به امام زمان <small>علیه السلام</small> ، الگو بودن والدین در	منتظر بودن و
۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳	محبت به حضرت و ترغیب فرزندان و ایجاد انگیزه با	تربیت فرزندان
۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶	بیان زیبایی های دوران ظهور حضرت متناسب با	منتظر و محب
۱۱۸۷، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲	فهم آنان از کودکی تا بزرگسالی، توجه به مسائل بلوغ	حضرت
۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵	جنسی نوجوانان و جوانان، گرایش دادن فرزند به	
۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸	الگوهای خوب در دوستان، آشنایان و محیط های	
۱۱۹۹، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲	آموزشی، تشویق اقدامات مربوط به محبت حضرت،	
۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵	مداومت در توسل به حضرت و برگزاری جلسات یاد	
۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۴۷۱	ایشان در منزل، حضور در مکان ها و مجالس مربوط	
۱۴۷۲، ۱۴۷۳	به امام عصر <small>علیه السلام</small> ، اخلاص در عمل تربیتی و دعا به	
	فرزندان برای ایجاد محبت، بیان ویژگی های حضرت	
	در قالب داستان و کتاب و لوح فشرده، ایجاد روابط	
	خانوادگی با صالحان، ترویج فرهنگ صدقه برای	
	سلامت حضرت جهت ایجاد رابطه قلبی، تعلیم	
	دعاهای مربوط به ظهور برای فرزندان	

۱. گفتنی است طبق قانون، اقلیت های دینی در نظام آموزش و پرورش با توجه به دین خود، کتاب های ویژه در تربیت دینی دارند.

نخستین نهاد تربیتی که هر انسانی در آن قرار می‌گیرد، نهاد خانواده است. راهکارهای مربوط به خانواده بیان‌گرایان است که زن و مرد برای عمل به وظیفه خود در تربیت زمینه‌ساز، باید از همان ابتدا که تصمیم به تشکیل خانواده می‌گیرند، به این راهکارها توجه کنند و از ابتدا در انتخاب همسر دقت نمایند که عشق و محبت به حضرت مهدی علیه السلام در او نهادینه شده باشد و به طور مداوم برای معرفت‌افزایی به امام زمان علیه السلام تلاش کنند و از منتظران حقیقی باشند. سپس همه اقدامات زندگی خود را بر پایه مودت به حضرت مهدی علیه السلام بنا گذارند و به تربیت خود و فرزندان در این زمینه همت گمارند و الگوی فرزندان باشند. خانواده و مدرسه با عمل به وظیفه خود، عملکرد یکدیگر را تقویت کنند.

#### نهاد دولت و سازمان‌ها و شوراهای فرهنگی - تربیتی دولتی

راهکارها و روش‌های مربوط به نهاد دولت و سازمان‌ها و شوراهای فرهنگی - تربیتی دولتی با فراوانی ۳۸ در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. راهکارها و روش‌های مربوط به نهاد دولت و سازمان‌ها و شوراهای فرهنگی - تربیتی دولتی

کد عنوان پژوهش	روش‌ها	راهکار
۱۱۳۱، ۱۱۲۲	استقرار فعالیت‌های نوشتاری، مطبوعاتی، هنری،	معرفت‌افزایی همه
۱۱۲۳، ۱۵۱۱	سمعی و بصری بر محور ترویج فرهنگ مهدویت،	دست‌اندرکاران نظام
۱۴۷۴، ۱۵۱۷	اجتماعی نمودن افراد از همان کودکی با باور به	جمهوری اسلامی ایران
۱۴۶۲، ۱۴۴۱	حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> و عمق بخشی به آن، ترغیب	به ویژه دست‌اندرکاران
۱۵۲۷، ۱۵۱۶	اجتماعی مردم به مهدویت در جهت معرفت‌افزایی	آموزشی و فرهنگی به
۱۴۱۳، ۱۵۳۱	برای مسئولیت‌پذیری، انتخاب مباحث امیدبخش	حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> و
۱۲۸۳، ۱۱۳۲	و رعایت اصول تعیین محتوا برای نهادینه‌سازی و	فرهنگ مهدویت و تعهد و
۱۲۹۱، ۱۲۸۴	درونی‌سازی این ارزش، تألیف و تدوین کتاب‌ها و	مجاهدت برای
۱۲۹۳، ۱۲۹۲	نشریات با بهره‌گیری از منابع اصلی و متقن شیعه	نهادینه‌سازی فرهنگ
۱۳۰۱، ۱۲۹۴	برای افراد در سنین مختلف و قشرهای گوناگون	انتظار در جامعه و ترویج
۱۲۲۹، ۱۵۵۲	اجتماعی برای آشناسازی افراد به وظایف و	فرهنگ موعودگرایی به
۱۲۶۳، ۱۲۶۲	تکالیفشان درباره امام، اطلاع‌رسانی کافی از طریق	عنوان نقشه راه ملت‌ها
۱۴۳۲، ۱۲۶۱	بیان روشن‌گر و توجه به تربیت مهدوی در نظام	برای دستیابی به صلح و
۱۲۷۱، ۱۲۴۱	خانواده، آموزش و پرورش، نهادهای فرهنگی،	توسعه و اساس کار قرار
۱۲۸۲، ۱۲۸۱	سیاسی، اقتصادی، قضایی، کشوری و لشکری،	دادن تربیت زمینه‌ساز در
	حمایت ویژه دولت از برگزاری همایش‌های داخلی و	همه اقدامات فرهنگی با
	بین‌المللی در زمینه مهدویت، چاپ و انتشار	طراحی، تدوین و اجرای
	مجله‌هایی درباره بحث انتظار و مهدویت (اعم از	راهبردی قوی در تربیت
	ماه‌نامه و فصل‌نامه)، ایجاد ساختاری مناسب و	زمینه‌ساز و توجه به

برنامه ریزی برای همه نهادهایی که به نحوی در تربیت و فرهنگ نقش دارند	هماهنگ برای برنامه‌های اشاعه فرهنگ مهدویت در وزارتخانه‌های فرهنگی، برگزاری دوره‌های مهدویت و ترویج گفتمان ظهور در سطوح مختلف جامعه، شناسایی علل نفوذ فرقه‌های انحرافی در جامعه، آماده‌سازی ابزارهایی برای مقابله و جلوگیری از ترویج فرهنگ ابتدال، اتخاذ تدابیر لازم برای مقابله با گرایش جوانان به مشروبات الکلی، مواد مخدر و آلودگی‌های جنسی، شناخت دقیق از دشمنان برای برنامه‌ریزی و مقابله در مسائل فرهنگی و اجتماعی، فراهم‌سازی نظام آموزش مجازی مهدویت
---	---

دولت و سازمان‌های فرهنگی - تربیتی، وقتی مهدی‌یاور می‌شوند که مهدی‌یاور باشند. هنگامی که مهدی‌یاور شدند، نه تنها در همه اقدامات فرهنگی و تربیتی، به تربیت زمینه‌ساز ظهور توجه می‌کنند و این امر محور اقدامات قرار می‌گیرد، بلکه در سایر تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات نیز از زمینه‌سازی برای ظهور غافل نمی‌شوند. دولت و سازمان‌های فرهنگی - تربیتی برای عمل به تربیت زمینه‌ساز ظهور، ابتدا باید نسبت به ائمه اطهار علیهم‌السلام و به خصوص حضرت مهدی علیه‌السلام و جایگاه آن‌ها در هدایت انسان‌ها، معرفت لازم را کسب نمایند. در این صورت وظیفه خود را درک می‌کنند و می‌توانند برای تربیت زمینه‌ساز ظهور با توجه به راهکارها و روش‌های اشاره شده، اقدام کنند.

### نهاد رسانه ملی

راهکارها و روش‌های مربوط به نهاد رسانه ملی با فراوانی ۲۵ در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵. راهکارها و روش‌های مربوط به نهاد رسانه ملی با فراوانی ۲۵

کد عنوان پژوهش	روش‌ها	راهکار
۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۴۱	تهیه، تأمین و پخش برنامه‌های متعدد و متنوع	کسب معرفت لازم به معارف مهدوی و
۱۱۴۱، ۱۱۵۱، ۱۴۰۱، ۱۴۱۲	مانند دعاها، مستند، خبری، آموزشی، فرهنگی، تبلیغی، سریال، سینما، مسابقات، میزگردها،	ارائه این معارف برای تمامی اقشار
۱۴۲۲، ۱۴۳۴، ۱۴۷۵	پویانمایی مناسب برای مقاطع سنی مختلف، گزارش‌ها و بحث‌های علمی در همه شبکه‌های داخلی و برون‌مرزی، افزایش تلویزیون‌های	جامعه بر محور متون اسلامی با رویکرد تربیت
۱۴۹۱، ۱۴۹۲، ۱۵۰۱	ماهواره‌ای به زبان‌های مختلف، راه‌اندازی شبکه مهدویت در سطح داخلی و بین‌المللی	زمینه‌ساز ظهور
۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۴		
۱۵۱۵، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳		
۱۵۲۴، ۱۵۲۶، ۱۵۲۵		
۱۲۵۲، ۱۵۱۳		

رسانه ملی به عنوان نهادی که از آن به عنوان دانشگاه عمومی یاد می‌شود و بیشتر افراد جامعه را پوشش می‌دهد، نقشی بسیار مهم در تربیت زمینه‌ساز ظهور در داخل و خارج کشور می‌تواند ایفا کند. لازمه عملی کردن این راهکارها، این است که دست‌اندرکاران رسانه ملی، معرفت لازم به ائمه اطهار و امام زمان علیه السلام کسب کنند و از این طریق، به وظیفه خود در این زمینه آگاه می‌شوند و در این صورت، لحظه‌ای از این رسالت مهم غافل نخواهند شد. راهکارهای بالا می‌تواند برای رسانه ملی در عمل به رسالت خود، مفید باشد.

### نهادهای مساجد، هیئت‌ها و حوزه‌های علمیه

راهکارها و روش‌های مربوط به نهادهای مساجد، هیئت‌ها، حوزه‌های علمیه با فراوانی ۱۷ در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶. راهکارها و روش‌های مربوط به نهادهای مساجد، هیئت‌ها و حوزه‌های علمیه با فراوانی ۱۷

کد عنوان پژوهش	روش‌ها	راهکار
۱۴۳۱، ۱۱۰۹	برگزاری مراسم‌های مختلف در طول سال درباره امام، مرتبط ساختن تمامی جلسات و مجالس دینی به یاد حضرت، برگزاری سخنرانی درباره مهدویت در مناسبت‌های مختلف، برگزاری برنامه‌های ویژه نیمه شعبان همچون احیا در شب نیمه شعبان و برگزاری جشن و اطعام، برگزاری دوره‌های تخصصی مهدویت در سطوح مختلف آموزشی، استفاده از اقلام فرهنگی، شناسایی، جذب، حمایت و تربیت نیروهای مستعد مهدی‌باور و مداحان برای اخذ صلاحیت‌های لازم شناختی، عاطفی و عملکردی برای مبلغ مهدویت و توجه به شیوه‌های تبلیغ مناسب برای پرورش خرد مردم در این راستا	ایجاد رغبت عمومی به منظور ایجاد اراده اصلاح در درون مردم و نهادینه‌سازی فرهنگ انتظار و تربیت مهدی‌باوران

از آن جا که خداوند مودت ائمه اطهار علیهم السلام را بر مسلمانان واجب کرده و در رأس اصول و فروع دین قرار داده است و پذیرش سایر اعمال عبادی منوط به مودت به ائمه اطهار علیهم السلام است، مودت حضرت مهدی علیه السلام زمینه‌سازی برای ظهور به شمار می‌رود که تبلور زمینه‌سازی برای ظهور در تربیت زمینه‌ساز است. بنابراین ضروری است که اساس اقدامات نهادهای مذکور، تربیت زمینه‌ساز ظهور باشد.

### دانشگاه‌ها

راهکارها و روش‌های مربوط به نهاد دانشگاه‌ها، با فراوانی ۵ در جدول ۷ نشان داده شده است.

جدول ۷. راهکارها و روش‌های مربوط به نهاد دانشگاه‌ها

کد عنوان پژوهش	روش‌ها	راهکار
۱۴۳۵، ۱۱۰۸، ۱۴۳۶، ۱۴۱۱، ۱۵۳۵	بازنگری در سرفصل دروس و متون درسی معارف دانشگاه و گنجاندن مباحث مهدویت در این کتاب‌ها، تأسیس کرسی مهدی‌شناسی در دانشگاه‌ها، برگزاری دوره‌های مهدویت برای دانشجویان	اشاعه فرهنگ مهدویت در دانشگاه‌ها و متوجه کردن دانشجویان به حکومت جهانی آینده

بیشتر دست‌اندرکاران نظام جمهوری اسلامی ایران در سطوح مدیریتی و اجرایی مختلف، از دانشگاه‌ها به این جایگاه‌ها رسیده‌اند و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها با قشر عظیمی از ملت در ارتباط و در جامعه تأثیرگذارند. بنابراین توجه به تربیت زمینه‌ساز برای دانشجویان می‌تواند در کل جامعه اثرگذار باشد. توجه دست‌اندرکاران به این راهکارها می‌تواند در تربیت زمینه‌ساز که لازمه تحقق دانشگاه اسلامی است، مفید واقع شود.

### نتیجه

با توجه به فراگیر شدن ناتوی فرهنگی دشمن در مقابله با فرهنگ مهدویت، تربیت زمینه‌ساز بسیار مهم است و مسئولیت تربیت زمینه‌ساز ظهور نیز همچون دیگر امور جامعه اسلامی بر عهده حکومت اسلامی قرار دارد. در دین اسلام مودت به اهل بیت علیهم‌السلام واجب است و رسیدن به توحید و دیگر اصول دین و پذیرش اعمال مربوط به فروع دین، به سبب مودت به ائمه اطهار علیهم‌السلام است. عمل به مودت امام زمان علیه‌السلام تربیت زمینه‌ساز ظهور است و بر هر مسلمانی واجب است. جامعه‌ای اسلامی است که برای تربیت زمینه‌ساز به گونه‌ای صحیح اقدام کند.

متأسفانه در نظام آموزش و پرورش به مهدویت بسیار کم توجه می‌شود، در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران هنوز جایگاه و اهمیت تربیت مهدوی دانش‌آموزان با وجود اهمیت بسیار آن، درک نشده است و مسئولان، آن گونه که شایسته است به وظیفه خود عمل نمی‌کنند.

با توجه به این‌که اصلاح هر جامعه‌ای به اصلاح آموزش و پرورش آن جامعه است، در جمهوری اسلامی ایران به عنوان جامعه‌ای که به منظور زمینه‌سازی ظهور حضرت حجت علیه‌السلام انقلاب کرده است، مجاهدت در استقرار نظام آموزش و پرورش بر اساس رویکرد تربیت زمینه‌ساز، بسیار اهمیت دارد.

به‌رغم تأکیدهای مقام معظم رهبری در زمینه ضرورت تحول بنیادین نظام آموزش و

پرورش، تلاش‌های بسیاری در وزارت آموزش و پرورش در زمینه تدوین اسناد بالادستی صورت گرفته است، اما متأسفانه مشاهده و بررسی اسناد آموزش و پرورش بیان‌گر کم‌توجهی به تربیت زمینه‌ساز است. علت این وضعیت، این است که به تربیت آن‌گونه که در قرآن و عترت علیهم‌السلام مطرح است، نپرداخته‌اند (میرزاحمدی و رسولی: ۱۳۸۹). این بی‌توجهی، حتی در حجم انبوه پژوهش‌های مربوط به تربیت اسلامی که در توصیف از تربیت اسلامی ارائه شده، مشهود است. در بیشتر این پژوهش‌ها، به جایگاه تربیتی ائمه اطهار علیهم‌السلام که خداوند در قرآن فرموده، توجه نشده است و توجه به تربیت زمینه‌ساز ظهور به عنوان روح حاکم بر نظام تربیت اسلامی مغفول مانده است. در بیشتر پژوهش‌ها به ارائه دیدگاه درباره فرایندها و مفاهیم در تربیت اسلامی تأکید شده است ولی از تربیت زمینه‌ساز ظهور که تبلور تربیت اسلامی در آن است، غافل شده‌اند.

پژوهش‌ها بر ضعف عملکرد نهادهای تربیتی در تربیت زمینه‌ساز ظهور اذعان دارند. توجه به این راهکارها، یاری‌رسان نهادهای تربیتی جامعه، در عمل به رسالت عظیم تربیت زمینه‌ساز ظهور است.

لازمه فعالیت و اقدام در تربیت زمینه‌ساز ظهور، کسب معرفت به ائمه اطهار علیهم‌السلام بر اساس قرآن و عترت است و سپس تحول بنیادین در نظام‌های تربیتی - فرهنگی جامعه، با این رویکرد که تربیت زمینه‌ساز ظهور در رأس سایر اقدامات نظام اسلامی در بعد تصمیم‌گیری و اجرا در جنبه‌های مختلف تربیتی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی قرار گیرد.



## منابع

- احسانی، محمد، «زمینه‌سازی تربیتی مهدویت»، مجله معرفت، سال بیستم، ش ۱۶۰، ۱۳۹۰ ش.
- احمدی، ظهیر، «بسط گفتمان خوش فرجام‌انگاری جهان بر مبنای گفتمان فرج و موعودگرایی با عاملیت صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، سال پنجم، ش ۱۸، ۱۳۹۰ ش.
- باهنر، ناصر؛ صمدی، مجتبی، «بررسی مؤلفه غایت‌شناختی الگوی هنجاری رسانه‌های جدید اسلامی»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، سال چهارم، ش ۱۶، ۱۳۸۹ ش.
- بیاری، علی‌اکبر، «بررسی آسیب‌های مهدویت‌گرایی»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، سال دوم، ش ۷، ۱۳۸۷ ش.
- بیاری، علی‌اکبر؛ چراغی، اسماعیل، «نقش خانواده در انتقال محبت حضرت مهدی علیه السلام به فرزندان»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، سال اول، ش ۱، ۱۳۸۵ ش.
- پورسیدآقایی، سیده زهرا، «بررسی تطبیقی شخصیت انسان منتظر با شخصیت سالم از دیدگاه روان‌شناسی کمال»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، سال سوم، ش ۱۲، ۱۳۸۸ ش.
- پورسیدآقایی، سید محسن و دیگران، «راهبردهای فرهنگی مهدویت برای جامعه و دولت زمینه‌ساز، بر اساس مدل SWOT»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، سال چهارم، ش ۱۵، ۱۳۸۹ ش.
- پورسیدآقایی، سید مسعود، «دولت زمینه‌ساز»، مجله انتظار موعود، ش ۱۵، ۱۳۸۴ ش.
- تصدیقی، محمدعلی و فروغ، «آسیب‌شناسی تربیت دینی در نظام آموزشی ایران»، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی در جامعه معاصر، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸ ش.
- جوانمردی و پورشافعی، «مبانی تربیت دینی از دیدگاه اسلام و دلالت‌های آن در آموزش متوسطه»، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی در جامعه معاصر، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸ ش.
- حاج محمدی، علی، «ارزش‌های خبری در حاکمیت موعود»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، سال چهارم، ش ۱، ۱۳۸۹ ش.

- حاج محمدی، علی، «تحول مأموم، زمینه ساز ظهور»، فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، سال سوم، ش ۱۰، ۱۳۸۸ ش.
- حسن لو، امیرعلی، «شکل گیری بهائیت و پیوند با صهیونیسم»، فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، سال اول، ش ۳، ۱۳۸۶ ش.
- حسینی، افضل السادات، «راهبردهای اساسی و روش های کارآمد در برنامه های آموزش و پرورش برای نیل به تربیت دینی مناسب دانش آموزان»، خلاصه مقاله های همایش آسیب شناسی تربیت دینی، ۱۳۸۰ ش.
- داوودپور، مرتضی، «نقش انتظار فرج در انسجام اسلامی گروه های سیاسی - اجتماعی»، فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، سال سوم، ش ۱۱، ۱۳۸۸ ش.
- درویشی متولی، حسین، «موعودگرایی و جهانی شدن فرهنگی»، فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، سال سوم، ش ۱۱، ۱۳۸۸ ش.
- دیرباز، عسکر، «روش های اثرگذاری انتظار در جامعه منتظر»، فصل نامه پژوهش های مهدوی، قم، مؤسسه آینده روشن، سال اول، ش ۳، ۱۳۹۰ ش.
- ربانی، محمدصادق، «کارکرد آموزه انتظار در کنترل اجتماعی»، مجله انتظار موعود، ش ۲۵ - ۲۶، ۱۳۸۷ ش.
- رهنمایی، سید احمد، «تربیت دینی، اصلاحات، مشکلات و آسیب ها»، مجله تربیت اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- \_\_\_\_\_، «حکومت جهانی واحد رویارویی جهان بینی سکولار با جهان بینی الهی»، فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، سال سوم، ش ۱۰، ۱۳۸۸ ش.
- سالم، مریم، «مروری بر راهبردهای تربیتی معرفت امام زمان علیه السلام با تأکید بر خانواده»، نامه پژوهش فرهنگی، سال یازدهم، ش ۱۰، ۱۳۸۹ ش.
- سعیدی رضوانی، محمود، «بررسی وضع مطلوب و موجود تربیت دینی و اخلاقی دانش آموزان و تبیین آن با توجه به عوامل درون دادی و فرایندی، اسناد بالادستی طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش»، [www.sanad.ir](http://www.sanad.ir)، ۱۳۸۹ ش.
- سعیدی رضوانی، محمود؛ بیهقی، تقی، «تأملی در باب تناسب نظام آموزش و پرورش رسمی با تربیت دینی»، تربیت اسلامی (ویژه آسیب شناسی تربیت دینی)، ۱۳۳ - ۱۰۵، ۱۳۸۰ ش.
- شیروودی، مرتضی، «مسیحیت انجیلی، تشیع ایرانی و آینده بشیریت»، فصل نامه علمی -

- پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، سال اول، ش ۱، ۱۳۸۵ ش.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الأثر فی الامام الثانی عشر علیاً*، قم، انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، ۱۴۱۹ ق.
- صمدی، قنبرعلی، «بایسته های ظهور»، فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، سال دوم، ش ۵، ۱۳۸۷ ش.
- صمدی، معصومه، «مهدویت، رسالت نظام تعلیم و تربیت در شکل دهی جامعه مهدوی»، *مجله علوم انسانی*، سال پانزدهم، ش ۶۶، ۱۳۸۷ ش.
- طیب، سید عبدالحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.
- عرفان، امیرمحسن، «تبیین ضرورت های رویکرد راهبردی به آموزه مهدویت»، فصل نامه پژوهش های مهدوی، قم، مؤسسه آینده روشن، سال اول، ش ۳، ۱۳۹۰ ش.
- عصاره، علیرضا، «کارکردهای فعلی آموزش و پرورش در تربیت دینی»، *خلاصه مقاله های همایش آسیب شناسی تربیت دینی*، ۱۳۸۰ ش.
- عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی (کتاب التفسیر)*، تصحیح: هاشم رسولی محلاتی، تهران، المكتبة الاسلامية، بی تا.
- فروزنده، لطف الله و دیگران، ۱۳۹۰. شناسایی عوامل موثر بر استقرار حکومت مهدوی بر اساس رویکرد استراتژیک، فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، سال پنجم، شماره ۱۹
- فیروزآبادی، سید حسن، «راهبردهای دولت زمینه ساز در توسعه پایدار طوع و رغبت مهدوی»، فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، سال سوم، ش ۱۱، ۱۳۸۸ ش.
- فیض کاشانی، محسن، *تفسیر الصافی*، تهران، انتشارات صدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
- قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران، انتشارات مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳ ش.
- \_\_\_\_\_، «وظایف سازمان ها و نهادها در ترویج فرهنگ مهدویت»، *مجله انتظار موعود*، ش ۵، ۱۳۸۲ ش.
- قلی زاده برهانی، لیلیا، «بررسی تأثیر خانواده و کتاب های درس دینی به هویت دینی دانش آموزان دختر دوره پیش دانشگاهی تبریز»، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه الزهرا - دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، ۱۳۸۵ ش.

- قمی، عباس، *مفاتیح الجنان*، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ پنجم، ۱۳۷۸ ش.
- کریم‌زاده، اصغر؛ ملایی، حسن، «بررسی رسالت‌ها و راهبردهای فرهنگی - تربیتی دولت زمینه‌ساز»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی *مشرق موعود*، قم، مؤسسه آینده روشن، سال سوم، ش ۱۰، ۱۳۸۸ ش.
- کریمی‌تبار، مریم، «اهداف دولت زمینه‌ساز»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی *مشرق موعود*، قم، مؤسسه آینده روشن، سال دوم، ش ۶، ۱۳۸۷ ش.
- کشاورز، سوسن، «شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی»، دوفصل‌نامه *تربیت اسلامی*، سال سوم، ش ۶، ۱۳۸۷ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ ش.
- مرزوقی، رحمت‌الله، «سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس: رویکردی به فلسفه تربیتی انتظار»، دوفصل‌نامه علمی - تخصصی *تربیت اسلامی*، سال سوم، ش ۷، ۱۳۸۷ ش.
- معین‌الاسلام، مریم، «چشم‌اندازی بر برخی از آسیب‌های تربیتی مهدویت»، *مجله انتظار موعود*، ش ۱۱ - ۱۲، ۱۳۸۳ ش.
- ملکی، حسن، «تعلیم و تربیت دینی: برنامه‌ریزی و آموزش»، *خلاصه مقاله‌های همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی*، ۱۳۸۰ ش.
- مهرمحمدی، محمود، *برنامه‌درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها*، مشهد، به‌نشر، ۱۳۹۰ ش.
- مهرمحمدی، محمود؛ صمدی، پروین، «بازنگری در الگوی آموزش دینی جوانان و نوجوانان در دوره تحصیلی متوسطه»، فصل‌نامه *نوآوری‌های آموزشی*، سال دوم، ش ۳، ۱۳۸۲ ش.
- موسوی، سیدمهدی، «مدرسه مهدوی؛ درآمدی بر فلسفه و نظام آموزش و پرورش زمینه‌ساز ظهور»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی *مشرق موعود*، قم، مؤسسه آینده روشن، سال سوم، ش ۱۰، ۱۳۸۸ ش.
- موسویان، سیدمرتضی، «طراحی فضای سناریوی ترویج و آموزش فرهنگ مهدویت از طریق رسانه ملی»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی *مشرق موعود*، قم، مؤسسه آینده روشن، سال پنجم، ش ۱۸، ۱۳۹۰ ش.
- میرزاحمدی، محمدحسن؛ رسولی، رحیمه، «تربیت ولایی، اصلی‌ترین مبنای تربیت دینی»، *مجله اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، سال دوم، شماره اول، ۱۳۸۹ ش.

- نجفی لیواری، مریم؛ محمدنیا، نرگس، «واکاوی شاخصه‌های خانواده منتظر»، مجله معرفت، سال بیست و یکم، ش ۱۷۶، مرداد ۱۳۹۱ ش.
- نساجی زواره، اسماعیل، «آسیب‌شناسی تربیت دینی»، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی در جامعه معاصر، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸ ش.
- نوروزی، رضاعلی و دیگران، «موانع و آفات انتظار»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، سال پنجم، ش ۱۷، ۱۳۹۰ ش.



## تربیت دینی، تربیت زمینه‌ساز، تربیت سکولار

طیبه توسلی\*

### چکیده

در این نوشتار، مفاهیم، ریشه‌های تاریخی و مؤلفه‌های تربیت دینی به عنوان تربیتی زمینه‌ساز برای دست‌یابی به ایمان و ثمرات آن، و مقایسه این نوع تربیت با آموزه‌های سکولار برای شناخت بهتر چالش‌ها و آسیب‌ها بررسی می‌شود. از آن‌جا که در جامعه اسلامی ایران، آموزه و تربیت سکولار جایگاهی نداشته و ندارد، چندان هم شناخته شده نیست. معرفی تربیت سکولار و مقایسه آن با تربیت دینی به‌ویژه تربیت‌ساز با محوریت امام - که ریشه‌ای کهن در تاریخ و فرهنگ کشور ما دارد - مهم‌ترین هدفی است که در این نوشتار پی گرفته می‌شود. روش تحقیق در این کار، مطالعه نظری - تطبیقی است که بررسی و نتیجه‌گیری مطالب، پایه‌های اصلی آن را تشکیل می‌دهند. نتایج به دست آمده از تحقیق، بیان‌گر این حقیقت است که سکولاریسم و برخی تبعات آن مانند تربیت سکولار، ریشه در فرهنگ مغرب‌زمین دارند. اساساً تربیت سکولار بر آموزش و گسترش علوم تأکید دارد و در برنامه‌های درسی خود، آموزش تعالیم دینی را نمی‌گنجاند. برعکس تربیت دینی در کشورهای اسلامی، به‌ویژه کشور ما ریشه‌های عمیق دارد و بین آموزش تعالیم دینی و علوم گوناگون مغایرتی نمی‌بیند. مقایسه بین مؤلفه‌ها و دستاوردهای این دو نوع تربیت، مقصد اصلی این نوشتار است.

### واژگان کلیدی

تربیت دینی، تربیت زمینه‌ساز با محوریت امام، تربیت اسلامی، تربیت سکولار.

تربیت، اصطلاحی قدیمی است که در متون کهن زبان و ادبیات فارسی به کار رفته است. شاید بتوان گفت که این اصطلاح نخستین بار در یکی از این متون کهن و معتبر زبان فارسی یعنی *احیاء علوم الدین* اثر امام محمد غزالی به کار رفته است که نزدیک به هزار سال از تألیف آن می‌گذرد. مسلم است که در طول این مدت، واژه «تربیت» معانی گوناگونی نیز یافته است؛ اما مهم‌ترین معنایی که در مفهوم تربیت از گذشته تا به حال تقریباً ثابت مانده، توجه به کمالات نفسانی و روانی است که خود حاصل تربیت به شمار می‌آید. در تطور معنایی تربیت می‌توان به کاربرد این واژه در موارد خاص مانند تربیت اخلاقی، معنوی و دینی اشاره کرد. بی‌گمان این نوع کاربرد تأکید بر تعالی نفس و روان را مضاعف می‌کند. تعالیم عالیة اسلام از آغاز بر تربیت نفوس برای تقرب به خداوند و کسب اخلاق حسنه تأکید فراوان داشته است و ایرانیان همیشه - چه در تربیت رسمی و چه غیررسمی - بر این امر عنایت خاص داشته‌اند. نکته جالب توجه این‌که در جوامع گذشته - اعم از شرق و غرب - نظام‌های آموزشی عمده همت خویش را به تربیت انسان‌ها در راستای تربیت‌های دینی، معنوی، اخلاقی و کسب آداب پسندیده معطوف می‌داشتند. اما در دو قرن گذشته به سبب رشد صنعت و انواع فناوری‌ها، نخست در جوامع غربی توجه به آموزش علوم و فنون برای به حرکت درآوردن چرخ‌های صنعت و تکنولوژی بر آموزش تعالیم دینی پیشی گرفت. البته این تحول بسیاری از جوامع شرقی را هم دنباله‌رو خود کرد. افزون بر این، به دلیل پیشرفت بعضی بینش‌های آزادی طلب و توجه به آموزش و پرورش لیبرال، نوعی تربیت به نام تربیت سکولار در جوامع اروپایی و آمریکا به ظهور پیوست که به حذف دروس و تعلیمات دینی از برنامه درسی مدارس دولتی انجامید. اما نکته درخور توجه، این است که جوامع شرقی به ویژه کشورهای اسلامی از این تغییر پیروی نکردند و هم‌اکنون در بسیاری از این جوامع از جمله کشور ما، آموزش تعلیمات و معارف دینی در نظام‌های تربیت رسمی و غیررسمی مورد توجه و عنایت خاص است. روشن است که تربیت سکولار - همان‌گونه که از نام آن پیداست - دنیوی‌گروی و دوری از دیانت همراه با تبعات سخت آن چون محرومیت از آرامش معنوی و سستی بنیان مقدس خانواده را به همراه داشته است. اما در مشرق‌زمین و عمدتاً در بین مسلمانان، این موهبت الهی هنوز جلوه‌گر است. این نوشتار در پی آن است که مفاهیم تربیت، education، سکولاریسم و تربیت سکولار را از لحاظ معنا و خاستگاه‌های تاریخی‌شان معرفی کند و پس از آن برتری تربیت دینی را با معرفی تربیت اسلامی و تربیت اسلامی را با بررسی تربیت زمینه‌ساز با محوریت امام همراه با



مؤلفه‌های اصلی آن همچون کسب آرامش، سلامت اجتماع و زمینه‌سازی برای نجات ابدی و سیطرهٔ دین حق بر همهٔ ادیان باطل را نشان دهد.

### مفهوم تربیت

تربیت که از لحاظ ریشه‌شناسی<sup>۱</sup> کلمه‌ای عربی است، به لحاظ اصطلاح‌شناسی<sup>۲</sup> واژه‌ای فارسی با کاربردی کهن در بین دانشمندان ایرانی و اندیشمندان زبان و ادبیات فارسی است (نک: غزالی، بی تا: ۶۱؛ همو، ۱۳۶۲: ۸۷). تربیت در زبان فارسی در تطور معنایی و کاربردهای گوناگون مراحل پرفراز و نشیبی طی کرده است. به نظر می‌رسد این اصطلاح تا اواخر قرن پنجم هجری در متون زبان فارسی و همچنین در زبان متعارف، به کار نرفته است. نزدیک‌ترین اصطلاح به تربیت که در متون پیش از قرن پنجم فراوان به کار رفته، تأدیب است. کلمهٔ ادب و همهٔ مشتقات آن، کلماتی عربی هستند که خاستگاه اصلی آن‌ها احادیث و روایات نقل شده از امامان معصوم علیهم‌السلام است. به نظر می‌رسد پس از پذیرش اسلام توسط ایرانیان و نقل سخنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام در محافل علمی و دینی، اندیشمندان مسلمان اصطلاح ادب و مشتقات آن را در آثار خود به کار گرفته‌اند. برای نمونه، کلمات «ادب» و «تأدیب» در *قابوس‌نامه* اثر عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر - که کتابی دربارهٔ تربیت اخلاقی و اجتماعی است - فراوان دیده می‌شود، ولی از واژه «تربیت» در آن کتاب خبری نیست. همچنین *رسالهٔ قشیریه* اثر ابوالقاسم قشیری که در نیمهٔ اول قرن پنجم نگارش یافته است، کتابی دربارهٔ تربیت دینی، معنوی و عرفانی است که از کلمهٔ «ادب» و مشتقات آن بهرهٔ بسیاری برده است، اما در آن نیز واژه «تربیت» دیده نمی‌شود.

در اواخر قرن پنجم، امام محمد غزالی واژهٔ تربیت را به همین معنایی که امروز مصطلح است در آثار خود به کار برد و پس از آن در قرون بعدی این واژه کاملاً متداول گشت که هم در متون فنی مانند *اخلاق ناصری* اثر خواجه نصیرالدین طوسی و هم در متونی که به زبان عامه مردم نزدیک‌ترند مانند *گلستان* و *بوستان* سعدی فراوان به چشم می‌خورد. معنا و مفهوم تربیت از قدیمی‌ترین آثار تا جدیدترین آن‌ها نسبتاً ثابت است و اساساً بر زدودن اخلاق ناپسند (غزالی، ۱۳۶۲: ۸۷)، ایجاد کمالات عقلانی توسط معلم (سعدی، ۱۳۸۲: ۱۴۱) و رسیدن به ارزش‌های والای انسانی (نقیب‌زاده، ۱۳۷۵: ۱۸) دلالت دارد.

1. Etymology  
2. terminology

## تربیت در معانی خاص

منظور از مفهوم تربیت در معانی خاص، به‌کارگیری این واژه برای مقاصد ویژه است که عمدتاً به صورت صفت و موصوف بیان می‌شود؛ مانند تربیت دینی، تربیت اخلاقی، تربیت اجتماعی، تربیت اسلامی، تربیت ایرانی، تربیت رسمی، تربیت سکولار، تربیت زمینه‌ساز و... به نظر می‌رسد به‌کارگیری واژه تربیت برای منظوره‌های خاص از کاربردهای جدید این واژه باشد؛ چون در متون کهن مانند *کیمیای سعادت و اخلاق ناصری و حتی معراج السعاده* که در دوره قاجار نگاشته شده است، واژه تربیت به تنهایی به کار رفته است که عمدتاً به معنای روشی برای دستیابی به کمالات نفسانی است. شاید بتوان گفت همان‌گونه که اصطلاحاتی چون تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش عمدتاً در کمتر از صد سال گذشته و تحت تأثیر مکاتب تربیتی غرب وارد ادبیات تربیتی کشور ما شده‌اند (دفتر همکاری...، ۱۳۷۲: ۳۳۸)، مفاهیم خاص تربیت نیز از این قاعده مستثنی نباشند. کاربرد تربیت در منظوره‌های خاص، دستیابی به معنای آن را آسان‌تر می‌کند؛ زیرا مفهوم تربیت را در قیود خاصی شکل می‌دهد که بیان حدود آن، از واژه تربیت - که طیف گسترده‌ای از معنا را دربر می‌گیرد - را راحت‌تر می‌کند. از جمله کاربردهای خاص از مفهوم تربیت، تربیت دینی و تربیت سکولار و تربیت زمینه‌ساز با محوریت امام است که از موضوع‌های اصلی و قابل بحث در این نوشتار هستند.

### مفهوم education

پیش از هر توضیحی درباره «تربیت سکولار»<sup>۱</sup> لازم است به مفهوم دقیق واژه «education» توجه شود؛ زیرا در مقایسه مفهوم این واژه، با واژه تربیت تفاوت‌های چشم‌گیری وجود دارد. شاید بهترین معادل فارسی برای «education» آموزش و پرورش باشد، اگرچه در ادبیات تربیتی کشور ما و بسیاری از متون ترجمه شده از زبان انگلیسی معادل فارسی تربیت برای این واژه به وفور دیده می‌شود.

در بیان تفاوت مفهومی باید به این نکته اشاره کرد که در مفهوم تربیت در زبان فارسی، تعالی بعد روانی انسان از جنبه‌های مذهبی، اخلاقی و معنوی امری کاملاً پذیرفته شده است، اما چنین برداشت‌هایی در مفهوم education را تنها در معانی خاص آن مانند moral education، religious education (تربیت دینی، تربیت اخلاقی) و مواردی از این قبیل می‌توان مشاهده کرد. برای فهم بهتر تطور معنایی در واژه education لازم است به نظر متخصصان این فن

1. Secular education

توجه شود:

واژه education دارای دو ریشه اصلی است. نخست واژه educere که معمولاً - اما نه همیشه - برای رشد جسمانی به کار رفته است. دیگری واژه «educare» که در زبان اصیل لاتینی برای پرورش گیاهان، حیوانات و کودکان استفاده شده است. در زبان انگلیسی مخصوصاً در کاربردهای کهن، واژه «education» برای بزرگ کردن یا پرورش جسمانی حیوانات و کودکان به کار گرفته شده است. هنوز هم در زبان انگلیسی این واژه در مفهوم کلی آن که عمدتاً ناظر بر رشد جسمانی است کاربردهایی دارد، اما با رشد صنعت و افزایش تقاضا برای دانش‌ها و مهارت‌ها، واژه «education» با آموزش مدرسه‌ای و کارآموزی پیوند یافت. این امر سبب شد که امروزه بتوانیم این واژه را برای اشاره به درک و دانش و نه صرفاً رشد جسمانی به کار ببریم. امروزه بین پرورش دادن، مهارت‌آموزی و آموزش و پرورش تمایز قائلیم و از آن در دقت‌های مفهومی برای پرورش گیاهان و حیوانات استفاده نمی‌کنیم (هرست و پیترز، ۱۹۷۰: ۲۳). بنابراین می‌توان برای education سیر تحولی معنایی در نظر گرفت که در جدیدترین و اختصاصی‌ترین مفهوم آن، گستردگی، عمق و مطلوبیت دانش و درک آدمی مدنظر است (همو: ۵۰).

## سکولاریسم

### الف) ریشه‌شناسی

سکولاریسم از واژه لاتینی *sacularis* (به معنای زمان، دوره و دنیا) گرفته شده است. اصطلاح سکولار مبتنی بر رویکردی معین به زندگی است که از تأثیر مذهب جداست و بنابراین با ملاحظات غیرروحانی و دنیوی تشخیص می‌یابد (رز، ۱۹۹۶: ۶۹۳). سکولاریسم از واژه لاتینی *sacularum* به معنای عصر یا زمان حاضر گرفته شده است. تأکید معنا به صورتی طبیعی و منطقی بر یک جهان پیوسته و در حال تغییر دلالت دارد که در آن نسبی بودن ارزش‌های بشری حصول پیدا می‌کند (عطاس، ۱۳۷۴: ۱۴).

### ب) از دیدگاه تاریخی - اجتماعی

در یک تطور معنایی واژه سکولاریزاسیون<sup>۱</sup> برای اولین بار در ۱۶۴۸ در پایان جنگ‌های سی‌ساله اروپا به کار گرفته شد که منظور از آن انتقال دارایی‌های کلیسا به شاه‌زادگان یا به

1. Secularization

دولت برای کنترل و چگونگی دخل و تصرف در آن بود. شاید بتوان گفت این بینش برگرفته از مفهوم آیه ۲۱ از باب ۲۲ انجیل متی باشد که می‌گوید:

مال قیصر را به قیصر ادا کنید و مال خدا را به خدا. (جعفری، ۱۳۷۹: ۱۰)

سپس هنگامی که جاکوب هولایک<sup>۱</sup> این واژه را در سال ۱۸۵۱ برگزید و نهضتی اعتراضی و خردگرا<sup>۲</sup> را در انگلستان هدایت کرد، سکولاریسم به عنوان یک ایدئولوژی در حال رشد درآمد. پس از آن در فرایند مفهومی این واژه، پیتر برگر<sup>۳</sup> آن را به معنای فرایندی که در آن بخش‌هایی از جامعه و فرهنگ از غلبه مؤسسات مذهبی و نمادهای مذهبی خارج می‌شوند به کار برد (مادان، ۱۳۸۷، ۷۳۲).

اگرچه این توضیح کوتاه ورود واژه سکولار به ادبیات سیاسی اجتماعی را به قرن هفدهم نسبت می‌دهد، ولی بسیاری از تحلیل‌گران، تاریخی کهن برای ظهور این اندیشه در دنیای یهودیت و مسیحیت در نظر می‌گیرند. ظاهراً این‌گونه به نظر می‌رسد که در جوامع نخستین هم در مغرب‌زمین و هم در شرق تفکیک بین وجوه دینی و دنیوی حیات اجتماعی غیرممکن بوده است. در مغرب‌زمین تا زمان پذیرش دین مسیحیت توسط امپراتور روم، شخص امپراتور عنوان بالاترین مرجع دینی را نیز داشت و خود موضوع پرستش و همچون خدایی بر روی زمین بود. جدایی بین حکومت و دین اگرچه عمدتاً به دنیای مسیحیت مربوط می‌شود، ولی می‌توان گفت این اندیشه با یهودیت آغاز شده است. با سقوط اورشلیم در سال ۵۸۶ میلادی یهودیان در طول قرون متمادی هرگز از یک جامعه مستقل سیاسی برخوردار نبودند، بدین معنا که یک اقلیت دینی یهودی در دل یک حکومت غیریهودی جای داشت و لذا مجبور بودند درباره عضویت در جامعه دینی خود و شهروندی غیردینی به صورت دو امر جداگانه بیندیشند.

در عالم مسیحیت - یعنی از قرون اولیه میلادی و پس از آن - همیشه بین اقتدار روحانیون مسیحی و حاکمان روابط گوناگونی، گاه حاکی از تضاد و گاه حاکی از همسویی وجود داشته است. از آغاز قرن سیزدهم، منازعات بین پاپ و امپراتور روم غربی شدت گرفت تا جایی که برخی روحانیون مسیحی به قدرت بلامنازع کلیسا ایراد وارد کردند. شاید یکی از این نظریات

1. George Jacob Holyoake  
2. rationalism

۳. پیتر برگر (Peter Berger) از نظریه‌پردازان اندیشه‌های سکولار است که در دهه هفتاد میلادی به شرح و دفاع از سکولاریسم برخاست. اما در سال ۱۹۹۷ با انتشار مقاله *Against the Current* از بسیاری از نظرات خود عدول کرد. این مقاله به زبان فارسی نیز ترجمه شده است (نک: سراج‌زاده، ۱۳۸۳).

افراطی به پاپ بونتیفاس هشتم با استناد به آیه ۳۸ باب ۲۲ از انجیل لوقا مربوط می‌شود که می‌گوید:

حضرت عیسی علیه السلام به پطر مقدس و جانشینان او دو شمشیر داد، گفت: این دو شمشیر نماد قدرت معنوی و مادی هستند که قدرت معنوی از آن پاپ‌ها و قدرت دنیوی از آن افراد غیر روحانی است. (جعفری، ۱۳۷۹: ۱۴)

با ظهور رنسانس و جنبش اصلاح دینی در مغرب زمین سکولاریسم قدرت بیشتری یافت. مارتین لوتر به محدودیت قدرت کلیسا اعتقاد داشت که با پذیرش اندیشه‌های او در آلمان و کشورهای اسکاندیناوی عملاً سرپرستی و نظارت اسقف‌های کاتولیک در بسیاری مناطق به حکومت‌ها و شاه‌زادگان واگذار شد (همو).

با ظهور رنسانس و نهضت انسان‌گرایی و پس از آن جنبش‌های خردگرا، توجه به انسان و توانایی‌های او در کسب تجربه‌ها و دانش‌ها عملاً در کانون توجه قرار گرفت و بی‌گمان از قدرت محافل دینی مغرب زمین در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی کاسته شد. شاید بتوان گفت که این رویه هم‌اکنون نیز ادامه دارد و توجه غربیان به سکولاریسم برگرفته از این دیدگاه نسبتاً کهن و سابقه‌دار است. اکنون با گسترش اندیشه‌های تکثرگرا که به بسط فرهنگ‌های فردگرا انجامیده است به این مسئله در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی کمک می‌شود و به قول بوکر، آن چه امروزه به نام سکولاریسم خوانده می‌شود، بهانه‌ای است برای افزایش قدرت و اختیار آدمی و همچنین ایجاد آن نوع دموکراسی که قدرت انتخاب را در انسان‌ها و گروه‌های اجتماعی بالا ببرد (بوکر، ۱۹۹۷: ۸۷۲).

### ج) مفهوم سکولاریسم در اندیشه‌های معاصر

ویلسون<sup>۱</sup> معتقد است در فرایند سکولاریزاسیون، اندیشه‌ها و فعالیت‌های دینی و همچنین نهادهای مذهبی اهمیت خود را از دست می‌دهند و این بدان معنا نیست که مردم خود را با دین جدیدی وفق می‌دهند یا علاقه خود را نسبت به دین از دست می‌دهند، بلکه این بدان معناست که از عملکرد مذهب در نظام‌های اجتماعی کاسته می‌شود (همو: ۸۷۲).

هربرگ<sup>۲</sup> معتقد است فرهنگ سکولار فرهنگی است که در آن دین مرسوم دیگر قابل اجرا نیست (ینگر، ۱۹۶۷: ۱۸). به نظر ینگر در این تعریف نشانه‌ای از تغییر یا اصلاح مذهب به چشم می‌خورد، به طوری که می‌توان نهضت پروتستان، یهودیت محافظه‌کار و شوراهای

1. Brayan Wilson  
2. Will Herberg

واتیکان (تأسیس در ۱۹۶۰) را پدیده‌هایی سکولار دانست. در برداشتی دیگر از این مفهوم، لاکمن<sup>۱</sup> معتقد است که سکولاریسم امری خیالی است. او در کتاب *زندگی، دنیا و واقعیت‌های اجتماعی* (۱۹۸۳) می‌گوید:

دین را در قالب نهادهای اجتماعی دیدن اشتباه است. رفتارهای دینی در آدمیان مبنایی بیوژنتیک دارد و به این نکته ساختارگرایان بیوژنتیک نیز اشاره کرده‌اند. بنابراین باید به رفتارهای مذهبی از پیش تعیین شده (فطری) در آدمیان توجه کرد. او بر این نکته اصرار می‌ورزد که یکی از جلوه‌های فرهنگی که در همهٔ جوامع در طول قرن‌ها و در فراز و نشیب‌های تاریخی شکل گرفته، مذهب است. بین مذهب و سکولار شدن تضادی وجود ندارد. من سکولاریسم را چیزی جز تحول مذهب نمی‌دانم. (بوکو، ۱۹۹۷: ۸۷۲)

آن‌چه در تعریف لاکمن از سکولاریسم و مذهب آشکار است، فردی دانستن اعتقادات مذهبی است. صورت دیگر این بینش معنویت سکولار<sup>۲</sup> نام دارد که این اصطلاح نیز امروزه در مغرب‌زمین کاربرد فراوانی یافته است. برای توضیح معنویت سکولار و تعریفی از آن لازم است بیان شود که معنویت و دین‌داری دو اصطلاح نزدیک به هم هستند و شاید بتوان گفت یکی بدون دیگری میسر نباشد یا این‌که این دو اصطلاح در معنا و مفهوم، همپوشی فراوان دارند؛ در عین حال تفاوت‌های بارزی نیز درخور تأمل است. دین در هر جامعه‌ای از ارکان مهم فرهنگ به شمار می‌آید که در طول تاریخ شکل گرفته و نهادینه شده است و حتماً با متون مقدس و مناسک معین همراه است؛ در حالی‌که معنویت امری غیر نظام‌مند، فردی و همراه با تجربه‌های شخصی است. کراسمن در تعریف معنویت سکولار می‌گوید:

معنویت سکولار به عناصر مشترک و قابل‌تعمیم در بین ادیان بزرگ، بدون برتری یک دین بر دین دیگر اشاره دارد. (کراسمن، ۲۰۰۳: ۵۰۵)

در پایان این مبحث، بجاست اشاره شود که آن‌چه در مفهوم سکولاریسم از آغاز شکل‌گیری این بینش تا کنون وجود داشته و دارد، نوعی جدایی بین دین از دولت است و اساساً سکولاریسم به معنای ضدیت با دین نیست و نباید آن را با لائیسزم - به معنای اعتقاد نداشتن به امور روحانی - و آتئیسم - به معنای عدم اعتقاد به وجود پروردگار - اشتباه گرفت. در دنیای امروز به علت پدیدهٔ جهانی شدن، سکولاریسم و مخصوصاً سکولاریسم معنوی، بیشتر در

1. T. Luckman  
2. secular spirituality

مفهوم توجه به معنویت‌های مشترک در بین ادیان و همچنین سجایای اخلاقی آدمی مدنظر قرار می‌گیرد تا نوعی تفاهم بین فرهنگ‌ها و جوامع گوناگون را به وجود آورد، گرچه بسیاری از دین‌داران و مؤمنان وفادار به ادیان خاص و همچنین جامعه‌شناسان فرهنگی آن را به نفع مذاهب و فرهنگ‌های بومی و منطقه‌ای نمی‌دانند.

### تربیت سکولار

باید اذعان کرد همان‌گونه که سکولاریسم ریشه در فرهنگ مغرب‌زمین دارد، تبعات آن از جمله تربیت سکولار هم برگرفته از همان فرهنگ خاص است، به طوری که در مشرق‌زمین و از جمله در کشور ما این مفهوم جایگاه پررنگی نداشته و ندارد.

در نگاهی کلی می‌توان تربیت سکولار را دنباله‌ی تربیت لیبرال دانست. تربیت لیبرال در اندیشه‌های فلسفی یونان باستان ریشه دارد که از آن، دو برداشت کلی می‌شود: نخست اهمیت دانش به عنوان دستاورد ذهن، و دوم ارتباط بین دانش و واقعیت. در حقیقت این دو برداشت دربردارنده‌ی یک ایده‌ی کلی، یعنی در نظر آوردن اهمیت ویژه‌ای برای دانش و هدایت آموزش و یادگیری به سمت آن است. بنابراین در تعریف تربیت لیبرال، آموزش و پرورشی مدنظر است که از لحاظ ساختار، محتوا و وسعت به اشکال گوناگون دانش هدایت کند. باید در نظر داشت که در این معنا دانش به خودی خود مورد توجه است، نه آن دانشی که مثلاً از لحاظ شغلی سودمند باشد یا فضیلت‌های اخلاقی را دربرگیرد. در حقیقت آن چه مدنظر است خود دانش است و نه تبعات آن (هرست، ۱۹۶۵، در پیترز، ۱۹۸۷: ۸۷ - ۸۸).

این توضیح کوتاه نشان‌دهنده‌ی نوعی قرابت بین تربیت لیبرال و تربیت سکولار است. تاریخ‌نگاران اندیشه‌های تربیتی غرب، بنیان‌گذار تربیت سکولار را فردی به نام جورج کمب<sup>۱</sup> می‌دانند. وی فردی بریتانیایی است که در قرن نوزدهم (بین سال‌های ۱۸۱۶ - ۱۸۵۰) تحت تأثیر پیشرفت علوم، نهضت روشن‌گری، همچنین سفر به آمریکا و تأثیرپذیری از بینش‌های دموکراسی‌خواهی در آن‌جا، مدارس ملی<sup>۲</sup> را در انگلستان بنیان‌گذاری کرد. وی در برنامه‌ی دروس مدارس، تأکید فراوانی بر آموزش علوم داشت. دروسی چون ریاضیات، زبان، اقتصاد، بدن‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم فیزیکی و برخی دانش‌های دیگر در آن مدارس تدریس می‌شد، ولی در آن‌جا هیچ شکلی از آموزش مذهب وجود نداشت. البته کمب مخالف آموزش

1. George Combe

۲. منظور از مدارس ملی در آمریکا و اروپا، مدارس دولتی هستند که عمدتاً با هزینه‌ی دولت و تحت نظارت آن اداره می‌شوند.

مذهب نبود، بلکه وی به تأسی از ژان ژاک روسو معتقد بود که کودک در طول مراحل رشد و تحت تأثیر تربیت طبیعی خود به مذهب روی خواهد آورد. مورخان تربیتی او را بنیان‌گذار آموزش و پرورش علمی و همچنین مدارس سکولار می‌دانند (گرنه، ۱۹۶۸: ۳۱۴).

### تربیت دینی

همان‌گونه که گفته شد در مفهوم تربیت، رسیدن به کمالات نفسانی امری آشکار است. حال اگر این واژه در کاربردهای خاص آن مانند تربیت اخلاقی، تربیت معنوی یا تربیت دینی مدنظر قرار گیرد، بر کمالات نفسانی تأکید مضاعف خواهد داشت. اگرچه می‌توان گفت دست‌کم در یک یا دو قرن گذشته - و نه پیش از آن - در نظام‌های آموزشی مغرب‌زمین بر تعلیم و تربیت سکولار تأکید می‌شود، در مشرق‌زمین، به‌ویژه در کشورهای اسلامی و با تأکید هرچه تمام‌تر در نظام آموزشی ایران این بینش مورد پذیرش واقع نشده است. ایرانیان حتی پیش از اسلام بر تربیت دینی فرزندان خود اصرار فراوان داشته‌اند و این خصلت نیکو در طول هزاره‌ها چه در نظام‌های آموزش رسمی یا غیررسمی همچنان پا برجا مانده است. زبان، مذهب و برخی ویژگی‌های دیگر در فرهنگ ایرانی مانند حفظ سنن کهن و وفاداری‌های ملی، قومی و گروهی، سبب آن شده است که تعلیم و تربیت ایران در طول قرون متوالی از نوعی انسجام و وحدت رویه برخوردار باشد. این ویژگی در تربیت‌های غیررسمی و رسمی قابل ملاحظه است. ایرانیان باستان در آموزش دیانت و تعالیم اخلاقی مبتنی بر آیین زرتشت تعصبی خاص داشتند (صدیق، ۱۳۵۴: ۵۷).

پس از ورود اسلام به ایران تربیت کودکان و نوجوانان ایرانی نیز بر مبنای علم و دیانت همچنان ادامه یافت. گویی پذیرش دین اسلام توسط ایرانیان دوگونه تعلیم و تربیت را در کشور رواج داد؛ یکی مخصوص کسانی بود که به دین نیاکان خود باقی مانده بودند. این افراد آموزش و پرورش شبیه عصر ساسانیان داشتند و زبان پهلوی و اصول دین را از کتاب اوستا و سایر کتب فرا می‌گرفتند. کسانی هم که به اسلام گرویده بودند، پس از فراگیری تعالیم دینی، چنان‌چه از طبقه اشراف بودند علاوه بر خواندن و نوشتن و حساب کردن، تاریخ و زبان پهلوی نیز می‌آموختند (تاجبخش، ۱۳۸۲: ۳۹۸). در دوره شکوفایی تمدن اسلامی در عصر عباسیان و پس از آن - یعنی سلسله حکومت‌های سلاطین ترک‌نژاد مانند غزنویان و سلجوقیان - تا دوران صفویه، قاجاریه و پس از آن تا حال حاضر زبان فارسی، زبان عربی و اصول دیانت اسلام عامل مهم وحدت‌گرایی در پیشرفت علوم، هنر و تعلیم و تربیت ایران به شمار آمده



است. گفتنی است پس از ورود اسلام به کشور ما و پذیرش دین جدید توسط ایرانیان، مکان‌های مقدسی چون مساجد و مکتب‌خانه‌ها که در جای‌جای این مرز و بوم وجود داشتند، آموزش‌تعالیم دینی را به کودکان و نوجوانان را از هر قشر و گروهی که بودند عهده‌دار شدند. مکتب‌خانه‌ها تا دههٔ چهل در ایران فعالیت چشم‌گیر داشتند و پس از آن در پرتو آموزش‌تعالیم دینی در مقاطع مختلف ابتدایی، راهنمایی و متوسطه از فعالیت آن‌ها کاسته شد. اما باید اذعان نمود که هنوز هم در شهرها و روستاهایی از کشور ما زنان و مردانی یافت می‌شوند که نه برای منفعت دنیوی، بلکه برای خشنودی خداوند و عشق به تعالیم آسمانی دین مبین اسلام بر همان روال مکتب‌خانه‌ها به آموزش قرآن و برخی تعالیم دینی توجه دارند.

رمز ماندگاری این تعالیم در طول قرون و اعصار را باید در این نکتهٔ ظریف جست‌وجو نمود که تربیت دینی در اشکال گوناگون تربیت رسمی و غیررسمی نتایج بسیار سودمندی برای مردم کشور ما به همراه داشته است. اندیشمندان مسلمان و صاحب‌نظران تربیتی به تأسی از آیات الهی و کلام معصومین علیهم‌السلام هرگز علم و دین را (برخلاف اندیشه‌های سکولار) از هم جدا ندانسته‌اند. در نظر آنان هر علم سودمندی که سعادت دنیوی و اخروی انسان را تضمین کند خود نوعی دیانت است که به فرمودهٔ نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر هر زن و مرد مسلمانی واجب است. همچنین آموختن و آموزش دادن علوم دینی اسلامی مصداق واقعی علم‌پژوهی به شمار آمده است.

### مفهوم تربیت زمینه‌ساز

همان‌گونه که در مبحث مفهوم تربیت بیان شد، زدودن اخلاق ناپسند و رسیدن به کمالات نفسانی از مهم‌ترین مقاصدی هستند که در مفهوم تربیت نهفته است و این برداشت اساساً به ثمرات حاصل از تربیت اشاره دارد. اما از آن‌جا که برای تربیت، تعریف‌های گوناگونی در متون تربیتی ارائه شده است، به صراحت می‌توان گفت در متداول‌ترین و آشنا‌ترین آن‌ها تربیت، زمینه‌سازی برای رشد استعدادهای آدمی تعریف شده است. هانری ژولی - روان‌شناس فرانسوی - تربیت را مجموعه تلاش‌هایی تعبیر می‌کند که هدف آن‌ها برخوردار ساختن فرد از همه قوایش و آماده کردن او برای استفادهٔ صحیح از آن‌هاست (شکوهی، ۱۳۶۹: ۲۳). مسلم است که زمینه‌سازی برای رشد و تعالی استعدادهای آدمی به برنامه‌ریزی و تعیین مقاصد از طرف مربیان، معلمان، کارگزاران امر تعلیم و تربیت و پیشوایان دینی و معنوی جامعه بستگی دارد. تربیت زمینه‌ساز با محوریت امام، خود نوعی تربیت است که باید اهداف و برنامه‌های آن

توسط کارگزاران تربیتی و پیشوایان دینی و معنوی جامعه مشخص شود و مراحل اجرایی آن قدم به قدم پیش رود تا برای تربیت شوندگان سودمند باشد. برای روشن تر شدن این بحث بهتر است به مثالی دربارهٔ تربیت مهدوی اشاره کنیم. در مفهوم تربیت مهدوی بر این امر تأکید فراوان شده است که پیروان امام عصر<sup>علیه السلام</sup> هرگز در انتظاری منفعلانه نیستند. پیروان راستین آن حضرت، انتظاری پویا نسبت به ظهور آشکار می‌کنند. انتظار پویا به معنای فراهم ساختن فعالانهٔ زمینه‌های ظهور است. بنابراین می‌توان گفت مهدویت یکی از زنده‌ترین و پویاترین آرمان‌های دینی است؛ زیرا افراد را در ارتباط با رخدادی قرار می‌دهد که در پیش است. رخدادهای مربوط به آینده از توانایی ویژه‌ای برای آماده‌سازی افراد برخوردارند. مهدویت در میان این‌گونه رخدادهای یکی از برجسته‌ترین آن‌هاست؛ زیرا در عرصه‌ای وسیع، یعنی در عرصهٔ حیات بشری رخ می‌دهد و چون نقطهٔ روشنی در پایان حیات تاریخی بشر است. سهل‌انگاری در تربیت مهدوی که زیرمجموعه‌ای از تربیت دینی است، به منزلهٔ از دست نهادن این تأثیر عظیم تحول‌بخش در شخصیت افراد است (باقری، ۱۳۸۴: ۳۵۵). زنده و پرنشاط ساختن این اعتقاد زیبا جز با زمینه‌سازی درست از طرف کارگزاران، مربیان و پیشوایان دینی جامعه میسر نیست.

### تفاوت و نسبت تربیت دینی با تربیت زمینه‌ساز

در شناخت بیشتر تربیت دینی می‌توان بر این نکته تأکید کرد که علم‌پژوهان این عرصه شاخه‌ها و زیرمجموعه‌های بی‌شماری از تربیت دینی به ما معرفی کرده‌اند؛ بدین معنا که تربیت دینی دایره وسیعی از انواع تربیت‌ها را دربر می‌گیرد. برای مثال تربیت اسلامی بر آن نوع تربیت دینی تأکید دارد که قید اسلامیت را به همراه داشته باشد. همچنین تربیت اسلامی می‌تواند زمینه‌ساز انواع مختلفی از تربیت شود؛ مانند تربیت زمینه‌ساز با محوریت اخلاق، معنویت، توحید و همچنین اعتقاد به امام و منجی. در این جا به شرح آخرین مورد، یعنی تربیت زمینه‌ساز با محوریت امام می‌پردازیم. تربیت زمینه‌ساز با محوریت امام نوعی تربیت اسلامی است و تربیت اسلامی زیرمجموعهٔ تربیت دینی به شمار می‌آید.

### ضرورت تربیت زمینه‌ساز

در دین مبین اسلام اعتقاد به نبوت یکی از اصول سه‌گانهٔ دین به شمار آمده است. برخلاف بسیاری از مکتب‌های بشری و تربیت برخاسته از آن‌ها مانند تربیت سکولار، در دین اسلام بشر هرگز به تنهایی قادر نیست راه خود را بشناسد و بدون هادی و پیشوا مصلحت خود را در این

جهان و رستگاری خود را در جهان آخرت تضمین کند. آیات قرآن کریم در وصف نبی مکرم اسلام ﷺ و رسالت او بی شمار است. آیه شریفه ۱۵۸ سوره اعراف<sup>۱</sup> و نیز آیه ۸۰ سوره نساء<sup>۲</sup> دلیل هایی روشن بر این ادعا هستند. در بینش اعتقادی ما شیعیان، رسالت پیامبر ﷺ پس از آن جناب در خاندان او و امامان بلافصل علیهم السلام ادامه می یابد. از رسول خدا ﷺ نقل است که فرمود:

از فرزندان من یازده نفرند که نقیب و نجیب و محدث و مفهم اند و آخرین آن ها قائم به حق است که زمین را از عدالت پر کند، چنان که از ستم پر شده باشد. (کلینی، بی تا: ۴۸۲)

همچنین حضرت علی علیه السلام در نخستین خطبه *نهج البلاغه* می فرماید:

رسول گرامی اسلام در میان شما جانشینانی برگزید، همان گونه که پیامبران پیشین برای امت های خود برگزیده بودند؛ زیرا آنان هرگز انسان ها را سرگردان رها نکردند و بدون معرفی راهی روشن و نشانه هایی استوار از میان مردم نرفتند. (شریف رضی، بی تا: ۲۵)

به فرموده علی علیه السلام زمین هرگز از حجت الهی خالی نمی ماند و این پشتوانه هدایت و سعادت بشر، برای مؤمنانی است که حجت الهی را بشناسند و بر فرمان او گردن نهند. بنابراین مهم ترین ضرورت بر شناخت امام و پیروی از او در این نکته نهفته است که اعتقاد به اصل امامت، ریشه در اصل اعتقاد به نبوت دارد که یکی از اصول سه گانه دین است و باز تأکیدی بر این ضرورت است که انسان خود به تنهایی نمی تواند راه صواب را از ناصواب تشخیص دهد. او پیوسته به هدایت و ارشاد هادیان آگاه و دلسوز نیاز دارد تا او را از تقلیدهای کورکورانه نجات دهند و صراط مستقیم الهی را به وی بنمایانند.

## آثار و فواید تربیت زمینه ساز

تربیت زمینه ساز با محوریت امام دربر دارنده فوایدی است که هم از بُعد فردی و هم جمعی درخور تأمل است. در این جا به برخی از این موارد اشاره می شود:

### ۱. امنیت روانی با پیروی از امام

تربیت زمینه ساز با محوریت امام، قدم نهادن در مسیری است که اتکای آدمی را به حصنی

۱. ای مردم، من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم.

۲. هر کس از پیامبر فرمان ببرد، در حقیقت، خدا را فرمان برده است.

محکم و پشتوانه‌ای اصیل و ثمرات حاصل از آن میسر می‌گرداند. ایمان به خداوند، فرستاده او و پیشوایان دینی لازمه دست‌یابی به این سکون روانی است. کلمه «ایمان» در تعالیم عالیّه اسلام، خود از ماده «امن» به معنای سکون و آرامش روانی است. علامه بحر العلوم رحمته الله در رساله سیر و سلوک که کتابی درباره تربیت معنوی و عرفانی است، ایمان را مرحله بعد از اسلام (پذیرش دین اسلام) برشمرده است. این عالم جلیل‌القدر، ایمان را به دو مرحله ایمان اکبر و ایمان اصغر تقسیم می‌کند، که ایمان اکبر مرحله‌ای بعد از ایمان اصغر است. ایمان اکبر گذر کردن از مرتبه تسلیم و انقیاد و اطاعت، به مرتبه شوق و رضا و رغبت و تعدی اسلام از عقل به روح است. آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ»، دلیل بر این موضوع است؛ چرا که مؤمنان را به ایمان دیگر امر فرموده است (بحر العلوم، ۱۳۶۱: ۶۹). همچنین آیه شریفه، مؤمنان را تنها به ایمان مجدد به خداوند متعال دعوت نفرموده، بلکه ایمان به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز در کنار آن قرار داده است. امام محمد باقر علیه السلام نیز در تفسیر آیه ۶۸ سوره آل عمران<sup>۲</sup> می‌فرماید:

منظور از آنانی که ایمان آورده‌اند ائمه علیهم السلام و پیروان آن‌ها هستند. (کلبی، بی تا: ۲۸۳)

این آیه شریفه آرامش روانی را در گرو پیروی از ابراهیم علیه السلام، نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و مؤمنان راستین (یعنی ائمه اطهار علیهم السلام) می‌داند. بنابراین هر نوع امیدواری و لذات معنوی که لازمه آرامش روحی است، در پرتو این نوع ایمان مذهبی قابل احراز است و آن چه در قرآن زندگی سخت و پرفشار خوانده شده، ناشی از عدم ایمان به خداوند و فراموشی اوست:

«وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»؛ (طه: ۱۲۴)

و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت.

کلمه «ذکری» در این آیه، تنها یاد خداوند نیست، بلکه پیروی از پیامبر را نیز دربر می‌گیرد؛ چنان‌که می‌فرماید:

«إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ»؛ (غاشیه: ۲۱)

تو تنها تذکردهنده‌ای.

روی گرداندن از نبی صلی الله علیه و آله و سلم نیز زندگانی سخت را در پی خواهد داشت.

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا و پیامبر او بگروید. (نساء: ۱۳۶)

۲. در حقیقت، نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم، همان کسانی هستند که او را پیروی کرده‌اند، و [نیز] این پیامبر و کسانی که [به آیین او] ایمان آورده‌اند؛ و خدا سرور مؤمنان است.

آن چه بیان شد، آرامش روحی در بُعد فردی بود. مسلّم است که این نوع آرامش در جنبه اجتماعی نیز در پرتو ایمان دینی و تربیت ناشی از آن حاصل شدنی است. خداوند در سوره فتح تأکید فرموده است که سکون و آرامش، توسط او به قلوب مؤمنان نازل می شود:

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ﴾؛ (فتح: ۴)  
اوست آن کس که در دل های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه شریفه می نویسد:

ظاهراً مراد از «سکینت» آرامش و سکون نفس و ثبات و اطمینان آن به عقایدی است که به آن ایمان آورده. و لذا علت نزول سکینت را این دانسته که ایمانی جدید به ایمان سابق خود بیفزایند. (طباطبایی، بی تا: ج ۳۶، ۹۶)

از دیاد ایمان در این آیه از لحاظ تاریخی به خروج پیامبر ﷺ از مدینه به سوی مکه در سال هفتم هجری و صلح حدیبیه مربوط می شود. در حقیقت آیه شریفه در مدح مؤمنانی است که از آن حضرت در این امر اطاعت کرده اند و اطاعت آنان به این سکون و آرامش منتهی شده است (همو: ۸۷). نکته قابل ذکر در پایان این بحث، اشاره به نوعی کج فهمی ها درباره تبعیت از امام است. پیروی از امام هرگز به معنای پذیرش بی چون و چرا و تقلید کورکورانه نیست. بهترین کلام در این باره کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام است که می فرماید:

مپندارید که گفتن حق بر من گران می آید. من نخواهم که مرا بزرگ انگارید. هر کس که شنیدن حق بر او گران آید یا نتواند اندرز کسی را در باب عدالت بشنود، عمل کردن به حق و عدالت بر او دشوارتر است. پس با من از گفتن حق یا رأی دادن به عدل باز نایستید؛ زیرا من در نظر خود بزرگ تر از آن نیستم که مرتکب خطا نشوم و در اعمال خود ایمن باشم، مگر آن که خدا مرا با آن چه با نفس من ارتباط دارد کفایت کند؛ زیرا او تواناتر از من به من است. من و شما بندگان هستیم در قبضه قدرت پروردگار که پرورش دهنده ای جز او نیست. (شریف رضی، بی تا: ج ۲۰۷)

## ۲. سلامت اجتماع

اجتماع آدمیان حاصل حضورشان در زیر لوای اعتقادی معین، فرهنگی مشخص و دادوستدهای بینشی، عقلانی و عاطفی است. تربیت اسلامی اجتماع و وفاق بین مسلمانان را با اعتقاد مذهبی، اطاعت از فرامین الهی و رهنمودهای پیشوایان دینی تضمین می کند. حضرت

علی علیه السلام در خطبه ۹۷ می فرماید:

مردم، به اهل بیت پیامبران بنگرید؛ از آن سو که گام برمی دارند بروید؛ قدم جای قدمشان بگذارید. آن‌ها شما را هرگز از راه هدایت بیرون نمی برند و به پستی و هلاکت نمی کشانند. اگر سکوت کردند سکوت کنید؛ اگر قیام کردند قیام کنید. از آنان پیشی نگیرید که گمراه می شوید و از آنان عقب نمانید که نابود می گردید.

آن حضرت در فرازی دیگر در خطبه ۱۵۴ نیز فرموده است:

مردم، ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله چون پیراهن تن او و یاران راستین او هستیم. ما خزانه داران علوم و معارف وحی و درهای ورود به آن هستیم. هیچ کس جز از در به خانه وارد نخواهد شد و هر کس از غیر آن در وارد شود، دزد نامیده می شود.

همچنین در خطبه ۱۵۲ می فرماید:

کسی به بهشت نمی رود مگر آن که امامان خود را بشناسد و آنان نیز او را بشناسند و کسی به جهنم وارد نمی شود مگر کسی که منکر آنان باشد و آنان او را نیز انکار کنند.

از راهکارهای عملی در تربیت زمینه ساز برای شناخت و ارادت به ائمه اطهار علیهم السلام رویه ای است که پیشینیان ما در تربیت فرزندان خود به کار گرفته اند. همان گونه که بیان شد، ایرانیان در تربیت نسل های متوالی هرگز از تربیت دینی و معنوی غفلت نکرده اند و روشن است که این توجه همیشه با عشق و ارادت به خاندان نبوت و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله همراه بوده است. کتاب ها و تعالیم دینی در تربیت رسمی همیشه از سخنان پیشوایان دینی و سیره آنان بهترین رهنمودها را ارائه داده است و این روش در تعلیم و تربیت ایران سابقه هزارساله دارد. جامعه شناسان فرهنگی معتقدند زوال رویکردهای فرهنگی و اعتقادی که سال های طولانی در بین جامعه ای پایدار بماند، تقریباً امری محال و ناشدنی است. مسلم است که ما نیز باید همانند نیاکان خود این روش پسندیده را ادامه دهیم.

### ۳. نجات و پیروزی

تربیت در ادیان توحیدی از جمله دین مبین اسلام، بر اصولی حاکم است که بدون توجه به آن ها نمی توان از ایمان و وفاداری به تعالیم آسمانی سخن گفت. از جمله مهم ترین اصول در این باره، ایمان به خداوند و توکل محض به اوست. توکل دربردارنده صفات پسندیده ای چون امید، خوش بینی، انتظار، نجات، پیروزی، پایداری، بهروزی، معناتلبی و کمال خواهی است. این موارد تشکیل دهنده اجزای اصلی شخصیت و هویت دینی مؤمنان و معتقدان به

شمار آمده‌اند. گفتنی است در بینش‌ها و تعالیم غیر آسمانی نیز بر این اجزا و ویژگی‌های شخصیتی - چه در بعد فردی و چه اجتماعی - تأکید شده است. این موضوع در نظام‌های فلسفی و دیدگاه‌های روان‌شناختی به روشنی مشاهده می‌شود. مدینه فاضله افلاطون، تکامل جوامع در اندیشه‌های بیکن، هگل و آگوست کنت و بسیاری اندیشمندان دیگر حاکی از این خصلت‌های بشری است. در دیدگاه‌های روان‌شناختی نیز به روشنی می‌توان مواردی از این قبیل صفات برای آدمیان جست‌وجو کرد. امروزه با پیشرفت علم روان‌شناسی، نظریه‌های روان‌شناختی درباره انسان خودشکوفایا کمال یافته از جالب‌ترین و پرتطرف‌دارترین نظریه‌هاست. روان‌شناسانی مانند یونگ، آدلر، مزلو و بسیاری دیگر برای انسان‌های خودشکوفایا ویژگی‌هایی چون جهت‌گیری واقع‌گرایانه، پذیرش خود و دیگران، قدرت اراده قوی، مبارزه با مشکلات، قدرت خلاقیت قوی، پرمعنایی و اندیشیدن در ماورای شرایط محیطی برشمرده‌اند (راس، ۱۹۹۶: ۱۳۴).

آن‌چه در این جا از بینش‌های فلسفی و روان‌شناختی که صورتی تقریباً غیردینی دارند بیان شد، اشاره به این نکته بود که بشر فطرتاً - چه در زندگی فردی و چه زندگی جمعی - کمال‌خواه است و در اندیشه‌های غیردینی هم این خواسته‌ها مورد توجه بوده و هست. مسلم است که ادیان توحیدی همه این صفات را کامل‌تر، معنوی‌تر و زیباتر، آن هم نه در عصر حاضر، بلکه در طول قرن‌ها به بشر عرضه کرده‌اند. همه این خصلت‌های نیکو در بین ما شیعیان در جامعه کمال یافته دینی و عصر نورانی امام عصر<sup>علیه السلام</sup> قابل دستیابی است. البته در زمان غیبت نیز منتظران راستین آن حضرت از برکات انتظار بی بهره نمی‌مانند؛ چنان‌که امام صادق<sup>علیه السلام</sup> می‌فرماید:

زمانی بندگان به خدای - جل ذکره - نزدیک‌ترند و خدا از ایشان بیشتر راضی است که حجت خدا از آنان، در میان آنان غایب باشد و آشکار نگردد و جای او را هم ندانند و از طرفی هم بدانند که حجت و میثاق الهی باطل نشده است. پس در آن حال صبح و شب در انتظار فرج باشید. (کلینی، بی تا: ۱۲۷)

## نتیجه

تربیت واژه‌ای کهن در زبان و ادبیات فارسی است که به‌رغم گذشت زمان مهم‌ترین عنصر معنایی آن - یعنی فراهم نمودن بستر لازم برای رسیدن به کمالات نفسانی - تقریباً ثابت مانده است.

تربیت در کاربردهای خاص حیطة معنایی آن را محدودتر می‌کند و در حقیقت به آن وضوح می‌بخشد؛ مانند تربیت دینی، تربیت اخلاقی، تربیت رسمی، تربیت زمینه‌ساز و... . سکولاریسم را در صورت افراطی، ضدیت با دین معنا کرده‌اند که معنای درستی نیست، بلکه غیردینی معنای متداول تری است.

تربیت دینی و تربیت سکولار دو نوع تربیت خاص هستند که در اولی آموزش تعالیم دینی مورد تأکید است و در دومی از آموزش تعالیم دینی به‌ویژه در برنامه درسی به‌طور عمدی غفلت می‌شود.

آموزش و پرورش رسمی در مغرب‌زمین تربیت دینی را وظیفه مراکز دینی و اجتماعات مذهبی می‌داند که این تلقی از تربیت با آنچه در کشور ما جریان دارد متفاوت است. تربیت دینی در مشرق‌زمین، کشورهای اسلامی و کشور ما همیشه مورد توجه بوده است و هنوز هم در بسیاری از این جوامع بر آموزش تعالیم دینی - چه در تربیت رسمی و چه غیررسمی - تأکید می‌شود.

از زمان ورود اسلام به کشور ما تربیت دینی در صورت‌های گوناگون تربیت اسلامی در آموزش‌های رسمی و غیررسمی ظاهر شده است و ایرانیان در تربیت اسلامی فرزندان‌شان در طول این چهارده قرن همت فراوان داشته‌اند.

تربیت اسلامی را می‌توان از محورهای گوناگون مورد مطالعه و بررسی قرار داد. مانند تربیت اسلامی با محوریت اعتقاد به امام و نقش او در هدایت انسان‌ها. تربیت زمینه‌ساز با محوریت امام به این نوع از تربیت اسلامی اشاره دارد.

زمینه‌سازی یکی از متداول‌ترین برداشت‌ها در مفهوم تربیت است که در مقاصد گوناگون انجام می‌شود. تربیت زمینه‌ساز با محوریت امام و منجی جز از طریق برنامه‌ریزی و تعیین اهداف آن هم از طرف کارگزاران تربیتی و پیشوایان دینی جامعه میسر نیست. مبنا و ضرورت تربیت زمینه‌ساز با محوریت امام، همان اعتقاد به نبوت پیامبر گرامی اسلام ﷺ و جانشینان بلافصل اوست که این اعتقاد محور اصلی در این نوع تربیت به شمار می‌آید. تربیت زمینه‌ساز با محوریت امام دربردارنده فواید بی‌شمار برای مؤمنان راستین و معتقدان بدان است.

یکی از فواید تربیت زمینه‌ساز با محوریت امام، امنیت روانی است. این امنیت در سایه ایمان به خداوند، رسول او و جانشینان وی به دست می‌آید. تربیت زمینه‌ساز با محوریت امام، تضمین‌کننده سلامت جامعه است؛ زیرا وفاق بین مردم، جامعه را میسر می‌گرداند و از تفرقه جلوگیری می‌کند و در حقیقت این نیز نوعی امنیت روانی را بعد اجتماعی به ارمغان می‌آورد.



تربیت زمینه‌ساز با محوریت امام، امید و نشاط همراه با تلاش برای رسیدن به انسان کامل و جامعه کمال یافته را در بین مؤمنان و معتقدان راستین فراهم می‌کند. ویژگی‌هایی چون امید، تلاش، پیروزی، نجات، آرمان‌طلبی و کمال‌خواهی از مهم‌ترین نشانه‌های سلامت فردی و اجتماعی یک جامعه مسلمان است.

## منابع

- باقری، خسرو، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۴ ش.
- بحرالعلوم، سید محمد مهدی، *رسالة فی السیر والسلوک*، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۶۱ ش.
- پیترز، ریچارد؛ هرست، پل، *منطق تربیت*، ترجمه: فرهاد کریمی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹ ش.
- تاجبخش، احمد، *تاریخ تمدن و فرهنگ ایران (از اسلام تا صفویه)*، شیراز، انتشارات نوید، ۱۳۸۲ ش.
- جعفری، علامه محمد تقی، *سکولاریسم یا حذف دین از زندگی دنیوی*، گردآوردی: محمد رضا جوادی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، *اهداف تربیت از دیدگاه اسلام*، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۶ ش.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، *فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۲ ش.
- راس، آلن، *روان شناسی شخصیت*، ترجمه: سیاوش جمال فر، تهران، نشر روان، ۱۳۷۸ ش.
- سراج زاده، حسین، *چالش های دین و مدرنیته*، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۳ ش.
- سعدی، مصلح الدین، *کلیات سعدی*، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۸۲ ش.
- شریف رضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، ترجمه: محمد دشتی، قم، انتشارات بکا، بی تا.
- شکوهی، غلام حسین، *مبانی و اصول آموزش و پرورش*، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹ ش.
- صدیق، عیسی، *تاریخ فرهنگ ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴ ش.
- طباطبایی، علامه سید محمد حسین، *تفسیر المیزان*، تهران، انتشارات محمدی، بی تا.
- عطاس، محمد نقیب، *اسلام و دنیوی گروی (سکولاریسم)*، ترجمه: احمد آرام، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ ش.
- غزالی، محمد، *احیاء علوم الدین*، بیروت، انتشارات دارالقلم، بی تا.
- غزالی، محمد، *مکاتیب فارسی غزالی*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، انتشارات علمی اسلامیه، بی تا.
- نقیب زاده، عبدالحسین، *نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش*، تهران، انتشارات طهوری، ۱۳۷۵ ش.
- Bowker. J, *The Oxford Dictionary of World Religions*, U.K. Oxford

University Press, 1997.

- crasman. J, Secular Spritual Development in Education from International and Global Perspective, Journal of Oxford Review of Education, Vol. 29. No.4, pp. 503-520, 2003.
- Hirst. P.H, Liberal Education and The Nature of Knowledge, 1965, at Peters. R.S.(ed), Philosophy of Education, Oxford University Press, 1987.
- Hirst. P.h, Peters. R.S, The Logic of Education, Londen, Routeledge & Kegan Paul, 1970.
- Grant,C, A Note on Secular Education in Nineteenth Century, at British Journal of Educational Studies, vol. 16. No. 3, pp 308-317, 1968.
- Peters. R.S.(ed), Philosophy of Education, Oxford University Press 1987.
- Reese. W. Dictionary Of Philosophy and Religion, New Jersey, Humanities Press, 1996.
- Madan. T.N, Secularism in its Place, The Journal of Asian Studies, vol.16. no. 4. pp 747-759, 1987.
- Yinger. M, Pluralism, Religion, and Secularism, Journal for the Scientific Study, vol.6. no.1. pp 17-28, 1967.



تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۱۲

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال هفتم، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۹۲

## الگوی مفهومی - عملیاتی راه انداز راهبردهای تربیت مهدوی در نظام آموزشی کشور

حسین بقایی\*  
حمید میهماندوست\*\*  
فاضل قهرمانی فرد\*\*\*  
کامیار قهرمانی فرد\*\*\*\*

### چکیده

پرداختن به تربیت الهی نوآموزان و فراگیران جامعه اسلامی اعم از کودکان، نوجوانان و جوانان و تلاش برای تحقق حیات طیبه و قرب الهی، همواره از دغدغه‌های نظام تعلیم و تربیت کشورمان بوده است. در این راستا از گذشته تا کنون گام‌هایی هرچند نمادین و نه‌چندان بنیادین در ابعاد گوناگون تربیت اسلامی، دینی و قرآنی برداشته شده است. روشن است که محور مشترک و تأکید قاطع ابعاد گوناگون تربیت الهی مبتنی آموزه‌های دینی و فقه شیعی، همانا کوشش برای تربیت انسان‌هایی موحد، پویا، امیدوار به آینده و منتظر مصلح جهانی است که ضمن دوری از اندیشه‌های پوچ‌گرایانه، در تکاپوی دستیابی به حیات طیبه و ساختن جامعه زمینه‌ساز و منتظر گام برمی‌دارند. در سال‌های اخیر با همت برنامه‌ریزان تربیتی و مسئولان فرهنگی کشورمان، به‌ویژه با تولید «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، اقدامات برنامه‌ای کلان و ریل‌گذاری اساسی در حوزه تربیت مهدوی فراگیران صورت

---

\* دانشجوی دکتری و عضو هیأت علمی

\*\* کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی

\*\*\* کارشناس ارشد شیمی

\*\*\*\* کارشناس ارشد مدیریت آموزشی (نویسنده مسئول) (k.gh60@yahoo.com)

گرفته است. اما لازم است برای تحقق اهداف برنامه‌ها و راه‌اندازی الگوی تربیت مهدوی، گام‌های اجرایی و عملیاتی مهمی برداشته شود که در این راستا، الگوی معرفی شده در پژوهش حاضر، با هدف شناسایی، تبیین و نهادینه ساختن راهبردهای عملیاتی تربیت مهدوی در حوزه‌های سه‌گانه معارف، نرم‌افزار و سخت‌افزار نظام تعلیم و تربیت کشورمان ارائه شده است.

### واژگان کلیدی

مهدویت و انتظار، تربیت مهدوی، الگوی عملیاتی، سند تحول بنیادین.

### مقدمه

اعتقاد به مهدویت و ظهور منجی موعود و مصلح زمان به عنوان غایت و نهایت زندگی بشر، در مکتب تشیع اهمیت ویژه‌ای دارد و به لحاظ ریشه داشتن در مبانی اعتقادی و عملی شیعیان، دارای نقشی مهم در همه ابعاد زندگی آن‌هاست و به جرأت بیشترین تجربه‌های معنوی، عرفانی و اخلاقی در تاریخ شیعه، مرهون فرهنگ مهدوی و فرهنگ حسینی است (صمدی، ۱۳۸۵). البته موضوع مهدویت و انتظار در طول تاریخ از غبار زمان، تحریف بدخواهان و توطئه دشمنان مصون نمانده و گاه با افکار و ایده‌های انحرافی و خرافی به بیراهه کشیده شده و هر کدام آفات و مضراتی را وارد این بحث کرده‌اند، به طوری که عده‌ای برای رسیدن به اهداف نفسانی و پلید خود، در پی تحریف و تخریب آن برآمده‌اند و قدرت‌های استکباری نیز برای تسلط بر منابع مسلمانان به این امر دامن زده‌اند (خادمی شیرازی، ۱۳۶۵). در این راستا بر منتظران واقعی و علمای جامعه اسلامی است که نسبت به تبیین چهره حقیقی حضرت حجت علیه السلام و تبیین آموزه مهدویت و جهه همت بگمارند که البته نقش و رسالت نهادهای فرهنگی به‌ویژه نهاد تعلیم و تربیت در حکومت اسلامی نسبت به زدودن غبار تحریف و توطئه و نیز آگاهی بخشی و ترویج فرهنگ انتظار و مهدویت در میان فراگیران و جوانان جامعه اسلامی، کلیدی است. بنابراین در این نوشتار، به روش توصیفی - تحلیلی ضمن تبیین ضرورت و آسیب‌شناسی وضعیت موجود نظام آموزشی در پرداختن به تربیت مهدوی، الگوی پیشنهادی عملیاتی توأم با مکانیسم‌های اجرایی و راهبردهای عملی در جهت راه‌اندازی و توسعه تربیت مهدوی برای نظام آموزشی کشورمان متناسب با افق و دورنمای برنامه‌های فرادستی، به‌ویژه «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش کشور» معرفی کرده‌ایم.

### اهمیت و ضرورت نگرش ایجابی به حوزه تربیت مهدوی

تعلیم و تربیت اسلامی تحت تأثیر ارزش‌ها و آرمان‌های برآمده از آموزه‌های دینی و

جهان‌بینی اسلامی، غایاتی مانند رشد و هدایت، طهارت و حیات طیبه، ایمان و تقوا، قرب الهی، رضوان احدیت، عبادت و عبودیت را پی‌گیری می‌کند؛ به طوری که کارویژه تربیت دینی در جامعه اسلامی همانا شکل‌دهی به باورها و ایمان و اعتقادات فراگیران، متناسب با ارزش‌ها و تعالیم دینی است. در این راستا، یکی از آرمان‌هایی که با اهداف مزبور هماهنگ است، ایمان به فلسفه غیبت و انتظار فرج در اصلاح امور زمان که از بُعد جامعه‌شناختی، برای تأمین سلامت روانی افراد، کنترل ناهنجاری‌های اجتماعی و اصلاح جامعه کارساز بوده، به طوری که احساس «عدالت اجتماعی» به عنوان نتیجه باور به مهدویت، انگیزه مناسبی برای جلوگیری از ارتکاب جرم و ناهنجاری است. همچنین از منظر روان‌شناختی، انتظار، امیدواری و وعده پیروزی حتمی، موجب سلامت و قوت روحی و روانی در شخص منتظر گردیده و نهایتاً هنجارها و مدل‌های رفتاری غالب، زمینه هم‌نوایی، همبستگی و نظم اجتماعی در جامعه را موجب می‌گردد (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۹) که این خود برگرفته از رویکرد «تربیت مهدوی» است و باید از جهت‌گیری‌های غالب و کلان تربیت دینی در جامعه باشد. همچنین باور به مهدویت و انتظار فرج، آموزه‌ای دینی است. بنابراین مهم‌ترین اهمیت‌های کارکردی تربیت مهدوی در حوزه تربیت دینی برای نوجوانان و جوانان به عنوان سرمایه‌های اجتماعی جامعه - که بهترین دوران زندگی و سرمایه عمر خود را در اختیار نهاد آموزش و پرورش قرار می‌دهند - متناسب با سطوح سنی و ویژگی‌های رشدی آن‌ها، ایجاد نشاط و امیدبخشی، فاصله گرفتن از روزمرگی، نجات از ناامیدی و امیدوار به آینده بودن، الگوی عمل داشتن، مراقبت دائمی، انتظار عالی، پاسداری از آیین الهی و... است.

افزون بر کاربرد تربیت دینی در تعمیق و ترویج باورها و اعتقادات منجی‌گرایانه و تأکید بر نقش آموزه انتظار و مهدویت در زندگی فردی و اجتماعی، یکی از مؤلفه‌های مهم در زمینه‌سازی ظهور حضرت حجت علیه السلام و شکل‌دهی جامعه زمینه‌ساز، توجه به نقش انسان و مقوله نیروسازی و تربیت منتظران واقعی در راستای تحقق انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام است؛ زیرا اراده و محتوای باطنی انسان، علت‌العلل همه تغییر و تحولات اجتماعی است. بنابراین تربیت مهدوی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، نقشی محوری و مهم در زمینه‌سازی برای ظهور ایفا می‌کند و لازم است که دولت زمینه‌ساز نسبت به سیاست‌گذاری در تعلیم و تربیت و تدوین نظام آموزش و پرورش بر اساس آموزه مهدویت و انتظار، اهتمام ورزد (موسوی، ۱۳۸۸: ۸۹). بنابراین ضروری است در راستای تدبیر اقدامات تربیتی و راهبردهای مهندسی فرهنگی برای زمینه‌سازی ظهور، متولیان فرهنگ و اندیشه اجتماع، فعالیت‌های

فرهنگی را هماهنگ با آرمان ظهور و در راستای تسهیل و تعجیل ظهور امام علیه السلام تنظیم نموده و قوانین و برنامه‌هایی را در این جهت‌گیری تدوین کنند و راهکارهای عملی کردن آن را نیز اندیشیده و پیشنهاد دهند (حائری پور، ۱۳۸۹: ۱۸۷).

رویکرد تربیت مهدوی مبتنی بر فلسفه انتظار، دلالت‌های متعددی برای برنامه‌های آموزشی، تربیتی و درسی، به‌ویژه برنامه درسی تربیت دینی دارد. به طوری که برنامه‌ها باید بتواند ضمن انتقال دانش، تقویت نگرش و توسعه رفتارهای عملی و آمادگی‌های فردی و اجتماعی افراد، زمینه تحقق اهداف تربیت مهدوی و آرمان‌های فلسفه انتظار را افزایش دهد (مرزوقی، ۱۳۸۷؛ پهلوان، ۱۳۸۲). بنابراین می‌توان گفت مهدویت و انتظار، با توجه به ابعاد شخصیت آدمی و حوزه‌های سه‌گانه اثرگذاری اقدامات تربیتی و یادگیری، دلالت‌های تربیتی گوناگونی دارد که عبارتند از:

الف) دلالت‌های تربیت مهدوی در حوزه بینش‌ها که شامل کمک در شناخت معیارهای حق و باطل، خردورزی، نجات از دام شک‌گرایی و تزلزل در حوزه اندیشه و تعمیق بینش و بصیرت مهدوی است.

ب) دلالت‌های تربیت مهدوی در حوزه گرایش‌ها که شامل تخلُّق به فضایل انسانی، امید به آینده روشن، صبر و استقامت، وابستگی نداشتن و تسلیم نشدن به اوضاع موجود، شجاعت و شهامت در تغییر اوضاع و شرایط، جوشش عواطف معنوی سازنده، هویت‌بخشی و رهایی از پوچی و بی‌هدفی است.

ج) دلالت‌های تربیت مهدوی در حوزه رفتارها که شامل پویایی و سازندگی، تعهد و مسئولیت، مدیریت تحول، مجاهدت در برپایی حق، عدالت‌گرایی، وحدت و هم‌گرایی است (موسوی، ۱۳۸۸: ۹۶).

### آسیب شناسی ظرفیت‌ها و چالش‌های رویکرد تربیت مهدوی در نظام آموزشی

#### الف) فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه نظام آموزشی در حوزه تربیت مهدوی

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، ضمن مطالعات گسترده درباره اهداف و غایات نظام آموزش و پرورش، نسبت به مد نظر قرار گرفتن و توجه به چهار هدف زمینه‌ساز برای وصول به هدف غایی تعلیم و تربیت - که همان رسیدن به کمال و قرب الهی است - تأکید شده که این چهار هدف زمینه‌ساز عبارتند از:

یکم. تعلیم و تربیت فرد در ارتباط با مبدأ آفرینش؛



دوم. تعلیم و تربیت فرد در ارتباط با خویشتن؛  
 سوم. تعلیم و تربیت فرد در ارتباط با جامعه خود؛  
 چهارم. تعلیم و تربیت فرد در ارتباط با عالم طبیعت (همو، ۱۳۸۴: ۱۳).  
 همچنین در فصل اول «قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش» مصوب ۱۳۶۶، با عنوان «اهداف اساسی وزارت آموزش و پرورش» چنین آمده است:

ماده ۱. تقویت و تحکیم مبانی اعتقادی و معنوی دانش‌آموزان از طریق تبیین و تعلیم اصول و معارف احکام دین مبین اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری براساس عقل، قرآن و سنت معصومین علیهم‌السلام؛ ماده ۲. رشد فضایل اخلاقی و تزکیه دانش‌آموزان بر پایه تعالیم عالیة اسلام، تبیین ارزش‌های اسلامی و پرورش دانش‌آموزان براساس آن‌ها، تقویت و تحکیم روحیه اتکا به خدا و اعتماد به نفس، ایجاد روحیه تعبد دینی و التزام عملی به احکام اسلامی، ارتقای بینش سیاسی براساس اصل ولایت فقیه در زمینه‌های مختلف جهت مشارکت آگاهانه در سرنوشت سیاسی کشور، ... رشد دادن و تقویت روحیه عدالت‌پذیری و عدالت‌گستری و ظلم‌ستیزی و مبارزه با تبعیضات ناروا و حمایت از مظلومین و مستضعفین، ... (همو، ۱۳۸۰)

در این راستا اهداف تربیتی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، به‌ویژه تربیت مهدوی که برگرفته از آموزه‌های قرآنی، اسلامی و اعتقادات اصیل و منجی‌گرایانه شیعه بوده و همه ابعاد وجودی متربی (بُعد معنوی، جسمانی، عقلانی، اخلاقی، عاطفی، اجتماعی) را در بر می‌گیرد، عبارتند از:

الف) اهداف تربیت مهدوی در وظایف انسان نسبت به خداوند: خداشناسی، پرهیزگاری، عبادت و بندگی؛

ب) اهداف تربیت مهدوی در وظایف انسان نسبت به خود: اندیشه‌ورزی و کسب علم و معرفت، کسب ایمان و فضایل اخلاقی، تعدیل و هدایت غرایز، توجه همزمان به بعد جسمانی و روحانی و...؛

ج) اهداف تربیت مهدوی در وظایف انسان نسبت به دیگران: ارتباطات اجتماعی، ارتباطات اقتصادی، ارتباطات سیاسی، ارتباطات فرهنگی و...؛

د) اهداف تربیت مهدوی در وظایف انسان نسبت به طبیعت: شناخت طبیعت و استفاده شایسته از آن.

لذا آشکار است که اهداف مطرح تربیت مهدوی مورد اشاره، با اهداف زمینه‌ساز تحقق هدف غایی مصوب و تعریف شده برای نظام آموزش و پرورش همخوانی دارد

(صالحی، ۱۳۸۶).

همچنین در راستای آسیب‌شناسی رویکرد کنونی نظام تربیتی کشور به موضوع تربیت مهدوی فراگیران و بررسی ظرفیت‌های بالقوه و چالش‌های اساسی در این باره می‌توان استدلال کرد که اگرچه خوشبختانه در سال‌های اخیر و به دنبال بازنگری و تدوین فلسفه تربیتی برای نظام تعلیم و تربیت کشور، با توجه به لزوم انطباق همه شئون زندگی آدمی با نظام معیار و ضرورت انتخاب و التزام آگاهانه و آزادانه آن توسط افراد جامعه، گام‌های مطلوبی برداشته شده، تربیت دینی و اخلاقی نسبت به سایر ساحت‌های تربیت، محوریت داشته و از اولویت برخوردار است. در این راستا نیز آموزه مهدویت در قالب جهان‌بینی توحیدی و الهی، یکی از آموزه‌های فقه شیعی است که می‌تواند ضمن تأثیرپذیری از مکتب تربیتی اسلام، شکل دهنده نوعی فلسفه تربیتی انتظار مبنی بر فلسفه تربیتی اسلامی باشد (موسوی، ۱۳۸۸: ۹۷). خوشبختانه در راستای شکل‌گیری نوعی رویکرد تربیت مهدوی، در *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش* چنین آمده است:

یکی از ویژگی‌های اصلی حیات طیبه، تکیه بر ارزش‌های غایی زندگی - قرب الی الله - و نظام معیار متناسب با آن، یعنی مبانی و ارزش‌های مقبول دین اسلام است؛ زیرا با توجه به لزوم پذیرش ربوبیت خداوند متعال، به عنوان یگانه رب حقیقی جهان و انسان، این نظام معیار، جهت اساسی نحوه تحقق حیات طیبه را در همه مراتب و ابعاد آن مشخص می‌نماید. بنابراین انتخاب و التزام آگاهانه و آزادانه نظام معیار ربوبی و انطباق همه ابعاد زندگی با این نظام، وجه تمایز اساسی حیات طیبه از زندگی غیردینی (= سکولار) رایج محسوب می‌شود که نقطه اوج و حقیقت آن در جامعه جهانی مهدوی محقق می‌گردد. (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: فصل اول، بخش کلیات و ترسیم حیات طیبه)

در جای دیگر نیز می‌خوانیم:

۱. آموزه‌های قرآن کریم، نقش معنوی، اسوه‌ای، هدایتی و تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و ائمه معصومین علیهم السلام به ویژه امام زمان علیه السلام و ولایت‌مداری در تمام ساحت‌ها برای تحقق جامعه عدل جهانی (جامعه مهدوی) (گزاره ۱)؛
۲. آموزه‌های بنیادین مهدویت و انتظار که رمز هویت اسلام ناب و عامل حیات و بقای آن در عصر غیبت است، به عنوان مهم‌ترین رسالت منتظران در عصر غیبت می‌باشد (گزاره ۲)؛
۳. وطن دوستی و افتخار به ارزش‌های اصیل و ماندگار اسلامی - ایرانی و اهتمام به برپایی جامعه مهدوی (گزاره ۲۰). (همان: فصل دوم، بخش بیانیه ارزش‌ها،

چنان‌که اشاره شد، در متن سند تحول بنیادین، برای نخستین بار در تاریخچه نظام آموزش و پرورش ایران صراحتاً به برخی اصول، مبانی و اهداف در زمینه تربیت مهدوی فراگیران و انتقال آموزه‌های مهدویت، ترویج فرهنگ انتظار ظهور، معیار حیات طیبه و ایجاد جامعه زمینه‌ساز ظهور پرداخته شده و ظرفیت‌ها و جهت‌گیری‌های ویژه‌ای تعبیه گردیده است.

برای عملی کردن و نهادینه‌سازی اهداف تربیت مهدوی در نظام آموزشی کشور، وزارت آموزش و پرورش برای نخستین بار، چشم‌انداز، بیانیه مأموریت و اهداف کلان خود را با رویکرد به تربیت مهدوی و آموزه‌های انتظار تدوین کرده است. در سند تحول چنین آمده است:

وزارت آموزش و پرورش مهم‌ترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی و عمومی، متولی فرایند تعلیم و تربیت در همه ساحت‌های تعلیم و تربیت، قوام‌بخش فرهنگ عمومی و تعالی بخش جامعه اسلامی بر اساس نظام معیار اسلامی، با مشارکت خانواده، نهادها و سازمان‌های دولتی است. این نهاد مأموریت دارد با تأکید بر شایستگی‌های پایه، زمینه دستیابی دانش‌آموزان در سنین لازم‌التعلیم طی ۱۲ پایه تحصیلی (چهار دوره سه‌ساله) به مراتبی از حیات طیبه در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و جهانی را به صورت نظام‌مند، همگانی، عادلانه و الزامی در ساختاری کارآمد و اثربخش فراهم سازد. انجام این مهم نقش زیرساختی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی خواهد داشت. (همان: فصل سوم، بیانیه مأموریت)

در ادامه نیز می‌خوانیم:

نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی در افق ۱۴۰۴، با اتکا به قدرت لایزال الهی مبتنی بر نظام معیار اسلامی، فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی و قوام‌بخش آن‌ها و زمینه‌ساز جامعه جهانی عدل مهدوی علیه‌السلام و برخوردار از توانمندی‌های تربیتی ممتاز در تراز جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه، الهام‌بخش و دارای تعامل سازنده و مؤثر با نظام‌های تعلیم و تربیتی در سطح جهان، ... کارآمد، اثربخش، یادگیرنده، عدالت‌محور و مشارکت‌جو، برخوردار از مربیان و مدیران مؤمن آراسته به فضایل اخلاق اسلامی، عامل به عمل صالح، تعالی‌جو و تحول‌آفرین، انقلابی، آینده‌نگر، عاقل، متعهد، امین، بصیر، حق‌شناس. (همان: فصل چهارم، چشم‌انداز)

نهاد آموزش و پرورش، ضمن تصریح چشم‌انداز و مأموریت خود در تدوین اهداف کلان، خود نیز از رویکرد مهدویت چشم‌پوشی نکرده است؛ به طوری که در فصلی دیگر از سند تحول

آمده است:

هدف ۱. تربیت انسانی موحد، مؤمن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، حقیقت‌جو و عاقل، عدالت‌خواه و صلح‌جو، ظلم‌ستیز، جهادگر، شجاع و ایثارگر و وطن‌دوست، مهرورز، جمع‌گرا و جهانی‌اندیش، ولایت‌مدار و منتظر و تلاش‌گر در جهت تحقق حکومت عدل جهانی، ... آمادۀ ورود به زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی بر اساس نظام معیار اسلامی ...؛ هدف ۲. ارتقای نقش نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و خانواده در رشد و تعالی کشور، بسط و اعتلای فرهنگ عمومی و زمینه‌سازی برای اقتدار و مرجعیت علمی و تکوین تمدن اسلامی - ایرانی در راستای تحقق جامعۀ جهانی عدل مهدوی علیه السلام با تأکید بر تعمیق معرفت و بصیرت دینی و سیاسی و ... (همان: فصل پنجم، هدف‌های کلان)

راهکارهای مبتنی بر اهداف عملیاتی مرتبط با آموزه‌های مهدویت و انتظار به منظور هدایت تحولات در نظام آموزشی کشور چنین تشریح شده‌اند:

هدف عملیاتی ۱. پرورش تربیت‌یافتگانی که دین اسلام را حق دانسته و آن را به عنوان نظام معیار می‌شناسند و به آن باور دارند و آگاهانه، آزادانه، شجاعانه و فداکارانه برای تکوین و تعالی اخلاقی خود و دستیابی به مرتبه‌ای از حیات طیبه و استقرار حکومت عدل جهانی مهدوی از آن تبعیت می‌نمایند و به رعایت احکام و مناسک دین و موازین اخلاقی مقید هستند ...؛ راهکار ۴-۱ (ذیل هدف عملیاتی ۱). ایجاد سازوکارهای ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ ولایت‌مداری تولی و تبری، امر به معروف و نهی از منکر، روحیۀ جهادی و انتظار «زمینه‌سازی برای استقرار دولت عدل مهدوی علیه السلام» با تأکید بر بهره‌گیری از ظرفیت حوزه‌های علمیه و نقش الگویی معلمان و اصلاح روش‌ها؛

هدف عملیاتی ۲. تعمیق تربیت و آداب اسلامی، تقویت اعتقاد و التزام به ارزش‌های انقلاب اسلامی؛ راهکار ۲-۲ (ذیل هدف عملیاتی ۲). تعمیق تقوای الهی و مهارت خویشتن‌داری، انتخاب‌گری درست و تعالی بخش مستمر دانش‌آموزان با استفاده از فرصت ایام‌الله، برگزاری مراسم آگاهی‌بخش و نشاط‌انگیز در اعیاد و وفیات، حضور فعال و مشارکت دانش‌آموزان در محافل، مجالس و اماکن مذهبی و تقویت انس با دعا و توسل؛ راهکار ۸-۲ (ذیل هدف عملیاتی ۲). استفاده از ظرفیت برنامه‌های درسی، منابع آموزشی، شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات، کتاب‌خانه، فرصت اردوها و فعالیت‌های برون‌مدرسه به‌ویژه مساجد و کانون‌های مذهبی برای تقویت معرفت و

باور به معارف الهی به‌ویژه اعتقاد به توحید و معاد و ولایت و انتظار با رویکرد قرآنی، روایی و عقلانی در دانش‌آموزان؛

هدف عملیاتی ۸. افزایش مشارکت نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و مدرسه و معلمان و دانش‌آموزان در رشد و تعالی کشور در عرصه‌های دینی، فرهنگی، اجتماعی در سطح محلی و ملی به عنوان نهاد مولد سرمایه انسانی، فرهنگی، اجتماعی و معنوی؛ راهکار ۵-۸ (ذیل هدف عملیاتی ۸). تبیین دستاوردهای علمی و فنی تمدن اسلامی - ایرانی در برنامه‌های درسی و آموزشی و تقویت باور و روحیه مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان برای تحقق تمدن نوین اسلامی در راستای دستیابی به جامعه عدل مهدوی ﷺ. (همان: فصل هفتم، هدف‌های عملیاتی و راهکارها)

بنابراین اگرچه پیش از این، نظام آموزش و پرورش کشور در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌هایش اعتقاد به ظهور منجی و فلسفه ظهور را از بدیهیات جامعه شیعی ایران به شمار می‌آورده، اما برای نخستین بار، چشم‌انداز تحول، رسالت تربیتی و اهداف کلان راهبردی خود را با نگاه به آموزه‌های مهدوی و در قالب سند مکتوب طراحی و تدوین کرده که حاکی از غنای اصول و مبانی اعتقادی - مهدوی و رویکرد مثبت و کلان آن نسبت به توسعه تربیت مهدوی و ترویج فرهنگ انتظار در جامعه است. گفتنی است جهت‌گیری‌های سند برنامه درسی ملی که مبتنی بر اصول، مبانی و اهداف تعریف شده در فلسفه تربیتی و سند تحول بنیادین در حوزه برنامه‌ریزی درسی و ناظر به تعیین روش‌ها، محتوا و... است، دست‌کم در بُعد نرم‌افزاری و تمهید برنامه‌های کلان، زمینه‌ساز رویکرد عینی و عملی به توسعه نظام تربیت مهدوی در کشور به شمار می‌رود.

#### ب) چالش‌ها و موانع رویکرد تربیت مهدوی در نظام آموزشی

هنگامی که از سطح نرم‌افزاری و به دیگر سخن، تبیین فلسفه انتظار و دکترین مهدویت - که بیشتر در حوزه صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان صورت می‌گیرد - به سطح سخت‌افزاری و تحقق عینی و عملی اهداف و مؤلفه‌های تربیت مهدوی در رفتارهای افراد و گروه‌ها در جامعه رجوع می‌کنیم، به دلایل گوناگون و با وجود موانع متعدد، نتایج چندان رضایت‌بخش نیست و با نوعی تأخر و ایستایی در تربیت نیروهای مهدی‌باور و منتظران واقعی روبه‌رو هستیم. البته تنها پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر احکام و اعتقادات اسلامی و باورهای مهدوی، شاهد تلاش‌هایی به منظور گسترش اندیشه‌های مرتبط با انتظار و مهدویت از یک سو و ظهور و بروز برخی جنبه‌های اجتماعی این

مفهوم در میان جامعه شیعی بوده‌ایم؛ اما تا تحقق وضعیتی ایده‌آل که در آن، مفهوم انتظار را بتوان در تمام کنش‌ها و عرصه‌های اجتماعی و جهت‌گیری‌های توسعه‌ای جامعه مشاهده کرد، فاصله بسیاری وجود دارد (هرسیچ و صادقی، ۱۳۹۰: ۱۱-۱۳). از این رو تحلیل وضعیت موجود نشان می‌دهد نظام آموزشی در ساحت تربیت دینی و اخلاقی به‌ویژه در بعد تربیت مهدوی و انتقال آموزه‌های مهدویت و ترویج فرهنگ انتظار، چندان موفق نبوده و تأثیرپذیری دانش‌آموزان در رفتارهای فردی و اجتماعی از معارف دینی و مباحث عرضه شده در مدارس بسیار ناچیز و حتی منفی بوده است. لذا آسیب‌شناسی اهداف و برنامه‌های تدوین شده به‌ویژه در حوزه برنامه‌ریزی درسی نشان می‌دهد که تنها در برخی متون درسی، بخش‌ها و فصل‌هایی به تبیین آموزه مهدویت اختصاص داده شده است (پهلوان، ۱۳۸۲). همچنین نتایج مطالعه‌ای در زمینه تحلیل اهداف آموزشی و پرورشی، حاکی از آن است که هیچ نوع هدفی دال بر توجه به مقوله انتظار وجود ندارد (جدول ۱).

جدول ۱. میزان توجه به رویکرد مهدویت در اهداف و اصول آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران (به نقل از مرزوقی، ۱۳۸۷)

ردیف	اهداف کلی تعلیم و تربیت		اصول کلی	
	نوع هدف	تعداد مورد موارد مرتبط	نوع اصول	تعداد اصول
۱	اعتقادی و اخلاقی	۵	کلی	۲۰
۲	پرورشی	۳	برنامه‌ریزی و محتوا	۲۰
۳	علمی و آموزشی	۶	معلم	۱۰
۴	فرهنگی و هنری	۵	دانش‌آموز	۹
۵	اجتماعی	۹	سازمانی	۱۲
۶	سیاسی	۶	-	-
۷	اقتصادی	۷	-	-
جمع	-	۴۱	-	۷۱

با توجه به جدول ۱، از مجموع ۷۱ اصل از اصول آموزش و پرورش، در ابعاد اصول کلی (۲۰ اصل)، برنامه‌ریزی و محتوا (۲۰ اصل)، اصول مربوط به معلم (۱۰ اصل)، دانش‌آموز (۹ اصل) و سازمان (۱۲ اصل)، هیچ اصلی که با اصول تربیت مهدوی مرتبط باشد وجود ندارد. در بررسی اهداف دوره‌های سه‌گانه تحصیلی، تنها یک مورد در زمره اهداف دوره متوسطه مرتبط با مقوله انتظار ذکر شده، اما در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی حتی به این تنها هدف نیز توجه نشده است (جدول ۲).

جدول ۲. میزان توجه به رویکرد مهدویت در اهداف دوره‌های سه‌گانه تحصیلی (به نقل از مرزوقی، ۱۳۸۷)

ردیف	نوع هدف	ابتدایی		راهنمایی		متوسطه	
		تعداد	مورد مرتبط	تعداد	مورد مرتبط	تعداد	مورد مرتبط
۱	اعتقادی	۱۷	-	۱۸	-	۱۶	-
۲	اخلاقی	۲۱	-	۲۳	-	۱۸	-
۳	علمی و آموزشی	۸	-	۱۳	-	۱۳	-
۴	فرهنگی و هنری	۸	-	۹	-	۹	-
۵	اجتماعی	۱۶	-	۱۴	-	۱۴	-
۶	زیستی	۸	-	۷	-	۶	-
۷	سیاسی	۱۰	-	۱۱	-	۱۳	۱
۸	اقتصادی	۷	-	۱۰	-	۱۳	-
	جمع	۹۵	۰	۱۰۵	۰	۱۰۲	-

همان‌گونه که یافته‌های پژوهشی و تحلیل اهداف و اصول آموزش و پرورش نشان می‌دهد، در آموزش و پرورش کشور توجه نظام‌مند و برنامه‌ریزی منظمی در حوزه هدف‌گذاری و تدوین محتوا درباره‌ی تعلیم و گسترش اندیشه‌ی مهدویت و ترویج فرهنگ انتظار، صورت‌پذیرفته است (مرزوقی، ۱۳۸۷).

برآیند سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و همه‌ی اقدام‌های خرد و کلان تربیتی در نظام آموزش و پرورش، تربیت فراگیرانی به عنوان خروجی نهاد تعلیم و تربیت و تحویل آن‌ها به جامعه است. بنابراین چنان‌چه رویکرد آموزش و پرورش به آموزه‌ی مهدویت و انتظار در هدف‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی و درسی، رویکردی مبتنی بر تربیت مهدوی و ایجاد جامعه‌ی زمینه‌ساز نباشد و نیز در جامعه‌ی اسلامی نسبت به سرمایه‌گذاری در این مقوله کوتاهی شود، نمودهای مهدی‌باوری و مهدی‌یاوری و آموزه‌های انتظار و مهدویت در زندگی فردی و اجتماعی آحاد جامعه کمتر نمایان خواهد شد.

یافته‌های تحقیق حسین زاده و همکاران (۱۳۸۸) در این باره نشان می‌دهد ایمان و باور قلبی جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر تهران از امام عصر علیه السلام در حد متوسط بوده و هنوز به ایمان و باور قلبی مطلوب و عمیق دست نیافته‌اند. بر اساس یافته‌های به دست آمده درباره‌ی مؤلفه‌ی شناخت حضرت مهدی علیه السلام سطح آگاهی جوانانی که در یک کشور اسلامی و شیعه‌مذهب زندگی می‌کنند، چندان مناسب و مطلوب نیست. یافته‌ها نشان می‌دهند میزان آگاهی و شناخت جوانان به فلسفه‌ی غیبت بسیار ناچیز است و جوانان تهرانی شناخت کمی به فلسفه‌ی غیبت امام زمان علیه السلام دارند. بنابراین با ترویج فرهنگ مهدویت و آیین انتظار ظهور امام عصر علیه السلام می‌توان بسیاری از رفتارهای ناسالم، ناامیدی‌ها، بزهکاری‌ها و بحران هویت را در جوانان از بین برد.

- به طور کلی در آسیب‌شناسی وضعیت موجود نظام آموزشی در توجه به رویکرد مهدویت، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
۱. ضعف و ابهام در جهت‌گیری‌های کلان ساختاری و برنامه‌ای در حوزه‌های اهداف، برنامه‌ها و سیاست‌های نظام آموزش و پرورش نسبت به مشخص کردن مقاصد و انتظارات تربیت دینی، به‌ویژه در مقوله تربیت مهدوی.
  ۲. آسیب‌های فلسفه، مبانی و اصول آموزش و پرورش، و به بیانی دیگر، اختلاف و تناقض نظری و عملی معرفت‌شناختی و ارزشی مکاتب گوناگون فلسفی به کاررفته در نظام آموزشی کشور، با اهداف و ارزش‌های مطلوب و مورد ادعای فلسفه اسلامی.
  ۳. نبود نگرش کل‌گرایانه و یک‌پارچه نسبت به تربیت و پیامد آن، جدایی و پاره‌پاره شدن ابعاد تعلیم و تربیت در نظام آموزشی معاصر به صورت تأکید بیش از اندازه بر اندیشه و ذهن کودک و توجه نکردن به ابعاد جسمانی، عاطفی، اخلاقی و شخصیتی او.
  ۴. گسترش و ترویج باورهای سطحی در مهدویت‌گرایی و برخورد سنتی مردم با مهدویت و انتظار و گرایش کمتر به مقوله‌های معرفتی و تعهدآور.
  ۵. به‌روز نبودن متون مهدوی و مشارکت نکردن اساتید، صاحب‌نظران، پژوهش‌گران و سایر نهادها در تولید محتوای مهدوی.
  ۶. تأکید صرف بر حفظ و به یادسپاری مطالب مرتبط با انتظار فرج در کتب درسی و توجه نکردن به تقویت معرفت عمیق و توسعه بینش در زمینه مهدویت.
  ۷. تأکید بر جدایی محض مبتنی موضوع‌مداری دروس و رشته‌های گوناگون.
  ۸. تأکید بر کارکردهای ماشینی و عرضه و تقاضا در روابط معلم و متعلم و دوری از رویکردهای تربیتی پدر و فرزندی.
  ۹. تضعیف فریضه امر به معروف و نهی از منکر و گسترش حال‌زیستی، لذت‌جویی، مصرف‌زدگی و شیفتگی به فرهنگ غرب در سطح جامعه شیعه ایران.
  ۱۰. کم‌توجهی نسبت به مصداق‌سازی و ایجاد نموده‌های عملی از رفتارهای منتظرانه و مهدوی در قالب اقدامات فرهنگی، تربیتی، رسانه‌ای و ...
- البته آسیب‌های اشاره شده، از مسائل بنیادی در رویکرد ضعیف و سطحی نظام تربیتی جامعه اسلامی نسبت به تعلیم و تربیت دینی است که در حوزه تربیت مهدوی و ترویج فرهنگ انتظار، چشم‌گیرتر است (پورسیدآقایی و همکاران، ۱۳۹۰).

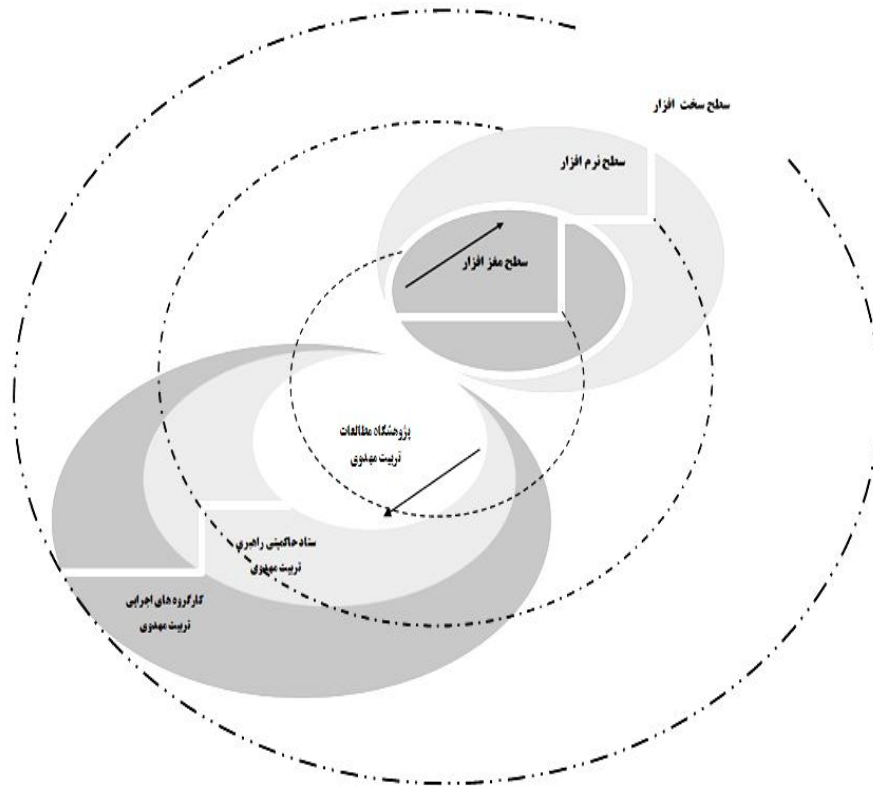


## معرفی الگوی مفهومی - عملیاتی راه‌انداز راهبردهای تربیت مهدوی

استقرار عدالت و گسترش آن برای آماده‌سازی زمینه‌های ظهور تنها با دگرگونی ارزش‌ها و معیارها و تغییر در تمایلات مردم کافی نیست، بلکه به برنامه‌ای راهبردی و ساختاری مناسب نیاز دارد. از این رو نیازمند برنامه‌ای منظم و راهبردی هستیم که در آن اهداف، مسیر حرکت، راهبردها، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها مشخص شده باشد و در مرحله اجرا به تخصیص منابع، نظارت و کنترل مستمر بر همه فعالیت‌ها نیاز دارد. ویژگی‌های این برنامه باید برای رفع اشکالاتش در طول زمان ارزیابی گردد؛ به طوری که گنجایش عدالت مهدوی را داشته باشد.

در ادامه، ضمن درک اهمیت آموزه مهدویت و انتظار در فقه شیعه و ضرورت تبیین آن برای پیروان راستین و یاوران مهدی علیه السلام و نیز با داشتن بصیرت و روشن بینی خاص نسبت به کارکردهای سازنده معنوی، روانی، اجتماعی و... آن در عصر پراضطراب امروز، با داشتن نگاهی راهبردی به اندیشه‌ها و افق‌های رهنمون و طرح‌ها و برنامه‌های تربیتی بالادستی به‌ویژه جهت‌گیری‌ها و رهنمودهای *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش* در این زمینه، یک الگوی مفهومی - عملیاتی سه‌بعدی دربرگیرنده اقدامات مغزافزار - نرم‌افزار - سخت‌افزار و در قالب چارچوبی جامع و به منظور راه‌اندازی و توسعه تربیت مهدوی در نظام تربیتی کشور که مبتنی بر جهت‌گیری‌های کلان و راهبردهای عملی توسعه تربیت مهدوی و ترویج فرهنگ انتظار و مهدویت در نهاد آموزش و پرورش است، معرفی کرده‌ایم. البته پیش از معرفی الگوی پیشنهادی و در نگاهی تأملی - نه هرمنوتیک تحلیلی - نسبت به معنای الگوی حاضر، گفتنی است مفهومی بودن الگو دلالت بر تناسب آن با طرح‌واره‌های ذهنی و تراوش خلاقانه ذهنی در ساختار دادن به مجموعه‌ای از معرفت‌های شهودی، تجربی و پیش‌فرض‌های ذهنی است و همانا چنین الگویی ساخته ذهن پژوهش‌گر و مدلی برای پیاده‌سازی روش‌ها و فرایندهاست. همچنین عملیاتی بودن این الگو، زمینه پیوند یافتن عینی کنش‌های مغزافزار - نرم‌افزار - سخت‌افزار در حوزه تربیت مهدوی و منشأ عمده اقدامات و عملکردهای تربیتی برای توسعه مهدویت در قالب نهاد تعلیم و تربیت را متبادر می‌سازد. به بیانی دیگر، به لحاظ روش‌شناختی سیر تدوین الگوی حاضر از ذهنی به عینی - مفهومی - بوده و از منظر پیاده‌سازی الگو، از مغزافزار به سخت‌افزار - عملیاتی - و همچنین از منظر پداگوژیک نیز از ایجاد آگاهی و شناخت به سوی تبلور رفتاری در فراگیر - عمل تربیتی - مد نظر است.

نمودار. الگوی مفهومی - عملیاتی راه‌انداز راهبردهای تربیت مهدوی در نظام آموزشی



الگوی فوق در دو ضلع مفهومی و عملیاتی عینیت یافته که ضمن همپوشانی، کارکردهای تئوری پردازی و اجرا را همزمان تبیین می‌کند. در این الگو، ضلع مفهومی از سطح مغزافزار که سکوی تئوری پردازی و اندیشه‌ورزی تربیت مهدوی است آغاز می‌شود و به سطح نرم‌افزار که قرارگاه برنامه‌ریزی و تولید برنامه‌های درسی و روش‌های تربیتی است می‌رسد، سپس به سطح سخت‌افزار که خط تولید مواد و محتوا و تکنولوژی در نظام تربیت مهدوی است منجر می‌شود. همچنین به موازات ضلع مفهومی و متناسب با هر کدام از سطوح آن، ضلع عملیاتی شکل می‌گیرد که در آن بالاترین و بنیادی‌ترین جایگاه متعلق به پژوهشگاه مطالعات تربیت مهدوی است که کارکرد تحقق سطح مغزافزار را به عهده دارد و سپس در جایگاه میانی، ستاد حاکمیتی راهبردی تربیت مهدوی وجود دارد که تحقق عملیات سطح نرم‌افزار را عهده‌دار بوده و نهایتاً به جایگاه جامع کارگروه‌های اجرایی تربیت مهدوی می‌رسد که در جهت تحقق کارکردهای سخت‌افزاری و عملیاتی کردن ابعاد تربیت مهدوی فعالیت می‌کند. همان‌طوری که از ضلع مفهومی نمودار فوق برمی‌آید، اساس تحول بنیادین در تربیت مهدوی در سطح

مغزافزار پیشنهاد می‌شود و در چنین سطحی است که تئوری‌ها و راهبردهای تربیت مهدوی مبتنی بر آرا و اندیشه‌های مهدویت و فقه شیعی تولید و عرضه می‌گردند و برآیند نهایی آن تولید مبانی فلسفی تربیت مهدوی و تدوین دکترین مهدویت برای نظام آموزشی کشور به وسیله پژوهشگاه مطالعات تربیت مهدوی است.

در گام بعدی از ضلع مفهومی به سطح نرم‌افزار می‌رسیم که در راستای عملیاتی ساختن دکترین تربیت مهدوی، کارکردهای راهبردهای تربیت مهدوی، تصمیم‌سازی، ارائه رهنمود و برنامه‌ریزی آموزشی و درسی برای توسعه تربیت مهدوی را به وسیله ستاد حاکمیتی راهبری تربیت مهدوی تحقق می‌بخشد. سرانجام در سطح سخت‌افزار به منظور اجرایی کردن راهبردها، تصمیمات و برنامه‌های آموزشی و درسی و...، تولید محتوا، تأمین فضا، تکنولوژی، مواد و رسانه‌های آموزشی، نیروی آموزشی، راهنمای تدریس، آموزش و... و انتقال آن به سطح مدارس و آموزشگاه‌ها به وسیله کارگروه‌های اجرایی تربیت مهدوی صورت می‌پذیرد.

جدول ۳. تحلیل اجزای الگوی مفهومی - عملیاتی راه‌انداز

سطح مفهومی	نیادهای عملیاتی	کارکردهای عملیاتی	نیادهای تلفیقی پربازنده	موتیف‌های پربازشی
مغزافزار	پژوهشگاه مطالعات تربیت مهدوی	تدوین مبانی فلسفی و دکترین تربیت مهدوی نظام آموزشی	پژوهشگاه علوم اسلامی حوزه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم پژوهشگاه مطالعات وزارت آموزش و پرورش مرکز مطالعات استراتژیک پژوهشگاه مهدویت سایر پژوهشگاه‌های علوم انسانی و اسلامی	اندامیه تربیت مهدوی گفت‌وگو تربیت مهدوی پژوهش تربیت مهدوی دکترین تربیت مهدوی فلسفه تربیت مهدوی تئوری تربیت مهدوی
نرم افزار	ستاد حاکمیتی راهبری تربیت مهدوی	راهبردهای تربیت مهدوی و برنامه‌ریزی فرهنگی، آموزشی و درسی	شورای عالی انقلاب فرهنگی شورای عالی آموزش و پرورش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وزارت علوم تحقیقات و فناوری سازمان تبلیغات اسلامی سازمان صدا و سیما	تصمیم‌سازی راهبردهای تربیت مهدوی سیاستگذاری برنامه‌ریزی تعیین چارچوب و سقف امتیاز تولید چک‌نامه اندازه‌گزاران
سخت افزار	کارگروه‌های اجرایی تربیت مهدوی	تولید محتوا، تکنولوژی، فضا، مواد آموزشی، رسانه، اجرای میدانی و...	حوزه‌های ستادی وزارت آموزش و پرورش متشکل از: شورای عالی آموزش و پرورش معاونت پرورشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی دفتر تبلیغات اسلامی تولید نرم افزارها و نشریات کمک آموزشی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها دانشگاه فرهنگیان و...	تولید و پردازش محتوای تربیتی تولید برنامه‌های مبتنی و تربیتی تولید کتب راهنمای آموزشی تهیه مواد و رسانه‌های آموزشی تولید فوق برنامه‌های فراغتی نشریه برنامه‌های نرم‌افزاری، صوتی و تصویری و مجازی اجرای آزمایشی و میدانی برنامه تولید و ارائه ملاک‌های ارزیابی

در جدول بالا، اجزای الگو در هر سه سطح مفهومی به روشنی مورد تحلیل واقع شده است. نهادهای مربوط به هر سطح پیش‌بینی شده‌اند و همچنین کارکردها و عملیات هر سطح نیز مشخص شده است. چنان‌که پیش‌تر نیز توضیح داده شد، هر اقدام علمی و فناورانه و به‌ویژه اقدامات فرهنگی و تربیتی پیش از هر چیزی نیازمند کار فکری، بسترسازی تئوریک و

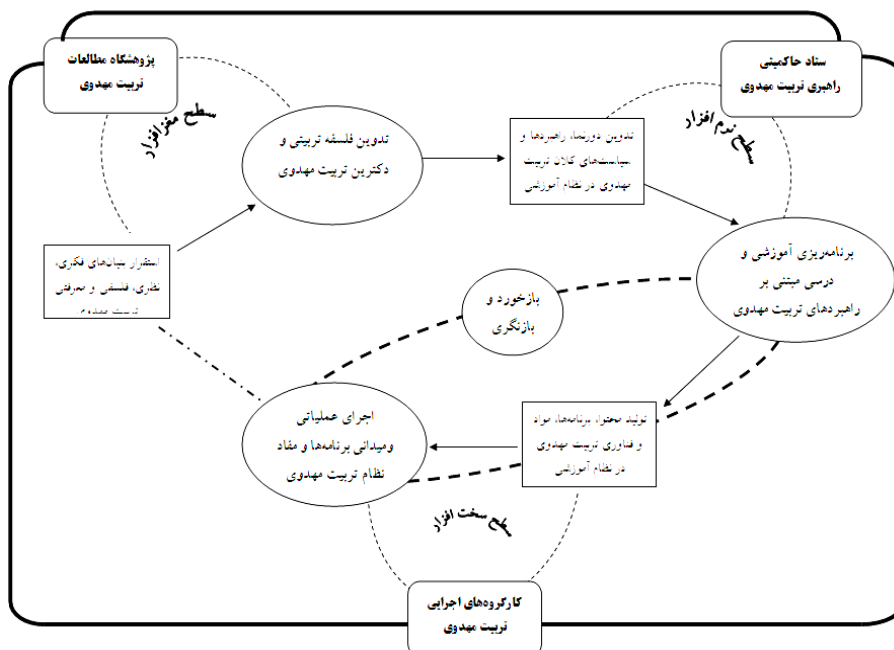
بنیان‌های نظری است. بنابراین راه‌اندازی بنیان‌های فکری و نظری در حوزه تربیت مهدوی همچون مهدویت‌اندیشی، مهدویت‌پژوهی و... مربوط به سطح مغزافزار در الگوی حاضراست. پس از راه‌اندازی مبانی فکری، فلسفی و معرفتی تربیت مهدوی، مرحله سیاست‌گذاری و راهبردسازی به عنوان میانجی تبدیل نظر به عمل در عرصه نهادهای حاکمیتی و برنامه‌ریزی به وسیله نهادهای تخصصی اجرایی است که چنین کارکردی نیز در سطح نرم‌افزار الگوی حاضرخ می‌دهد. همچنین کارکردهایی مانند ایجاد چشم‌انداز، نظارت و ارزیابی بر پیشبرد برنامه‌ها در عمل نیز در این سطح پیش‌بینی شده است. همچنان‌که در جدول نیز مشاهده می‌شود، نهاد پیش‌بینی شده برای این سطح، «ستاد حاکمیتی راهبری تربیت مهدوی» است که برخی از مهم‌ترین کارکردها و وظایف پیش‌بینی شده آن عبارتند از:

- تهیه و تصویب نقشه راه و دستورالعمل‌ها و رهنمودهای پیاده‌سازی طرح در عمل؛
- نظارت بر تهیه و تدوین محتوای مهدوی و اعلام رهنمود در این زمینه؛
- نظارت بر الگوسازی مبتنی بر آموزه‌های مهدوی در نظام آموزشی؛
- سیاست‌گذاری برای عملیاتی کردن تئوری‌های مهدویت در قالب اقدامات تربیتی؛
- استخراج اهداف و راهکارهای مرتبط با مهدویت در سند تحول و تهیه دستورالعمل‌های اجرایی آن‌ها؛
- نظارت و ارزیابی میزان پیشبرد و تحقق اهداف طرح و اعمال اصلاحات لازم؛
- تعامل با نهادها و سازمان‌های دینی و پژوهشی مرتبط با موضوع؛
- نظارت بر تشکیل و راه‌اندازی کارگروه‌های مهدویت در سطح استان‌ها؛
- رصد اقدامات فرهنگی و تربیتی مهدوی در سطح جامعه و فراخوان تولید اندیشه و طرح در این باره.

در سطح سخت‌افزاری، اعم سیاست‌ها، برنامه‌ها و راهبردهای فرهنگی و تربیتی برگرفته از مبانی نظری و معرفتی، در قالب فناوری، محتوا، منابع و مواد آموزشی و درسی برای اجرا در مدارس و آموزش به دانش‌آموزان تولید و عرضه می‌شود و به موازات آن آموزش‌های عمومی و تخصصی به مجریان برنامه‌ها برای تحقق بهینه اهداف و محتوا و الگوسازی اثربخش صورت می‌گیرد. گفتنی است در مراحل اجرا، وضوح تمایز مراحل و تقدّم و تأخر برخی اقدامات سطوح به اندازه وجه مفهومی الگوی حاضر نیست، بلکه در همه سطوح و مراحل الگوی راه‌انداز، نوعی همپوشانی، هم‌پیوندی و همزمانی حاکم است و افزون بر آن به لحاظ نهادسازی و ترسیم وظایف نهادها و سازمان‌های گوناگون نیز ممکن است تعدد و پراکندگی نهادها و

وظایف آن‌ها به چشم بخورد. اما باید توجه داشت که هدف تدوین و معرفی الگوی حاضر، طراحی الگویی مطلوب و ایده‌آل برای راه‌اندازی فعالیت‌ها و راهبردهای تربیت مهدوی در قالب نظام آموزشی و در بستر اجرای تحولات بنیادین در آموزش و پرورش کشور است. بنابراین در مرحله اجرا و عمل به اعتباربخشی متناسب با محدودیت‌ها و مقتضیات کنونی نیاز داریم. از این رو چرخه فرایندی الگوی عملیاتی راه‌انداز برای تبدیل نظر به عمل تربیت مهدوی در زیر ترسیم شده است.

نمودار ۲. فرایند اجرایی الگوی مفهومی - عملیاتی راه‌انداز راهبردهای تربیت مهدوی در نظام آموزشی



البته بر اساس فرایند نشان داده شده در نمودار بالا، به اجرای مقطعی و ایستای برنامه‌ها و راهبردهای تربیت مهدوی در سطح مدارس بسنده نشده است، بلکه روند اجرای برنامه‌ها به صورت تسلسلی همواره مورد ارزیابی، نظارت و بازنگری در راستای تحقق اثربخش اهداف برنامه قرار می‌گیرد. در حالت کلی شاید بتوان گفت فعال‌ترین و کاربردی‌ترین سطح از سطوح مفهومی الگو، سطح سخت‌افزار و نهادسازی مرتبط با آن بوده که در قالب کارگروه‌های اجرایی و ستادها و کمیته‌های منشعب از آن‌ها، روند اجرای برنامه‌ها و عملیاتی نمودن نظام تربیت مهدوی در سطوح عملیاتی نظام آموزشی به‌ویژه مدارس را دنبال می‌کند و همچنین از آن‌جایی هدف همه تدابیر و اقدامات خرد و کلان در تدوین و اشاعه نظام تربیت مهدوی،

انتقال آموزه‌های مهدویت و فرهنگ انتظار به فراگیران و نسل جدید جامعه و تلاش واحدهای آموزشی و مربیان برای شکل‌دهی رفتار، منش و شخصیت نوآموزان متناسب با هنجارهای دینی و قواعد تربیت مهدوی است که این خود در جامعه‌پذیری مهدوی باوران و مهدوی‌یاوران، فرایند اثربخشی تلقی می‌گردد. از این رو عمده تلاش‌های کارگروه‌های تربیت مهدوی در سطوح سخت‌افزاری تمرکز بر جنبه‌های عینی و عملی تربیت مهدوی و اشاعه سازوکارهای سخت‌افزاری در سطح مدارس است. در این راستا و در قالب الگوی راه‌انداز تربیت مهدوی، مجموعه فعالیت‌های سخت‌افزاری برای تحقق اهداف و برنامه‌های محوری و بنیادی در سطوح نرم‌افزاری و مغزافزاری، به سه مجموعه از اقدام تربیت مهدوی مطابق جدول زیر تقسیم می‌گردند.

جدول ۴. مجموعه اقدامات سخت‌افزاری الگوی تربیت مهدوی

اقدامات سخت‌افزاری	حوزه اجرا	کارکردها	فعالیت‌ها
اقدام تولید و اشاعه محتوا	کارگروه‌ها و سندهای تربیت مهدوی	غناي محتوایی و تجربی دسترس به منابع	تولید کتب آموزشی و کمک آموزشی مهدوی تولید کتب شعر، ادعیه، مناجات، داستان و... مهدوی تولید نشریات و بروشورهای دانش آموزی تولید نرم‌افزارها و بسته‌های کاربردی سمعی، بصری رایانه ای و اشاعه محتوای ادبیات انتظار در کتب ادبیات فارسی
اقدام اشاعه روش‌ها و نمادها	اماکن عمومی تربیتی، آموزشی و دینی	نمادسازی تبلیغ و ترویج سیره سازی رونق بخشی	برگزاری مراسم و مناسک ادعیه و انتظار ظهور در اماکن تربیتی برگزاری مسابقات و جشنواره‌های فرهنگی، هنری، علمی و نوآوری در حوزه تربیت مهدوی رونق بخشی اعیاد و جشن‌های شعبانیه در محلات، و محافل تربیتی برگزاری همایش‌ها، نشست‌ها و اردوهای سیاحتی و زیارتی باوران مهدوی (عج)
اقدام تربیت عملی و رفتاری	مدارس و کلاس‌های درس	آگاهی بخشی بصیرت افزایی علاقه مندی شخصیت‌پذیری	توسعه سایتها و فضاهای مهدوی ویژه نوآموزان تدریس محتوای مهدوی به زبان شیوای فراگیران ارائه مشاوره‌های دینی برای رفع ابهام و شبهات دانش آموزان و تحکیم ایمانی و اعتقادی تقویت امید انتظار و ایمان به برقراری عدالت و برچیدن ظلم و فساد تربیت فکری و رفتاری یاران و باوران پاک ارائه آموزش‌های مهدویت اندیشی و مهدویت پژوهشی به مربیان و معلمان و جامعه علمی مقابله روش‌مند و منطقی با تحریفات و خرافات

بنابر جدول بالا، سه اقدام عملیاتی در سطح سخت‌افزاری برای راه‌اندازی راهبردهای تربیت مهدوی در نظام آموزشی کشور عبارتند از:

۱. تولید و اشاعه محتوا: به مجموعه فعالیت‌های مرتبط با تولید مواد، محتوا، کتب، بسته‌ها، نرم‌افزارها، رسانه‌ها و نشریات آموزشی و کمک آموزشی مرتبط با موضوع مهدویت و آموزه انتظار گفته می‌شود که به منظور تأمین غنای محتوایی تربیت مهدوی و زمینه‌سازی ارتقای

معرفت و نگرش دانش‌آموزان نسبت به حضرت حجت علیه السلام و تعالیم مرتبط به کار می‌روند. اقدامات تولید و اشاعه محتوا، مبتنی بر جهت‌گیری‌های کلان برنامه درسی ملی است، به طوری که در تولید محتوا و برنامه‌ریزی درسی باید ضمن رعایت رهنمودها و جهت‌گیری‌های برنامه درسی ملی، به اصول تربیت مهدوی و رعایت تناسب سنی، رشد ذهنی، تفاوت‌های فردی، تنوع و جذابیت، عینی بودن و همچنین سطوح گوناگون حیطه‌های معرفتی، گرایشی و رفتاری توجه کرد. همچنین در حیطه محتوایی تربیت مهدوی، و در ایجاد معرفت در فراگیران نسبت به آموزه مهدویت، ضمن توجه به کژفهمی‌ها و سطحی‌نگری‌ها و دوری از آن‌ها، باید از دیدگاه‌های ایستا، خرافی، غیرواقعی، قشری، خشن و ماورایی فاصله گرفت (صمدی، ۱۳۸۵: ۱۸).

انواع محتوای مورد نیاز تربیت مهدوی فراگیران به لحاظ تناسب ذهنی و سنی مخاطبان را می‌توان به صورت زیر طبقه‌بندی کرد:

جدول ۵. مقوله‌بندی کتاب‌ها به عنوان محصول فرهنگی متناسب با مخاطبان  
(به نقل از: میرزاحمدی، ۱۳۹۰: ۱۲۴)

شکل	محتوا	قالب	مخاطب
کتاب	مفاهیم	داستانی	کودکان
	کارکردها	شعر	نوجوان
	مصادیق	فلسفی	جوان
	تطبیق	مذهبی	میان‌سال
	...	...	خاص (نخبه‌ها، غیرمسلمان‌ها...)

البته در حوزه اقدام به تولید محتوای تربیت مهدوی و به منظور عملیاتی کردن راهبردهای سخت‌افزارانه الگو در مرحله اجرا و در قالب محتوای آموزشی برای مدارس می‌توان به راهکارهای زیر توجه کرد:

- تهیه محتوا و کتب درسی مبتنی بر مبانی اعتقادی تشیع و انتظار ظهور موعود؛
- تهیه کتب، نشریات، نرم‌افزارها، انیمیشن، فیلم و بسته‌های آموزشی با محتوای انتظار و اشاعه فضاهای مجازی مهدویت؛
- تدوین اهداف آموزشی مبتنی بر فرهنگ انتظار در کتب دینی، اخلاقی و اجتماعی؛
- زمینه‌سازی پدید آوردن و توسعه ادبیات انتظار با تشویق تولید و اشاعه آثار (شعر، داستان، نثر، دعا و...) فرهنگ انتظار و مهدویت؛
- ارائه تعریفی درست، معقول و مهرورزانه و به دور از توصیفات خرافی، خشن و تخیلی از انقلاب مهدی علیه السلام در کتب درسی.

۲. **اشاعهٔ روش‌ها و نمادها:** اشاعهٔ نمادها به مجموعه اقدامات و فعالیت‌های مرتبط با مهدویت و انتظار گفته می‌شود که به عنوان سمبل‌های اعتقادی و الگوهای مهدوی در مسیر زمینه‌سازی ظهور حضرت حجت علیه السلام در جامعه کاربرد دارند و تبلیغ آن‌ها به عنوان نمادهای مهدی‌باوری و انتظار ظهور در ترویج فرهنگ انتظار و ایجاد جامعهٔ زمینه‌ساز نقشی اساسی دارند. برخی از شاخص‌های نمادین حوزهٔ مهدویت که در تبلیغ و ترویج فرهنگ انتظار و تقویت علاقه‌ها و گرایش‌های عمومی در سطح جامعه نقش دارند عبارتند از: برگزاری جشن‌ها و مراسم‌های اعیاد مذهبی و شعبانیه همچون اعیاد نیمهٔ شعبان و عید عدالت، آزادی و کرامت انسانی، عید انتظار در ایام شعبانیه؛ چراغانی اماکن تربیتی و برپایی جشن شادمانی با حضور اولیا در مدارس؛ برگزاری مراسم ادعیه همچون دعای ندبه و... در مدارس کشور؛ برگزاری همایش‌ها، مسابقات شعر، نقاشی، روزنامه دیواری، مقاله‌نویسی و...، جشنواره‌ها و نشست‌های فرهنگی و هنری و شب‌شعرها با حضور هنرمندان، مداحان، شاعران، دانش‌آموزان موفق در سطح مدارس و مجتمع‌های آموزشی؛ برگزاری مجالس ذکر اهل بیت علیهم السلام، سخنرانی و معرفت نسبت به حضور حضرت حجت علیه السلام در دوران غیبت؛ تکریم اماکن منسوب به حضرت همچون مسجد مقدس جمکران و برنامه‌ریزی اردوهای زیارتی به منظور حضور دانش‌آموزان در فضای عاشقانه و عارفانهٔ مسجد جمکران، چنان‌که امروزه مسجد مقدس جمکران در اثر توجه روزافزون مردم به سوی حضرت، به پایگاهی مهم برای تبلیغ و ترویج معارف مهدوی تبدیل شده و حجم انبوه زائران، به‌ویژه در ایام شعبان، گویای عطش و عشق وسیع مردم به امام زمان علیه السلام است. از این‌رو استفادهٔ معنوی - فرهنگی از این اماکن مقدس، نقشی اساسی در انگیزش احساسات مذهبی مردم و جذب و آشنایی آنان با مسائل مهدوی خواهد داشت و جهت‌گیری درست و استفادهٔ بهینه از این فرصت‌ها، برای تقویت ارتباط مردم با امام زمان علیه السلام بسیار اهمیت دارد که این مسئولیت، بیشتر متوجه متولیان امور فرهنگی و تربیتی و علمای دین است (صمدی، ۱۳۸۸؛ بیاری و چراغی، ۱۳۸۵).

۳. **تربیت عملی و رفتاری:** چنین اقدامی بیشتر به روش‌ها و روابط تسهیل‌کنندهٔ انتقال معرفت مهدوی و فرهنگ انتظار به مخاطبان، به‌ویژه نوجوانان و جوانان گفته می‌شود که بیشتر حوزهٔ روش‌شناسی تربیت مهدوی برای آگاهی‌بخشی و تبیین، تحلیل، تفسیر و ترویج آموزه‌های مهدویت را دربر می‌گیرد. از آن‌جایی که انتقال فرهنگ مهدویت به نسل نو و تربیت آنان به عنوان منتظران ظهور حضرت مهدی علیه السلام بدون بهره‌گیری از شیوه‌های خاص خود ممکن نخواهد بود، در بعد سبک تربیت مهدوی ایجاد معرفت نسبت به مهدویت در فراگیران



زمانی موفق خواهد شد که علاوه بر این که در حوزه محتواسعی در به‌کارگیری دیدگاهی واقع‌بینانه داشته باشیم و در حوزه روشمندی که عمدتاً معطوف به روش ارائه محتوای منابع درسی است نیز سنجیده و با درایت عمل کنیم و نکاتی از جمله استفاده از زبان روزآمد و متناسب با فهم مخاطبان، توجه به وسع علمی فراگیران، مرتبط ساختن اندیشه انتظار و ظهور حضرت حجت علیه السلام با علم روز و متن زندگی و مسائل و مشکلات امروز، تعمق و روشن‌گری و به‌کارگیری روش‌های شبهه‌زدایی و شفاف‌سازی، معرفی کمالات و قابلیت‌های یاران حضرت و... را مد نظر داشته باشند.

البته مطلوب‌ترین روش در تربیت مهدوی عبارت است از برقراری ارتباط دوسویه میان معلم و متعلم در فرایند آموختن آموزه‌های مهدویت و انتظار. از آن جا که معلم عنصری مؤثر در پیدارسازی بنیادهای تعلیم و تربیت دانش‌آموزان است و همچنین در تربیت دوران خردسالی، به تدریج قلب و ذهن کودکان به شکل دلخواه مریبان و معلمان درآمده و از آن پس، هیچ‌کس را یارای رهایی از آموخته‌های پیشین نیست. لذا چنان چه معلمان در فرایند تعلیم، این ارزش‌ها و آرمان‌ها را به دانش‌آموزان القا و انتقال دهند، تربیت‌یافتگان نظام‌های آموزش و پرورش، به عنوان بازتابی از همه دریافت‌های رسمی و غیررسمی کارگزاران نظام آموزشی، همچون منتظران کارآمد و مسئول تربیت خواهند شد (موسوی، ۱۳۸۸؛ حائری پور، ۱۳۸۹) و از سوی دیگر به‌کارگیری رویکرد تمعق همراه با تعقل و شکیبایی در برخورد با آموخته‌ها و مسائل، به طوری که افراد باید یاد بگیرند تا با تفکر برای تحصیل و تقویت بصیرت در جامعه، آن چه را می‌شنوند یا می‌بینند به خوبی درک کنند و با روشن‌بینی، فهم درست و ژرف‌نگری و دوری از سطحی‌نگری، خود را هم به عنوان منتظر واقعی و هم آگاه و بیدار در برابر اقدامات انحرافی، تشویش‌اذهان و گمراهی افراد از جانب دشمنان، حفظ کنند.

## نتیجه

یکی از نهادهای آموزشی، تربیتی، اجتماعی و فرهنگی مهم در هر جامعه، نهاد آموزش و پرورش است که علاوه بر انتقال فرهنگ و تجارب بشری به نسل جدید، ایجاد تغییرات مطلوب در شناخت‌ها، نگرش‌ها و شکل‌دهی رفتار کودکان، نوجوانان و جوانان جامعه را بر عهده دارد. از این رو با توجه به اهمیت تربیت دینی و اسلامی مبتنی بر فقه شیعی از طریق کسب معرفت و ایجاد محبت به اهل بیت علیهم السلام به‌ویژه مقوله مهدویت و انتظار، نقش سازنده و اثرگذار نهاد آموزش و پرورش برای توسعه فرهنگ انتظار و مهدویت در جامعه به‌ویژه میان اقشار کم‌سن و سال جامعه، بیشتر احساس می‌شود.

آسیب‌شناسی وضعیت موجود در رویکرد نظام آموزشی کشور نسبت به مقوله مهدویت، ابعاد ظرفیت‌ها و جهت‌گیری‌های بنیادی و برنامه‌ای در قالب اسناد بالادستی و کلان، به‌ویژه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و همچنین موانع و چالش‌های محوری موجود به‌خصوص در اهداف و عناصر نظام آموزشی را آشکار ساخت. همچنین الگوی مفهومی - عملیاتی ارائه شده در این پژوهش در سه سطح گوناگون مغزافزار، نرم‌افزار و سخت‌افزار، ضمن نهادسازی و تبیین کارکرد، راهبردهای راه‌انداز تربیت مهدوی در نظام آموزشی کشور را متناسب با هر سطح مفهومی، معرفی کرد و سرانجام در اساسی‌ترین و عملیاتی‌ترین سطح مفهومی (سطح سخت‌افزار) که اجرای راهبردها و راهکارها در عمل به شکل دهی ارزش‌های رفتاری و نیز شخصیت‌پذیری فراگیران بر اساس آموزه‌های مهدوی می‌انجامد، سه اقدام اصلی سطح مزبور با عنوان: تولید و اشاعه محتوا، اشاعه روش‌ها و نمادها و تربیت عملی و رفتاری در سطح کلاس درس و مدرسه تشریح شد.

پیشنهاد‌های کاربردی برای جامعه عمل پوشاندن به ابعاد تربیت مهدوی در قالب تعلیم و تربیت اسلامی و تسهیل زمینه‌های ترویج فرهنگ انتظار و مهدویت و ایجاد جامعه زمینه‌ساز، عبارتند از:

- شناساندن سیمای واقعی امام عصر علیه السلام و سیمای مطلوب از فلسفه مهدویت و تبیین فلسفه ظهور و ویژگی‌های فرهنگ انتظار به دانش‌آموزان برای افزایش دانش، بینش و رفتار مهدوی در گستره فعالیت‌ها در کتاب‌های درسی؛
- طراحی محتوای متناسب با سطح درک و فهم دانش‌آموزان در کتاب‌های درسی پایه‌ها و سطوح مختلف تحصیلی؛
- سازماندهی و برنامه‌ریزی فعالیت‌های فوق برنامه در زمینه گسترش تفکر و فرهنگ مهدویت در مدارس؛
- ایجاد عشق و علاقه و محبت نسبت به ولایت و امامت حضرت حجت علیه السلام در قالب محتوای آموزشی و الگوهای نمادین؛
- بالا بردن و تقویت تقوا و بصیرت دینی مخاطبان با رویکرد تعلیم و تربیت دینی و اسلامی؛
- تبیین مباحث ولایت فقیه و حق ولایت در عصر غیبت برای دانش‌آموزان و رفع شبهه از آن؛
- اصلاح اندیشه‌های تردیدآمیز و نگرش‌ها و بینش‌های انحرافی نسبت به امام زمان علیه السلام و

عصر ظهور؛

- زیر نظر داشتن و شناسایی نقشه‌های احتمالی دشمنان اسلام و مسلمین در زمینه فرهنگ انتظار و مقابله مناسب با آنها به وسیله آشکارسازی نقش و اهداف سیاست‌های استکباری در ترویج مهدویت‌های کاذب در جامعه و مقابله با مدعیان دروغین؛
- بازنگری و اصلاح رویکرد تربیت دینی نظام آموزشی بر اساس فلسفه مهدویت؛
- گسترش نظارت عمومی و ترویج فریضه امر به معروف و نهی از منکر در سطح مدارس؛
- گسترش فرهنگ مهدویت و انتظار در جامعه فرهنگیان، دانش‌آموزان و اولیا به منظور تربیت نسل منتظر، مهدی‌باور و مهدی‌یاور؛
- برنامه‌ریزی دوره‌ها، کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی و جلسات پرسش و پاسخ برای دانش‌آموزان و فرهنگیان؛
- برنامه‌ریزی مسابقات گوناگون فرهنگی و هنری مرتبط با فرهنگ مهدویت و نیز برنامه‌ریزی اردوهای آموزشی و زیارتی و اعزام به مسجد مقدس جمکران؛
- فراخوان راه‌اندازی و فعال‌سازی وبلاگ‌ها و سایت‌های مرتبط با مهدویت و انتظار در فضاهای مجازی (اینترنت)؛
- استفاده از ظرفیت‌های مهدوی *سند تحول بنیادین* و تهیه راهکارها و رهنمودهای اجرایی تربیت مهدوی.

## منابع

- بیاری، علی اکبر؛ چراغی، اسماعیل، «نقش خانواده در انتقال محبت حضرت مهدی علیه السلام به فرزندان»، فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، سال اول، ش ۱، ۱۳۸۵ ش.
- پورسیدآقایی، سید محسن و همکاران، «راهبردهای فرهنگی مهدویت برای جامعه و دولت زمینه ساز، بر اساس مدل SWOT»، مجموعه مقالات ششمین همایش بین المللی دکتربین مهدویت (ج ۲)، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۰ ش.
- پهلوان، منصور، «بایسته های پژوهشی در مسئله مهدویت»، مجله سفینه، ش ۱۲، ۱۳۸۲ ش.
- حائری پور، محمد مهدی، «شاخص های فرهنگی جامعه زمینه ساز ظهور»، مجموعه مقالات ششمین همایش بین المللی دکتربین مهدویت (ج ۲)، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۹ ش.
- حسین زاده، اکرم و همکاران، «بررسی باور به مهدویت در میان جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله تهرانی»، فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، سال سوم، ش ۱۲، ۱۳۸۸ ش.
- خادمی شیرازی، یاد مهدی علیه السلام تهران، مؤسسه نشر و تبلیغ، ۱۳۶۵ ش.
- صافی، احمد، آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۴ ش.
- صافی، احمد، سازمان و قوانین آموزش و پرورش ایران، تهران، انتشارات سمت، چاپ نهم، ۱۳۸۰ ش.
- صالحی، غلام رضا، «مهدویت و اصول نظام تربیتی اسلام»، فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، سال اول، ش ۴، ۱۳۸۶ ش.
- صمدی، معصومه، «مهدویت، رسالت نظام تعلیم و تربیت در شکل دهی جامعه مهدوی»، مجله مصباح، ش ۶۶، ۱۳۸۵ ش.
- صمدی، قنبرعلی، «آموزه انتظار و زمینه سازی ظهور»، مجموعه آثار پنجمین همایش بین المللی دکتربین مهدویت (ج ۲)، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۸ ش.
- مرزوقی، رحمت الله، «سیمای مهدویت در برنامه های آموزشی مدارس: رویکردی به فلسفه تربیتی انتظار». دوفصل نامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی، سال سوم، ش ۷، ۱۳۸۷ ش.
- میرزاحمدی، علی، «راهبردهای تولید، انتقال و بازخورد فرهنگ مهدویت». مجموعه مقالات ششمین همایش بین المللی دکتربین مهدویت، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۰ ش.

- موسوی، سیدمهدی، «مدرسه مهدوی؛ درآمدی بر فلسفه و نظام آموزش و پرورش زمینه‌ساز»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، سال سوم، ش ۱۰، ۱۳۸۸ ش.
- وزارت آموزش و پرورش، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (سند مشهد مقدس)، آذرماه ۱۳۹۰ ش.
- هرسیج، حسین؛ صادقی، زهرا، «راه‌های زمینه‌سازی جامعه برای انتظار مهدی (عج)»، نشریه علمی - تخصصی مهندسی فرهنگی، سال ششم، ش ۵۹ و ۶۰، ۱۳۹۰ ش.